سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در دولت احمدی‌نژاد

مولفان:

پروفسور سیّدحمید مولانا دکتر منوچهر محمدی



نشر دادگستر

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در دولت احمدی‌نژاد

پروفسور سیدحمید مولانا
دکتر منوچهر محمدی

نشر دادگستر
۱۳۸۷

سرشناسه	: مولانا، حمید، ۱۳۱۵-
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد/ حمید مولانا، منوچهری محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲٤۰ ص.
شابک	: ۲٤۰۰۰ ریال: 978-964-2626-23-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۳۰ـ۲۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: ایران-- روابط خارجی، ۱۳۸٤-
موضوع	: ایران-- روابط خارجی، ۱۳۵۷-
موضوع	: ایران-- سیاست و حکومت -- ۱۳۵۷-
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت-- ۱۳۸٤-
شناسه افزوده	: محمدی، منوچهر، ۱۳۲۵-
رده‌بندی کنگره	: DSR۱٦۵۰/م۸٤س۹۱۳۸۷
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۲۰۳٤۸

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد

مؤلف: دکتر منوچهر محمدی ـ پروفسور سیدحمید مولانا

ناشر: مؤسسه انتشارات دادگستر

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۷

شمار: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۴۰۰ تومان

شابک: ۶ـ۲۳ـ۲۶۲۶ـ۹۶۴ـ۹۷۸

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان فلسطین جنوبی، کوی شهید ذاکری، پلاک ۱٦، تلفن ۸۸۹۰٤٤٦۵

بسم الله الرحمن الرحیم

«نرفع درجات من نشاء و فوق کل ذی علم علیم»
قرآن کریم

فهرست مطالب

فصل اول ـ کلیات

فصل دوم ـ سیاست خارجی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

فصل سوم ـ سیاست‌های کلی ناظر بر روابط خارجی

فصل چهارم ـ اصول حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم

فصل پنجم ـ راهبردهای سیاست خارجی دولت نهم

فصل ششم ـ روشهای مقابله و برخورد

پیشگفتار

وقوع انقلاب اسلامی ایران باعث دو تحول و دگرگونی بنیادین در روابط بین‌الملل گردید. یکی قرار گرفتن محوریت دین(اسلام) و فرهنگ در رویدادهای جهانی که به مدت چندین قرن منحصر به عوامل سیاسی و اقتصادی شده بود و دیگری تأسیس و استقرار یک نظام جمهوری اسلامی بر پایه الگوی ولایت فقیه و در نتیجه آغاز یک دوران جدید در سیاست خارجی و ایجاد شیوه‌ای نوین در مبارزه با استعمار و استکبار جهانی بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار منشور اسلامی روابط بین‌الملل و اصول اولیه سیاست خارجی به وضوح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین گردید. از زمان قاجاریه و انقلاب مشروطه تا سقوط رژیم پهلوی، سیاست خارجی و اصول و مسیر روابط ایران با کشورهای مختلف دنیا و قدرتهای موجود جایگاهی در قانون اساسی ایران نداشت.

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه خاصی به منشور امت و سیاست خارجی کرده است. زیرا حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گرائی فردی و گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهائی یعنی بسوی الله بگشاید. بنابر این قانون اساسی ایران با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بوده زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند و به ویژه در گسترش روابط بین‌الملل، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند که همه مسلمانان یک امت واحد هستند و دولت جمهوری اسلامی موظف

است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد با کوشش‌های پیگر، وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

مفهوم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ریشه و چارچوب غربی یعنی اروپایی و امریکائی داشته است و مفاهیم منافع ملی و دکترین امنیت در طول تاریخ معاصر با گسترش سیاست‌های استعماری و اهداف سلطه‌گرانه همراه بوده است.

در لغت نامه سیاسی، دیپلماسی و سیاست بین‌الملل قدرت‌های بزرگ در یک قرن اخیر در حقیقت چیزی که به نام سیاست خارجی وجود داشته و تحت این عنوان در کتابهای درسی و در مکتب‌های سیاسی بین‌الملل مرسوم شده است در واقع سیاست جهانی و یا سیاست سلطه‌گرائی و توسعه طلبی این دولت‌ها بوده است.

از طرف دیگر همین مفاهیم در چارچوب محدود خود منحصر به کشورها و نظام‌هائی شده است که تحت شرایط موجود سیستم ملی‌گرایی و کشورهای عصر جدید که به نظام «دولت – ملت» معروف شده است، کوشش دارند، استقلال داخلی خود را به نحوی که نخبگان سیاسی داخلی بتوانند به مردم حکومت کرده و از سیستم قدیمی مستعمراتی خارج شوند، حفظ کنند.

نتیجه اینکه کشورهای اسلامی و بسیاری از کشورهای دیگر بدون اینکه منشور مستقل سیاست خارجی خود را داشته باشند، اسیر دکترین‌های بین‌المللی لیبرالیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم شده‌اند. در حاشیه عناوین و پدیده‌های سیاسی و حقوقی غرب مانند ناسیونالیسم و حاکمیت ملی هیچ وقت موفق نشده‌اند در عرصه جهانی و بین‌المللی ابتکار عمل را به دست گیرند. بزرگترین نگرانی قدرتهای بزرگ سلطه‌گر از انقلاب اسلامی ایران در سه دهه اخیر نفوذ این جنبش بزرگ در سطح جهانی به ویژه در سیاست خارجی کشورهای اسلامی و امکان ارائه یک دکترین و منشور سیاست بین‌الملل مستقل از دایره فعالیت‌های غرب در عرصه جهانی بوده است.

این تحقیق و پژوهش کوشش دارد با یک نگاه تطبیقی به روابط بین‌الملل ریشه‌های تاریخی و تکامل این مفاهیم را گشوده و دوران جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از آغاز انقلاب اسلامی تا دولت نهم (دولت دکتر احمدی نژاد) که به

مدت سه دهه نماد و نشانه روابط این کشور با سیستم جهانی و به وِیژه دنیا اسلام بوده است، مورد بحث و بررسی قرار دهد. آنچه لازم به ذکراست این که سیاست خارجی دولت نهم که در این مقوله به آن پرداخته شده است نشانه تداوم اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد. در چند سال اخیر با توجه به شرایط و تحولات جهانی نوآوری‌های چشمگیری در سیاست خارجی ایران صورت گرفته است. حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیداری با مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی، تصریح فرمودند که شاخص سیاست خارجی ایران، نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مقابله واقع‌بینانه و هوشمندانه با نظام سلطه جهانی است و سیاست خارجی دولت نهم را سبکی جدید در حوزهٔ دیپلماسی عنوان کردند.

مطالعه و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این مدت می‌تواند دریچه‌ای برای درک و آگاهی نوع تغییرات، دگرگونی‌ها و پدیده‌های باشد که در سطح جهانی در حال تشکیل می‌باشد. این گونه بررسی همچنین فرصت مناسبی است که چشم‌انداز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گرفته و فراز و نشیب‌ها آن بررسی گردد.

دکتر منوچهر محمدی ـ پروفسور حمید مولانا

فصل اول

کلیات

سیاست خارجی[1]

دولتها از زمان قدیم با یکدیگر روابط گوناگونی از نوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند و امروزه شبکه روابط بین‌الملل بسیار گسترده و پیچیده گردیده است.

اینگونه روابط مشتمل است بر: اعزام و پذیرش نمایندگان سیاسی، عقد موافقت نامه‌های تجاری، دریافت و پرداخت وام، برگزاری کنفرانسهای بین‌المللی، مسابقات ورزشی و مبادلات فرهنگی می‌باشد.

ولی سیاست خارجی را باید از این انبوه روابط تمیز داد، در حالیکه روابط بین‌الملل شامل روابط بین حکومت‌ها، گروهها و افراد مختلف می‌باشد. سیاست خارجی فقط آن دسته از روابط را در برمی گیرد که ابتکار آن با حکومت‌ها بوده و از طرف آنان تصدی شده باشد. در این معنی سیاست امری رسمی است که هدایت آن به عهده حکومت‌ها بوده و از روابط گروهها و افرادی که غیر رسمی هستند، متمایز می‌گردد. به عبارت دیگر «*سیاست خارجی مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روشها و انتخاب مواضعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسایل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید*». بنابر تعریف فوق سیاست خارجی شامل دو قسمت مجزا می‌باشد:

الف: اهداف ملی که هر کشوری در صحنه بین‌الملل تعقیب و در صدد تحصیل آنها می‌باشد.

ب: سیاست‌ها و روشهایی که برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می‌گردد[2].

۱ـ در ادبیات غرب و زبان انگلیسی سیاست خارجی به عنوان Foreign Policy اطلاق می‌گردد.

۲ـ هوشنگ مقتدر، «سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی»، تهران، انتشارات مفهرس، چاپ اول، سال ۱۳۷۰.

اهداف سیاست خارجی

اگرچه اکثر محققین تفاوتی میان اهداف سیاست خارجی و منافع ملی قائل نیستند و در تعاریف خود از منافع و اهداف ملی به صورت مترادف استفاده می‌کنند، اما باید بین این دو تفاوت قائل شد.

اهداف سیاست خارجی متفاوت و با توجه به فرهنگ، تاریخ و نظام سیاسی و اقتصادی هر کشور طراحی می‌گردد. این اهداف می‌تواند کسب قدرت بیشتر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی و یا مسائل مربوط امور نژادی، حقوقی و قانونی، سازمان‌های بین‌المللی، همکاری و عدم همکاری، جنگ و صلح، تسلیحات نظامی، امنیت و منافع ملی و منطقه‌ای و جهانی، و یا محیط زیست و رفاه عمومی باشد. ادبیات رشته سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در دنیای غرب فراوان و متنوع می باشد. علاقمندان برای مثال می توانند به دو منبع ذیل مراجعه نمایند[1].

تقسیم‌بندی سیاست خارجی دارای ابهامات زیادی می‌باشد و بنابراین هدفهای سیاست خارجی یک کشور نه تنها متاثر از محیط داخلی است بلکه تحت تاثیر عوامل خارجی نیز قرار دارد. موارد ذیل برخی از حوزه های سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که می‌توان از آنها به عنوان مثال نام برد:

۱. حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی

هدف از اصل مذکور حفظ حدود ارضی و کنترل و حمایت اتباع کشور اعم از مقیم داخل و خارج است. در مورد این اصل سه مسئله قابل طرح است:

الف ـ حفظ قلمرو ارضی تحت حاکمیت دولت؛

ب ـ واگذاری اراضی؛

1-Hamid Mowlana, Global Information and World Communication: New Frontiers in International Relations, Sage Publications, London, 1977, pp. 1-22.

Also:

Arnold Wolfers, Ends and Means of foreign Policy: The Pole of Power and the Pole of Indifference, in James Rosenau, ed., International Politics and Foreign

ج ـ تملک اراضی و مستملکات تازه.

اگر کشوری بخواهد مرزهای خود را در حالت فعلی نگهدارد گفته می‌شود کشور مزبور از سیاست حفظ وضع موجود پیروی کرده و اگر کشوری بلعکس طالب تجدید نظر در مرزهای موجود باشد، به دنبال سیاست تجدیدنظر طلبانه است. این سیاست از دو طریق به مرحله اجراء در می آید یا از طریق مذاکرات یا اعمال زور.

اصل وحدت ملی نیز در این مقوله بوده که مسئله کنترل اتباع یک کشور را در بر می‌گیرد. جوانب دیگر وحدت عبارتند از وحدت سیاسی، دینی، قومی، زبانی و روانی با این معنی که سیاست کشور از پشتیبانی عموم مردم برخوردار بوده در غیر این صورت سیاست خارجی نمی‌تواند برای مدت زیادی دوام داشته یا منجر به حصول نتاج عملی گردد.

۲. رفاه ملی

وظیفه کشورها به تأمین رفاه ملی یکی دیگر از اصولی است که مبنای تعیین هدفهای سیاست خارجی است. از این رو کشورها برای تامین نیازمندیهای اقتصادی خود ناگزیرند با دیگر کشورها روابط اقتصادی و تجاری داشته باشند. حتی بزرگترین کشورها بدون همکاری با ملل دیگر نخواهند توانست به هدفهای اقتصادی خود جامه عمل بپوشانند.

هدف‌های سیاست خارجی برای تأمین رفاه اقتصادی متعدد می‌باشند از جمله جذب سرمایه، جذب متخصص، بهره‌برداری از منابع و بازاریابی برای تولیدات داخلی.

۳. امنیت ملی

امنیت ملی یکی دیگر از اصولی است که مبنای تعیین هدفهای سیاست خارجی می‌باشد و لزوم دفاع از کشور در مقابل تجاوزات احتمالی است. در نظام بین‌الملل کنونی به علت عدم وجود یک مرجع قدرتمند برای جلوگیری از تجاوز، هر کشوری باید با اتکاء به نیروی خود در مقابل تجاوز پایداری نماید. اصولاً تهدیدات امنیتی در چهار حوزه می‌تواند مطرح گردد:

الف ـ نظامی؛

ب ـ اقتصادی؛

ج ـ سیاسی؛

د ـ فرهنگی[1].

۴. حفظ پرستیز ملی

همانطور که فرد در اجتماع علاقمند به حفظ مرتبه و شأن خود می‌باشد در صحنه بین‌المللی نیز دولتها کوشش دارند که غرور و احترام آنها حفظ گردد. پرستیز ملی گاهی اوقات وسیله‌ای برای سیاست تجاوزگرانه از طرف دولت‌ها گردیده است. پرستیز ملی در ابعاد نظامی، پیشرفت‌های اقتصادی و ابتکارات علمی ـ ورزشی نیز ظهور می‌یابد.

۵. منافع ملی

منافع ملی نیز یکی از مفاهیم و عوامل امروزی سیاست خارجی دولتها می‌باشد و عنوان و واژه منافع ملی همانند حاکمیت ملی، پرستیژ ملی و امنیت و رفاه ملی نتیجه تشکیل و تشکل نظام جهانی از واحدهایی به نام «دولت ـ ملت» می‌باشد. تعریف و حدود منافع ملی در طول تاریخ روابط بین‌الملل همیشه متفاوت و متغیر و با اهداف و انگیزه‌های هر کشور و نظام سیاسی آمیخته بوده است. یکی از مسائل مورد بحث در موضوع منافع ملی توافق و تناقض و تقابل آن با منافع اتحادیه‌های منطقه‌ای و یا جوامع بزرگتر و مشترک‌المنافع بوده است. در چارچوب اسلام منافع ملی در مقابله با منافع امت اسلامی و وحدت اسلامی معنای کاملاً متفاوتی با آنچه که در ادبیات امروزی رایج و مورد عمل است، پیدا می‌کند.

۶. کسب قدرت

یکی دیگر از منافع حیاتی کشورها که در تعیین هدفهای سیاست خارجی نقش موثری دارد مسئله کسب قدرت است. کشمکش برای کسب قدرت از خصوصیات

مشترک جوامع داخلی و بین‌المللی است قدرت در ارتباط با گروههای اجتماعی دیگر موضوع پیدا می‌کند و هدف از آن تامین خواسته‌ها و کسب امتیازات و تعیین شرایط روابط فیمابین است. سیاست خارجی یکی از طرق تعیین کیفیت روابط یک کشور با کشورهای دیگر از جهت قدرت است بطوری که هر کشوری سعی دارد تا نظراتش در صحنه بین‌الملل پذیرفته شود. این امر از طریق متقاعد ساختن دیگر کشورها و در مرحله آخر اعمال زور صورت گرفته بنابر این قدرت، ممکن است به توانایی بالقوه یک کشور برای وارد کردن فشار به دیگر کشورها عنوان گردد.

نهادهای تنظیم‌کننده سیاست خارجی

در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی، افراد و نهادها، سازمان‌ها و دستگاههای گوناگونی دخالت دارند و هریک تحت شرایط خاصی و در نظام‌های سیاسی مختلف دارای نقش‌های متفاوتی هستند. مهمترین نهادهای که در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی دخالت دارند عبارتند از:[۱]

۱. قوه مجریه

برحسب سنت، این نهاد مسئولیت عمده‌ای در تنظیم سیاست خارجی بر عهده داشته است و از قدیمی‌ترین دستگاههای سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. معمولاً رئیس قوه مجریه (پادشاه، رئیس جمهور یا نخست وزیر) مسئولیت اصلی برقراری روابط دیپلماتیک و اداره روابط بین‌الملل را به عهده دارد و این نقش را از طریق وزارت امور خارجه به انجام می‌رساند. وزارت امور خارجه تنها نهاد تصمیم گیرنده سیاست خارجی به شمار نمی‌رود. واقعیت این است که در اغلب موارد وزارت امور خارجه صرفاً به ایجاد هماهنگی در سیاست گذاری خارجی بسنده می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که امروزه تنظیم سیاست خارجی مستلزم به کارگیری افراد،

۱ـ کنت روی مکردیس تامسون، «مطالعات تطبیقی سیاست خارجی»، ترجمه فاطمه قدیمی‌پور، انتشارات نی، سال ۱۳۷۲.

دستگاهها، سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های متعددی است. به گونه‌ای که تمامی نهادهایی که مبادرت به انجام خدمات آموزشی، بازرگانی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و کشاورزی می‌کنند با شدت و ضعف‌های گوناگونی در فرآیند سیاست گذاری خارجی مشارکت می‌نمایند.

۲. قوه مقننه

مجامع پارلمانی علاوه بر آنکه منعکس کننده افکار عمومی هستند، به اشکال مختلف در تنظیم سیاست خارجی دخالت دارند. بر اساس قوانین اساسی بسیاری از کشورها کلیه مقاوله نامه‌ها، قراردادها و اعطای کمک‌های خارجی باید به تصویب قوه مقننه برسد. در بسیاری از موارد، وزراء ناچار هستند در زمینه سیاست خارجی به پارلمان توضیح بدهند و در بسیاری از کشورها، حکومت‌هایی که قدرت را در دست دارند باید حمایت حزب پارلمانی خود را در مورد سیاست خارجی دولت حفظ کنند و نیز برای آنکه بتوانند در دوره‌های بعدی انتخابات به پیروزی برسند، مردم را به نوعی در جریان تصمیمات مربوط به سیاست قرار دهند. همچنین وجود احزاب مخالف در قوه مقننه عامل عمده‌ای در انتقاد از برنامه‌های روابط خارجی به شمار می‌رود.

نکته دیگر در مورد نقش قوه مقننه در سیاست خارجی، وجود کمیسیون یا کمیته‌های امور خارجه یا روابط خارجی در مجلس قانون گذاری است. وجود کارشناسان متعدد در کمیته‌های مزبور سبب می‌شود تا این نهاد ضمن کسب اطلاعات و تجزیه و تحلیل مسائل سیاست خارجی بطور مستمر به صورت یک دستگاه موثر در تنظیم سیاست خارجی عمل کند.

۳. گروههای ذی نفوذ و احزاب سیاسی

در هر جامعه گروههایی از مردم براساس یک سلسله منافع مشترک به یکدیگر پیوند داده می‌شوند که این امر ممکن است به ایجاد یک گروه ذی نفوذ منجر گردد و این گروهها عملکرد دولت را تحت تأثیر خود قرار دهند. اصولا هر اندازه نظام‌های سیاسی

از خصیصه کثرت گرایی بیشتری برخوردار گردند، به همان نسبت بر تعداد تنش این گروهها افزوده می‌شود.

در حالی که گروههای ذی نفوذ دارای تشکیلات رسمی و مرامنامه خاصی نیستند، احزاب سیاسی که به صورت سازمان‌های رسمی از برنامه مشخصی تبعیت می‌کنند، می‌توانند مستقیماً بر سیاست‌گذاری‌ها تاثیر بگذارند. بدین ترتیب، احزاب سیاسی می‌کوشند خواسته‌ها و منافع متعارض را همسو کرده، ضمن میانجیگری میان علایق گوناگون آنها را به یک سیاست تبدیل نمایند.

۴. دین و رهبران دینی

پیوند دین و انسان در گذر تاریخ، پیوندی دیرین و پایدار بوده است. ارزش دین در جامعه انسانی به این می باشد که یک قاعده فکری را برای انسان به وجود می‌آورد. در این قاعده فکری تمام پدیده‌های هستی و انسانی به قدرت خداوند خالق و قادر و حکیم متکی هستند که وجود را با همه جزئیات آن روی قوانین ثابت و متوازن که سنتهای الهی نامیده می‌شوند، بنیان نهاده است.

بر این اساس دین در تمام بنیادهای یک جامعه تاثیرگذار بوده و سیاست خارجی نیز به عنوان یکی از این بنیادها بشدت از دین متاثر می‌باشد و سیاست خارجی هر کشوری نمودی از دین و مذهب آن است. به ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) دین و سازمان‌های مذهبی در سطح بین‌المللی دارای ابعاد تأثیرگذاری بیشتری گردیده‌اند.

۵. افکار عمومی

با توسعه و گسترش دمکراسی، مردم سالاری و استفاده روزافزون از وسایل ارتباط جمعی، نقش نهادهای پارلمانی و شرکت مردم رفته رفته بر اهمیت افکار عمومی افزوده شده است تا آنجا که امروزه این امر به صورت یکی از معیارهای عمده سیاست خارجی تلقی می‌شود.

فشار افکار عمومی در داخل و خارج، سیاست گذاران را برآن می دارد تا در داده‌های سیاست خارجی تجدید نظر اساسی به عمل آورند.

در وضعیتی که بتوان افکار عمومی را اداره کرد و آن را تحت کنترل درآورد، اشکال چندانی در سیاست گذاری خارجی به وجود نخواهد آمد ولی نباید فراموش کرد که بهرحال تمام نظام‌ها اعم از دیکتاتوری یا دمکراتیک برای کسب و حفظ مشروعیت سیاسی خویش احتیاج دارند که افکار عمومی را برای حمایت از سیاست خارجی خود آماده کنند و البته توضیحات رهبران از لحاظ تنظیم و اجرای سیاست خارجی در جهت تأمین منافع ملی، باید برای مردم قابل توجیه باشد.

۶. نهادهای نظامی

اگرچه گفته می‌شود گروههای نظامی نباید در امور سیاست گذاری خارجی دخالت نمایند و باید تصمیمات اتخاذ شده توسط سیاستمداران را بدون چون و چرا به اجراء در آورند اما در عمل به این گونه نیست. نهادهای نظامی خصوصاً در زمان بحران و جنگ از قدرت بیشتری برخوردار بوده و سعی می‌کنند سیاست‌های خود را در حوزه خارجی اعمال نمایند. زیرا وضعیت خاص مزبور ایجاب می‌کند تا آنها از قدرت و استقلال عمل بیشتری بهره‌مند گردند، به ویژه آنکه در عصر سلاحهای استراتژیک و بازدارنده، بر قدرت و اهمیت نظامیان افزوده شده است.

۷. دانشمندان و متخصصان

از جنگ جهانی دوم تاکنون، بطور روز افزونی بر اهمیت نقش و تأثیر دانشمندان در تحولات تکنولوژیکی و سرانجام در جهت دادن به سیاست خارجی افزوده شده است. علاوه بر محققان علوم تجربی، انسانی و اجتماعی باید به نقش اقتصاددانهای جهان، در شکل بخشیدن به سیاست خارجی دولتها اشاره کرد. به موازات پیچیده‌تر شدن سیمای اقتصادی جهان، روز به روز بر اهمیت این گروه از دانشمندان در فرآیند سیاست گذاری‌ها افزوده شده است. همچنین در بحرانهای عظیم اقتصادی و نیز در مرحله

بازسازی اقتصادی بر اهمیت نقش این گروه در فرآیند سیاست خارجی افزوده شده است.

۸. سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی

اینگونه سازمان‌ها و افرادی که در رأس چنین نهادهایی قرار دارند در فرآیند تصمیم گیری نقش موثری دارند. اهمیت دستگاههای مزبور به سبب دارا بودن اطلاعات و دسترسی به مراکز قدرت است. اصولاً این سازمانها باید اطلاعات و تحلیل‌های گوناگونی در زمینه مسائل سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل در اختیار روسای دولتها قرار دهند تا آنها با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات، از این اطلاعات برای سیاست‌گذاری‌ها و اجرای سیاست خارجی بهره گیرند.

۹. بنگاهها و شرکتهای فراملی

از دیر زمانی بنگاههای تجارتی و شرکتهای بازرگانی و کمپانی‌ها و کارتل‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی با هماهنگی با دولتهای ملی در سطح بین‌المللی فعالیت داشته و در سیاست‌گذاری خارجی نقش موثر و مهمی را ایفا کرده‌اند. با پایان جنگ جهانی دوم و ظهور شرکتهای غول آسای فراملی این سازمان‌های اقتصادی و مالی و تجاری به یک نوع از حاکمان ملی و بین‌المللی تبدیل شده و بخشی از عوامل سیاست خارجی و جهانی کشورها را تشکیل می‌دهند. فعالیت کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ جهانی انرژی (نفت و گاز)، تسلیحات نظامی، هوانوردی، کشتی‌سازی و فناوری‌های اطلاعاتی از جمله صنایع فرهنگی و رسانه‌ها در این ردیف می‌باشند.

۱۰. سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، مانند سازمان ملل متحد و نهادهای ویژه آن چون شورای امنیت، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، اتحادیه بین‌المللی پست، سازمان کشاورزی و خواربار جهانی، یونسکو، یونیسف، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، ناتو (سازمان پیمان

آتلانتیک شمالی)، سیتو (سازمان پیمان کشورهای آسیای شرقی) و صدها هزار سازمان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، آموزشی و نظامی دیگر با قوانین و مصوبات و مقررات خود در حقیقت عامل موثری در سیاست گذاری دولتهای ملی به شمار می‌روند. زیرا کشورهای متعهد با این سازمان و معاهده‌های آنها باید سیاست‌گذاری و قوانین ملی خود را با مقررات این سازمان‌ها هماهنگ نمایند.

ابزارهای مورد استفاده در سیاست خارجی

برای تحقق اهداف و تأمین منافع در سیاست خارجی، دولتها از ابزار و حربه‌های گوناگونی بهره می‌گیرند. استفاده صحیح از این ابزارها، در میزان موفقیت واحد سیاسی بسیار مهم است. مهمترین این ابزارها که دولتها در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند به شرح ذیل است:[1]

۱. دیپلماسی

دیپلماسی را به عنوان فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت آمیز تعریف و توصیف کرده‌اند. اگرچه در بسیاری از مواقع دیپلماسی تنها یکی از ابزارهای سیاست خارجی در میان دیگر عوامل (اقتصادی، نظامی و فرهنگی) به شمار می‌رود، در روند بهره‌گیری از حربه‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی نیز کاربرد آن ضرورت پیدا می‌کند.

دیپلماسی در ابتدا محدود و مخفی بود ولی به مرور زمان به صورت آشکار و علنی درآمد. در روند گرایش دیپلماسی از حالت سری به علنی، عواملی چون بسط و گسترش روابط بین‌الملل، تحولات تکنولوژیک، وابستگی متقابل واحدهای سیاسی به یکدیگر، تعارضات ایدئولوژیکی و توسعه وسایل ارتباط جمعی نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند.

دیپلماسی در دنیای امروز از لحاظ ترکیب، هدف و موضوع دستخوش دگرگونیهای

اساسی شده است. مسائل دیپلماتیک یا در سطوح سران دولتها، دیپلماتها و روسای قوای مقننه و قضائیه و یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی حل و فصل می‌شود. در نتیجه انقلاب ارتباطات، تبادل اطلاعات میان هیات‌های دیپلماتیک به گونه‌ای بی‌سابقه گسترش یافته است.

۲. اقتصاد

یکی از تکنیک‌های موثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدفها و تأمین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیکی است. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه‌ها سعی می‌کند دیگر دولتها را به تغییر رفتارهای سیاست خارجی‌شان وادار کند، به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل در داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی می‌آورد. این روش منحصر به عصر کنونی نبوده، بلکه در گذشته نیز دولتها سعی کرده‌اند از این طریق دیگران را وادار به پذیرش سیاست خود کنند.

امروزه حربه اقتصادی به اشکال گوناگون، از جمله اعطا و یا عدم اعطای وام، صدور تکنولوژی و یا خودداری از آن، تحریم تجاری و بازرگانی، محاصره اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، افزایش یا کاهش تعرفه‌های گمرکی، مشارکت یا عدم مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، هر اندازه دولتی از قدرت و توانایی کمتری برخوردار باشد و وابستگی آن به دولتهای دیگر بیشتر باشد، در مقابل حربه‌های اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیکی آسیب پذیرتر است.

۳. فرهنگی و دینی

در حالی که دولتها مخاطبان مستقیم دیپلماسی و ابزار اقتصادی هستند. در فرآیند استفاده از حربه فرهنگی معمولاً ملتها مورد خطاب واقع می‌شوند، بدین ترتیب که دولتها با استفاده از این وسیله سعی دارند در بلند مدت الگوهای رفتاری و شیوه تفکر و زندگی ملتهای مورد نظر خود را در جهتی که تأمین کننده منافع و خواسته‌های آن باشد دگرگون سازد. در دهه‌های اخیر مسائل فرهنگی و دینی اهمیت قابل ملاحظه‌ای

در سیاست خارجی و صحنه جهانی پیدا کرده است. بطوری که عموماً دولتها آماده هستند تا از بحرانها و رویدادها (علمی، فرهنگی و دینی) و حتی دخالت نظامی و برای تقویت برنامه‌های تبلیغاتی بهره‌برداری نمایند.

۴. نظامی

اگرچه معمولاً از ابزارهای نظامی به عنوان آخرین و معمولاً بعد از به کارگیری سایر روشها استفاده می‌شود، این امکان نیز وجود دارد که دولتی به طور همزمان از تمامی ابزارها (فرهنگی، دیپلماسی، اقتصادی و نظامی) بهره گیرد. گاه چنین استنباط می‌شود که جنگ پایان دیپلماسی است ولی همانطور که قبلاً بدان اشاره شد، ممکن است در خلال جنگ، دیپلماسی بسیار فعال شده، بطور همزمان از سیاست تنبیه و تشویق استفاده گردد.

اصولاً دولتی که از ابزارهای نظامی در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد بر این باور است که استفاده از زور تنها راه چاره‌ای است که در اختیارش قرار دارد و از این طریق به منافعی دست می‌یابد که از راههای دیگر حصول به آن مسیر نمی‌شود. همچنین گاهی دولتها از حربه نظامی برای کسب اعتبار یا اعاده اعتبار از دست رفته خود و نیز برای تأمین خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استفاده می‌کنند.

راهبردهای کلی سیاست خارجی

دولتها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و سیاسی (ژئوپولتیکی) و نیز ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی جهت‌گیری و راهبرد خاصی را به منظور تامین هدفها و منافع ملی خویش بر می‌گزینند. مهمترین این راهبردها سیاست انزوا (درگیری کم در موضوعات مربوط به سیستم بین‌المللی)، خودکفائی (اتکا به منابع اقتصادی و اجتماعی خود در برآوردها و نیازمندیها ملی)، سیاست بی طرفی یا عدم تعهد و سیاست اتحاد و ائتلاف می‌باشد[1].

۱ـ برای مطالعه بیشتر در این مورد می توان به منبع ذیل مراجعه گردد:

عوامل موثر در سیاست خارجی

تصمیم‌گیرندگان نقش اساسی را در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی ایفا می‌کنند، اما نباید تصور کرد هدفها، استراتژیها بدون مقدمه از اذهان سیاست‌گذاران تراوش کرده و به صورت سیاست‌ها و جهت‌گیری خاص به مورد اجراء در می‌آیند این فرآیند محصول عوامل ذیل می‌باشد:[۱]

۱. ارزشها و اعتقادات

ارزشهای جوامع، ساخته و پرداخته فرهنگ، فرهنگ سیاسی، تربیت، تبادل فرهنگی و تجربه شخصی است. در اکثر موارد ارزشها دلایل و توجیهاتی را برای اتخاذ تصمیم‌ها و تعیین هدف‌ها توسط سیاست گذاران فراهم می‌آورد. بر همین اساس، دولتها مسائلی از قبیل استقلال، اعتبار ملی، توسعه اقتصادی و وحدت ملی را معیارهای عمده سیاست خارجی خویش قلمداد می‌کنند.

در وضعیتی که میان برداشت‌ها و اعتقادات سیاست گذار و اطلاعات به دست آمده ناسازگاری وجود داشته باشد، ممکن است وی به اشکال گوناگون واکنش نشان دهد، از جمله ممکن است بر اعتقاد و برداشت‌های خویش اصرار ورزد و دلایلی بر بی‌اعتباری اطلاعات اقامه کند، دیگر اینکه برداشت‌ها و ارزشهای خود را تعدیل کند، و بالاخره این ناسازگاری‌ها را نادیده انگارد.

در هر صورت، سیستم اعتقادی یک دولت از این لحاظ حائز اهمیت است که طرحی نسبتاً روشن از کارکرد نظام بین‌المللی و نیز موقعیت یک دولت در قبال سایر دولتها به دست می‌دهد. همچنین نظام اقتصادی باعث تداوم در سیاست گذاری خارجی می‌شود، تا آنجا که می توان گفت هر اندازه نظام اقتصادی جامعه کامل‌تر باشد، سیاست خارجی از ثبات بیشتری برخوردار است.

۱ـ عبدالعلی قوام، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۰.

۲. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی

سوابق تاریخی و فرهنگی یک جامعه عامل موثر دیگری در تصمیم گیری‌های سیاستگذاران و شکل دادن به داده‌های سیاست خارجی است. این عامل گاه به صورت خودآگاه و گاه به صورت ناخودآگاه، مستقیم و غیرمستقیم، تصمیم گیرندگان سیاست خارجی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

۳. تصویر کلی از سیاست بین‌الملل

مقصود از این عامل، درک یک سیاستگذار از واقعیت‌ها و شرایط محیط بین‌المللی، متعارض بودن و یا نبودن خواسته‌ها و منافع دیگران با داده‌های سیاست خارجی و مطلوب و یا نامطلوب بودن رفتارهای گوناگون بازیگران مختلف سیاست بین‌المللی است.

۴. سیاست‌گذاران خارجی

درباره هر مسئله بین‌المللی دارای فرضیاتی هستند، این مفروضات طیف گسترده‌ای از دوستی و اعتماد تا خصومت و بی‌اعتمادی را تشکیل می‌دهد.

۵. مسائل و مشکلات داخلی

گاه سیاست‌گذاران به سبب وجود یک سلسله مسائل و بحرانهای داخلی و به منظور انحراف افکار عمومی سیاست‌هائی اتخاذ می‌کنند که هدف از آنها منحرف کردن افکار از مسائل داخلی به مسائل خارجی است. این وضعیت ممکن است شرایطی به وجود آورد که دولتی مجبور به جهت‌گیری خاصی در سیاست خارجی شده و در نتیجه به استراتژی جدیدی سوق داده شود.

۶. نیازهای داخلی

تأمین نیازهای داخلی، اعم از اقتصادی و تکنولوژیکی، فرهنگی و امنیتی از عوامل و انگیزه‌های مهم سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. در بسیاری از موارد، هدفها، تصمیمات و اعمال سیاست خارجی، به منظور تحقق نیازهای عمومی ـ اجتماعی و

تأمین منافع گروههای داخلی، احزاب سیاسی، سازمانهای اقتصادی و گروههای ذی‌نفوذ صورت می‌گیرد.

۷. ساختار نظام بین‌الملل

ساختار نظام بین‌الملل محدودیت‌ها و نیز امکاناتی برای سیاست‌گذاری به وجود می‌آورد. ساختار نظام بین‌الملل بر هدفها و کنش‌های سیاست خارجی تاثیر بسزائی دارد. هنگامی به اهمیت این عامل پی می‌بریم که ساختار مزبور دستخوش یک سلسله تغییرات و دگرگونی‌های اساسی و بنیادین گردد. تشکیل قدرتها، فروپاشی بلوکها و ایجاد اتحادیه‌ها ضمن فراهم نمودن یک سری فرصت جدید، خطراتی نیز به همراه دارد. [1]

اصول سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی تحولی عظیم در تمامی زمینه‌ها ایجاد کرد. این انقلاب عظیم و تاریخ ساز که در مدت کوتاهی توانست نظام شاهنشاهی را سرنگون نموده و نظام جمهوری اسلامی را مستقر نماید علاوه بر تاثیر عمیقی که در روابط اجتماعی ملت ایران و ارزشهای حاکم بر جامعه ایرانی گذاشت نظام بین‌الملل و سیستم دو قطبی آن زمان را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد.

قبل از انقلاب نظام حاکم در ایران در سیاست خارجی از دو ابزار نفت و ارتش جهت پیش برد اهداف خود استفاده می‌کرد و به عنوان یک متحد غرب در منطقه به ایفای نقش می‌پرداخت و سیاست خارجی ایران در راستای کامل منافع غرب خصوصاً ایالات متحده و انگلیس حرکت می‌کرد. اما فروپاشی حکومت پهلوی کلیه معادلات جهانی را برهم زد.

از همان اولین روزهای انقلاب، رهبرکبیر انقلاب امام خمینی(ره) و مردم انقلابی چهارچوب سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را در شعار «نه شرقی ـ نه غربی ـ

۱ـ جواد منصوری، «نظری به سیاست خارجی جمهوری‌اسلامی‌ایران»، انتشارات امیرکبیر،سال ۱۳۶۵.

جمهوری اسلامی» اعلان نمودند[1].

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران نه وابسته به بلوک غرب و نه وابستگی به بلوک شرق سابق بوده بلکه یک سیاست خارجی مستقل بر اساس ارزشها و موازین اسلامی انتخاب کرد.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی

مهمترین منبع و مأخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، قانون اساسی کشور می‌باشد که با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران را که بر اساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است بشناسیم.

در یک مطالعه تطبیقی و اجمالی ملاحظه می‌گردد که قانون اساسی جمهوری اسلامی برخلاف قوانین اساسی اغلب کشورها بیشترین جایگاه را به تبیین اهداف نظام از جمله اهداف سیاست خارجی کشور داده است. قانون اساسی رژیم سابق که بر اساس دیدگاههای ملی تهیه و عمدتاً از قوانین اساسی کشورهای اروپای غربی بالاخص بلژیک اقتباس شده بود مطلقاً اشاره‌ای به این امر که سیاست خارجی کشور ایران چگونه باید باشد و چه اهدافی را باید دنبال نماید، نداشت و در واقع سیاست خارجی به عنوان تابعی از اهداف سیاست داخلی دیده می‌شد.

در حالی که با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی، قانون اساسی فعلی بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی و خارجی نظام داده است.

در مقدمه قانون اساسی، آنجا که از شیوه حکومت در اسلام بحث می‌نماید، چنین عنوان می‌شود: «رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد.»

۱ـ روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۰۶/۱۱.

«در قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب که حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند «ان هذه امتکم واحده و اناربکم فاعبدون[۱]» و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.»

«با توجه به این جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در طول تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد. که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود» و نرید ان نمن علی الذین استعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین[۲]».»

در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید گفت مطابق قانون اساسی هدف «حرکت به سوی الله» است با چنین بینشی آشکار است که سایر اهداف نظام در کلیه زمینه‌ها، در راستای تحقق این هدف نهایی خواهد بود.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از اهداف نظام جمهوری اسلامی نیز بدون توجه به هدف نهایی مزبور قابل درک نیست. چراکه این هدف در راستای حرکت کلی نظام، دارای ماهیت ویژه مذهبی و سیاسی است و چنین خصوصیتی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از سایر دولتها و نظام سیاسی تا حدود زیادی متمایز می‌سازد.

این اهداف بصورت پراکنده و منفرد نبوده و بدون توجه به مجموعه اهداف و غایت نهایی آن معنای اصلی خود را دارا نیست. به گونه‌ای که برخی از این اهداف در خدمت

۱ـ سوره انبیا آیه ۹۲ـ۹۳ (این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم).

۲ـ سوره قصص آیه ۵ (و ما اراده می کنیم بر کسانی که در زمین ضعیف گردیده‌اند منت گذاریم، و آنان را روی زمین حکومت بخشیم).

تحقق اهداف دیگر است. مجموعه اهداف سیاست خارجی ایران با توجه به قانون اساسی می‌تواند به شکل ذیل مورد مطالعه گیرد:

۱. تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی

اگرچه اندیشه دولت واحد جهانی یکی از آرمانهای بشر، چه در قدیم و چه در حال حاضر بوده است و در میان ادیان و اقوام گوناگون در عهد باستان اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی رسوخ داشته است ولی در مکتب اسلام حکومت جهانی نه بر پایه یک بین‌الملل مبتنی بر حاکمیت نژاد یا طبقه‌ای خاص بلکه بر مبنای یک بین‌الملل انسانی و بشری نوید داده است.

اسلام در مقام ارشاد همه جا روی خطابش به مردم یعنی انسانها بوده است. پیامبر اسلام نیز عملاً در راه انجام دادن همین رسالت جهانی گامهای بلندی برداشت و در دوره کوتاه زمامداری خود با دیپلماسی فعال در جهت معرفی آئین خود اقدام کرد.

اصل ۱۱ قانون اساسی در این زمینه اشعار می‌دارد:

«به حکم آیه « ان هذه امه واحد و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت بوده و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

البته در این اصل تنها وحدت مسلمانان جهان مورد توجه قرار گرفته، نه وحدت بشریت در جهان ولی طبیعی است که وحدت مسلمانان از گامهای موثر و اولیه برای نیل به وحدت بشریت و زمینه ساز حکومت جهانی اسلام می‌باشند.

به این ترتیب با اسلامی بودن انقلاب و جهان شمولی این مکتب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند خود را در محدوده اهداف ملی و منطقه‌ای محصور نماید و با توجه به این رسالت مهم و غیرقابل تغییر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی

یک سیاست جهانی بوده که بر اساس شعار نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی بنیان‌گذاری شده است.[۱]

البته قابل ذکر است که تحقق وحدت میان اقشار مختلف و ملل مسلمان به معنای لشکرکشی و تحمل حاکمیت ملتها به نحوی که امپراطوری عثمانی از قرن ۱۵ میلادی ایجاد نمود، نمی‌باشد.

بلکه هدف این است که نوعی وحدت فکری و روحی اخوت و برادری میان همه مسلمانان جهان ایجاد نمود. آنگاه این ملت‌های مسلمان هستند که باید خود رأساً و با آگاهی لازم بر علیه حکومت‌های ظلم و جور قیام نموده و زمینه تشکیل حکومت اسلامی را فراهم نمایند «ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا مابانفسهم[۲]».

۲.حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین

براساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی:

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

با توجه به اصل فوق و مقدمه قانون اساسی که انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین می‌داند یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حقیقت مقدمه و لازمه تشکیل حکومت واحد جهانی همانا مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مردم مستضعف دنیا در هر نقطه‌ای با هر نژاد، زبان و مذهب می‌باشد.

۱ـ منوچهر محمدی، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

۲ـ سوره رعد آیه ۱۱ (خداوند وضع و سرنوشت مردمی را عوض نمی‌کند، مادامی که آنها خود را و آنچه به اندیشه‌ها و رفتارهای‌خودشان مربوط است تغییر ندهند).

مفهوم استضعاف و استکبار از دیدگاه اسلام وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده محروم می‌باشد. این عمل می‌تواند داخلی باشد به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت های محروم تحت ستم خود حاکمیت داشته و آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می‌تواند بین‌المللی باشد به این معنا که دولت و یا کشوری سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار کرده و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن در گذشته و حال اعمال سیاست‌های استعمارگرانه و امپریالیستی قدرتهای بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد.

مهمترین بعد استضعاف از نظر اسلام بعد فرهنگی است و آن زمانی است که با اعمال سیاست‌های استکباری توده های مردم را از خود بیگانه نموده، هویت آنان را سلب کرده و آنها را آنچنان در فقر فرهنگی و بی‌خبری قرار دهند که هر نوع سلطه دیگری را هم قبول نمایند[1].

امام خمینی(ره) در پیام خود به جنبشهای آزادی بخش جهان با تاکید بر این مطالب اظهار می‌دارند که:

«بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابر قدرتها و مستکبرین وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود مفاخر و آثار ملی و فرهنگی خود را دریابید.»

مسئله حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین جهان مورد توجه اساسی رهبر کبیر انقلاب اسلامی بوده، بطوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب تأسیس حزب جهانی به نام حزب مستضعفین را مطرح کردند[2].

۱ـ محمدی، همان.

۳. حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران

در اصل ۱۵۳ قانون اساسی یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همانا اتخاذ سیاست‌ها و تدابیری برای «حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی» می‌داند و با توجه به همین امر قانون اساسی روی خط استقلال و تمامیت ارضی مکرراً و به عناوین مختلف تأکید خاص نموده و مفهوم استقلال را در معنای بسیط و ابعاد گوناگون آن به کار برده است تا راه را برای هر نوع غفلت و یا بی‌توجهی و یا سوء تعبیر ببندد.

از جمله در اصل ۹ قانون اساسی آمده است:

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

اگرچه اسلام حد و مرزی نداشته و آب و خاک برایش مطرح نیست ولی حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی و همچنین دفاع از پایگاه اصلی انقلاب به عنوان ام‌القری جهان اسلام و تحقق اهداف جهانی خود امری ضروری و الزامی می‌داند که از هر نوع تجاوز و تعدی به کشور جلوگیری نموده و باید طوری عمل شود که فکر تجاوز به ذهن دیگران خطور نکند. در حقیقت با دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی از مرزهای دارالاسلام حراست نموده است.[1]

۴. دفاع از حقوق مسلمانان

یکی دیگر از اهداف مهم کشور دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان می‌باشد. بدین

---

۱. همان.

معنا که خود را متعهد وملتزم می‌داند تا در هر گوشه‌ای از دنیا که به حق مسلمانی تجاوز و تعدی شود به عنوان نماینده حکومت اسلامی از حقوق آنان دفاع نموده و جلوی تجاوز و تعدی به آنها را در حد توان خود بگیرد[1].

۵. دعوت

از مهمترین و در حقیقت از ابتدایی‌ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی دعوت غیر مسلمین به اسلام می‌باشد. دعوت از احکام منصوصه اسلام جزء ضروریات دین است و در تقسیم‌بندی فقهی جزء مسایل عبادی محسوب می‌گردد.[2]

در قرآن در سوره نحل آیه ۱۲۵ آمده است:

«ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن» ـ دعوت کن مردم را به راه پرودگارت با حکمت و با پند زیبا و مناظره کن با آنها نیکوترین راه، به راستی که خداوند داناترین است نسبت به آنان که گمراه شدند و هم او داناترین است نسبت به حال هدایت کنندگان».

هیچ مسلمانی حق ندارد قبل از آنکه کفار را به پذیرش اسلام دعوت کند با آنان جنگ و جهاد نماید. همانطور که اصلاح امور جامعه اسلامی با اعمال اصل امر به معروف و نهی از منکر میسر است طبیعاً اصلاح جامعه بشری هم باید با همین اصل آغاز گردد و بنابر این دعوت از دیگران به اصلاح و توصیه به اعمال نیک و گرایش به سوی حق تعالی جزیی از وظایف مجریان سیاست خارجی می‌باشد و این تکلیف دینی و سیاسی برای مسلمین و دولت اسلامی است.

بدین جهت امام خمینی (ره) تکیه زیادی بر امر تبلیغات خارجی و صدور انقلاب داشتند تا بدین وسیله اصل دعوت تسهیل گردد[3].

۱ـ همان.

۲ـ همان.

۳ـ «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب اسلامی است و تا بانگ لااله الاالله بر تمامی جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه هست در هر کجای جهان علیه مستکبرین ما

روشها و چگونگی تنظیم سیاست خارجی

در راستای اهداف سیاست خارجی و به منظور پیاده کردن اهداف مزبور در صحنه روابط بین‌الملل اتخاذ سیاست‌ها و شیوه های اصولی و منطقی با توجه به واقعیت‌های موجود در جهان خارج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

از مهمترین، و ظریفترین و در عین حال پیچیده‌ترین حوزه سیاست خارجی یک دولت اتخاذ روشها و سیاست خارجی در قبال جهانی می‌باشد که به آن هنر دیپلماسی هم می‌گویند. یک دولت و یک مسئول سیاست خارجی باید در تدوین راهبردهای سیاست خارجی همواره موارد ذیل را مدنظر داشته باشد:

۱. توجه به اهداف نظام در هر تصمیم‌گیری و اتخاذ مواضع با رعایت موازین اسلامی و شرعی؛

۲. اتخاذ تصمیمات بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت؛

۳. شناخت بازیگران عرصه بین‌الملل در خصوص توانایی‌ها و نقاط ضعف آنها؛

۴. استفاده از نبوغ و تدبیر با حفظ صداقت اسلامی؛

۵. توجه به واقعیت‌ها موجود در پیشبرد اهداف نظام.

همانطور که در تعریف سیاست خارجی آمده و از نام آن پیداست حوزه عملکرد سیاست خارجی جهان خارج و صحنه روابط بین‌الملل بوده و نحوه چگونگی روابط یک کشور را با نهادها موجود در جهان خارج را تنظیم می‌نماید.

اما بطور خلاصه نهادهای سه گانه‌ای که در سیاست خارجی هر کشوری مورد توجه بوده و در قبال آنها سیاست‌های مشخصی را باید اتخاذ کرد عبارت است از: ملت‌ها، دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی.[1]

۱. ملت‌ها

اکثر دولتها که دارای سیاست خارجی محدودی می‌باشند کمتر به ملت‌ها به عنوان یک نهاد مستقل توجه دارند و آنها را تابعی از دولتها دانسته و عامل فعالی در صحنه

۱ـ همان.

روابط بین‌الملل به شمار نمی‌روند. برخورد دولتها با افراد و گروههای غیر دولتی بیگانه تنها در محدوده مسائل مربوط به روابط حقوقی آنها دیده شده که آن هم موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد. ولی دولتها که دارای اهداف گسترده بین‌المللی مخصوصاً در بعد ایدئولوژیک می‌باشند به توده‌های مردم سایر کشورها توجه خاص دارند و جمهوری اسلامی نیز با توجه به اهداف جهان مشمول انقلاب اسلامی از این امر مستثنی نیست.

از دیدگاه اسلام توده‌های عظیم مردم که تشکیل دهنده ملت‌ها هستند به عنوان ابنای بشر ذاتاً بی گناه شناخته شده و دارای کرامت انسانی هستند و ذاتاً روحیه استکباری و سلطه جویی نداشته و چنانچه در جو تبلیغاتی و آموزشی سالم قرار گیرند آمادگی پذیرش حقایق را دارا می‌باشند اعم از اینکه این ملت‌ها در کشورهایی زندگی کنند که دولت‌هایشان دارای سیاست استکباری بوده و یا در سرزمین‌های استعمار شده و تحت ستم باشند.

بر این اساس، دیدگاه جمهوری اسلامی به همه ملل به دیده رحمت و محبت نگاه می‌کند و خصومت و عنادی با هیچ یک از آنها نداشته و همانطور که گفته شد امید اصلی خود را در مبارزه با استکبار جهانی به خیزش توده‌های مردم بسته و با توجه به نیاز آنها سعی در آموزش و افزایش آگاهی آنها می‌نماید. در حقیقت این توده‌های مردم هستند که هدف اصلی صدور انقلاب می‌باشند. تجربه تاریخ نیز نشان داده است هر زمان که توده‌های مردم در اثر فشار و استثمار اعمال شده توسط اقلیتی که ابزار قدرت و زور را در دست داشته‌اند به تنگ آمده و آگاهی لازم را پیدا کرده‌اند دست به قیام زده‌اند. معمولاً نهضت‌ها، شورشها و انقلاب‌ها زمانی شکل می‌گرفته است که شرایط زندگی به حد غیرقابل تحمل می‌رسیده است. البته در خصوص صدور انقلاب باید گفت، صدور انقلاب به معنای لشکرکشی و تحمیل عقیده به جهانیان نیست بلکه فراهم نمودن امکانات و جو مساعدی است تا ملت‌ها آزادانه بتوانند حقایق زندگی را شناخته، حق را از باطل تمیز داده و راه درست خویش را خود انتخاب کنند.

در تحقق هدف مزبور در رابطه با ملتها مهمترین اصل برقراری تماس و ایجاد ارتباط می‌باشد و با توجه به اینکه دولت‌ها اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر را پذیرفته‌اند لذا برقراری چنین ارتباطی از ظرافت خاصی برخوردار می‌باشد. با توجه به امکانات و ابزار موجود و همچنین اختیارات دولت در قانون اساسی می‌توان شیوه‌های زیر را برای صدور انقلاب پیشنهاد نمود:

الف. حمایت از نهضتهای آزادی بخش؛

ب. گسترش رسانه‌های گروهی و بهره‌برداری مناسب در جهت انتقال پیام انقلاب به سایر ملت‌ها؛

ج. اعمال سیاست داخلی صحیح و ایجاد جامعه اسلامی واقعی به عنوان الگو و نمونه؛

د. تقویت سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به منظور نشان دادن سفارتخانه‌ها به عنوان یک مدل از جامعه اسلامی؛

هـ. تشکیل کنگره و سمینارها؛

و. اعزام مبلغ؛

ز. اعزام و پذیرش دانشجو.

۲. دولتها

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط با دولتهای دیگر تحقیقاً با آنچه در رابطه با ملت‌ها بیان شد تفاوت اساسی دارد. علیرغم وحدت نسبی که در برخورد با توده‌های مردم از نظر اعمال سیاست‌های تنظیم شده قائل شدیم، دولتها را با توجه به سیاست‌های متفاوت و بعضاً متضادی که بر پایه شیوه حکومت، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آنها، میزان وابستگی به قدرتهای استکباری و همچنین نحوه برخورد آنها با ملت‌های خویش و سایر ملل به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. دولتهائی که دارای سیاست سلطه جویی و استکباری بوده و یا اینکه عامل و آلت دست‌نشانده دولتهای مستکبر می‌باشند و با جمهوری اسلامی نیز در عناد و خصومت هستند؛

۲. دولتهائی که فاقد سیاست استکباری بوده و یا توان اجرای چنین سیاستی را ندارند و همچنین دولتهای مستضعف و علاقمند به جمهوری اسلامی.

بطور خلاصه می‌توان گفت تنظیم درجه و میزان ارتباط و همبستگی با دولتهای عضو جامعه جهانی، با توجه به نزدیکی و تفاهم سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی و نیاز اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

۳. سازمانهای بین‌المللی

تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل متحد در راستای ایجاد نظم و قانون و هماهنگی در روابط میان دولتها و تنبیه متجاوزین از نظم قانونی صورت گرفت. از طرفی دیگر با توجه به پیشرفت تکنولوژی و گسترش ارتباطات بین‌المللی نیاز به سازمانهای هماهنگ کننده و فعالیت برون مرزی کشورها افزایش پیدا کرد و در نتیجه بعد از جنگ جهانی دوم، دنیا شاهد گسترش و تکثیر سازمانهای تخصصی در این زمینه بوده است. بطور کلی دو نوع سازمان بین‌المللی وجود دارد:

الف. سازمان‌های بین‌المللی که از اجتماع بیش از دو دولت برای هدف و مقصود خاصی تشکیل می‌شود؛

ب. سازمانهای بین‌المللی غیردولتی که از ایجاد ارتباط میان افراد یا گروههای مختلف اجتماعی متعلق به بیش از دو کشور به وجود می‌آید از قبیل شرکتهای چند ملیتی، احزاب سیاسی بین‌المللی و سازمان‌های مذهبی.

اصولاً هدف از حضور جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی به سه علت صورت می‌گیرد:

الف. اعلام مواضع جمهوری اسلامی و استفاده از تریبون این سازمان‌ها برای تشریح مواضع؛

ب. ایجاد ارتباط نزدیک و مستمر با دولتهای محروم و مستضعف جهان که با استفاده از فرصت و امکانات این سازمان‌ها می‌توان همبستگی بیشتری را در مبارزه با استکبار جهانی و ایجاد انزوای قدرتهای استعمارگر ایجاد نمود؛

ج. بهره‌برداری از امکانات تخصصی و حرفه‌ای سازمان‌های مزبور در حد یک عضو جامعه جهانی و جلوگیری از انزوای جمهوری اسلامی در صحنه سیاست و روابط بین‌الملل نیز ازجمله این خواسته‌ها بوده که می‌توان از طریق سازمان‌های بین‌المللی آن را برآورده کرد.

نهادهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در کشورهائی که دارای نظام سیاسی اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای می‌باشند گروهها، افراد و سازمانهای مختلف ذینفع و در عین حال غیررسمی در مسائل مربوط به اداره کشور و اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست داخلی و خارجی دخیل و موثر هستند.

در چنین نظامهایی معمولاً دو نوع ساختار تصمیم‌گیری مشاهده می‌شود. یکی ساختار رسمی تصمیم‌گیری که در قانون اساسی و قوانین جاریه کشور، سازمانها و مقامات تصمیم گیرنده را مشخص ساخته و حدود اختیارات آنها را نیز تعیین کرده است. دوم ساختار غیررسمی از قبیل افکار عمومی، احزاب سیاسی، مطبوعات و آنچه را که در اصطلاح سیاسی به گروههای ذی نفوذ و فشار معروف هستند و به خاطر منافع گروهی خود، نفوذ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که دارند به طرق مختلف در پروسه تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند و تصمیمات متخذه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز گروههای سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی وجود دارند که در اعمال سیاست‌های متخذه ارگانهای رسمی، ذی نفوذ بوده و عکس العمل نشان می‌دهند. از جمله می‌توان از بیوت آیات عظام، ائمه جمعه، مجمع روحانیون مبارزه، جامعه روحانیت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بازار، انجمن‌های اسلامی و نهادهای انقلابی و مطبوعات نام برد. البته در زمینه سیاست‌های داخلی نفوذ گروههای مذکور کاملاً مشهود است و تصمیم گیرندگان قانونی در اتخاذ تصمیمات خود نظرات آنها را مورد توجه قرار می‌دهند.

بر طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، جمهوری اسلامی دارای سیستم حکومتی بر پایه تفکیک قوا است. قوای مقننه، مجریه و قضائیه زیر نظر ولایت فقیه بوده ولی منفک از یکدیگر عمل می‌نمایند. طبیعی است که اصل تفکیک قوا در مسائل مربوط به روابط خارجی هم رعایت شده و مستثنی از آن نیست.

۱. مقام رهبری

مقام رهبری و یا ولایت امر که عالی‌ترین مقام در نظام جمهوری اسلامی است به طرق مختلف بر اساس اختیاراتی که به عنوان ولایت مطلقه فقیه دارد که از نظر قانونی محدودیتی نداشته و همان طور که در زمان حضرت امام خمینی(ره) اعمال می‌شد در هر کجا و در هر مورد که لازم تشخیص داده می‌شد اعمال و در زمینه های گوناگون من جمله سیاست خارجی اتخاذ تصمیم نمود، و تصمیمات معظم له لازم‌الاتباع می‌باشد.

از طرف دیگر بر اساس اختیاراتی که قانون اساسی منحصراً به ایشان تفویض کرده‌اند بخش مهمی از تصمیمات سیاست خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عهده رهبری می‌باشد که بر اساس اصل یکصد و ده اصلاحی به شرح ذیل می‌باشد:

الف. تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظارت بر حسن اجرای آن سیاست‌ها تردیدی نیست که بخش مهمی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی با توجه به اهداف نظام مربوط به سیاست کشور در قبال سایر دولتها و در روابط بین‌الملل می‌باشد؛

ب. رهبر به عنوان فرمانده کل قوا اختیار اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها را به پیشنهاد شورای عالی امنیت ملی دارد؛

ج. از طرف دیگر اختیاراتی که در نصب نمایندگان خود در شورای عالی امنیت ملی دارد در جهت‌گیری سیاست دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی که در ارتباط با سیاست خارجی، مخصوصاً در زمان جنگ است، نقش موثر و عمده‌ای را ایفاء می‌کند.

همچنین کلیه مصوبات شورای عالی امنیت ملی باید به تایید مقام رهبری برسد و شورای عالی امنیت ملی مسائل مهم مربوط به سیاست خارجی را مورد بحث و بررسی قرار داده و بعضاً اتخاذ تصمیم می‌نماید.[1]

۲. ریاست جمهوری

پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و بر اساس اصل ۱۱۳ مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط سه قوه و ریاست قوه مجریه را دارد. رئیس جمهور نیز در ساختار تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی، نقش مهمی را بر عهده دارد من جمله از طریق:

الف. تعیین وزیر امورخارجه که مجریای اصلی سیاست خارجی می باشد (اصل ۱۲۴_۱۳۳)؛

ب. امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس را راساً یا توسط نماینده قانونی خود (اصل ۱۲۵)؛

ج. انتخاب سفرای جمهوری اسلامی و امضای استوارنامه‌های ایشان و همچنین پذیرفتن استوارنامه سفیران کشورهای دیگر (اصل ۱۲۸).

۳. هیات دولت

سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی به صورت مصوبات و یا دستورالعمل‌های رهبری از طریق هیات‌وزیران و با توجه به مسئولیت‌های هر یک از وزارت‌خانه‌ها به مرحله اجراء در می‌آید. در برنامه‌ای که دولت در آغاز فعالیت خود به مجلس ارائه می‌دهد و همه ساله از طریق تدوین بودجه کلی کشور و ارائه برنامه‌های اجرایی که در پیاده کردن سیاست‌های داخلی و خارجی نقش دارد، نقش مهمی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی بر عهده دارد.

۱ـ همان.

خصوصاً با اهرمهایی که دولت در اختیار دارد می تواند جهت و شکل‌گیری سیاست خارجی را مشخص کند. به عنوان مثال با اعمال سیاست صادراتی خاص در زمینه فروش نفت، واردات کالاهای اساسی، تقویت قدرت نظامی کشور،... مستقیماً یا غیرمستقیم جهت و شکل سیاست خارجی را تعیین می‌کند. مخصوصاً با توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی هیات وزیران برای تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری اختیار دارد که به وضع و تصویب آئین‌نامه بپردازد. از طرف دیگر قوه مجریه می‌تواند در چارچوب سیاست‌های عمومی متخذه و مصوبات مجلس شورای اسلامی روابط خود را با دولتهای دیگر تنظیم نماید.

۳. مجلس شورای اسلامی

این نهاد که عالی‌ترین مقام قانون گذاری رسمی می‌باشد و در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی و با رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند (اصول ۱۷۱ و ۱۷۲). طبیعی است که در مسائل مربوط به سیاست خارجی نیز نقش اساسی دارد و تصمیم‌گیرنده است. مجلس شورای اسلامی به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم در تنظیم سیاست خارجی دخالت می‌کند. منظور از دخالت مستقیم اختیاراتی است که قانون اساسی صراحتاً در رابطه با سیاست خارجی به مجلس شورای اسلامی تفویض کرده است از جمله:

الف. بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید از تصویب مجلس بگذرد؛

ب. بر طبق اصل ۷۸ هرگونه تغییر جزیی در خطوط مرزی با رعایت مصالح کشور و باشرایط دو طرفه بودن و با توجه به استقلال و تمامیت ارضی کشور باید به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد؛

ج. طبق اصل ۱۳۹ ارجاع به داوری و هر گونه صلح دعاوی، مربوط به اموال عمومی و دولتی که طرف دعوی خارجی باشد باید به تصویب مجلس برسد؛

د. اصل ۸۰، دریافت و اعطای هر نوع وام و یا کمک بلاعوض خارجی را منوط به تصویب مجلس می‌کند؛

هـ اصل ۸۲ نیز استخدام کارشناسان خارجی آن هم در موارد ضروری و فقط در مسائل غیرنظامی بر عهده مجلس می‌گذارد.

همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند در تدوین و جهت‌گیری سیاست خارجی نقش فعال و موثری داشته و آن را از طریق ذیل کنترل نماید:

- با کاهش و افزایش و تصویب یا رد بودجه سالیانه دولت (اصل ۵۲)؛
- طرح سئوال و یا استیضاح و دادن رای اعتماد و یا رای عدم اعتماد به وزراء در رابطه با مسائل کشور از جمله مسائل مربوط به سیاست خارجی (اصول ۸۸ و ۹۸)؛
- تصویب طرحهای قانونی ارائه شده توسط نمایندگان مجلس (اصول ۷۴ و ۷۵).

۴. شورای عالی امنیت ملی

اصل ۱۷۶ اعلام می‌دارد که شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

الف. تعیین سیاست‌های دفاعی ـ امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری؛

ب. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی ـ امنیتی؛

ج. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

با توجه به حدود وظایف و اختیارات فوق ملاحظه می‌گردد که بخش عمده و مهمی از وظایف شورای عالی امنیت ملی حول محور روابط خارجی کشور دور می‌زند و در حقیقت می‌توان گفت شورای عالی امنیت ملی به عبارتی شورای عالی سیاست‌گذاری خارجی هم می‌باشد.

۵. شورای نگهبان

این شورا نیز با اختیاراتی که اصول ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در تایید نهایی مصوبات مجلس شورای اسلامی به آن داده، مسئولیت تلفیق قوانین مصوب مجلس را با قانون اساسی و شرع مقدس اسلام دارد و می‌تواند در کنترل سیاست خارجی به ویژه در جلوگیری از انحراف از اهداف تعیین شده در قانون اساسی نقش مهمی را بازی می‌کند.

به جزء نهادهای مذکور در قانون اساسی که دارای اختیارات قانون اساسی در زمینه اخذ تصمیمات و اجرای سیاست خارجی هستند نهادهای رسمی و غیررسمی دیگری نیز با توجه به مسئولیت‌های خود وجود دارند که در اعمال سیاست خارجی خصوصاً در بعد تبلیغاتی نقش ایفا می‌نمایند همانند صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی.

همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام که به عنوان بازوی مشورتی رهبری در تدوین سیاست‌های کلی نظام من جمله سیاست خارجی نقش پایه‌ای دارند.

۶. وزارت امور خارجه

همانطور که ملاحظه شد نه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و نه در قوانین و آئین‌نامه‌های مجلس شورای اسلامی از وزارت امورخارجه به عنوان مرجع تصمیم گیری و حتی اجرایی سیاست خارجی ذکری نشده است و اغلب این تصور در اذهان خطور می‌کند که مجری سیاست خارجی وزارت امورخارجه است در حالی که با توجه به اهرم‌های قدرت و اختیارات و مسئولیت‌هایی که هریک از نهادها و وزارت خانه‌ها با توجه به نوع مسئولیت خود دارند به سهم خود در اجرای سیاست خارجی دخالت دارند.

آنچه را که در حوزه مسئولیت وزارت امورخارجه قرار دارد و این مسئولیت دارای اهمیت زیادی است، امر کنترل، نظارت، ایجاد ارتباط و تامین نمایندگی‌ها و همچنین تهیه و جمع آوری اطلاعات برای تصمیم گیرندگان و مجریان سیاست خارجی می‌باشد. نقش اصلی وزارت امور خارجه در این است که مراقبت کند تا اهداف

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در چارچوب اصول قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی و هیات دولت به نحو احسن توسط سازمانهای مختلف به مرحله اجراء در آید.

با نگاهی به شرح وظایف وزارت امورخارجه مشاهده می شود که وظایف اساسی مزبور به روشنی عنوان شده است:

الف. توجه و مراقبت دائم درباره وقایع بین‌المللی و اوضاع داخلی کشورها و تهیه گزارش‌ها یا پیش نویس‌ها و اظهار نظر لازم برای استحضار دولت جمهوری اسلامی ایران؛

ب. بررسی، برقراری، حفظ و توسعه روابط خارجی دولت جمهوری اسلامی با سایر دول و سازمانهای بین‌المللی؛

ج. انجام مذاکره و مکاتبات با دول خارجی و سازمانهای بین‌المللی؛

د. اداره ماموریت‌های سیاسی و کنسولی وزارت امور خارجه و نظارت بر نمایندگی‌های بین‌المللی در کلیه زمینه‌ها؛

هـ. انجام تامین ارتباط بین ارگانهای مختلف دولت جمهوری اسلامی ایران با دول خارجی و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه کلیه مسائل.

همانطور که از مفاد مذکور استنباط می‌شود وزارت امور خارجه بیش از هر چیز نقش کنترلی و نظارت، هم آهنگی و جمع آوری اطلاعات در زمینه سیاست خارجی را بر عهده دارد. مخصوصاً با توجه به اهداف بسیار وسیع و گسترده‌ای که جمهوری اسلامی در ارتباط با صدور انقلاب و تماس با دولتها و سازمانهای بین‌المللی، نهضت‌های آزادی بخش، گروههای اجتماعی و حتی آحاد ملت دارد. وزارت مزبور باید شیوه‌های ارشادی هم آهنگی لازم را میان ارگانهای مختلف در زمینه سیاست خارجی به عمل آورد و با ارائه اطلاعات لازم به آنها و درک واقع بینانه از موقعیت هر یک از وزارت‌خانه‌ها در جهت پیش برد اهداف سیاست خارجی گامهای موثری بردارد.

عوامل موثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

عوامل بسیاری در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی کشورها تاثیر می‌گذارند. این عوامل عبارت است از: مساحت زمین، ماهیت مرزها، تعداد جمعیت، منابع طبیعی، پیشرفت اقتصادی و تکنولوژی، قدرت مالی، تجانس نژادی، ثبات سیاسی و روحیه ملی، ثروت و درآمدملی، کیفیت فرماندهی، نهادهای سیاسی، برخورداری از دوستی و احترام دیگر کشورها، خصوصیات اخلاقی و وحدت ملی.

بطور کلی عوامل یاد شده را می‌توان به دو دسته اساسی تقسیم کرد: برخی از این عوامل ثابت و پایدار بوده و درجه تاثیر آن‌ها قاطعیت بیشتری دارد که در این مورد می‌توان به عامل جغرافیا اشاره کرد. بعضی از عوامل نیز از ثبات و استمرار کمتری برخوردار بوده و درجه آنها متغیر است. بنابر این درجه تاثیر و ثبات و استمرار همه عوامل موثر بر سیاست خارجی یکسان نیست.

۱. موقعیت جغرافیایی

یکی از عوامل موثر در سیاست خارجی هر کشوری وضع جغرافیایی آن یعنی وسعت خاک، موقعیت یا محل کشور، آب و هوا، پستی و بلندی یا سرحدات است. برخی معتقدند که وضع جغرافیایی در واقع «تمام سیاست خارجی» یک کشور را تعیین می‌کند.

اصولاً درباره تاثیر موقعیت جغرافیایی کشور در سیاست خارجی دو نظریه وجود دارد یک نظریه بری، و یک نظریه بحری است.

از نظر تاریخی تا آغاز قرن ۱۶ میلادی موقعیت خشکی در ایجاد و شکل گیری قدرتهای بزرگ برجسته‌تر بود و لذا بیشتر قدرتهای بزرگ جهان، قدرتهای خشکی بودند. در این مورد می‌توان از امپراطوری هخامنشیان، ساسانیان، رومیها، عثمانی و روسیه نام برد.

از قرن ۱۶ به بعد بیشتر بر نقش و موقعیت دریایی کشورها تاکید شد. مانند موقعیت دریایی و جغرافیایی کشورهائی مانند اسپانیا، پرتقال، هلند، انگلستان و فرانسه که این

وضعیت باعث شد این کشورها به قدرت جهانی و استعماری تبدیل گردند.

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی در محلی واقع شده که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم وصل می کند و به علت جغرافیایی، ایران از دیر باز محل ارتباط شرق و غرب بوده است. گراهام فولر می‌گوید ایران به علت وضعیت خاص جغرافیایی مرکز جهان است[1].

موقعیت جغرافیایی ایران سبب شده تا این کشور به عنوان یک کشور بین‌المللی شناخته شود. موقعیت جغرافیایی ایران ایجاب می‌کند تا با بسیاری از قدرتهای بزرگ در ارتباط باشد. به عبارت دیگر ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود در تلاقی با قدرتهای بزرگ قرار دارد. لذا در هر گونه رفتار آن در سیاست خارجی، با منافع قدرتهای بزرگ ارتباط پیدا می‌کند.

نگاهی به تاریخ ایران نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی آن سبب شده تا قدرتهای بزرگ مانند یونانی‌ها، رومی‌ها، انگلیسی‌ها، روس‌ها و آمریکایی‌ها برای آن اهمیت بسیار قائل باشند. سرزمین ایران یا گذرگاهی بوده برای دستیابی اسکندر مقدونی به آسیا یا کاروانسرایی بوده برای اطراق کاروان‌های ابریشم و یا حجره‌ای برای تجارت پرتقالی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها.

انگلیسی‌ها برای تامین امنیت مرزهای هند در ایران نفوذ کرده و روسها برای رسیدن به آبهای گرم ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند. به ترتیب موقعیت جغرافیایی ایران برای قدرتهای بزرگ به صورت گذرگاه نظامی، بازرگانی، راه دستیابی به آبهای گرم و پل پیروزی در دو جنگ جهانی تبلور یافته است.

اگر در چارچوب نظریه‌های بری و بحری موقعیت جغرافیایی ایران بررسی شود مشاهده می‌گردد که ایران از آغاز تاریخ خود همواره از سوی قدرتهای بری در معرض تهدید و فشار بوده است. حملات مغولها، ازبکها، ترکمنها، روسیه تزاری و اتحاد شوروی سابق موید این دیدگاه است. از آغاز قرن ۱۶ میلادی با حضور کشورهای

۱ـ گراهم فولر، «قبله عالم»، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

اروپایی در خلیج فارس مانند پرتقال، هلند، انگلستان و ایالات متحده، ایران از سوی قدرتهای بحری نیز مورد فشار و تهدید قرار گرفته است و اشغال بعضی از جزایر و بنادر و سرزمین‌های جنوبی ایران از سوی این کشورها بیانگر این مسئله است.

با وجود اینکه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی گفته شد موقعیت ژئوپولتیکی ایران کم رنگ شده است، اما بعد از حوداث ۱۱ سپتامبر بار دیگر اهمیت خود را بازیافت و موقعیت ایران در اوراسیا اهمیت ژئوپولتیکی آن را افزایش داده است.

از سوی دیگر ایران از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای واقع شده که دو حوزه انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر (بیضی انرژی) را به هم وصل می‌کند و این خود اهمیت ایران را از نظر ژئوپولتیک و ژئواکونومیک بسیار مهم نموده است.

۲. دسترسی به دریا

در نظریه‌های بحری به نقش دریا در سیاست خارجی کشورها اهمیت بسیار داده شده است. همانطور که گفته شد آلفردماهان نظریه‌پرداز معروف آمریکایی با بررسی وضعیت انگلستان به این نتیجه رسید که این کشور به علت اینکه جزیره بوده، از ابتدا سعی در تشکیل نیروی دریایی داشته و از این طریق توانسته بر قسمت‌های عمده جهان مسلط شود.

دسترسی به دریا برای کشورها امکانات مختلفی از قبیل ایجاد نیروی دریایی، استفاده از منابع نفت و گاز، همچنین برقراری آسان و ارزان ارتباط و حمل و نقل با سایر نقاط جهان را فراهم می‌کند. بعضی از کشورها به علت محصور ماندن در خشکی از تمام این امکانات محروم هستند و برای برقراری ارتباط با سایر کشورها با مشکلات بسیاری رو به رو می‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران به سه دریای خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر دسترسی دارد. دسترسی ایران به خلیج فارس یک موقعیت ژئواستراتژیکی حساسی به آن بخشیده است. ایران تمام نفت خود را از خلیج فارس و تنگه هرمز صادر می‌کند و حدود ۸۰ درصد تجارت خارجی ایران از این راه صورت می‌گیرد.

همچنین ایران به علت برخورداری از سواحل طولانی در خلیج فارس قادر است نقش عمده در تحولات این منطقه ایفا نماید. چرا که ایران دارای ۱۲۷۵ کیلومتر ساحل در خلیج فارس بوده که این خود امکانات بالقوه‌ای را برای ایران ایجاد نموده است.

همچنین ایران با دسترسی به دریای عمان (۶۵۰ کیلومتر خط ساحلی) با اقیانوس هند مرتبط است بطوری که امنیت ایران فراتر از خلیج فارس بوده و اقیانوس هند را نیز در بر می‌گیرد.

در شمال نیز ایران با ۶۷۵ کیلومتر خط ساحلی به دریای خزر دسترسی دارد. در دهه ۱۹۶۰ میلادی اهمیت ارتباطی این دریا برای ایران بیشتر شد. زیرا با برقراری ارتباط این دریا با دریای بالتیک از طریق کانال ولگا ـ دن ایران توانست مستقیماً با کشورهای شمال اروپا ارتباط برقرار نماید.[۱]

۳. وسعت کشور

وسعت یک کشور نیز می‌تواند در سیاست خارجی، آن تاثیرگذار باشد. وسعت بیشتر جمعیت بیشتری را در خود جای می‌دهد، موجب تنوع آب و هوا، تولیدات کشاورزی، پوشش گیاهی و وفور منابع زیر زمینی می‌گردد. وسعت زیاد همچنین عمق ژئوپولتیکی ایجاد کرده و می‌تواند در هنگام جنگ امکان عقب نشینی نیروهای نظامی را فراهم کرده و موجب انتقال صنایع مهم و حساس به مناطق دور دست را فراهم آورد.

فردریک راتزل (۱۹۰۴ـ۱۸۴۴) معتقد است هر چه وسعت کشوری بیشتر باشد قدرت آن بیشتر است. به نظر وی کشورها مانند یک موجود زنده رشد می‌کنند و رشد و تکامل آنها مستلزم توسعه ارضی است. به اعتقاد وی کشورهای کوچک محکوم به فنا هستند.[۲]

۱ـ اصغر جعفری ولدانی، «روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی»، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲ـ [illegible] ۱۳۸۱

عامل وسعت در سیاست خارجی ایران نقش برجسته‌ای ایفاء کرده است. ایران در مقاطعی از تاریخ که وسعت زیاد داشته تاثیرگذاری آن در روابط بین‌الملل نیز زیاد بوده است. از آن زمان به بعد وسعت ایران کاهش یافته و به موازات آن از تأثیری گذاری آن در روابط بین‌الملل نیز کاسته شده و بیشتر تأثیرپذیر گردیده است.

ایران با وسعتی معادل ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع از گسترش قابل توجهی در مقایسه با کشورهای همسایه برخوردار است وسعت ایران به غیر عربستان سعودی از بقیه کشورهای خاورمیانه بزرگتر است. وسعت کشور در موارد متعددی موجب شده تا یک نقش منطقه‌ای را ایفا نماید.

از نظر اقتصادی وسعت زیاد موجب شده که ایران از تنوع آب و هوایی برخوردار باشد و در مناطق مختلف آن انواع محصولات کشاورزی اعم از سردسیری و گرمسیری تولید می‌شود. وسعت زیاد همچنین موجب شده تا ایران از منابع معدنی قابل ملاحظه‌ای بهره مند شود. وسعت زیاد ایران موجب شده تا مناطق مختلف آن فاقد رشد متوازن باشند.

به عبارت دیگر سرمایه گذاری‌های انجام شده در مناطق خاصی از کشور متمرکز بوده و این امر به پیدایش مناطق محروم منجر گردیده است. مناطق محروم نیز که معمولاً در مناطق مرزی قرار گرفته‌اند، ضریب امنیتی ملی را کاهش می‌دهد و بعضاً زمینه دخالت کشورهای دیگر و یا تحریکات آنها را فراهم می‌آورد.

۴. جمعیت و نیروی انسانی

یکی دیگر از عوامل موثر در سیاست خارجی کشورها جمعیت است. برخی از نظریه پردازان توسعه اقتصادی، رشد جمعیت را موتور توسعه نامیده‌اند. کشورهای صنعتی در دوران انقلاب صنعتی رشد جمعیت را تشویق می‌کردند. زیرا با افزایش کارخانجات و واحدهای تولیدی آنها نیاز به نیروی کار ارزان داشتند. با افزایش تولید، نیاز به بازار مصرف مطرح شد و لذا افزایش جمعیت برای مصرف کالاهای تولیدی ضروری به نظر می‌رسید.

البته جمعیت زیاد و بی تناسب از عوامل منفی به شمار می‌رود. بنابر این اگرچه در گذشته سنجش قدرت ملی یک کشور برا اساس کمیت بود، اما اکنون با توجه به رشد تکنولوژی و افزایش مهارت‌های انسانی، کیفیت جمعیت بر کمیت آن برتری دارد.

ایران، از جمله کشورهای است که در دو دهه گذشته رشد جمعیت بالایی داشته است. جمعیت ایران از ۷/۶ میلیون نفر در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی به ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی رسیده است[1].

رشد جمعیت در ایران می‌تواند در صورت استفاده بهینه عاملی باشد برای آبادی کشور، به زیر کشت بردن زمین‌ها، گسترش مراتع و جنگلها، مهار آبها، پس راندن کویرها، بهره برداری از منابع معدنی، ایجاد صنایع سنگین و کلیدی، گسترش آموزش علوم و فنون و در نهایت توسعه اقتصادی و از نظر نظامی موجب تشکیل یک ارتش ۲۰ میلیونی (بر اساس رهنمودهای امام راحل) گردد.

۵. کشاورزی

وجود جنگلها و مراتع وسیع، آب فراوان و اراضی مناسب برای کشاورزی مزیت بزرگی برای کشورها به شمار می‌رود. مهمترین منابع تولید چوب، کاغذ و مقوا هستند و با توجه به افزایش مصرف کاغذ در جهان اهمیت جنگلها بیشتر احساس می‌شود.

چنانچه کشوری از نظر محصولات غذایی وابسته باشد، آسیب پذیری آن زیاد خواهد بود. به هر حال بی‌نیازی از واردات مواد غذایی و یا کمبود آن یک عامل نسبتاً ثابت در قدرت ملی است و کشورها بسته به نیاز یا بی نیازی به مواد غذایی در صحنه بین‌المللی نقش ایفا می‌کنند. وابستگی به مواد غذایی سبب می‌شود که کشورها نتوانند سیاست خارجی فعالی را دنبال کنند بطوری که اهمیت مواد غذایی از نفت بیشتر شده و از آن به عنوان کالای استراتژیک نام برده می‌شود.

در ایران از حدود ۱۶۵ میلیون هکتار مساحت کل کشور حدود ۵۱ میلیون هکتار (۳۱ درصد) قابل استفاده برای کشاورزی است و بقیه ۱۱۴ میلیون هکتار (۶۹ درصد)

1-http://www.Mporg.ir

اراضی غیرقابل کشت می‌باشد.

از ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل استفاده ۱۶ تا ۱۷ میلیون هکتار آن زیر کشت، ۱۰ میلیون آن مرتع و ۱۹ میلیون هکتار جنگل و اراضی زیر پوشش گیاهی است و در شرایط کنونی تنها ۱۳ میلیون هکتار از زمین موزد بهره‌برداری قرار می‌گیرد[1].

اگرچه ایران از نظر زمین کشاورزی غنی نمی‌باشد، با اینحال رقم ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل کشت برابر تمام تمام خاک فرانسه یعنی بزرگترین کشور اروپایی است. در صورت بهره برداری صحیح از منابع آب و بکارگیری تکنولوژی مناسب مسلماً نه تنها برای تامین مواد غذایی کل جمعیت ایران کفایت خواهد کرد، بلکه امکان تولید مازاد برای صادارات را نیز فراهم می‌کند.

۶. آب

امروزه آب در مناسبات بین کشورها منطقه یک عامل استراتژیک به شمار می‌رود. برخی برای آینده آب، ارزش و اهمیتی به مراتب بیشتر از نفت قائل می‌شوند. اکنون سرمایه گذاری بر روی آب و عملاً مدیریت و بهره گیری بهینه از آن در بسیاری از کشورها جهان بخشی از اصول سیاست آنها را تشکیل می‌دهد. برخی صاحبنظران قرن ۲۱ را قرن آب نامیده‌اند.

سیاست‌های آبی ایران از دو جنبه می‌توان بررسی کرد از نظر خارجی بیشتر مرزهای ایران با کشورهای همسایه آبی است. هیرمند با افغانستان، اترک با ترکمنستان، ارس با جمهوری آذربایجان و ارمنستان و اروندرود با عراق، ایران با برخی از این کشورها در مورد استفاده از آب رودخانه‌ها برای شرب و کشاورزی درگیری و اختلاف داشته است.

ایران به دلیل قرار گرفتن در کمربند بیابانی، یکی از مناطق خشک خاورمیانه است. متوسط بارندگی سالانه در ایران حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر و یا به عبارتی کمتر از یک سوم متوسط باران سالانه کره زمین (۸۶۰ میلیمتر) است.

مشکل کمبود آب در ایران با عدم تناسب زمانی و مکانی بارش تشدید می‌شود. بیشترین مقدار باران نیز در زمستان و اوایل بهار که هنگام کشت نیست، می‌بارد[1].

با این حال در صورت مهار و استفاده مطلوب و موثر آب، ایران از این نظر دچار مشکل نخواهد شد.

۷. منابع معدنی

توانایی و قدرت یک کشور به میزان قابل توجهی به منابع معدنی آن بستگی دارد. تجهیز و بهره برداری صحیح از منابع معدنی موجود از معیارهای عمده قدرت ملی یک کشور به شمار می‌رود. هر اندازه دولتی از منابع و امکانات بیشتری برخوردار باشد نقش آن در روند تحولات منطقه‌ای بیشتر است.

ایران از نظر منابع معدنی کشور ثروتمندی به شمار می‌رود این مسئله موجب شده تا به عنوان یک کشور قدرتمند منطقه‌ای مطرح شود. ایران از نظر معادن ساختمانی مانند آهک، خاک رس، گچ و ماسه بسیار غنی است این مسئله کشور را در اجرای پروژه‌های زیر بنایی مانند ساختمان سازی، ایجاد تاسیسات زیر ساختی، کارخانه ها، سدها، راه و بنادر یاری کرده و آن را بی نیاز از کشورهای دیگر می‌نماید.

فراوانی این گونه مواد معدنی در ایران از عوامل مناسب در توسعه اقتصادی کشور و افزایش قدرت ملی آن بشمار می‌رود.

همچنین وجود معادن اولیه شیمیایی مانند فسفات، نیترات، نمک و گوگرد با توجه به پیشرفت‌های به دست آمده در صنایع شیمیایی و پتروشیمی و اهمیت این صنایع، امکانات بالقوه مناسبی برای کشور است. زیرا پاسخ به نیازهای صنعتی، کشاورزی، دارویی و تأمین بخش مهمی از کالاهای ضروری و اساسی از طریق صنایع شیمیایی و پتروشیمی امکان‌پذیر است. وجود چنین معادنی در کنار منابع عظیم نفت و گاز طبیعی بیانگر امکانات گسترده‌ای که ایران برای توسعه صنعتی و کشاورزی در داخل و نقش‌آفرینی در خارج در اختیار دارد.

۱ـ ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، تهران نشر نی، سال ۱۳۶۷.

۸. نفت

نفت از زمان جنگ جهانی اول به عنوان یک منبع انرژی از نظر صنعتی و جنگی اهمیت روزافزونی یافته است. سوخت خودروهای جنگی و کشتی‌ها از نفت تامین می‌گردد. بنابر این کشورهای که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز هستند در امور بین‌الملل صاحب نفوذ شده‌اند.

نیاز به نفت به عنوان یک ماده خام ضروری، دگرگونی‌های را در میزان قدرت دولتهای بزرگ ایجاد کرده است. در حوزه خلیج فارس ذخایر عظیمی از نفت وجود دارد، کنترل این ذخایر از نظر سنتی عامل مهمی در توزیع قدرت بوده است و هر کشوری که بتواند این ذخایر را کنترل کند و رقبایش را از آن محروم نماید بر قدرت خود افزوده است.

بسیاری از تولیدکننده نفت، تنها به وسیله همین ماده ارزشمند به عنوان دولت شناخته شده و یک شبه به مناطق مهم و حتی قدرتمندی در سیاست جهانی تبدیل شده‌اند.

قدرتی که نفت ایجاد می‌کند بسیار زیاد است. هنگامی که کشورهای صادر کننده نفت، قادر به همکاری و هماهنگ کردن سیاست های خود باشند، قادرند خواسته‌ها خود را بر کشورهای مصرف‌کننده تحمیل نمایند. دولتی که در همه ابعاد دیگر فاقد قدرت است و از نظر مفهوم سنتی قدرت، نیروی محسوب نمی‌شود می‌تواند قدرتی عظیم و حتی در بعضی شرایط قدرت تعیین کننده را بر دولتهایی اعمال کند که دارای همه عوامل قدرت به جزء ذخایر نفتی هستند.

ایران با داشتن ۱۳۲ میلیارد بشکه نفت خام به عنوان چهارمین کشور دارای این ماده مهم شناخته شده است. نفت نه تنها یک منبع درآمد ارزی برای کشور بوده بلکه در توسعه صنعتی و کشاورزی نقش اساسی داشته و موجب افزایش قدرت ملی گردیده است[1].

از آغاز کشف نفت در ایران در سال ۱۹۰۸ میلادی ایران جذبه فوق‌العاده‌ای برای قدرتهای بزرگ داشته و به همین دلیل نقش نفت در روابط خارجی ایران بسیار برجسته است. اغراق نیست اگر گفته شود از زمان صدور نفت ایران در سال ۱۹۱۳ میلادی تا انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی روابط خارجی ایران روابط نفتی بوده است. بر همین اساس اکثر موضوعات مربوط به روابط خارجی ایران در این دوره به مسائل مربوط به نفت اختصاص داشته است. از سوی دیگر نفت مهمترین عامل اجرای یک سیاست منطقه‌ای از سوی ایران بوده است. افزایش بهای نفت طی سالهای ۷۳ــ۱۹۷۰ میلادی به ایران امکان داد تا به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده و سیاست فعالی را در منطقه و حتی فراتر از آن در اقیانوس هند و شاخ افریقا در پیش گیرد.

۹. گاز

گاز طبیعی به عنوان سوخت مناسب و ماده اولیه صنایع پتروشیمی اهمیت استراتژیک یافته است. صنایع پتروشیمی طیف وسیع و گسترده‌ای از کالاهای مصرفی و اساسی را تولید می‌کند. با وجود اینکه صدور گاز مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان در ایجاد تاسیسات و حمل آن به صورت مایع و یا ایجاد خطوط لوله است، بتدریج سرمایه گذاری در این زمینه گسترش می‌یابد. زیرا با اهمیت یابی مساله محیط زیست در دوران معاصر، گاز به عنوان یک سوخت تمیز مورد توجه قرار گرفته است.

ایران با داشتن ۲۴ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی دومین کشور بعد از روسیه می‌باشد. وجود چنین ذخایر عظیمی امکانات مناسبی را برای توسعه اقتصادی کشور فراهم می‌کند. علاوه بر آن صادرات گاز و فرآورده‌های پتروشیمی می‌توانند یکی از منابع کسب درآمد ارزی برای ایران باشد. بنابر این گاز به مثابه مهمترین اهرم توسعه صنعتی ایران به حساب می‌آید[1].

گاز طبیعی نقش قابل توجهی در روابط خارجی ایران نداشته و پیش‌بینی می‌گردد که گاز در آینده در روابط خارجی ایران نقش مهمتری ایفا نماید. زیرا مصرف گاز در

1 -http://www.bp.com/gas

جهان رو به افزایش است. از سوی دیگر با کشف ذخایر عظیم گاز در پارس جنوبی بر اهمیت ایران افزوده شده است.

۱۰. عوامل غیر ملموس

عوامل ناملموس شامل عواملی مانند باورها، اعتقادات، ایدئولوژی، دین و مذهب، اطلاعات و ارتباطات بوده که در قدرت یک کشور موثر می‌باشد.

۱۱. تکنولوژی‌های جدید

هر کشوری با داشتن تکنولوژی‌های جدید و سطح بالا مانند ماهواره، کامپیوتر، اینترنت و فن آوریهای هسته‌ای و ژنتیکی قابلیت اعمال قدرت در سطح جهانی را خواهد داشت.

سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی (ره)

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده، سیاسی پویا و رویدادی عمده در نظام بین‌المللی توانست تغییر، تحول و دگرگونی عظیمی در کارکرد نظام بین‌الملل به وجود آورد. بدین معنا که موجبات تحولات محیطی نظام بین‌الملل از دوران تنش زدایی اول به جنگ سرد دوم را فراهم آورد، روابط متقابل شرق و غرب را به رقابت و تنش و در عین همکاری بدل سازد، جایگاه جهان سوم را در نظام دو قطبی منعطف به ویژه از رهگذر افزایش حیثیت جنبش عدم تعهد ـ ارتقاء بخشد و به مقابله با سلطه‌جویی و هژمونی طلبی دولت متروپل و مخالفت با ساختار دو قطبی برخیزد.

انقلاب اسلامی ایران با ارائه نظریه نه شرقی ـ نه غربی و ایدئولوژی پویا و مبتنی بر اصول ارزشی اسلام، بافت سیاسی جهان را از تقابل ایدئولوژیک کمونیسم ـ کاپیتالیسم بر تقابل مادی‌گرایی ـ معنویت گرایی تغییر داد و حیثیت سیاسی کشورهای متروپل را نزد دولت‌های اقماری کاهش داد، استراتژی نظامی ـ امنیتی امریکا را که در منطقه خلیج‌فارس براساس دکترین نیکسون استوار بود دستخوش تغییرات عمده

ساخت و حلقه سنتو را که در راستای استراتژی دفاع پیرامونی و سیاست سد نفوذ تحقق یافته بود درهم فروریخت.

تحولات جهانی و منطقه‌ای مزبور به گونه‌ای بود که موجد تحولات کارکردی عمده در نظام بین‌الملل گردید و محیط‌های روانشناختی و عملیاتی را دچار دگرگونی قابل توجهی ساخت.

امام خمینی(ره)، به عنوان ایدئولوگ، فرمانده و معمار انقلاب اسلامی، تبیین کننده آموزه‌ها و راهکارهای حکومت اسلامی در عرصه درونی و بیرونی به شمار می‌آید. ایشان به عنوان بنیانگذار نظام متکی بر نقش حمایتگر قاطبه مردم از حکومت، به پویش سیاست خارجی در سیاست داخلی می‌نگریستند.

در واقع در اندیشه امام خمینی(ره)، سیاست خارجی نه به معنای سیاست کشور اسلامی در قبال کشورهای بیگانه که به معنای سیاست بیرونی ام القری در قبال کشورهای واقع در فراسوی مرزهای نظام اسلامی است که به عنوان فراگردی واسط بین سیاست داخلی و سیاست جهانی، تاثیر پذیری و تاثیرگذاری دوجانبه در رابطه با آن دو دارد. البته راهکارهای دیپلماتیک بر اساس قواعد وسع و تدرج یعنی مرحله‌بندی نیل به هدف، بر اساس توانایی شکل می‌گیرد و در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و حقوقی قابل بازشناسی می‌باشد.

بنیادهای نظری اندیشه امام خمینی (ره) در سیاست خارجی

در رابطه با اصول نظری سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره) می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ساختار نظام بین الملل

الف . ساختار موجود

در ساختار نظام بین‌الملل امام خمینی(ره) در ابتدا به تشریح نظام دو قطبی که متشکل از دو ایدئولوژی سرمایه‌داری وکمونیسم است پرداخته و با طرد این دو ایدئولوژی و وابستگی ساختاری کشورهای اقماری به ابر قدرتهای متروپل آنها را

محکوم کرده و آن را ساختاری نامناسب می‌داند که نتیجه‌ای جزء چپاول ثروت‌های ملل مستضعف از سوی قدرتهای استکباری ندارد[۱].

همچنین ایشان با تقسیم بندی دوگانه از کشورها به دولتهای مستکبر و مستضعف، به نفی نظام سلسله مراتبی مبتنی بر سلطه‌جویی قدرتهای بزرگ بر کشورهای ضعیف می‌پردازند.[۲]

امام خمینی (ره) در خصوص خصومت و دشمنی این دو بلوک اعتقاد دارند که این رقابت بر سر ثروت‌ها و منافع ممالک مستضعف است و با توجه به اینکه در چنین نظامی ابر قدرتها خود را در چپاول منابع و معادن ملل مستضعف ذی‌حق می‌دانند بطوری که که گاه برای غارت این ثروت‌های طبیعی با هم تبانی و گاه رقابت و منازعه می‌کنند. همچنین ایشان معتقد هستند که این سیستم رقابتی به ضرر کشورهای مستضعف بوده و باعث وابستگی کشورهای ضعیف به نظام سلطه می‌گردد. امپریالیست‌ها، چه شرق و چه غرب جهت به دست آوردن منافع خود در کشورهای مستضعف مداخله و نفوذ می‌نمایند [۳].

از دیدگاه ایشان قدرتهای استکباری با خرید نفت کشورهای اسلامی و فروختن کالای مصرفی و لوکس آنها را استثمار اقتصادی می‌نمایند[۴].

امام خمینی(ره) معتقد است که ابر قدرتها عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه

۱ـ ما با کمونیسم بین‌الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهان خواران غرب به سرکردگی آمریکا، صحیفه نور جلد ۴.

۲ـ محمدرضا دهشیری، «درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹.

۳ـ ما با مبارزه قدرتمندانه خود با استعمارگران غربی به سرکردگی آمریکا و صهیونیزم و اسرائیل، مخالفت خود را با کمونیسم جهانی اعلام می‌نمایم، پیام نوروزی حضرت امام (ره) سال ۱۳۵۹.

۴ـ بازارهای کشورهای اسلامی مرکز فروش کالاهای غربی و شرقی شده است و سیل کالاهای مبتذل و اسباب لهو و لعب و وسایل مصرفی متوجه آنها شده است، سخنان امام راحل در جمع کارکنان

سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد، این ابر قدرتها خود را در تجاوز به منافع و حقوق دیگران ذی‌حق دانسته و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری توجیه شده تلقی می‌نمایند و در بخش قرنطینه سیاسی، آنان برای کشورهای ضعیف هیچگونه حق حیات و اظهارنظری قائل نبوده و آنان را به عنوان اقمار و کشورهای وابسته و تحت قیمومیت خود قلمداد می‌کنند.

با استفاده از این حربه، نظام مستشاری و تحت‌الحمایگی را بر این دسته از کشورها تحمیل کرده و حتی گاه به خود جرات داده و به انضمام و الحاق این کشورها یا بخشهائی از آن به خاک خود اقدام می‌نمایند.

در این نظام سلطه با توجه به تبانی دو ابر قدرت غرب و شرق برای چپاول و تغذیه از خون آنان، آنها به تقسیم جهان به مناطق نفوذ اهتمام ورزیده و برای جلوگیری از تصادم و برخورد بین خود جهان را به دو قسمت تقسیم نموده‌اند.

امام خمینی(ره) معتقد است که کشورهای سلطه‌گر برای تثبیت برتری خود بر کشورهای ضعیف سعی در عقب نگه داشتن آنها نموده و آنها تلاش می‌کنند این کشورها را از هر نظر به خود وابسته نمایند[1].

ب. نظام مطلوب

امام خمینی (ره) بعد از تشریح نظام بین الملل موجود به نظام مطلوب پرداخته و شاخص‌های آن را ذکر می‌کنند.

ایشان بر حفظ صلح جهانی، ایجاد امنیت و عدالت در سرتاسر جهان از طریق همکاری متقابل تاکید داشته و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها بر مبنای احترام به عقاید

۱ـ دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ و پیشرفته دارند و استعمار و استعمارگر نیستند بفرستند و از فرستادن به آمریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر انشاالله روزی برسد که این دو ابر قدرت به اشتباه خود پی برده و در مسیر انسانیت و انسان دوستی واقع شوند ـ وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره).

یکدیگر و پایبندی به قراردادها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می‌دانستند. چرا که التزام ملت‌ها به رعایت قواعد و نهادهای مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند از هر نوع جنگ و ستیز بین دولتها کاسته و سوء تفاهمات را می‌توان از طریق گفتگو مرتفع کرد[1].

البته ایشان لازمه این امر را بستر سازی مناسب در نظام بین‌الملل دانسته که از بین رفتن نظام سلطه غرب و شرق، توجه به ارزش‌های انسانی، ایجاد نظام عدل و قسط در سراسر جهان و از بین بردن فقر می‌دانستند.

امام خمینی (ره) معتقد بودند که اسلام اصل را بر صلح طلبی قرار داده اما تحقق این مهم در صورتی امکان‌پذیر می‌باشد که خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی سلطه طلبان و زورگویان سرکوب شده تا جهان در صلح و آرامش به سر برد[2].

بر این اساس ایشان در ابتدا اصلاح نظام بین‌الملل را مطرح نموده تا بعد از آن زمینه برای تحقق حکومت جهانی آماده گردد.

۲. جهان مستضعفین

مستضعفین در دیدگاه سیاسی حضرت امام خمینی(ره) جایگاه ویژه‌ای داشته و ایشان به منظور ترویج اندیشه آزادی و حرمت انسان در کل گیتی، حمایت مادی و معنوی از نهضت‌های آزادی بخش و جنبش مستضعفان را در مناطق مختلف جهان وجهه همت خود قرار داده و وظیفه نظام اسلامی می‌دانستند که برای نجات ملل تحت ستم و مستضعف تلاش کنند تا از این رهگذر بسیج انقلابی هسته‌های مقاومت در تمامی جهان به وجود آید تا قدرتهای استکباری سرنگون گردند[3].

۱ـ آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است ـ صحیفه نور جلد ۱۸.

۲ـ تمام این نزاعها که در عالم واقع می شود تمام اینها از همین سرکشی نفس است ـ صحیفه نور جلد ۲۰.

۳ـ ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم زیرا اسلام پشتیبان تمام مستضعفین جهان است ـ صحیفه نور جلد ۱۲.

ایشان اعتقاد داشتند بین مستکبرین و مستضعفین از ابتدای خلقت نبردی دائمی وجود داشته که این نزاع به اشکال گوناگون بوده است. ایشان همیشه در سخنرانی‌های خود تذکر می‌دادند که آمریکا دشمن شماره یک ملتهای مستضعف بوده و لذا این دولت را شیطان بزرگ خواندند. دلیل این نام گذاری داشتن کینه از آمریکا نبود، بلکه به علت سیاست سلطه‌طلبانه آمریکا علیه کشورهای مستضعف به خصوص کشورهای اسلامی بود. چرا که دولت ایالات متحده باعث بسیاری از مشکلات و مسائل ملتهای مستضعف و دولتهای آنان بوده است.

امام خمینی (ره) بطور مکرر به مستضعفین جهان در خصوص تسلط استکبار هشدار داده و از آنها می‌خواستند با تمام امکانات و قوا به مقابله با زورگویان برخیزند[۱].

۳. جهان اسلام

امام خمینی (ره) ضمن تاکید بر نزدیکی بین امت اسلامی آنان را از تمایزات قومی و تشتت‌های فرقه‌ای بر حذر داشته و ملل اسلامی را به «اعتصام به حبل الله» تاکید بر وحدت کلمه در وحدت مقصد، حفظ پیوند اخوت، انسجام براساس کلمه توحید، ارتقاء همبستگی درونی و پرهیز از تفرقه دعوت می‌کردند.

از دیدگاه ایشان ام القری باید الگوی عملی موفق ارائه نموده تا سایر کشورهای اسلامی به آن اقتدا نمایند. در رابطه با بنای حکومت اسلامی در یک کشور امام(ره) ضمن توصیه به تقویت و استحکام داخلی نظام حکومتی ام القری از طریق خود کفایی و خود اتکایی، عامل موفقیت آن را استقلال رأی و تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی قلمداد می‌نمایند[۲].

۱ـ تمام ادیان الهی از بین توده‌ها برخاسته است و با کمک مستضعفین بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین در طول تاریخ به کمک انبیاء برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده اند. نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت، مستکبرین یا فرار کردند یا در منازل خود نشستند ـ صحیفه نور جلد ۶.

۲ـ به ملت های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرند و حکومتهای جائر خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاورند. با تمام قدرت بر جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان حکومتهای وابسته به شرق و غرب است ـ وصیت نامه سیاسی و الهی امام راحل.

ایشان مشکلات جهان اسلام را به شرح ذیل اعلام نمودند:

• قدرتهای استکباری که طی یکصد سال اخیر بر کشورهای اسلامی مسلط شده و آنها را از هر گونه رشد و پیشرفتی باز داشته‌اند؛

• حکام سرسپرده که به قدرتهای سلطه جو متکی بوده و به عنوان عامل این قدرتها عمل می‌نمایند این حکام به ثروت اندوزی و وابسته کردن کشور خود به بیگانگان اقدام کرده‌اند؛

• عدم انسجام امت اسلامی و وجود افتراق و تفرقه در اجتماع مسلمانان؛

• عدم خود باوری در جهان اسلام به تواناییهای مسلمانان؛

• عدم تکیه بر ظرفیت‌ها و توانایی‌ها[1] ؛

• دوری از قرآن و به فراموشی سپردن آن.

۴. منازعه واقعی، جنگ استکبار و استضعاف

واژه استکبار از مصدر استکبر است یعنی از روی عناد حق را نپذیرفتن و لغت استضعاف از مصدر استضعف است یعنی کسی که ضعیف شمرد، او را ضعیف یافت، سپس با سوءنیت بر او سلطه، یافت معنی می‌دهد.

استکبار به معنی تجاوز یک نفر یا گروهی یا کشوری یا مجموعه کشورهایی بر دیگران است، به دلیل اینکه مستکبر شرایط مساعدی مانند اقتصاد، نیروی نظامی یا علمی قوی دارد و تمام تواناییها و دلایل توجیه تجاوز مستقیم و یا غیر مستقیم خود را مهیا می‌سازد. استضعاف، روی دیگر سکه است بدین صورت که طرف قدرتمند، تمام قدرت و نفوذ طرف ضعیف را از بین برده و تا زمانی که مستضعفین به پا نخیزند و بر حرص و طمع مستکبران نقطه پایان نگذارند. تحت یوغ مستکبرین خواهند بود و سرنوشت آنان مورد تهدید دائمی خواهد بود.

۱ـ وصیت من به تمام کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشند که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلامی است کمک کند خود باید به این امر حیاتی

امام خمینی (ره) بر استکبار جهانی که امروزه در غرب به عنوان قدرت سیاسی و اقتصادی محسوب شده و ثروتهای مستضعفین را غارت می‌کند و در راس آن ایالات متحده است تاکید کرده، اما درعین حال مستکبرین شرق و مستکبرین داخلی کشورهای مستضعف که احیاناً از افراد همان جامعه هستند را فراموش نکرده ولی مکرراً تاکید می‌کردند امریکا مظهر استکبار جهانی است چرا که جرائم آشکار و پنهان علیه ملل مستضعف مرتکب شده است[1].

ایشان تاکید داشتند که نبرد بین مستضعفین و مستکبرین یک نبرد دائمی است، با توجه به این اصل امام راحل گفتگو و ایجاد رابطه میان کشورها را بر اساس استقلال و احترام متقابل تاکید می‌کردند[2].

۵. حفظ کیان اسلامی

امام خمینی (ره) با برخورداری از انباشته‌های ذهنی فراوان و ایران شناسی عمیق و حضور در ادوار مختلف تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در یکصد سال اخیر شامل دوران قاجاریه و پهلوی و ملاحظه نقض حاکمیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوران توسط قدرتهای بزرگ به ویژه انگلستان، روسیه و آمریکا در اندیشه و عمل خود همواره تمایلات ضد سلطه طلبانه را بروز داده و در نوشتار ایشان به کرات واژه استقلال مورد استفاده قرار گرفته است[3].

با مرور تاریخ معاصر ایران این حقیقت آشکار می‌گردد که عامل خارجی در مقاطع مهم و سرنوشت ساز به زیان استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت مستقل این کشور وارد صحنه شده و با استفاده از تمامی امکانات فرصت‌های کسب استقلال و انتخاب الگوهای مستقل توسعه را سلب نموده است.

۱ـ آمریکا دشمن شماره یک ملتهای مستضعف است ـ صحیفه نور جلد ۴.

۲ـ با تمام جوامع انسانی و با تمام مستضعفین جهان روابط حسنه‌ای برقرار می‌کنیم به شرطی که روابط دو طرفه و احترام متقابل موجود باشد ـ صحیفه نور جلد ۸.

۳ـ ایشان واژه استقلال را غالباً در مقابل وابستگی بکار برده‌اند.

این امر در یک فرآیند تاریخی حادث شده و در ابتدا شکل مستقیم و نظامی داشته اما بتدریج با جذب کشور در نظام سرمایه‌داری این وابستگی بصورت غیرمستقیم در اشکال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تداوم یافته است.

انقلاب اسلامی ایران نخستین شعاری که برای اعلام موجودیت برگزید استقلال بود که در قالب «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مطرح گردید.

امام خمینی (ره) در طول حیات سیاسی خود همواره بر نقش سلطه طلبانه استعمار کهن و نو تاکید کرده و همراه با فراخوانی مسلمانان به بازیافتن هویت و کسب استقلال تاکید کرده‌اند.

ایشان بعد از مفروض دانستن آزادی و استقلال به عنوان یک حق برای بشر و اجتماعات بشری در قالب کشور و ملت اعلام می دارد که سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت، دولت و کشور می‌باشد[1].

ایشان محور و ضامن استقلال را اسلام می‌داند و بر این اعتقاد است که استقلال به معنای حقیقی آن در گرو اسلامیت است و تنها بر اساس قوانین اسلام است که کشور می‌تواند استقلال و کیان خود را حفظ نماید و تعبیر ایشان از ایران به عنوان ام القری جهان اسلام بوده که به عنوان اولین کشور در دنیا اقدام به پیاده سازی اسلام در تمام ساختار و شئون جامعه نموده است[2].

در دوران جنگ تحمیلی امام خمینی(ره) در سخنرانی خود مکرراً به حفظ استقلال و تمامیت ارضی تاکید داشته و آن را از اهم واجبات تلقی می‌کردند. ایشان بدون توجه به قدرت متجاوز حفظ کیان کشور اسلامی را بدون هیچ‌گونه هراسی از دشمن تاکید می‌کردند[3].

۱ـ اصلی که غیرقابل تغییر این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشند ـ صحیفه نور جلد ۳.

۲ـ اسلام است که می تواند ما را مستقل کند ما استقلالی که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم، استقلالی که در پناه اسلام است ما می‌خواهیم. اسلام برای ملت ما تمام آزادی‌ها و استقلال را فراهم می‌کند ـ صحیفه نور جلد ۶.

۳ـ برای حفظ مملکت اسلامی باید دفاع کنیم از کشور مسلمین از و اجبات است ما ایستاده‌ایم در دفاع از کشور خودمان و دفاع از اسلام عزیز در مقابل هر تهاجم. مهاجم می‌خواهد ابر قدرت باشد، می‌خواهد قدرت کم، فرقی در نظر ما نیست و هیچ هراسی نداریم. خوف از دخالت مستقیم نداریم و

۶. شیوه‌های مبارزه و دیپلماسی

امام خمینی (ره) در شیوه برخورد با نظام بین‌الملل، اصول زیـر را مـدنظر قـرار داده که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

الف. نفی ظلم و ظلم‌پذیری

ایشان علت بعثت پیامبران را رفع ظلـم در جوامـع و نظـام حـاکم دانـسته و اعتقـاد داشتند که حضرت محمد (ص) برای رفع ظلم مبعوث شده است. از سوی دیگر ایـشان ظلم پذیری و اطاعت از ظالمان را رد نموده و در خصوص جمهـوری اسـلامی اعتقـاد داشتند کـه یـک کـشور صددرصـد مـستقل بـوده و هرگـز خـود را بازیچـه قـدرتهای استعمارگر نمی‌سازد و به هیچ ملتی به خاطر منافع داخلی به دیگران تجاوز نکرده و در رفع مشکلات ملتهای مظلوم تلاش می‌نمایم[۱].

ب. تولی و تبری

تولی و تبری در اصطلاح به معنای دوست داشـتن دوسـتان خـدا و دشـمن داشـتن دشمنان خدا است. لیکن در واژگان دیپلماسی اسلامی به معنای دوسـتی بـا کـشورهای مسلمان و اکراه و پرهیز از برقراری رابطه با کشورهای کافر و متخاصم است.

از دیدگاه امام خمینی(ره) تولی و تبری یکی دیگـر از شـیوه هـای تعامـل بـا نظـام بین‌الملل می‌باشد. بر این اساس سران شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداختـه و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی دینی ملتها را بازیچه خود قرار داده‌اند. این برائـت تنهـا به امت اسلامی ختم نشده و کلیه ملت‌های تحت ستم را در بر می‌گیرد[۲].

۱ـ این دولت، دولت اسلامی و تحت رهبری رهبران اسلام است و هرگز ظلم بـه غیـر ولـو هرچـه ضعیف باشد روا نمی دارد و ظلم از غیر هرچه قوی باشد تحمل نمی‌کند ـ صحیفه نور جلد۵ .

۲ـ همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شـما را از هویـت اسـلامیتان بـه خیال خام خودشان بیرون نبرند آرام نخواهند نشست. {بنابر این} نه از ارتباط بـا متجـاوزران خـشنود شوید نه از قطع ارتباط با آنان رنجور همیشه با چشمانی باز به دشـمنانتان خیـره شـوید و آنـان را آرام نگذارید که اگر آرام بگذارید، لحظه ای آرامتان نمی‌گذارند ـ صحیفه نور جلد۲۰.

ج. دعوت

امام خمینی (ره) دعوت به توحید را به عنوان یک اصل در روابط خارجی و سیاست برون مرزی اسلام برخلاف قوانین بشری که انسان را صرفاً به زندگی مادی دعوت می‌کند و از زندگی همیشگی ابدی غافل می‌سازد نه تنها در تهیه ساز و برگ زندگانی معنوی بلکه در زندگی مادی و تسهیل در امر نظم کشور و حیات اجتماعی و اساس تمدن دخالت کامل دارد. نخستین حرکت پیامبر اکرم در اسلام نیز بعد از بعثت، اجرای اصل دعوت بود.

ایشان با درک نظام سلطه حاکم در دنیای کنونی و اشاره به واقعیت‌های محیط دعوت و مخاطب قرار دادن مردم فراسوی مرزهای ایران در قالب دولتها و ملت‌ها، آنان را به نظام ارزشی اسلام با توجه به الگوی انقلاب اسلامی دعوت می‌نماید. ضمن اینکه تاکید ایشان بیشتر بر روی ملت‌ها می‌باشد[1].

ایشان با اعتقاد به این مطالب که اجرای اصل دعوت به عنوان یکی از ضروریات فقه اسلامی مستلزم ایجاد رابطه با سایر کشورها است بر روی مشترکات کشورهای اسلامی به عنوان زمینه‌ساز این مفاهیم تاکید می‌نمایند. از برجسته‌ترین نمونه دعوت ایشان در پیام به گورباچف آخرین رهبر اتحاد شوروی سابق بود[2].

د. صدور انقلاب

صدور انقلاب یکی دیگر از شیوه‌های برخورد با نظام بین‌الملل می‌باشد. امام

۱ـ من از دولتها باید بگویم مایوسم لکن ملت ها اینطور نیستند ـ صحیفه نور جلد ۱ـ شماها {ملت‌ها} منتظر این نباشید که دولتهای شما برای کار بکنند. من دولتهای عربی را بیش از ۱۵ سال است که نصیحت می‌کنم که با هم متحد شوید و قدس را نجات بدهند و هیچ ابداً در آنها اثر نکرد برای اینکه در فکر این مسائل نیستند ـ صحیفه نور جلد ۵ .

۲ـ باید به حقیقت روی آورد . مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت، اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خدا است. همان مشکلی که غرب را به ابتذال و بن بست کشیده یا خواهد کشید. اشکال اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدا هستی و آفرینش است ـ صحیفه

خمینی(ره) با اشاره به این واقعیت که صدور انقلاب به مفهوم صدور ارزشها، آرمانها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خود کفایی، حمایت از مستضعفان و رنجدیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی، نفی اشرافیگری، تبعیض و نژاد پرستی عنوان نمودند. ایشان ضرورت صدور انقلاب را ناشی از اسلامی بودن آن دانسته و بر آن تاکید داشتند[۱].

اصول عملی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره)

همانطور که اشاره شد علاوه بر دیدگاههای نظری اصول سیاست خارجی، ایشان راهبردها و راهکارهای پیشنهادی از سوی ایشان برای تحقق این اصول نیز طراحی نموده‌اند که بشرح ذیل است.

۱. سیاست صلح گرایی نهادینه

امام خمینی (ره) معتقد بود که اسلام اصل را بر صلح‌طلبی قرار داده است اما تحقق این مهم را بدون پیش بینی تمهیدات و ساز و کارها و ضمانت اجرایی لازم، مفید نمی‌داند لذا در صورت صلح‌گرایی می‌تواند منجر به تحقق صلح و ثبات پایدار در جهان باشد که ملت‌ها به قراردادهای فی‌مابین و عرف بین‌المللی پایبند و بر ضرورت رعایت اصول و قواعد بشری التزام عملی داشته باشند.

همچنین ایشان بر این اعتقادند که صلح در صورت نفی خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی و تحقق محیطی امن، پایدار می‌ماند لذا در صورتی که منشاء نزاع‌ها و اختلافات یعنی خود گرایی به خدا گرایی تغییر جهت یابد بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان خواهد دید[۲].

۱ـ نهضت مقدس ایران ، نهضت اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تاثیر آن قرار گیرند. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است ـ صحیفه نور جلد ۱۱ .

۲ـ پیامبر اکرم می خواست یک خدا خواهی در مردم ایجاد کند، توجه به نور ایجاد کند. اگر ایجاد بشود او دیگر این نزاع‌هایی که در دنیا هست از بین می رود. اگر تمام انبیاء جمع شوند در یک محلی هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. نزاع مال خودخواهی است، از نقطه نفس انسان پیدا می‌شود ـ صحیفه نور جلد ۴.

امام خمینی (ره) با تاکید بر این که اسلام دین صلح طلب و آرامش‌جو می‌باشد بر ضرورت رعایت یک سلسله اصول و قواعد برای تحقق صلح پایدار تاکید می‌کنند و می‌فرمایند:

«اسلام می‌خواهد که همه در آرامش باشند و همه در صلح[1] ».

«همه می‌خواهند که تمام افراد بشر در صلح و صفا و برادری زیست کنند[2]».

«ملت شریف ما بر اساس تعلیمات اسلامی، صلح جو و عدالت خواه است[3]».

«میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد».

«امیدوارم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد[4]».

با توجه به این شروط است که در محیطی خصمانه و خصومت آمیز که صلح گرایی نهادینه نشده باشد، بهره‌گیری از واژه مقدس صلح به عنوان مستمسکی در دست ابرقدرتها جنگ افروز و سلطه‌جو قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی که صلح پایدار نخواهد ماند و حکومت اسلامی برای ایجاد محیطی صلح‌جویانه و عاری از تنش به از بین بردن تفوق جویان اقدام نماید.

در چنین شرایطی امام خمینی(ره) اظهار داشتند:

«صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد[5]».

«آنها {شیاطین} با اسم صلح دوستی، جنگ افروز اول جهانند[6]».

«مدعیان صلح طلبی و انسان دوستی با تمام توان سعی در افروختن آتش فتنه و جنگ در همه جا به خصوص در ایران می‌نمایند[7]».

۱ـ صحیفه نور ـ جلد ۶.

۲ـ همان.

۳ـ صحیفه نور جلد ۸

۴ـ صحیفه نور جلد ۵ .

۵ـ صحیفه نور جلد ۶.

۶ـ همان.

۷ـ همان.

«سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است. و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خداوند تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند[۱]».

لذا پیش شرط صلح پایدار آن است که محیطی توام با هرج و مرج، خصمانه، ناهمگن و مبتنی بر سوءظن و عدم اعتماد بر روابط میان کشورها حاکم نباشد. از این رو است که امام خمینی(ره) با سازمان‌های بین‌المللی که درصد تحکیم جایگاه قدرتهای جنگ افروز و تحمیل صلح مورد قبول قدرت‌های افزون خواه و سلطه طلب می‌باشد به مخالفت بر می‌خیزند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«شورای امنیت، همه اینها در خدمت ابرقدرتها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لهذا برای خودشان وتو قرار می‌دهند و هر مطلبی مخالف با رای خودشان است، کنار می گذارند و اصلاً خود آنها هم اساساً در خدمت ابر قدرتها هستند و ما به ابرقدرتها آنقدر سوء ظن داریم که اگر یک مطلب راستی هم بگویند، ما اعتقادمان طوری می‌شود که برای این مصلحتی گفتند که مردم را اغفال کنند[۲]».

«ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملت‌های دربند مظلوم، به دست مشتی جنایت پیشه که خوی سبعیت بر آنان غالب است، می‌باشد. دنیا در عصر ما و عصرهای نظیر آن مبتلا به حکومت‌هایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی‌کند. ما در عصری به سر می‌بریم که سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابر جنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند[۳]».

از این رو صلح پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که سازمانهای بین‌المللی در راستای حقوق برابر ملت‌ها گام برمی‌دارند و از این رهگذر، نظامی قانونمند و همگن در سراسر گیتی حکفرما گردد.

۱ـ همان.

۲ـ صحیفه نور جلد ۱۰.

۳ـ صحیفه نور ـ جلد ۸

۲. همکاری متقابل

امام خمینی.(ره) بر حفظ صلح، امنیت و عدالت از طریق همکاری مبتنی بـر احتـرام متقابل تاکید داشته و همزیستی مسالمت آمیز ملت‌ها بر مبنای تحمل عقایـد یکـدیگر و پایبندی بـــه قراردادها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می‌دانستند چـرا کـه التزام ملت‌ها به رعایت قواعد و نهادهای مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند از ستیز میان دولتها بکاهد و گفتگو و منطق مکالمه، سوء تفاهم‌ها را مرتفع سازد.

لذا این سیاست که تلفیقی از جهان گرایی و منطقه گرایی محسوب مـی‌شـود بـستر لازم برای همکاری بین ملت‌ها را فراهم می‌نماید. در این رابطه امام خمینـی(ره) ضـمن تاکید بر پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیـر متخاصـم، اسـاس روابـط خـارجی ایران را بر مبنای گفتگو و احترام متقابل تلقی می‌کنند و می‌فرمایند:

«با همه جهان بر اساس حفظ آزادی و استقلال کشور گفتگو خواهیم کرد[1]».

«سیاست خارجی ایران با همه دولت‌ها بر حسب احترام متقابل است[2]».

«دولت آینده نسبت به همه دولت‌ها بیطرف خواهد بود و بـا تمـام دولـت‌هـا بطـور عادلانه رفتـــار می‌کند، مادامی که روابط متقابل حسنه باشد[3]».

«روابطی که بر مبنای احترام متقابل است انشاء الله برقرار می‌شود [4]».

«آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است[5]».

بر مبنای چنین دیدگاهی یعنی روابط متقابل است که امام خمینی(ره) در نهاد گرایی منطقه‌ای همکاری را مورد تاکید قرار داده و می‌فرمایند:

«ما از دولت‌های منطقه می‌خواهیم که با همـسویی و همکـاری جمهـوری اسـلامی دست رد به سینه فتنه گران و جهانخوران زنند[6]».

۱ـ صحیفه نور ـ جلد ۱۲.

۲ـ همان.

۳ـ همان.

۴ـ صحیفه نور ـ جلد ۴.

۵ـ صحیفه نور ـ جلد ۵.

۶ـ همان.

«ما صلاح تمام کشورها به ویژه کشورهای مجاور منطقه را در این می‌دانیم که با کشوری که با همه مسلمانان جهان می‌خواهد دست برادری دهد و اخوتی که خداوند عطا فرموده است به رسمیت بشناسد و جامه عمل پوشد، بطور مسالمت آمیز رفتار نمایند[1]».

«ما به این دولت‌های منطقه تذکر داده‌ایم که با شما نمی‌خواهیم بجنگیم، ما آنطور نیستیم وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ما در عین حالی که از قدرتمندترین دولت‌های منطقه هستیم می‌خواهیم با همه کشورهای اسلامی و به خصوص اینهائی که در منطقه هستند برابر باشیم[2]».

۳. سیاست بازدارندگی

امام خمینی (ره) ضمن آن که تجهیز قوای مادی اعم از تسلیحاتی و تبلیغاتی برای توازن قوا علیه قدرتهای استکباری اعتقاد داشتند، ساز و کارهای حقوقی لازم برای مهار قدرتهای سلطه‌جو را نیز امری ضروری به حساب می‌آورند. در این رابطه ایشان می‌فرمودند:

«در این موقع حساس که جمهوری اسلامی و اسلام عزیز مورد تهاجم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی مرتبط با قدرتهای بزرگ و وابستگان آنان قرار گرفته است ما و شما و همه طرفداران اسلام برای حق خود باید به این حربه برنده روز مجهز باشیم و چهره واقعی اسلام و جمهوری اسلامی را در داخل و بیشتر در خارج در معرض شناخت همگان درآوریم[3]».

البته امام خمینی (ره) در مواردی بر ضرورت خلع سلاح ابر قدرتها بر اساس موازین بین‌المللی تاکید داشتند: «این اسلحه‌دارهای ناشایست، کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند، انبیاء هم آمدند که این اسلحه‌دارهای بی‌صلاحیت بی‌عقل را خلع سلاح

۱ـ همان.

۲ـ صحیفه نور ـ جلد ۶.

۳ـ صحیفه نور ـ جلد ۱۱.

کنند[1]».

علاوه بر این امام خمینی(ره) موازنه قوای مبتنی بر بازدارندگی را مورد توجه خاص قرار می دهند و می‌فرمایند:

«توسعه و تکامل صنایع و ابزارهای مربوط به قدرتهای دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابر قدرتها و نوکرانشان باید جدی بگیریم[2]».

«مهیا شدنمان هم باید یک طوری باشد که از این مهیا شدن بترسند آنهایی که خیال هجمه دارند، دشمانتان از قوه شما بترسند[3]».

«شما باید با تبلیغ فرهنگ اسلامی به دروغ پراکنی های صدای خارج پاسخ دهید[4]».

از سوی دیگر امام خمینی(ره) بر ضرورت مبارزه و تقابل مستضعفان در مقابله با مستکبران تاکید داشتند تا به تدریج زمینه غلبه مستضعفان بر مستکبران فراهم آید. از نظر ایشان، روز قدس مقدمه‌ای برای تحقق این مهم محسوب می‌شود، آنجا که می‌فرمایند:

«روز قدس یک روز جهانی است، روز مقابله با مستکبرین است، روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم باید مسلمین به هوش باشند باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند، قدرتهای مادی و قدرتهای معنوی است[5]».

ایشان بر این اعتقاد بودند که این اقتدار زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) خواهد بود و صلح و صفا را برای تمامی جهانیان به ارمغان خواهد آورد:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور انشاء الله تهیه بشود[6]».

۱ـ همان.

۲ـ همان.

۳ـ همان.

۴ـ صحیفه نور ـ جلد ۹.

۵ـ صحیفه نور ـ جلد ۳.

«جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید، گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان[1]».

۴. جواز کاربرد مشروع زور

امام خمینی(ره) از یک سو استفاده از زور برای مبارزه با متجاوزان را جایز و ضروری می‌دانند و از سوی دیگر استواری آن بر بنیادی مشروع را مورد اهتمام قرار می‌دهند تا از این رهگذر نظم و صلح و ثبات در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تحقق یابد که این مهم را امام راحل در چارچوب تکلیف مداری یعنی تلفیق مشروعیت و کاربرد زور مورد توجه قرار داده‌اند:

«تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضاء دارد که به سوی جبهه‌ها جوانمردانه هجوم آورید[2]».

«همه ما باید سعی کنیم که یک دست باشیم علیه دشمنان اسلام و مسلمین و به تکلیف الهی خودمان عمل کنیم[3]».

«اسلام تکلیف دارد بر شما که مظلومین را نجات بدهید از دست کفار[4]».

«ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه آن فرع بوده است[5]».

۵. سیاست کنفدرالیستی وحدت جهان اسلام

امام خمینی(ره) ضمن پذیرش مرزهای ملی موجود به عنوان ضرورت و ضمن اهتمام به تشکیل حکومت واحده جهانی صالحان به عنوان آرمان، سیاستی را بر مبنای

۱ـ همان.

۲ـ صحیفه نور ـ جلد ۱۳.

۳ـ همان.

۴ـ همان.

۵ـ همان.

دو قاعده وسع و تدرج مورد تاکید قرار داده بودند. که در این رابطه وحدت جهان اسلام و پیروی آنها از ارزش‌های واحد به منظور گشودن جبهه‌ای ثالث در جهان را مورد عنایت خاص مبذول می‌داشتند:

«در {حج} مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند[۱]».

«امروز که ما از طرف قدرتها در خطر هستیم باید منسجم باشیم زیرا اگر انسجام به وجود آید هیچ قدرتی نمی‌تواند به شما زور بگوید[۲]».

«ما همه در صف واحد، در صف برادران دینی، برادران ایمانی برای آرمانهای بزرگ اسلام باید کوشش کنیم و به پیش برویم[۳]».

«تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی نمایند[۴]».

امام خمینی(ره) ضمن آگاهی سازی مسلمانان به قدرت‌های بالقوه و بالفعل خود از قبیل کثرت جمعیتی و عددی قریب به یک میلیارد، داشتن منابع و ذخایر زیرزمینی برخورداری از تعالیم حیات بخش قرآن کریم در سایه «اعتصام به حبل الله» آنان را به عدم هراس و یا مقهوریت در برابر تبلیغات وسیع ابر قدرتها فرا می‌خوانند و با تاکید بر ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی و نقش تعیین کننده آنها اظهار می‌دارند:

«ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا این طور با هم متعهد شوند، اگر متحد بشوند نه قضیه قدس دیگر باقی می‌ماند و نه قضیه افغانستان[۵]».

«چرا باید با اینکه یک میلیارد جمعیت ما داریم ترس ما را صهیونیست‌ها ببرند و حکومت‌های دیگر را هم در تحت سلطه قرار بدهند در صورتی که اینجا با هم مجتمع

۱ـ صحیفه نور جلد ۱۰.

۲ـ صحیفه نور جلد ۹ .

۳ـ همان.

۴ـ همان.

باشد حکومت بزرگ خواهند بود[1]».

لذا امام خمینی (ره) با تاکید بر سیاست وحدت میان دولت ـ ملتهای اسلام آن را مرحله‌ای واسط برای تحقق امت واحده جهانی و ظهور حضرت ولیعصر قلمداد می‌نماید و از این رهگذر راه حلی بینابینی میان حاکمیت مطلق دولت ها و نفی حاکمیت دولت‌ها را به نام حاکمیت نسبی دولت ـ ملت‌ها تجویز می‌نماید.

نظام بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی(ره)

از دیدگاه امام خمینی(ره) نظمی در عرصه بین‌الملل مطلوب تلقی می‌گردد که از لحاظ ساختاری منجر به سلطه ایدئولوژی غیرتوحیدی نگردد و موجبات مداخله قدرتهای بزرگ را در ممالک مستضعف فراهم نسازد.

با توجه به اینکه در حال حاضر در سیستم بین‌المللی، کشورهای شمال خواهان تسلط بر کشورهای جنوب می‌باشند، امام راحل راه رفع سلطه را ابتدا تجدیدنظر طلبی در نظام موجود و سپس تغییر بنیادین و فاحش آن تلقی می‌کند که از این نظر سیستم ستیزشی یا انقلابی زمینه‌های لازم را برای ایجاد تغییرات در معیارها و اصول روابط بین‌الملل فراهم سازد.

برای نیل به نظمی فارغ از سلطه قدرتهای استکباری، امام خمینی (طرح هشت مرحله‌ای را ارائه می‌نماید که بر مبنای دو قاعده وسع و تدرج قابل اجراء می‌باشد) در این طرح، ایشان ضمن قائل شدن نقش محوری برای ام‌القری، رسالت بعدی را به کشورهای اسلامی و سپس ممالک مستضعف در تغییر وضع موجود می‌دهد که در این رابطه ملت‌ها از اولویت و از ارجحیت بیشتری نسبت به دولت‌ها برخوردار است.

نظرات امام راحل در وهله اول شامل اصلاح فرد، جامعه و حکومت در ام‌القری و سایر کشورهای اسلامی می‌گردد و در وهله دوم به سطح روابط جهان اسلام با سایر کشورها در سطح ملیتی و دولتی ارتقاء می‌یابد و در وهله سوم برای بازیگران فراملی و نقش آنها در نهادهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی اهمیت ویژه‌ای قائل است که این

۱ـ همان.

مرحله نهایتاً زمینه را برای تحقق مرحله نهایی یعنی تحقق امت واحده جهانی و نظام عاری از سلطه جویی قدرت های ملحد و مستکبر فراهم می‌نماید.

که در ذیل به تشریح این مراحل پرداخته می‌شود:

الف. سطح فردی

از دیدگاه امام (ره) «اراده اولین گام است» بدین معنا که بایستی تحولی عمیق و بنیادین در روحیات و ویژگی‌های افراد ام‌القری و همزمان در خصوصیات روحی و روانی سایر ملل اسلامی ایجاد گردد. مسلمانان بایستی ضمن درک شخصیت و توانایی خویش، حفظ فرهنگ خودی، عدم خود باختگی در مقابل فرهنگ بیگانه پرهیز از غرب گرایی و افزایش روحیه فداکاری، هیچگونه احساس ضعف و سستی در قبال ابر قدرتها به خود راه نداده و با اتکا به دانایی، آگاهی و بینش دینی خود و اتکا به خداوند متعال، امید به آینده را در خود تقویت نمایند.

ب. سطح اجتماعی

این سطح بر عناصر جامعه شناختی توصیه دارد که ابتدا باید در ام القری و سپس در سایر کشورهای اسلامی تحقق یابد:

۱. ام‌القری: امام راحل ضمن تاکید بر همبستگی درونی ام‌القری و جهان اسلام، معتقد است حفظ وحدت کلمه بین دو قشر روحانی و دانشجو و بقای روحانیت به عنوان پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی و بقاء دانشگاهها به عنوان مراکز علمی امری ضروری و لازم به شمار می‌آید؛

۲. در سایر کشورهای اسلامی: امام خمینی(ره) ضمن تاکید بر ضرورت نزدیکی و الفت بین مذاهب اسلامی، آنان را از تاکید بر تمایزات قومی و تشتتهای فرقه‌ای بر حذر می‌دارد و ملل اسلامی را به وحدت کلمه و وحدت مقصد و انسجام بر اساس کلمه توحید، ارتقاء همبستگی درونی و پرهیز از تفرقه دعوت می‌نماید.

ج. سطح حکومتی

تاکید بر لزوم روی کار آمدن ساخت حکومتی مستقل و غیر وابسته در ام‌القری و

سایر ممالک اسلامی و ضرورت انطباق و سازگاری محتوی حکومت با فرهنگ اسلامی در جوامع مزبور، دلیل توجه امام راحل به حکومت می‌باشد.

۱. در ام‌القری: از نظر امام خمینی(ره) ام‌القری باید الگوی عملی موفقی ارائه دهد تا سایر کشورهای اسلامی به آن اقتدا نمایند. در رابطه با بنای حکومت اسلامی در یک کشور امام ضمن توصیه به تقویت و انسجام داخلی نظام سیاسی ام‌القری از طریق خودکفایی و خود اتکایی، عامل موفقیت آن را استقلال رای و تصمیم گیری و اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی قلمداد می‌نماید؛

۲. در سایر ممالک اسلامی: امام راحل اولویت را به سرنگونی حکام سر سپرده در کشورهای اسلامی می‌دهد و معتقد است این حکام بایستی به زیر افکنده شوند چراکه علت وابستگی ممالک اسلامی به کشورهای استثمارگر، حب جاه و مال و ریاست می‌باشد. از این رو امام خمینی(ره) راه حل تضمین استقلال و عدم وابستگی کشورهای اسلامی را در روی کار آمدن حاکمان ملی ـ اسلامی که حکومتشان با فرهنگ دینی جامعه سازگاری و انطباق داشته باشد می‌دانند[1].

د. سطح بین ملت‌ها

پس از اینکه استکبار زدایی و نفی نظام سلطه در سطح ملی در ام‌القری و سایر کشورهای اسلامی تحقق یافت، رفع هژمونی قدرتهای بزرگ در عرصه روابط بین

۱ـ سر سپردگان ابر قدرتها از این می ترسند که قدرتهای تخیلی که ابر قدرتها به آنان داده‌اند از ایشان گرفته شود. از این جهت در مقابل امپریالیست ها خاضع می شوند و همه چیز مملکت را تقدیم آنان می‌نمایند. این ترس و رعب در دل دولتهای سرسپرده موجب می شود که آنان نتوانند اظهار مظلومیت جهان را حتی در کشورهای خویش بشنوند. چراکه استفاده جویی و خودکامگی و حب ریاست نمی گذارد که آنان به فکر ملت‌های خود باشند. این افراد به هیچ چیز جز منافع خود و اربابان خویش نمی‌اندشند، زیرا هر کس دست نشانده دیگران باشد باید به ارباب خود خدمت کند ـ در جستجوی راه از کلام امام.

به ملتهای اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتی که به خواست ملتها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاورند با تمام قدرت به جای خود بنشانند ـ وصیت‌نامه سیاسی الهی امام راحل.

ملت‌های اسلامی و سایر ملل اهمیت پیدا می‌کند. چرا که سطح بین ملیتی، از نظر امام خمینی(ره) مقدم بر سطح بین دولتی تلقی می‌شود. از نظر ایشان، ملت‌ها تصمیم‌گیرندگان اصلی در روابط بین‌الملل هستند و روابط میان آنان مهمتر از روابط میان حکومت‌ها می‌باشد. در خصوص چنین روابطی دیدگاههای امام راحل در سه عرصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. بین ام‌القری و سایر ملل اسلامی: در این رابطه ام‌القری نقش محوری را ایفا می‌کند که گاه سایر ملل را در تحقق بخشی به حکومت اسلامی یاری می‌دهد. چنین حمایتی منوط به وسع و توانایی ام‌القری و آمادگی سایر ملل اسلامی در جانفشانی برای حفظ ام‌القری در صورت تهدید آن از سوی کشورهای ملحد یا یاغی، می‌باشد؛

۲. رابطه بین‌ام‌القری و ملل مستضعف: این رابطه بین ملتی می‌تواند در دو عرصه مراودات بازرگانی ـ تجارتی و حمایت معنوی ـ ایدئولوژیک از جنبش‌های آزادی بخش تحقق یابد. ام‌القری در صورت توانایی، نهضت‌های آزادی بخش را برای سرنگون کردن حکام سر سپرده در کشور خود یاری می‌دهد تا از این راه گذر، ملل مستضعف بتوانند حکومت‌های جبار را سرنگون کرده و با هماهنگی دولتهای جدید مردمی به ستیز با سلطه جویی امپریالیست‌ها برخیزند؛

۳. بین ام‌القری و ملل آزاده در کشورهای استکباری: امام خمینی(ره) معتقد بود که ام‌القری باید با حمایت از مردمان آزاده در کشورهای امپریالیستی (مانند سیاه پوستان) به تشکیل جبهه ضد استکباری اقدام نماید تا از این رهگذر ابرقدرتها را از درون نیز مورد تهاجم قرار دهد[1].

هـ. سطح بین دولتها

در این سطح که بر مبنای روابط دو جانبه میان ام‌القری و سایر کشورها و اتخاذ مشی تفاهم میان دولتها استوار است موارد ذیل را شامل می‌گردد:

۱ـ از خدای تعالی موفقیت همه ملل مستضعف جهان را در راه رسیدن به پیروزی و آزادی کامل از

۱. روابط ام‌القری و سایر کشورهای اسلامی: روابط بین دولت ام‌القری و سایر دولتهای اسلامی در دوسطح همکاری‌هایی فرهنگی و تجاری و اتحاد سیاسی ـ ایدئولوژیک تجلی می‌یابد. البته کمک ام‌القری به سایر کشورهای اسلامی منوط به وسع و توانایی آنها در همکاری متقابل است؛

۲. روابط بین ام‌القری و سایر دول مستضعف: در این رابطه افزایش مبادلات بازرگانی ـ تجاری میان کشورهای اسلامی و سایر ممالک مستضعف می‌تواند بر مبنای مبادلات و یا بر اساس همجواری یا قرابت منطقه‌ای تحقق یابد؛

۳. روابط بین ام‌القری و کشورهای غیر استکباری: با توجه به جواز برقراری روابط صلح‌آمیز متقابل با کفار غیر محارب در قرآن می‌توان با کشورهای غیر معاند روابط دوستانه‌ای و مبتنی بر همکاری و احترام متقابل بر قرار نمود.

و. سطح سازمانهای بین المللی

در این سطح استراتژی چند جانبه گرایی بر مبنای همکاری و هماهنگی مجموعه‌ای از کشورها که دارای اهداف و آرمانهای مشترک باشند، اتخاذ می‌گردد.

۱. اتحاد جهان اسلام: تشکیل جبهه‌ای از ممالک اسلامی علیه کشورهای مستکبر با تقویت همگرایی ایدئولوژیک و ارتقای همبستگی درونی بین کشورهای اسلامی، اساس این اتحاد برابر را تشکیل می‌دهد.

امام خمینی(ره) تشریک مساعی و اتحاد ممالک اسلامی را برای مبارزه با امپریالیسم ضروری می‌داند و برای این مهم ملت‌های اسلامی توصیه می‌نماید که به خود احساس ضعف و سستی راه ندهند و از ابرقدرتها نهراسند.

۲. اتحاد با کشورهای جهان سوم: امام خمینی(ره) اتحاد ملل مستضعف یا جهان سوم را مهمترین گام در مبارزه با امپریالیسم تلقی می‌نماید که با اتخاذ استراتژی عدم تعهد می‌تواند تمامی ریشه‌ها استعمار را قطع نموده و از دخالت ابر قدرتها در مقدرات ملل مستضعف و سلطه آنها بر کشورهای خویش جلوگیری به عمل آورند.

از دیدگاه ایشان، تبلیغات دولت اسلامی برای برانگیختن افکار عمومی دنیا علیه امپریالیست‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که ام‌القری با بسیج نیروهای ضد

استکبار می‌تواند دامنه مبارزه علیه امپریالیست‌ها را جهانی نماید و بدین ترتیب گامی در جهت رفع سلطه ابر قدرتها در نظام بین‌الملل بردارد.

۳. در این سطح که بازیگران فراملی در آن از اهمیت وافری برخوردار هستند، دولت‌ها به وضع و تدوین قانون اساسی واحد و تشکیل نوعی کنفدرالیسم بر مبنای فطرت بشری و اعتقاد به توحید و یکتا پرستی اهتمام می‌کنند. از رهگذر قانونمند کردن این اصول و موازین حقوقی مکاتب ناقص و ناتوان در پاسخگویی به نیازهای بشری کنار گذاشته شده و و حاکمیت ایدئولوژی توحیدی در جهان اقدام می‌گردد.

این اقدام حقوقی که منجر به کمرنگ شدن مرزها و کاهش حاکمیت‌های ملی گردیده گامی در جهت چیرگی ملاک‌های بشری و اصول معنوی بشریت می‌باشد.

ج. سطح جهانگرایی

این مرحله که با حذف مرزهای بین‌المللی و در نهایت تشکیل امت واحده جهانی تحقق می‌یابد، برپایی اصول قسط و عدل و حکمفرمایی صلح بر تمامی گیتی را مد نظر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که نه تنها تبعیض‌ها و تمایزات طبقاتی در سطح داخلی مرتفع می‌گردد بلکه در عرصه بین‌المللی نیز شاهد رفع نظام سلطه خواهیم بود. این هدف در راستای حکومت جهانی حضرت ولیعصر و تاکید بر نقش سازنده ام‌القری در تشکیل حکومت مستضعفین است.

اندیشه‌ها ودیدگاههای مقام معظم رهبری در خصوص سیاست خارجی

در عرصه هدایت انسانها همواره رهبران، با دو حقیقت بسیار پیچیده و ظریف رو به رو هستند. یکی خصلتها، عواطف، اندیشه‌ها و استعدادهای گوناگون و دیگر کنش‌های مختلف که انسانها در برابر رخدادها و موجهای بر خاسته از متن جامعه از خودشان نشان می‌دهند.

آن دسته از رهبران در راهبری و هدایت انسانها به توفیق دست یافته‌اند که از جایگاه بلند آگاهی و معرفت حقیقی با او برخورد کنند.

بی شک امام خمینی(ره) از جمله پیشوایان و رهبرانی بود که در مسند امامت و رهبری است، در این مسیر بیشترین موفقیت را به دست آورد. وی با شناختی که از انسانها داشت و با آگاهی که نسبت به مقتضیات زمان داشت و با معرفتی که از معارف تابناک اسلام ناب محمدی کسب کرده بود، مشعل فروزان هدایت را برافروخت و بشریت را به سر چشمه نور فراخواند.

در عرصه سیاست خارجی، آن رهبر کبیر نظام جمهوری اسلامی را در سرزمین ایران اسلامی به مثابه ام‌القری نهضت جهانی اسلام بنیان گذاشت. مستضعفان و محرومان عالم را مورد عنایت قرار داده و قدرت لایزال وحدت و همبستگی را بر محور اسلام ناب محمدی برای مبارزه با مستکبران در سطح جهان گوشزد کرد.

سرانجام آن امام بیدارگر و مرزبان حماسه جاوید پس از یک عمر کوشش و تلاش و جهاد خالصانه در ۱۴ خرداد ماه ۱۳۶۸ شمسی با دلی آرام و قلبی لبریز از اطمینان، دیدگان برهم نهاد و به لقاء محبوب خویش بار یافت و به ابدیت پیوست.

در این هنگام مسند امامت امت را امامی و پرچم برافراشته انقلاب را پرچم داری لازم بود تا مرزهای بیداری را نگهبان باشد و میراث گرانبهای انقلاب به دست با کفایت شخصی سپرده شود که توانایی نگهبانی از این همه ارزش را داشته باشد.

آن انسان توانمند که ثقل بار امانت و امامت را بر می‌تابید وردای ولایت و رهبری بر قامتش راست می‌آمد، مجاهد اندیشمند و همیشه در سنگر و فقیه فرزانه حضرت آیت الله خامنه‌ای بود. شخصیتی آشنا برای مردم که خفتگان را موذن بیداری بود و سخنانش جوانه‌های امید را در دلهای پرشور عاشقان طراوت می بخشید.

خبرگان بر منبر ابلاغ، لیاقت‌های او را که عبارت بود از فقاهت و عدالت، مدیریت و مدبریت و کیاست و سیاست به مردم اعلام کردند و جانشین شایسته و بایسته امام راحل دانستند.

رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای موجب شد تا نقشه‌های دشمنان کینه توز و سیاه دل، که نظام و انقلاب را با رحلت پدر و موسس و معلم کبیر، شکست خورده می‌پنداشتند نقش بر آب شود زیرا چهره منور انسان قدرتمند و فقیه آگاه را در مسند

امام مشاهده کردند که از لحاظ درایت و کیاست و شایستگی، شبیه‌ترین و نزدیکترین افراد به بنیانگذار جمهوری اسلامی بود و در واقع شاگرد برجسته مکتب امام بود.

همزمان با پرچم داری این رهبر فرزانه، جهان با تحولات عظیمی رویه رو گردید، فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد نظم نوین جهانی به سر کردگی ایالات متحده، تهاجم فرهنگی غرب، مسائل فلسطین و دولت غاصب اسرائیل و مسائل دیگر.

در دوران امام راحل، مقام معظم رهبری از سیاست‌های آن حضرت پیروی می‌کردند. در دوران تصدی رهبری نیز، ادامه دهنده همان سیاست خارجی بوده و تنها با توجه به مقتضیات زمان همان سیاست‌ها ابعاد تازه‌تری بخود گرفته است که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود:

۱. حفظ و استقلال و اقتدار

مهمترین دستاورد انقلاب، استقلال همه جانبه و اتکا به باورها و توانایی‌های بالقوه ملت بزرگوار است، که روح اعتماد بین مردم و مسئولین و زندگی مطلوب از آثار پر بار آن چنانچه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«پاداش الهی همین است که زندگی یک امت زندگی خوب و مطلوب و مستقل شود، خودش تصمیم گیری کند و رئیس جمهوری و نماینده مجلس را برگزیند[1]».

بدیهی است لازمه این استقلال، اقتدار همه جانبه در برابر فشارهای دشمنان خارجی است بطوری که تهدیدهای در اراده مصمم ملت ما تاثیر نگذارد و این اقتدار، دشمن را از ادامه شیطنت مایوس کند.

چنانچه رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«روزی که جمهوری اسلامی، با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه زندگی، دشمن را مایوس کرد، می توان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید، چون احساس می‌کند تلاش او بی فایده است[2]».

۱ـ حدیث ولایت، جلد ۱.

۲. تداوم سیاست نه شرقی و نه غربی امام خمینی (ره)

مقام معظم رهبری به عنوان وارث بلافصل امام خمینی(ره) آنچنان راه امام را تداوم بخشیدند که حیرت دوست و دشمن را برانگیخت و این حکایت از شناخت عمیق و دلسوزانه مقام معظم رهبری از خط و راه اصیل امام راحل بود. از این رو بارها به مردم بزرگوار ایران و دولت مردان تاکید فرموده‌اند که راه امام راحل درست پیموده شود. در حقیقت ایشان رمز و بقای انقلاب اسلامی را در تحقق آرمانهای امام خمینی می‌دانند. چنانچه فرموده‌اند:

«آنچه که امروز متن جامعه ماست همان خط و راه امام است. آنچه که ما آن را به صلاح دین و دنیای خودمان می‌دانیم، همان چیزی است که با انگشت اشاره امام در مقابل ما باز شده و قدم در آن گذاشتیم و یازده سال با قدرت در آن حرکت کردیم و باز هم تا جان در بدن داریم آن راه را ادامه خواهیم داد. از هیچ یک از آرمانهایی که به وسیله امام ترسیم شده چشم پوشی نخواهیم کرد، چه در زمینه مسائل داخلی چه در زمینه عدالت اجتماعی، چه در زمینه ترجیح پابرهنگان در نظام اسلامی و در کشور ما نیز ترجیح منافع و خواسته‌ها و احساسات آنها بر مرفه‌هان و به تعبیر امام مرفه‌هان بی درد چه در زمینه حمایت مردم از مسئولان. در زمینه مسائل خارجی یعنی مقابله با استکبار، خط جدایی از ابر قدرتها و قدرتهای دخالت کننده، آن چیزی که با عنوان افتخار آمیز «نه شرقی نه غربی» در آن روزی که دنیا واقعاً بلوک بندی شرق و غرب داشت، معرفی شد. مبارزه با قدرتهای ظالم و ستمگر عالم، مقابله و معارضه حتمی با هر نشانه‌ای از سلطه‌گری که در دنیا مشهود باشد، در هر جای دنیا فرقی نمی‌کند از نظر ما تسلط چنگالهای نظام سلطه نسبت به هر ملت و هر کشوری و در هر جایی مردود است و نیز در زمینه بزرگ و اصلی شمردن مسئله فلسطین و بقیه خطوط روشنی که امام ترسیم کردند»[1].

۱ـ حدیث ولایت، جلد ۵.

۳. استکبار ستیزی

استکبار جهانی به علت و ماهیت آن دشمنی دائم با نظام جمهوری اسلامی دارد، از این جهت شناخت ماهیت استکبار و راههای مبارزه با آن از ارکان ذاتی انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

نمود استکبار و کیفیت مقابله با آن در موارد زیر محقق می‌شود:

الف. آمریکا مظهر استکبار جهانی

اگرچه در نگرش مقام معظم رهبری، استکبار جهانی تنها آمریکا نیست اما نمود استکبار در جهان به سر کردگی دولت آمریکا است، که دیگر ستمگران به عنوان مزدور آمریکایی عمل می‌کنند، تجربه انقلاب اسلامی نشان داد که دشمن اصلی آزادی و استقلال ملت‌ها آمریکا است، و هدایت و رهبری سلطه جهانی را نیز آمریکا به عهده دارد، خشم و عصبانیت آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی از اینجا نشات می‌گیرد که این انقلاب ماهیت این نظام را برای جهانیان افشا کرده است، لذا از هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی استفاده می‌کنند.

چنانچه مقام معظم رهبری در این زمینه فرموده‌اند:

«برادران و خواهران عزیز من در سرتاسر کشور، بدانید که امروز آمریکا و یاران و مزدوران و هم پیمانانش منتظر فرصت هستند که از انقلاب انتقام بگیرند. دنبال منافذی می‌گردند تا در داخل کشور نفوذ کنند، هوشیار باشید، همچنان که بحمد الله هوشیار بودید و هستید[۱]».

ب. حمایت از مسلمانان جهان

حمایت سیاسی و فرهنگی از مسلمانان که در صدد نفی استکبار به ویژه آمریکا هستند، از وظایف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. اینک دفاع از مردم فلسطین به عنوان نماد مظلومیت مسلمانان که از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند در

راس استراتژی منطقه‌ای ایران قرار دارد و این سیاست نه تنها ملت ایران را به حمایت همه جانبه از مردم مظلوم فلسطین ملزم ساخته است بلکه در تشویق کشورهای اسلامی به حمایت از موجودیت و حقوق فلسطینیان تاثیر بسزایی داشته است.

تداوم این مبارزه قطعاً در اعاده حقوق فلسطینیان موثر واقع خواهد شد که البته ایجاد فضای انتظار و طلب در جهان، تحقق آن را تسریع خواهد کرد، چنانچه مقام معظم رهبری اداره ملت‌ها را موثر در اعاده این حق دانسته‌اند:

«در فضای عالم، این جو آمادگی و حضور و انتظار و طلبکاری نسبت به فلسطین باید روز به روز بیشتر شود. در داخل فلسطین هم باید این شعله مقدس روز به روز برافروخته‌تر بشود. آن جوانان، آن زنان و مردان، آن نوجوانان، آن فداکارانی که داخل فلسطین با رژیم غاصب مبارزه می‌کنند، باید بدانند نقطه اصلی همان جایی است که آنها بر روی آن انگشت گذاشته‌اند. این، آن جایی است که دشمن شکست خواهد خورد[1]».

ج . مبارزه دائمی با صهیونیست‌ها

مبارزه با دولت غاصب اسرائیل نیز از لوازم اصلی دفاع از حقوق ملت فلسطین است و آنچه که این مبارزه را عینیت بخشید و موجب انتفاضه فلسطین شد. ابتکار امام راحل در اختصاص جمعه آخر ماه رمضان به عنوان روز قدس است. بدین منظور که دنیای اسلام این روز را گرامی بدارد و ضمن اظهار همدردی و همبستگی با ملت مظلوم فلسطین راهکارهای جدی برای تأمین حقوق آنان و نابودی اسرائیل غاصب را تدارک ببیند و در مجموع به هیچ وجه اجازه ندهند که فریاد مظلومانه فلسطین به دست فراموشی سپرده شود.

و از سوی دیگر توجه به این نکته که ایالات متحده همانند یک مستعمره در دست صهیونیست‌ها می باشد بطوری که ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

۱ـ حدیث ولایت، جلد ۷.

«ایالات متحده آمریکا با آن عرض و طول و با آن پیشرفتهای علمی و یک کشور و ملت بزرگ، بازیچه دست صهیونیست‌ها شده است، مثل غولی که افسارش دست یک سگ است و هر جا که می خواهد او را می برد. امروز دولت ایالات متحده با آن حجم ثروث و سابقه اهمیتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی برای خودش در دنیا قائل شده است. بازیچه دست صهیونیست‌ها و دولت اسرائیل شده است. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا، علیه جمهوری اسلامی تصمیمی اتخاذ می‌کند به مجمع صهیونیست‌های آمریکا می‌رود و در آنجا گزارش می‌دهد و در دنیا پخش می‌شود. این برای ملت آمریکا ننگ است[1]».

همچنین اینکه:

«توده‌های مسلمان نگذارند که بعضی از دولت‌های خود فروخته، در فضای آرام و سکوت مصنوعی که به وجود آورده‌اند، فلسطین را ذره ذره و لحظه به لحظه ذوب کنند و قضیه را به دست فراموشی بسپارند. خیانت دولت‌هایی که با رژیم غاصب ساختند و فلسطین را قربانی کردند، نباید از یاد برود و فراموش بشود. این یک قضیه کوچک نیست[2]».

د ـ دفاع از حقوق بشر

دفاع از حقوق انسانها صرف نظر از مذهب و عقیده یا نژاد و رنگ از سفارش‌های موکد مکتب اسلام است. بر اساس این برهان شرعی و عقلی دولت جمهوری اسلامی خود را در برابر حقوق همه مظلومان و محرومان که به شکلی مورد ستم واقع می‌شوند شدیداً مسئول دانسته و در این جهت مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«ما از این مظلومانی که در مناطق مختلف جهان، به خاطر سیطره حکومت‌های خبیث علی الظاهر دمکراتیک و عملاً فاشیستی جرات نمی‌کند مظاهر اسلامی خودشان

۱ـ منوچهر محمدی، آمریکا از نگاه مقام معظم رهبری، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۶.

را رعایت کنند، چرا دفاع می‌کنیم؟ دیدید که در فرانسه به دختر مسلمان اجازه نمی‌دهند روسری به سر کند، دیدید که در آمریکا، ماموران دولتی برای انجام فرایض مذهبی مسلمانی را در جلوی چشم مردم کتک می‌زنند که چرا در فرودگاه نماز خواند، چرا هر جا مظلومی صدا بلند می‌کند و استغاثه می‌نماید، ما احساس تکلیف می‌کنیم که هر طور ممکن است به کمک او بشتابیم، یا لااقل فریاد او را منعکس کنیم؟ این به خاطر دستور اسلام مبنی بر حقوق انسانها است[1]».

بنابراین اصالت دفاع از حقوق بشر با مکتبی است که ملتزم به رعایت آن شده باشد، از این رو مقام معظم رهبری جایگاه حقیقی دفاع از حقوق انسانها را دین و دین مداری می‌داند، و ضمن آنکه ادعای حقوق بشر ابر قدرتها را دروغین می‌داند، عملاً آن را از سوی آنان بهانه‌ای برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی که طرفداری واقعی حقوق بشر است می‌داند.

چنانچه در این خصوص فرموده‌اند:

«شما سردمداران ظلم و استکبار هستید که حقوق بشر را نقض کرده‌اید. شما هستید که سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر و مفاهیم انسانی را به مسخره گرفته‌اید و همه را بازیچه دست خودتان می‌خواهید. برای ما، ارزش انسان و ارزش حقوق انسانها، آن قدر زیاد بوده و زیاد است که به خاطر آنها حاضر شده‌ایم با همه قدرتهای استکباری جهان، مقابل و مواجهه بشویم. نوکران آمریکا و دیگر دولت‌های استکباری، در طول سالیان متعدد، بر این کشور حکومت کردند، صد صد و هزار هزار از این مردم را در این خیابانها کشتند و خونشان را بر زمین ریختند. همین الان هم در جاهای دیگر نظیر این واقعه از بقیه نوکران آمریکا سر می‌زند. زندانهایشان پر از انسان‌های مظلوم است ولی در محافل جهانی از هیچ کس صدا بلند نمی‌شود.

شماها اگر طرفدار حق بشر بودید چرا به رژیم‌های مرتجع و ظالم و مستبد و خبیث که بویی از دمکراسی نشنیده‌اند و در کشورشان به عنوان نمونه یکبار صندوق رای

۱ـ حدیث ولایت، جلد ۶.

گذاشته نشده است، اعتراض نمی‌کنید؟ چرا فقط جمهوری اسلامی که مظهر آزادی و دخالت در امور است و مسائل مختلف، انتخابات آزاد و پی درپی برگزار می‌کند و مردم در کوچه و خیابان و مجامع عمومی حرف دلشان را می‌زنند و شعار می‌دهند. اعتراض می‌کنید؟ شما طرفدار حقوق بشر نیستید، شما طرفدار بی‌دینی و تسلط خودتان بر کشورها و ملت‌ها هستید. شما از کوتاه شدن دست پلید خودتان از کشور ثروتمند و وسیع ایران و تهدید شدنتان در سایر کشورهای ناراحت هستید[1]».

۴. مقابله با تهاجم فرهنگی

در میان توطئه‌های گوناگون، بیشترین چشم داشت دشمن در حوزه فرهنگی است. اگرچه از ابزارهای دیگر هم بخوبی بهره می‌جوید اما تسلط در حوزه فرهنگی او را در دستیابی به اهداف شومش قوت بیشتری می‌بخشد. اگرچه کار فرهنگی زمان بر بوده اما می‌تواند نتایج موثری را برای دشمن ایجاد کند. به همین خاطر فشار در عرصه فرهنگ توسط دشمن خارجی بسیار شدیدتر است و همچنین به علت ناپیدا بودن آن در جامعه قابلیت مقابله با آن نیز مشکل‌تر است. چنانچه در این خصوص رهبر فرزانه فرموده‌اند:

«الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند. خبرها را بفهمد، احاطه ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طریق فرهنگ بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد[2]».

۵. تشکیل جامعه جهانی اسلام

اسلام دینی جهانی است و تنها به قوم و ملت خاصی محدود نمی‌شود. چنانچه خداوند کریم در قرآن فرموده‌اند «ما ارسلناک الا کافه للناس ـ ما تو را نفرستادیم مگر برای عموم مردم» بنابر این پیامبر اسلام مظهر رحمت و هادی عزت برای همه جهانیان

۱ـ حدیث ولایت، جلد ۶ .

است و انقلاب اسلامی ما چون بر شریعت او استوار است، آهنگ جهانی دارد. بطوری که رهبر معظم در این خصوص فرموده‌اند:

«از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه شریعت اسلام ناب محمدی استوار شده است نمی‌تواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد. مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روشهای معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند، بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، بطور طبیعی همه فضای عالم اسلام بنابر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهد کرد».

بدین ترتیب طبیعت انقلاب اسلامی ما فراملی و بلکه فراجهانی است، یعنی علاوه بر قلمرو مادی جهانی فضاهای معنوی و روحانی را نیز شامل می‌شود. برای تشکیل جامعه جهانی اسلام، توجه به عوامل زیر ضروری است:

الف. پیام رسانی و تعمیق آن در ملت‌ها

از آنجا که انقلاب اسلامی ماهیتی جهانی دارد باید ترتیبی اتخاذ شود که پیام آن به موقع و درست به گوش ملت‌ها برسد. البته پیام انقلاب اسلامی چون نسیم بهاری به جان همه انسانها رسیده است، اما کار ظریف و دقیق آن است که تعمیق لازم را پیدا کند.

ب. شناخت اندیشه‌های امام خمینی(ره) در شروع عصر جدید

طبیعی است که عصر جدید با ویژگی‌های متمایز از دوران گذشته در جهان به وجود آمده است و عوامل گوناگون در شروع فرآیند عصر جدید تاثیر می‌گذارند، یکی از آن عوامل مهم تاثیر انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بزرگ امام خمینی(ره) می‌باشد. که آثار آن را در روند دنیای جدید نمی‌توان نادیده گرفت. مقام معظم رهبری ضمن تاکید بر این واقعیت عصر جدید را دوران امام خمینی(ره) می‌دانند «اگرچه بسیاری از ملت‌ها ودولت‌های سطح زمین تحت تاثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. اما آنها {مستکبران} اعتراف نمی‌کنند که دوران جدیدی

آغاز شده است، اما تحت تاثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس می‌کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خیمنی(ره)» نامید.

بنابراین از وظایف اصلی سیاست خارجی آن است که دستاوردهای بین‌المللی انقلاب اسلامی و تاثیر افکار و اندیشه امام خمینی(ره) در مجموعه عالم بشری را مورد نشر قرار داده چرا که در حقیقت جوهره انقلاب اسلامی است.

ج. اصول گرایی به عنوان جوهر عزت مسلمین

ماموریت مهم انقلاب اسلامی در جوامع مسلمین، ایجاد خود باوری و اعتماد به اصول و ارزش‌های دینی است. زیرا رمز و راز سعادت و عزت مسلمانان در رویکرد به ارزش‌های دینی نهفته است. دشمنان اسلام اگر با اصول گرایی ما مخالفت می‌کنند دقیقاً می‌دانند که اصول و معیارهای دینی متضمن عزت و استقامت ما در برابر مطامع استعمارگران است. بنابر این بزرگترین افتخار مسلمین باید این باشد که پایبندی به اصول و مبانی اسلام هستند. بنابر این عزت و سعادت مسلمانان در گرو دین باوری و خدا پرستی است و معیار عزت و یا ذلت ما به ایمان و بندگی ما به خدای متعال بستگی دارد.

د. ارائه الگوی یک جامعه دینی به جهان

یکی از مسئولیت‌های مهم جمهوری اسلامی ارائه الگوی دینی از زندگی اجتماعی و سیاسی به جهانیان است. زیرا معیار و ملاک‌های زندگی فردی و اجتماعی از متن دین بر خواسته است. لذا باید با کارا آمدی ارزش‌های دینی را که عالم گیر می‌باشد، در عرصه جهان منتشر گردد. چنانچه مقام معظم رهبری در این خصوص فرموده‌اند:

«ما وظیفه خود می‌دانیم که با صدای بلند و توان بالا مفاهیم و ارزش‌ها و احکام و معارف اسلامی را که مایه نجات ملت‌ها و مستضعفان و مظلومان است اشاعه دهیم. ما احساس می‌کنیم که اگر به این تکلیف عمل نکنیم مقصریم[1]».

۱ـ «سفیر نور {رهنمودهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به روسای نمایندگی‌های در خارج از کشور}»،

بنابر این با توجه به عوامل چهارگانه فوق باید تجربه حکومت دینی را با حفظ تمامی اصول و معیارهای آن به دنیا عرضه کنیم.

۶. دشمن شناسی

شناخت دشمنان انقلاب اسلامی از وظایف بسیار مهم آحاد ملت به وسیله مسئولین نظام به شمار می‌رود. زیرا حضور انقلاب اسلامی در صحنه جهانی برای منافع ابر قدرتها بسیار خطرناک است و همین دلیل مهم دشمنی‌ها و عناد ورزی‌ها قدرت‌های بزرگ با نظام جمهوری اسلامی است. با توجه به طبیعت حق طلب انقلاب اسلامی دشمن ساز است، در عرصه سیاست خارجی شناخت دشمن و نقشه های آنها برای مقابله با انقلاب، بسیار مهم می‌باشد در این خصوص می‌فرمایند:

«اسلامی که پیامبر اسلام را با خود همراه داشته باشد، حتماً دشمنی ابوجهل و ابولهب را برخواهد انگیخت. اگر شما در جایی دیدید ابوجهل و ابولهب و بقیه کفر جهانی در مقابل پیامبر اسلام بی تفاوتند بدانید که این اسلام، اسلام صدر اسلام و پیامبر اکرم نیست و روح و تپش حقیقی اسلام در آن مشاهده نمی‌شود. آن اسلام که قدرتهای جاهلی و طاغوتی را در دنیا می‌ترساند، اسلام ناب محمدی است».



فصل دوم

سیاست خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

الگوی رفتاری سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی دوم از روابط و تعـاملات دو ابر قدرت آمریکا و شوروی متاثر بود و تا حدود زیادی نیز با قواعد و الزامات نظـام دو قطبی و جنگ سرد مطابقت داشت.

وقوع انقلاب اسلامی سبب تحول اساسی در این وضعیت شد، ایران از بلوک غـرب خارج شده و سیاستی مخالف هر دو بلوک در پیش گرفت که این رفتار در طول جنـگ سرد بی‌سابقه بود.

امام خمینی(ره) اصول سیاست خارجی را در قالب شعـــار «نه شـرقی، نـه غربـی، جمهوری اسلامی» متبلور ساخت. مقام معظم رهبـری نیـز اصـول «عـزت، حکمـت و مصلحت» را در سیاست خارجی مطرح نمودند[1].

اگرچه اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طول ۲۹ سال گذشته ثابت بوده اما نگاه و رفتار دولتها در طول دوره‌های مختلف به آن متفاوت بوده است.

در ذیل به بررسی چهار دوره سیاست خـارجی جمهـوری اسـلامی ایـران پرداختـه می‌شود:

۱. سیاست خارجی دولت موقت (دوره انفعال)

بررسی انقلاب‌های گذشته عموماً نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب در مرحله اول مردانی سر کار می‌آینـد کـه معمـولاً میانـه رو خوانـده مـی‌شـوند. کـربن بریتنـون

۱ـ روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰/۰۶/۱۱.

میانه‌روها را افرادی توصیف می‌کند که در میان جبهه مخالف دولت پیشین ثروتمندتر، شناخته شده تر و بلند پایه‌تر بوده و تنها از آنها انتظار می‌رود که دولت را از دست رژیم پیشین بگیرند[1].

میانه‌روها بطور خود انگیخته و بعضاً ناخودآگاه قبول مسئولیت می‌کنند، می‌بایست دولت را از حکومت سابق تحویل گرفته و ضمن اصلاح نهادهای موجود یک نظام ایده‌ال که در ایدئولوژی انقلابی ترسیم شده بر پا دارند و از آنها انتظار می‌رود که وظایف عالی حکومت را نیز انجام دهند از نظر ایدئولوژیک میانه‌روها در حد وسط محافظه‌کاران راست قدیم و رادیکالهای تندروی انقلاب قرار دارند و این ایدئولوژی در ابعاد مختلف سیاستگذاری داخلی و خارجی میانه‌روها تجلی پیدا می‌کند. در انقلاب اسلامی ایران هم این اصل کلی صادق بود و اگر این انقلاب هیچ گونه مشابهت دیگری با سایر انقلاب‌ها نداشته باشد از این نظر (روی کار آمدن میانه‌روها بعد از پیروزی انقلاب) تشابه عجیبی با سایر انقلابها داشته است.

در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۱ شمسی (یک هفته قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه) امام خمینی(ره) رهبر انقلاب و بنا به پیشنهاد شورای انقلاب طی حکمی مهندس مهدی بازرگان دبیر کل نهضت آزادی را به عنوان نخست وزیر دولت موقت برگزیده و وظایف او را بشرح زیر تعیین کردند:

الف. ترتیب اداره امور مملکت؛

ب. انجام رفراندم و مراجعه به آراء عموم ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی؛

ج. تشکیل مجلس موسسان جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید؛

د. انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید[2].

۱ـ کرین بریتون، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران نشر نو، سال ۱۳۶۳، ص۱۴۵.

۲ـ منوچهر محمدی، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی (اصول و مسائل)»، نشر دادگستر، چاپ

اگرچه در فرمان نخست وزیری بازرگان ذکر شده بود که انتخاب ایشان بدون توجه به وابستگی حزبی و گروهی می‌باشد مع ذلک ترکیب کابینه انتخابی دولت موقت نشان‌دهنده این امر بود که اولین کابینه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ترکیبی غیر انقلابی و میانه روانه بوده و دارای افکار لیبرالیستی می‌باشد و قابل پیش بینی بود که تضاد در افکار و در اجرا هم در زمینه سیاست داخلی و هم در زمینه سیاست خارجی میان کارگزاران دولت موقت و نیروهای انقلاب و به ویژه رهبران واقعی انقلاب و بالاخص حضرت امام(ره) بروز خواهد کرد.

مهمترین علل این تضادها بشرح ذیل بود:

۱. اسلام یا ایران به عنوان هدف غایی، در حالی که انقلاب اسلامی ایران بر پایه مکتب جهان شمول اسلام شکل گرفت و به پیروزی رسید و هدف خود را گسترش و استقرار مکتب اسلام در سراسر گیتی قرار داده بود، دولت موقت و به ویژه نخست وزیر آن هدف سیاست خارجی خود را خدمت و تعالی و در چهارچوبه آرمانهای ناسیونالیستی قرار داده و به مکتب اسلام و به عنوان وسیله‌ای در ارایه خدمت به ایران نظر می‌افکند؛

۲. دولت موقت با استناد به رویه‌ها و مقرارت پذیرفته شده بین‌المللی تکیه بر صدور انقلاب و حمایت از نهضتهای آزادی بخش را مغایر اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می دانست و معتقد بود به جای تکیه بر صدور انقلاب بهتر است جامعه‌ای نمونه و الگو بسازیم تا دیگران آن را سرمشق قرار داده و از آن تقلید نماید؛

۳. برداشت دولت موقت و بطور کلی لیبرالها از سیاست نه شرقی ـ نه غربی صرفاً همان موازنه عدمی و یا منفی بود و از این اصل برداشت مبارزه و تهاجم بر علیه استکبار جهانی نداشتند، در حالی که اصولاً سیاست نه شرقی ـ نه غربی اصل موازنه را چه منفی و چه مثبت قبول نداشته و ابر قدرتها را به عنوان یک مجموعه واحد از استکبار جهانی دانسته و مبارزه با آنها را از اهداف اصلی سیاست خود می‌داند.

بطور خلاصه سیاست خارجی دولت موقت را طی ۹ ماهه از ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ شمسی تا ۱۵ آبان ۱۳۵۸ شمسی که دولت موقت استعفای داد می‌توان بشرح ذیل خلاصه کرد:

- دولت موقت فاقد یک استراتژی مشخص برای سیاست خارجی بود و درک روشنی از سیاست نه شرقی و نه غربی حضرت امام (ره) نداشت؛
- تمایل به ترمیم رابطه با ایالات متحده با توجه به دیدگاه نخست وزیر و وزیر امور خارجه در حوزه سیاست خارجی که در نهایت منجر به استعفای دولت موقت گردید؛[۱]
- دولت موقت یک دیدگاه محافظه کارانه نسبت به همه مسائل از جمله سیاست خارجی داشت که این کاملاً با جو عمومی جامعه و دیدگاه جهانیان که منتظر حرکتهای انقلابی بودند، متفاوت بود؛
- در بین اعضای دولت موقت هم در تصمیم‌گیری در مسائل سیاست خارجی اختلافات عمیقی وجود داشت که این موضوع بیشتر به اختلافات فکری میان آنها برمی‌گشت؛[۲]
- دولت موقت فاقد پایگاه مردمی برای پیشبرد دیدگاههای خود در عرصه سیاست بین‌الملل بود.

به عبارت دیگر مهمترین عامل در سقوط دولت موقت اصرار در اجرای سیاست خارجی کاملاً متضاد با سیاست خارجی حضرت امام(ره) بود که موجب شکست دولت موقت و کنار رفتن میانه‌روها از صحنه حاکمیت جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی گردید.[۳]

۱ـ حسن واعظی، «ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران»، انتشارات سروش، چاپ تهران، سال ۱۳۷۹.

۲ـ فرشید سعیدی، «سیاست خارجی دولت موقت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، سال ۱۳۷۴.

۲. سیاست خارجی دوران جنگ تحمیلی (سیاست تدافعی)

پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی در دوران پایانی نظام دو قطبی موجب گردید جمهوری اسلامی از یک سو با نظام سرمایه داری جهانی و از سوی دیگر نظام مبتنی بر مارکسیسم را رویاروی خود داشته باشد.

با حاکمیت لیبرالها در روزهای آغازین انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران به شدت تحت تاثیر این جریان فکری قرار گرفت و با هدایت لیبرالها به سمت غرب متمایل گردید. قدر مسلم این بود که این دیدگاه نمی‌توانست مورد تأیید رهبر انقلاب قرار گیرد. بنابر این با توجه به تضاد و اختلافات عمده‌ای که بین این دیدگاه و نظرات حضرت امام وجود داشت، دولت موقت با اقدام انقلابی دانشجویان خط امام کنار رفت.

با سقوط دولت موقت و آغاز ریاست جمهوری بنی صدر، دوره حاکمیت لیبرالها بر سیاست خارجی وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله سیاست خارجی ایران تحت‌الشعاع سه مسئله عمده بود:[1]

- دیپلمات‌های آمریکایی که توسط دانشجویان پیرو خط امام به گروگان گرفته شده بودند؛
- حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و اشغال این کشور توسط ارتش سرخ؛
- تهاجم عراق به ایران و آغاز جنگ تحمیلی.

انقلاب اسلامی در جریان گروگان گیری در تقابل مستقیم با غرب، جوهره ضد آمریکایی انقلاب اسلامی را آشکار کرد. در مسئله افغانستان نیز ایران عملاً رو در روی اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گرفت و علاوه بر درگیری با غرب، با شرق نیز درگیر شد و هرگونه مساعدت و همکاری با روسها را نفی کرد.

۱ـ بهرام چوبین، «ایران و جنگ: از تنگنا تا آتش بس»، فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۱

در این دوره به دلیل حاکمیت لیبرالیسم به شیوه جدید هدفهای سیاست خارجی بنی صدر چندان تفاوتی با اهداف دولت موقت نداشت و تنها به دلیل حضور عناصر انقلابی در صحنه‌های مختلف، به ویژه در مجلس شورای اسلامی، دشمنی با امریکا نسبت به دوره حاکمیت دولت موقت از شدت بیشتری برخوردار بود. بنی صدر با توجه به موقعیت موجود، سیاست بهبود و گسترش روابط با اروپای غربی را سر لوحه سیاست خارجی خود قرار داده بود.

با حذف بنی صدر و حاکمیت خط امام بر کشور، دوره جدیدی در سیاست خارجی آغاز گردید. در این دوره اگرچه موضوع گروگانهای امریکایی حل و فصل شده بود اما دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی از گذشته جدی‌تر ادامه داشت و سیاست مداران آمریکا سعی داشتند با منزوی ساختن انقلاب اسلامی به وسیله جنگ، جمهوری اسلامی را دچار شکست کنند.

روندهای سیاست‌گذاری خارجی در طول جنگ تحمیلی:

این روندها و نوع رفتار سیاست خارجی ایران را طی هشت سال جنگ، در سه دوره مشخص می‌توان بررسی کرد:

الف. دوره ابهام و آشفتگی (۶۱ـ۱۳۵۹ شمسی)

سیاست خارجی هر کشوری ادامه سیاست داخلی آن است. به عبارت دیگر، ماهیت تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی کشورها، برآیند و محصول شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی آن، تامل نخبگان فکری و ابزاری و عملکرد دستگاه سیاست‌گذاری خارجی است. اهمیت این موضع به ویژه با توجه به بی ثبات بودن روابط سیاسی بیشتر آشکار می شود.

بعد از استعفای دولت موقت در مورخه ۱۳۵۸/۸/۱۴ امام راحل اداره امور کشور را به شورای انقلاب واگذار کردند.

ایالات متحده برای آزادی گروگانها تلاشهایی را همراه با ارعاب، تهدید و تطمیع آغاز کرد لیکن تاکید دانشجویان بر مسائلی مانند برگرداندن اموال شاه به کشور، تعهد آمریکا به عدم دخالت در امور داخلی در ایران باعث شد سیاست خارجی ایران تحت

تاثیر این مسئله شکل جدیدی به خود گرفته و از نفوذ و حاکمیت کامل لیبرالها بر آن کاسته شود. در واقع با حرکت دانشجویان خط امام و استعفای دولت موقت، مرحله اول از حاکمیت لیبرالها بر سیاست خارجی به پایان رسید.

بعد از عزل و فرار بنی صدر، مرحله دوم از حاکمیت لیبرالها بر سیاست خارجی کشور نیز پایان یافت.[1]

ب. دوره اصول‌گرایی

در پی تحولات داخلی، جبهه نظامی و سیاست خارجی نظام نیز دستخوش تغییر و تحول شد. رزمندگان اسلام در مناطق عملیاتی طی چند عملیات که عمدتاً از حصر آبادان در مهر سال ۱۳۶۰ شمسی آغاز شد و با آزاد سازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ شمسی پایان یافت، به اشغال خاک جمهوری اسلامی از سوی دشمن پایان دادند.

همراه با این تحولات در جبهه‌های نبرد، سیاست خارجی ایران نیز دچار تغییرات عمده‌ای گردید و موفقیت‌های را در جلب حمایت‌های خارجی از سوی کشورهای بی‌طرف و غیرمتعهد به دست آورد.

با تسلط تدریجی نیروهای انقلابی در صحنه نبرد، زمینه‌های تسلط آنان در سایر جبهه‌های انقلاب اسلامی از جمله سیاست خارجی نیز فراهم شد و این خود بیانگر تحولی عمده در این زمینه بود.

در این دوره، آزادسازی خرمشهر نقطه عطفی محسوب می‌شود. حاکمیت نیروهای خط امام و از بین رفتن دوگانگی در سیاست داخلی و خارجی ایران این امکان را فراهم کرد که جلوی تجاوز و پیش روی عراق گرفته شود و مرحله نوینی در سیاست خارجی ایران شروع گردد.[2]

در واقع، سکان سیاست خارجی ایران که پیش از این دست به دست می‌شد در اختیار حضرت امام (ره) قرار گرفت.

۱ـ علی‌اکبر ولایتی، «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

۲ـ «خلاصه روزشمار جنگ ایران و عراق»، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

سیاست خارجی ایران در این مقطع عمدتاً با الهام از پیروزی‌های نظامی، تحت تاثیر جنگ قرار داشت لیکن به لحاظ تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان و مواضع ضد اسرائیلی ایران، موقتاً تغییر یافت و ایران در صحنه معادلات اعراب و اسرائیل نیز وارد شد.

اگرچه در این مورد امام(ره) با اتخاذ استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» باعث اصلاح استراتژی نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی شدند، اما اقدامات ایران در برخورد با تجاوز اسرائیل موجب شد دریچه‌ای جدید بر روی سیاست خارجی گشوده شود.

جمهوری اسلامی با برخورداری از موقعیت جدید و به دنبال حضور نظامی در لبنان و طرح ریزی عملیات نظامی برای ورود به خاک عراق، روند جدیدی از تحرکات دیپلماتیک خود را آغاز کرد. افزایش مناسبات ایران و سوریه به لحاظ تاثیرات حمایت ایران از سوریه در لبنان و متقابلاً حمایت سوریه از ایران پس از ورود به به داخل خاک عراق، روند قابل توجهی به خود گرفت.

بطور خلاصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی را می‌توان بشرح ذیل خلاصه نمود:

در این مقطع (از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸شمسی) زمانی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی تقابل گرای/ محدودیت محور بود. مهمترین پیامد جنگ تحمیلی برای دولت جمهوری اسلامی ایران، جلب نظر آن به واقعیت محیط بین‌الملل بود. جنگ تحمیلی نشان داد که ایران به عنوان یک دولت در محیط بین‌المللی با محدودیتهای بسیاری رو به رو می‌باشد که برای حفظ و بقای خود باید این محدودیتها را در نظر بگیرد. توجه به سازمانهای بین‌المللی که در ابتدای انقلاب مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود، نشان داد در صورت تعامل مناسب می‌توان از آنها در جهت پیش برد اهداف در سیاست خارجی استفاده نمود. قطعنامه ۵۹۸ نمود عینی این دست آورد بود.

هر چند انقلاب اسلامی ایران دارای اهداف توسعه طلبانه نبود، اما تصور نقش دولت جمهوری اسلامی به عنوان دولتی رهایی بخش، ضد استبداد و ضد استعماری موجب نگرانی‌های برای دولتهای منطقه خاورمیانه که عمدتاً غیر دمکراتیک و اقتدارگرا

و متحد ابر قدرتها بودند، گردید. رفع نگرانی دولتهای منطقه از جمهوری اسلامی از دیگر محورهای سیاست خارجی در این دوره بود.

ادامه سیاست نه شرقی ـ نه غربی با محکومیت تجاوز اتحاد شوروی سابق به افغانستان و تقابل با سیاستهای استعماری ایالات متحده در اقصی نقاط دنیا ادامه یافت.

۳. سیاست خارجی در دوران سازندگی (سیاست تنش زدائی و توسعه اقتصادی)

شرایط داخلی پس از جنگ و قبول قطعنامه ۵۹۸، ضرورت تحول در اولویت بندی اهداف سیاست خارجی بر اساس تأمین نیازهای اقتصادی و توسعه کشور را خاطر نشان می‌کرد. نابسامانی‌های ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی مناطق جنگ زده و سازندگی کشور، ایران را به اتخاذ سیاست‌های همکاری جویانه با سایر کشورها ترغیب می‌کرد.

تأمین هزینه‌های مالی بازسازی، نیازمند افزایش درآمدهای نفتی بود. این مهم علاوه بر بازسازی صنایع و تاسیسات نفتی، از طریق بهبود روابط با کشورهای تولید کننده نفت و همچنین افزایش سطح همکاری با کشورهای خارجی در راستای تامین منافع ارزی از آنها مقدور بود.

بدین ترتیب تامین نیازهای توسعه‌ای ایران نیازمند تغییرات در اهداف و رویکردهای سیاست خارجی بود تا از این طریق نیازهای ارزی برنامه‌های توسعه کشور با همکاری کشورهای جهان تامین گردد.[1]

بازنگری قانون اساسی و انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری از یک سو و فروپاشی اتحاد شوروی و نظام دو قطبی از سوی دیگر از جمله عواملی بودند که در دو سطح داخلی و بین‌المللی بر روند سیاست‌گذاری نظام و چگونگی تفکر و شیوه تصمیم‌گیری و اجرای نخبگان در خصوص مسائل عمده کشور تاثیرگذار بود.

۱ـ «مصاحبه با آیت الله رفسنجانی در خصوص سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۳.

خرابی‌های جنگ و مشکلات مالی ناشی از آن، مسئله مهاجران و اسرای جنگی، نابودی مراکز تولیدی، کاهش سرمایه گذاري، محاصره اقتصادی و بطور کلی نابسامانی-های اقتصادی و تنگناهای سیاست‌های داخلی لزوم یک بازنگری را در سیاست خارجی ایجاد می‌نمود.

بر این اساس و تحت تاثیر این عوامل، دولت اصلاحات اقتصادی را در همه امور منجمله سیاست خارجی سر لوحه برنامه خود قرار داد.

عنصر محور این گفتمان را عمل گرایی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزشهای اسلامی (عزت، حکمت و مصلحت) تشکیل می‌داد.

در واقع خط مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از هر گونه تنش و در قالب سیاست عادی سازی روابط مورد بررسی قرار داد.

ضرورت تبدیل نظام اقتصاد جنگی به یک نظام اقتصاد بازار آزاد و بازسازی کشور تشکیل یک کابینه سازندگی را ایجاب می‌کرد. از سوی دیگر گذر از مرحله کابینه ایدئولوژیک به کابینه تکنوکرات، برداشتها و مفاهیم جدیدی را در حوزه سیاست خارجی ایجاد نمود.

جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی دو هدف استراتژیک را دنبال می‌کرد:

الف. در عرصه اقتصاد توسعه صادرات و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ؛

ب. در عرصه سیاست خارجی چند جانبه‌گرایی که برای تحقق این هدف تعمیق روابط با کشورها جهان و سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای بود که فعال سازی سازمان همکاری اقتصادی (اکو)[1] در این راستا صورت گرفت.

بطور خلاصه می‌توان سیاست خارجی دولت سازندگی را به شرح ذیل دانست:

۱. ضرورت عنایت به مسائل اقتصادی و امنیتی و تأمین منافع ملی در بعد اقتصادی موجب شد تا ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاستی عملگرا و همزیستی با

دیگران را دنبال کند؛

۲. پذیرش نظم حاکم بر روابط بین‌الملل؛

۳. احترام به قواعد و اصول بین‌المللی؛

۴. عضویت فعال در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۵. تلاش برای به وجود آوردن فضای همزیستی با همسایگان و دیگر کشورهای دوست، طی این دوران به جزء سه کشور (ایالات متحده، اسرائیل و افریقای جنوبی) ایران توانست یک رابطه منطقی با دیگر کشورهای جهان برقرار نماید؛

۶. توجه به مسائل اقتصادی تنها یکی از دلایل تغییر سیاست خارجی بود، عوامل دیگری همچون ضرورت احیای توان نظامی که به دلیل ۸ سال جنگ دچار ضعف و ناتوانی شده بود یکی دیگر از این ضرورتها بود؛

۷. فروپاشی اتحاد شوروی سابق اگرچه یک فرصت جهت سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود اما تهدیدات و تبعاتی نیز به دنبال داشت که مهمترین آنها ظهور هژمونی ایالات متحده بود که به عنوان یک تهدید برای جمهوری اسلامی حتی در زمان حاضر محسوب می‌شد؛

۸. جنگ اول خلیج فارس یک فرصت تاریخی برای سیاست خارجی ایران بود تا با استفاده از آن به حل مسائل خود با کشورهای عرب و آغاز روابط جدیدی بپردازد؛[1]

۹. سیاست صدور انقلاب که در زمان جنگ یکی از تزهای اصلی سیاست خارجی بود و جمهوری اسلامی را در مقابل طیف وسیعی از کشورهای غربی و شرقی قرارداده بود و این صف آرایی باعث بروز مشکلات اقتصادی و تنگناهای نظامی شده بود سیاست خارجی دوران سازندگی به سمت فراهم آوردن بستری نظری مبتنی بر اولویت دیدگاه «اسلام در یک کشور» به جای صدور انقلاب رهنمون گردید. در واقع بر اساس این ذهنیت و در دیدگاه جدید که حفظ ام القری را بر منافع جهان اسلام مقدم می‌داشت صورت گرفت؛

1- Chubin, S, "Iran and Iit's Neighbours Tthe Iimpact of the Gulf War" , London, The Center for Security and Conflict Studies 1992

۱۰. اگرچه تلاش زیادی برای برقراری روابط با کشورهای اروپائی صورت گرفت اما پیش آمدن مسائلی مانند کشته شدن مخالفان نظام در اروپا باعث تنشهائی در این روابط گردید.

بطور کلی سیاست خارجی در طول هشت سال ریاست جمهوری رفسنجانی بیشتر بر اساس نگاه ژئوپولتیک صورت گرفت به این جهت تلاش گسترده‌ای با انعطاف‌پذیری و جهت‌گیری مصلحت‌گرایانه صورت گرفت تا ایران از انزوای سیاسی که طی ۸ سال جنگ به او تحمیل شده بود، بیرون بیاید و یک ایران قوی مورد توجه نظام بین‌الملل باشد.

۴. سیاست خارجی دولت خاتمی (ادامه سیاست تنش زدائی بر مبنای توسعه سیاسی)

در سال ۱۳۷۶ وقتی دولت جدید آغاز به کار کرد، سیاست خارجی دوران مشکلی را می‌گذراند. فشارهای بین‌المللی و انزوای جهانی بر سیاست خارجی مسلط شده بود. ایالات متحده و اسرائیل در یک مدیریت مسلط و موفق شرایط سختی برای ایران به وجود آورده بودند و کشورهای قدرتمند جهان کم و بیش تحت این مدیریت، با وجود تمام منافعشان از ایران فاصله گرفته بودند که در نتیجه این اقدامات تحریم‌های گسترده‌ای علیه کشور شکل گرفت.[1]

گشوده شدن پرونده های جنایی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران در دادگاههای غربی، کاهش سطح روابط کشورهای پیشرفته با ایران، تکرار مداوم و موثر اتهامات مبنی بر دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر باعث ایجاد مشکلات در سیاست خارجی گردیده بود.

پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ شمسی و طرح برنامه‌های رئیس جمهور جدید، گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چارچوب رهیافت واقع گرایی ادامه یافت، این تفاوت که نحوه بیان و

۱ـ علیرضا ازغندی، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*

شیوه برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قائل شدن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم[۱] جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد.

همچنین پس از خرداد ۷۶ تحولی در گفتمان سیاسی رخ داد بطوری که مشروعیت اثباتی، جایگزین مشروعیت سلبی یعنی دوری گزیدن از دشمن تراشی، طرح شعارهای پرخاشگرانه و تحریک کننده گردید.[۲]

علاوه بر این به موازات رشد جمعیت شاهد افزایش طبقه متوسط جدید بوده که اهمیت این وضع زمانی روشن می‌شود که این طبقه پس از بهبود سطح آگاهی و توان علمی خود، خواستار فرصتهای سیاسی بیشتری جهت ابراز عقاید خویش بوده که این وضعیت طرح خواسته‌های در حال گسترش این طبقه برخوردها و رفتارهای جدیدی را در امور داخلی و سیاست نوین در روابط خارجی به دولت تحمیل کرد.

اصول سیاست خارجی خاتمی بر دو اصل تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز و بر گفتگوی تمدنها استوار بود.[۳]

این دو هدف بر پایه اصل عزت، مصلحت و حکمت پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در زمان خاتمی را تشکیل می‌داد.

به اعتقاد خاتمی تنش زدایی به معنی غفلت و ناهوشیاری در برابر تهدیدها نبوده بلکه شناخت مرزهای دشمن و تلاش برای تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های اشتراک و هوشیاری در برابر تهدیدها می‌باشد.

همچنین خاتمی گفتگوی تمدنها را طرحی نو برای جهان و حاکم کردن گفتگو به جای زور و خشونت چه در حد صحنه‌های ملی و چه جهانی بر پایه برابری انسانها و

۱ـ Pluralism کثرت گرایی.

۲ـ روح الله رمضانی، «چارچوبی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ترجمه علیرضا طیب، تهران نشر نی، سال ۱۳۸۲.

۳ـ «گزارش چهار سال سیاست خارجی ایران»، روزنامه همشهری، ۸۰/۳/۲۴ .

تفاهم و بر پایه منطق اظهار نمودند.[1]

مهمترین تحولات نظام بین‌الملل در دوران خاتمی شامل حوادث ۱۱ سپتامبر، حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق و شروع بحران هسته‌ای بود که هر کدام تاثیرات مختلفی بر نظام جمهوری اسلامی داشت.

بطور خلاصه ماحصل سیاست خارجی دولت خاتمی را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

۱. سیاست تنش زدایی در دوران ریاست جمهوری خاتمی با وجود نفس مثبت آن در نظام بین‌الملل، به علت مخالفت ایالات متحده نتوانست دست آوردهای مثبتی برای کشور به همراه داشته و ایالات متحده ایران را در محور شرارت قرار داد؛

۲. با توجه به پیچیدگی‌های نظام بین‌الملل و بحرانهای مستمر جهانی، نگرش خوش بینانه به ایده گفتگوی تمدنهای خاتمی و تنظیم آن بر اساس منافع ملی تا حدود زیادی با برخی از واقعیت‌ها جهان معاصر مغایرت داشته بطوری که قدرتهای استعماری به سادگی حاضر به دست بر داشتن از سیاست‌های تمامیت‌گرا و برتری‌جویانه خود نگردیدند؛

۳. طرح گفتگوی تمدن‌ها در سازمان ملل و پذیرش آن توسط تمام اعضای جامعه جهانی حتی ایالات متحده و اسرائیل، اگرچه به عنوان یک شیوه روابط عمومی برای نظام اسلامی مطرح شد اما در عمل به گفتگوهای بی حاصل تبدیل شد که بیشتر باعث سرخوردگی ملتهای آزاد دنیا که چشم امید به جمهوری اسلامی داشتند، گردید؛

۴. در خصوص حوادث ۱۱ سپتامبر، حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق اگرچه دستگاه سیاست خارجی همکاری نسبتاً بالائی با طرف آمریکایی داشت اما دستاوردهای آن برای ایران بسیار اندک بود، که می‌توانست با استفاده از پتانسیلهای ممکن بهره برداری بیشتری از این موارد کرد؛

۱ـ جواد سوزی، «بازتاب جهانی شدن در سیاست خارجی خاتمی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶،

۵. در خصوص بحران هسته‌ای دستگاه سیاست خارجی سعی کرد با دادن امتیاز و مذاکره به پیش برد امور مبادرت نماید اما طرف اروپایی نه تنها هیچ گونه امتیازی نداد بلکه به مدت دو سال فعالیت هسته‌ای ایران را به انفعال کشاند و از این رهگذر زیانهای متعددی را به این رشته از صنایع وارد نمود.[۱]

۱ـ حمید بعیدی‌نژاد، «سیاست هسته‌ای خاتمی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴.



فصل سوم

سیاست‌های کلی ناظر بر روابط خارجی

جمهوری اسلامی ایران کشوری است منطقه‌ای، با توانمندی‌های بین‌المللی که از تاثیرات «سطح جهانی» نیز برخوردار است. ایران در نظر دارد که ظرف کمتر از دو دهه آتی، به کشور برتر منطقه تبدیل گردد، ایران برتری خود را علاوه برعرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوری و نیز دفاعی، نسبت به کشورهای «محور قدرتمند» در منطقه آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) جست وجو می‌نماید.

ایران، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در حدود نیم دهه، از طریق وابستگی به ابرقدرت غرب و تلاش برای ادغام در نظام سیاسی، فرهنگی و بین المللی به کشور برتر منطقه تبدیل شده بود. اما این برتری، عمدتاً «نیابتی» بود و با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های برتری ساختاری ایران، پیوندی نداشت. جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای منطقه، به لحاظ ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک و نیز و ژئواکونومیک، کاملاً متمایز است. بیشترین مزیت‌های نسبی را در مجموع سه عنصر ساختاری ژئواستراتژیک، ژئوپلتیک، ژئواکونومیک ایران به خود اختصاص داده است. به این لحاظ، وضعیت طبیعی ایران، برتری این کشور را به منطقه تحمیل می‌کند.[1]

برای دستیابی به این سطح توانمندی، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳ شمسی برنامه توسعه چهارم و سند چشم‌انداز بیست ساله را تصویب کرد که مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت.

۱ـ علیرضا اکبری، «تحلیلی است بر رکن محوری ترسیم ابعاد سیاست خارجی کشور در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران»، منبع http:///www.farsnews.ir

در این سند، ارکان راهبرد سیاست خارجی در بستر چشم‌انداز شامل چگونگی بکارگیری منابع ومدیریت عوامل و شرایط ملی و (برمبنای) نوع تنظیم مناسبات و ترتیب روابط کشور با دیگر کشورها و مجموعه عوامل، عناصر و شرایط محیط خارجی کشور، به منظور تامین منابع و تحقق اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است.

در تنظیم راهبرد سیاست خارجی، درک و تبیین صحیح و کامل از قدرت و توان ملی، بویژه در بعد سیاست خارجی، درک و تبیین صحیح و کامل از قدرت و توان ملی، بویژه در بعد سیاست خارجی، مقتضیات و ویژگی‌های محیط خارجی و بخصوص قواعد نمونه و مسلط پارادایم حاکم بر محیط منطقه‌ای و پیرامونی، شناخت فرصت‌ها، آسیب‌ها و آسیب پذیری‌های محیطی و تهدیدهای موجود و... بسیار حائز اهمیت است.

برای اجرائی شدن این سند در عرصه سیاست خارجی، «دکترین تعامل سازنده» ارائه گردیده است.

اصول حاکم بر روابط خارجی براساس سند چشم‌انداز[1]

۱ـ متن سند نهایی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

«چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل

دستیابی به اهداف مورد اشاره و اجرای دقیق مصوبات و رهنمودهای مسئولان نظام، در تبیین اصول حاکم بر روابط خارجی قبل از هر چیز نیازمند تبیین سیاست کلی مربوط به مناسبات سیاسی بر اساس سند چشم انداز و قانون برنامه چهارم توسعه است[1]. محور اساسی مطرح شده در سند چشم انداز عبارت از:

سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسوولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی،توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکر و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) دارای تعامل سازنده و موثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخصه‌ای کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

شایان ذکر است این چشم انداز مبنای تنظیم سیاستهای کلی چهاربرنامه پنجساله آینده خواهد بود و افق جهت گیری کلی فعالیتهای کشور را در ابعاد مختلف در بیست سال آینده مشخص می‌نماید.

منبع: قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ـ۱۳۸۸: مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی. ـ تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۳.

۱ـ سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ـ۱۳۸۸) در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۱ مورد تصویب مجلس قرار گرفت.

ایران کشوری است: دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی، فن آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی؛

ایران کشوری است: الهام بخش در جهان اسلام، فعال و موثر در جهان اسلام با ارائه الگوی مردم سالاری دینی؛

ایران کشوری است: امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت، دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

در سیاست کلی برنامه چهارم توسعه نیز ثبات در سیاست خارجی بر اساس قانون اساسی و رعایت سه اصل مورد اشاره و تقویت روابط خارجی از طریق:

- گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- تشنج زدایی در روابط با کشورها؛
- تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم؛
- بهره گیری از روابط برای افزایش توان ملی؛
- مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی؛
- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان؛
- مقابله با تک قطبی شدن جهان؛
- حمایت از مسلمانان و ملتهای مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین؛
- تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛
- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل؛
- بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه گذاری خارجی و فن آوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت خارجی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز؛

• تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دست آوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی؛

• تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه به یک قطب اقتصادی، علمی و فن آوری صنعتی؛

• تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان و سازمانهای فرهنگی بین‌المللی؛

• تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان و نیز حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی مورد تاکید قرار گرفته است.

سیاست‌ها و خطمشی‌های کلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس سند چشم‌انداز:

۱. رعایت اصل استغناء و خود باوری در تعاملات سیاسی و دیپلماتیک؛

۲. ایفای نقش پیشتاز و جریان ساز (فعال) در روابط دوجانبه و چند جانبه و پرهیز از سیاست انفعالی در سیاست خارجی؛

۳. برخورد علمی در طراحی و اجرای سیاست خارجی؛

۴ .توسعه و تعمیق روابط با سایر کشورها مبتنی بر منافع ملی؛

۵. تحکیم و تقویت امنیت ملی از طریق تعامل با کشورهای همسایه و تأثیرگذار در امنیت ملی و در صورت لزوم انعقاد قرارداد دوجانبه و چند جانبه امنیتی و نظامی؛

۶. تکیه بر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف؛

• تحکیم موقعیت منطقه‌ای کشور؛

• ارتقاء نقش کشور در روابط بین‌الملل؛

• استفاده از فرصتها و امکانات برای افزایش توان ملی؛

• مقابله با اقدامات خود سرانه قدرتها و تسری قوانین داخلی آنها به فراسوی مرزها؛

• مبارزه با تهدیدات جهانی از جمله تروریسم، مواد مخدر و تسلیحات کشتار جمعی؛

• کاهش فشارها و تهدیدات.

۷. اعتمادسازی و تنش زدایی در روابط خارجی کشور؛

۸ کمک به تقویت کشورهای اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی) و غیر متعهدها در تصمیم‌گیری‌های جهانی؛

۹. مبارزه با جهان تک قطبی و تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل و مشارکت و حضور فعال در جامعه جهانی؛

۱۰. ایفای نقش سازنده در حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای و بین‌المللی و مشارکت در تلاش صلح سازی؛

۱۱. حمایت از مسلمانان و مستضعفان به ویژه ملت مظلوم فلسطین؛

۱۲. احتراز از گرایشهای جناحی و گروهی در سیاست خارجی و اصالت دادن به الویت‌های منافع ملی در قالب اجماع ملی؛

۱۳. کمک به تحکیم قدرت اقتصادی کشور؛

۱۴. کمک به اشتغال‌زایی در کشور از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه با کشورها جهت اعزام نیروی کار به خارج از کشور و بهره‌گیری از تجارب کشورها و همکاری سازمانهای بین‌المللی ذیربط و نیز سازماندهی نیروی کار ایرانی در خارج؛

۱۵. هماهنگی روابط اقتصاد خارجی و سیاست فرهنگی برون مرزی با سیاست خارجی در راستای تحقق منافع ملی؛

۱۶. تقویت همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه در زمینه محیط زیست و مبارزه با تهدیدات زیست محیطی؛

۱۷. تقویت صنعت توریسم و کمک به ارتقاء این صنعت از طریق جذب سرمایه خارجی، شناساندن و معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران و اطلاع رسانی مناسب و نیز جذب جهانگردان بویژه از کشورهای اسلامی؛

۱۸. گسترش تعامل با سایر فرهنگها و ملتها و تلاش برای گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب؛

۱۹. گسترش زبان و ادبیات فارسی به عنوان بستر گسترش فرهنگ اسلامی و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛

۲۰. سازماندهی و حمایت از ایرانیان خارج از کشور و ایجاد پیوند سازنده بین آنان و کشور و فرهنگ ایرانی و حفظ هویت ایرانی و زبان فارسی از طریق مختلف نظیر تقویت و گسترش مدارس ایرانی در خارج از کشور؛

۲۱. کمک به توسعه روابط فرهنگی و علمی و آموزشی و ایجاد زمینه‌های لازم برای ارائه توانمندی‌ها و دست آوردهای علمی و فرهنگی و نشست های مشترک علمی بین اندیشمندان و نخبگان و مجامع علمی و دانشگاهی و تبادل استاد و دانشجو و برگزاری و شرکت در مسابقات علمی، هنری و ورزشی؛

۲۲. تلاش برای بهره گیری از امکانات رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی) برای تبین اهداف و دست آوردهای جمهوری اسلامی و مقابله با تبلیغات رسانه‌ای و رفع اتهامات علیه کشور در مجامع بین‌المللی و ارائه تصویر صحیح از جمهوری اسلامی ایران در جهان؛

۲۳. معرفی فلسفه سیاسی، حقوقی و بین‌المللی اسلام و فرهنگ تشیع و تحکیم موقعیت آن در روابط بین‌المللی؛

۲۴. هماهنگ شدن فعالیتهای دفاتر و نمایندگی‌های مختلف در خارج از کشور.

متغیرها و ملاکهای تعیین کننده استراتژی روابط با سایر کشورها:

الف. همسایگی و داشتن ارزش ژئوپولتیک و ژئوامنیتی؛

ب. قرابت و اشتراکات تاریخی و فرهنگی با تأکید بر زبان و مذهب مشترک؛

ج. عضویت در کنفرانس اسلامی؛

د. اشتراک در مواضع با جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل جهانی و منطقه‌ای؛

هـ. عضویت در همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اکو، D8، اوپک و ...؛

و. عضویت در جنبش عدم تعهد؛

ز. بازار صادراتی و صدور خدمات فنی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران؛

ح. جایگاه و وزن سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای؛

ط. نیاز اقتصادی و تکنولوژیکی جمهوری اسلامی ایران به آن کشور؛

ک. عضویت در شورای امنیت.

سیاستها و راهبردهای روابط با کشورهای مختلف جهان

در تنظیم سیاستها و راهبردهای روابط، همانگونه که اشاره شد اصول کلی حاکم بر روابط خارجی بر گرفته از قانون اساسی و سند چشم‌انداز و رهنمودهای مسئولان نظام مورد توجه قرار گرفته و کشورهای مختلف جهان براساس امتیازی که از عوامل و متغیرهای ۱۰ گانه تعیین کننده استراتژی روابط با کشورها بدست آورده‌اند. با توجه به رویکرد دولت جدید در پنج گروه زیر تقسیم‌بندی شده‌اند که اهداف و سیاستهای هریک از گروه‌ها و نیز سازمانهای بین‌المللی ذیلاً نقل می‌گردد:

۱. کشورهای همسایه و برخوردار از اهمیت ژئوپولتیک؛

۲. کشورهای اسلامی غیر همسایه؛

۳. کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه (جنوب)؛

۴. کشورهای صنعتی و برخورداری از فن آوری؛

۵. سازمان‌های بین‌المللی.

دکترین تعامل سازنده[1]

برای نظامهائی که از سیاست خارجی فعال و پویائی برخوردار بوده و دارای اهداف برون مرزی نیز باشند تدوین و تصویب یک دکترین عملیاتی و راهبردی در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی آن نظامها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. عموماً این دکترین بر پایه تجربیات بدست آمده در گذشته، تحلیل شرایط جهانی و منطقه‌ای موجود و توانمندی نظام سیاسی در اجرای برنامه‌های تنظیم شده شکل می‌گیرد.

۱ـ منوچهر محمدی، آینده نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، انتشارات وزارت امور خارجه (دانشکده روابط بین‌الملل)، سال ۱۳۸۶، ص ۷۹-۲۳۵

جمهوری اسلامی در طول ربع قرن گذشته علیرغم برخورداری و درگیری در سیاست خارجی پر تحرک بعلل عدیده نتوانسته دکترین مطلوب و متناسبی را تنظیم و به ساختار اجرائی و دیپلماتیک کشور ابلاغ کند.

دوران بی‌ثباتی دوساله اول بعد از پیروزی انقلاب و حضور پر رنگ لیبرالها در ساختار تصمیم‌گیری و بدنبال آن تجاوز نظامی عراق و درگیر شدن در یک جنگ گسترده و وسیع هشت ساله که طبیعتاً سیاست خارجی کشور را تحت الشعاع و تابعی از جنگ قرار داده بود و همچنین دوران سازندگی بعد از جنگ و ضرورتی که به اعمال سیاست تنش زدائی میرفت از جمله مواردی است که مانع از تهیه و تدوین چنین دکترینی می‌شد. براین موانع و مشکلات باید موضوع دوصدائی یا حتی چند صدائی در میان دولتمردان و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی در کشور را بویژه بعد از خرداد ۱۳۷۶ افزود.

در ادامه دهه ۱۳۸۰ شمسی بنظر می‌رسد که شرایط چه از نظر جهانی و منطقه‌ای و چه از لحاظ داخلی به مرحله‌ای رسیده بود که امکان اتخاذ سیاستی پویا، فعال و عالمانه وجود داشت که می‌توان آنرا در قالب چشم‌انداز بیست ساله در دستور کار قرار داده و دکترین معین و منسجمی ارائه داد که با آن بتوان با توجه به محتوای سیاست‌های پیشنهادی و جایگاه جمهوری اسلامی بعنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای و ذی مدخل در روابط بین الملل نقش کلیدی و اساسی خود را هر چه بهتر بر عهده گیرد.

در سطح جهان بدنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی و علیرغم تمایل جهانی به ورود به نظام چند قطبی، ایالات متحده امریکا تلاش بی وقفه‌ای را برای برقراری نظام تک قطبی و سلطه جهانی امریکا آغاز کرده است و حوادث و اتفاقات متعاقب آن و دکترین‌های ارائه شده از طرف امریکا در همین راستا سیر می‌کند و زمانیکه امریکا از تلاشهای سیاسی و اقتصادی خود در تحقق این آرزو نتیجه نگرفت به آخرین حربه متوسل گردید و آن دست‌یازی به حرکتی نظامی بود که بدنبال حوادث ۱۱سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق شکل گرفت.

عدم موفقیت ایالات متحده در ایجاد نظام تک قطبی و شکست این کشور درتهاجم به عراق و افغانستان میدان مانور گسترده‌ای برای بازیگران مستقل منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی فراهم نمود و اتخاذ یک سیاست مدبرانه و ماهرانه و با بهره‌برداری از شرایط موجود در قالب یک دکترین قابل تبیین و ارائه بود.

شرایط فوق امکان و فرصت استثنائی به جمهوری اسلامی می‌دهد که از لاک دفاعی درآمده و تهاجم آرام و محکم خود را علیه استکبار آغاز نماید و این سیاست در شرایطی موفق خواهد بود که نه تنها به سیاست تنش زدائی خاتمه داده و سیاست تعامل سازنده و قدرتمندانه را انتخاب کرده و بویژه از حالت وادادگی که در مجلس ششم به چشم می‌خورد خارج شده و نه تنها از بروز و ایجاد بحرانهای سیاسی وحشت نداشت بلکه مهمتر از همه به دوره دو صدائی و یا چند صدائی هم خاتمه داد و کلیه عوامل ساختار دیپلماتیک خود را ملزم و متعهد نمود که از سیاست تدوین شده و ابلاغ گردیده پیروی کنند و تحقق این امر نیاز به تحول و در واقع نوعی خانه تکانی در کادر دیپلماتیک کشور بود تا چنانچه افراد و گروههائی در داخل این ساختار آمادگی پذیرش و اجرای این دکترین را ندارند کنار گذاشته شوند.

تعریف دکترین تعامل سازنده

دکترین تعامل سازنده، اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تاثیر گذار، جهت دار با آگاهی و شناخت دقیق از معادلات سیاسی جامعه بین‌الملل، خروج از جایگاه متهم و قرار گرفتن در جایگاهِ مدعی، ورود به عرصه سیاست جهانی به عنوان بازیگری قدرتمند با عبور از مرحله تنش زدایی به مرحله پیشرفته‌تر آن در صحنه بین‌الملل می‌باشد.

این دکترین در شش سطح بین‌المللی، جهان در حال توسعه، جهان اسلام، خاورمیانه، همسایگان و ملی ارائه می‌گردد.

۱. سطح بین‌الملل

شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای قرن ۲۱ میلادی با تغییرات قابل توجهی روبرو شده است. این امر ناشی از دگرگونی‌های ساختاری در

نظام بین‌الملل می‌باشد. دگرگونی در حوزه‌های منطقه‌ای نیز به گونه‌ای بدون وقفه تداوم یافته است. فروپاشی نظام دو قطبی و حادثه ۱۱ سپتامبر را می‌توان به عنوان نقاط عطفی در تغییرات استراتژیک در حوزه بین‌المللی و منطقه‌ای دانست.

به موازات تغییرات یاد شده، شاهد دگرگونی‌هایی در سیاست خارجی ج.ا.ا برای امنیت‌سازی می‌باشیم. امنیت زمانی شکل می‌گیرد که کشورها از ابزارهای مناسب برای برخورد با تهدیدات نوظهور و همچنین تهدیدات کلاسیک برخوردار باشند.

تهدیدات امنیت ملی به گونه‌ای دائمی و بدون وقفه ادامه خواهد یافت. هیچ کشوری وجود ندارد که فارغ از شرایط تهدیدآمیز امنیت ملی به سر برد. این امر به مفهوم آن است که تمامی کشورها با تهدید روبرو می‌باشند. اما برخی از کشورها با تهدیدات گسترده‌تری روبرو بوده و در نتیجه چالش‌های بیشتری فراروی آنان قرار می‌گیرد.

تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران بیش از آنکه ناشی از مولفه‌های درون ساختاری یا منطقه‌ای باشد، تحت تأثیر مولفه‌های بین‌المللی است. این امر ناشی از ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که مولفه‌های ایدئولوژیک ایران با آنچه که در فضای سیاسی و بین‌المللی مطرح می‌شود، متفاوت است. اهداف اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس شکل‌بندی ایدئولوژیک بوده است. رویکردهایی ارائه داده است که بر اساس آن زمینه‌های تغییر در شکل‌بندی‌های موجود در نظام بین‌الملل فراهم می‌گردد.

ساختار موجود در نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که در آن قدرت‌های غربی براساس برتری تکنولوژیک خویش به برتری دست‌یافته‌اند. این برتری منجر به مداخله‌گری بی‌پایان آنان در سایر کشورها گردیده است. روند یاد شده با مولفه‌های اسلامی و ایدئولوژیک ایران در تضاد می‌باشد.

هم‌اکنون نیروهای امریکایی در طیف گسترده‌ای از کشورهای اسلامی حضور دارند. آنان در صدد هستند تا از طریق نیروهای نظامی خود به برتری دست یافته و موقعیت خود را تثبیت نمایند. شرایطی را فراهم کنند که بر اساس آن زمینه‌های هژمونی بر

جنوب را بدست آورند. کشورهای اسلامی عمدتاً در تقسیم‌بندی‌های موجود نظام بین‌الملل در جنوب قرار دارند. از آنجا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مخالف هرگونه مداخله‌گری بین‌المللی است. اینگونه مخالفت‌ها را افزایش می‌دهد. جوامع اسلامی تلاش دارند تا همانند جمهوری اسلامی ایران با مداخلات و هژمونیک‌گرایی غرب مقابله نمایند. این امر زمینه‌های افزایش تعارض را فراهم آورده است.

شواهد منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که به موازات افزایش مداخلات غربی، زمینه‌های سیاسی و استراتژیک برای واکنش متقابل ایران و سایر کشورهای اسلامی فراهم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران که مخالف سلطه‌گرایی غربی است بر این اعتقاد می‌باشد که در شرایط فعلی ساختار قدرت در نظام بین‌الملل اگر براساس نمادهایی از موازنه‌گرایی شکل گیرد و سازماندهی شود، زمینه‌های ثبات سیاسی و بین‌المللی افزایش می‌یابد. این مداخلات در جلوه‌های متفاوتی نمایان می‌شود. مداخلات نرم افزاری بیش از ستیزش‌های رو در رو اهمیت یافته است.

طی سالهای ۲۰۰۱ تاکنون امریکا حجم گسترده‌تری از محدودیت‌های سیاسی و استراتژیک را علیه ایران اعمال کرده است. این امر بیانگر آن است که جدال‌های سیاسی امریکا به عنوان بخشی از هژمونی آن محسوب می‌شود. استراتژیست‌های امریکایی بر جدال‌های بی‌پایان تأکید دارند . آنچه که به عنوان «عملیات پیشدستی کننده» مطرح گردید را باید انعکاس استراتژی و اهداف سلطه گرای امریکا دانست.

امریکائیها در گام اول جدال‌های استراتژیک خود را با افغانستان آغاز نمودند. طالبان را می‌توان به عنوان نیروهای اجتماعی دانست که زمینه‌های جدال با امریکا را بوجود آورده بودند. این نیروها می‌توانستند در زمان محدودی به عنوان نیروی چالشگر موثری ایفای نقش نمایند این روند منجر به افزایش جدال گرایی در کشورهای خاورمیانه گردید.

در دومین گام، زمینه برای جدال‌های جدیدی بوجود آمد. امریکا تلاش داشت تا محور بی‌ثباتی منطقه‌ای را بازسازی نماید. بنابراین آنان در دومین گام با عراق مقابله

نظامی نمودند. هدف آنان از چنین اقدامی را باید ایجاد زمینه‌های سیاسی و استراتژیک مناسب برای مقابله با جدی‌ترین تهدید دانست. این امر برای آنان مطلوبیت‌های ویژه‌ای را بوجود آورد. بعد از اقدامات نظامی امریکا در عراق شرایطی بوجود آمد که بر اساس آن برخی از کشورها در رفتار سیاست خارجی خود انعطاف‌پذیری گسترده‌تری را به نمایش گذاشتند.

گرایش ایران به نیروی سوم را باید به عنوان عامل دیگری دانست که بر اساس آن مبادرت به همکاری استراتژیک با کشورهایی می‌نماید که بتوانند جایگزین مطلوب و موثری برای امریکا گردند. از آن رو می توان به این جمع‌بندی رسید که:

الف. روندهای تضاد در روابط استراتژیک ایران و امریکا طی سالهای آینده و تا زمانیکه سیاست سلطه گرایی این قدرت ادامه داشته باشد تداوم خواهد یافت؛

ب. در این دوران امریکا تلاش‌های خود را برای اعمال محدودیت علیه جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد داد؛

ج. مخالفت اروپای متحد با مداخلات منطقه‌ای امریکا و چالش‌هایی که در برابر سیاست مداخله‌جویانه آن کشور ایجاد شده است را می‌توان به عنوان زمینه‌ای برای همکاری در روابط ایران و اروپا در تقابل با سلطه گرائی آمریکا دانست؛

د. امریکایی‌ها در کوتاه مدت علیه جمهوری اسلامی ایران نیروی نظامی به کار نخواهند گرفت. آنان تلاش دارند تا روندهایی ایجاد شود که بر اساس آن اقتدار استراتژیک ایران از طریق تضادهای درون ساختی کاهش یابد؛

هـ بحران‌های منطقه‌ای فراروی آمریکا به گونه‌ای خواهد بود که ابتکار عمل آن کشور در برخورد با تهدیدات را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که از یک‌سو زمینه محدودسازی جدال‌ها و منازعات امریکا در برخورد با ایران بوجود می‌آید. از سوی دیگر می‌توان شواهدی را مشاهده نمود که نیاز امریکا به مشارکت با ایران افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی سطح تعارضات امریکا علیه ایران به گونه مرحله‌ای کاهش خواهد یافت؛

و. تهدیدات امریکا علیه ایران در مقایسه با سایر چالش‌های موجود، افزایش یافته است. اما این امر به منزله ظهور تهدیدات پرشدت علیه ایران نمی‌باشد. قابلیت‌های اقتصادی و استراتژیک ایران به میزانی می‌باشد که امکان مانور ایران را در قبال این تهدیدات بیشتر می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران‌های ناشی از کنش استراتژیک امریکا به اقدامات تلافی‌جویانه و همچنین مقابله‌جویانه مبادرت می‌ورزد. این امر به عنوان زیربنای فعالیت‌های استراتژیک ایران در روند همکاری‌های سازنده تلقی می‌شود.

استراتژی بهینه جمهوری اسلامی ایران در سطح بین الملل

شرایط موجود در سطح بین‌الملل درجهت خواستگاه امریکا در اعمال سیاست یکجانبه‌گرائی و تثبیت نظام تک‌قطبی نمی‌باشد. امریکا در این هدف تنها بوده و مخالفت عمومی و جهانی را حتی در میان متحدین غربی خود برانگیخته است. شکاف میان امریکا و اتحاد اروپا روزبروز افزایش پیدا می‌کند. این تضاد با حمله امریکا به عراق آغاز شد و هم اینک بر سر مسائل مختلفی همچون نحوه برخورد با ایران، رابطه با چین و روسیه، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و عدم همکاری امریکا با پیمانهای بین‌المللی همچون کیوتو، دادگاه بین‌الملل جنایات جنگی و... اختلافات عمیق میان دو سوی اقیانوس اطلس وجود دارد.

امکان شکل‌گیری قطب آسیائی در نظام چندقطبی

بدیهی است که کشورهای چین و روسیه با توجه به نفوذ و جاذبه‌های استراتژیک موثر خود نقش مهمی در تعامل سازنده با ج.ا.ا می‌توانند بازی کنند. چین و روسیه دارای گرایش موازنه‌گرا در سطح بین‌المللی هستند. آنان تلاش دارند تا موقعیت خود را در حوزه بین‌المللی ارتقاء دهند. در این ارتباط، تلاش پایان‌ناپذیری را برای تفاهم و تعامل با یکدیگر در چالش با غرب در دستور کار خود قرار داده‌اند که تشکیل کنفرانس شانگهای از آن جمله تلاشها می‌باشد. اگر چه هدف اولیه پیمان شانگهای توسعه روابط

به عنوان عامل تکمیل‌کننده پیوندهای موجود در پیمان شانگهای محسوب گردیده و می‌تواند سطح همکاری‌های اقتصادی و استراتژیک منطقه‌ای را ارتقاء دهد.

اهداف سازمان و سازوکارهای اجرایی آن را به طور خلاصه می‌توان در محورهای ذیل مورد ملاحظه قرار داد:

۱. تقویت همکاری با محورهای امور سیاسی ـ اقتصادی، تجاری و نظامی به منظور تبدیل آسیای مرکزی به یک منطقه صلح و ثبات و حسن همجواری، تقویت اعتماد متقابل نظامی و تسریع آن، تبادل تجارب در زمینه فعالیت‌هایی به منظور حفظ صلح و برگزاری سمینارهای مناسب، تبادل نظر در زمینه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه؛

۲. ضدیت با فعالیت‌های غیرقانونی: مبارزه مشترک بر ضدجدایی‌طلبی ملی و تروریسم بین‌المللی و مهاجرت غیر قانونی؛

۳. احترام به اصل حاکمیت ملی: دفاع از اصل حاکمیت ملی براساس منشور ملل متحد، تأکید بر حق انتخاب نظام سیاسی، مدل اقتصادی و مسیر توسعه اقتصاد هر کشور، حمایت از سیاست چین واحد و حمایت از دیدگاه روسیه در مورد چین واحد؛

۴. امنیت منطقه‌ای: تلاش در جهت ایجاد امنیت منطقه‌ای از طریق حل و فصل مسالمت‌آمیز تمامی منازعات در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل.

اهداف پیمان شانگهای با مطلوبیت‌های استراتژیک ایران و اجرای دکترین تعامل سازنده هماهنگی و همخوانی دارد. زیرا ایران نیز بر موضوعاتی از جمله احترام به حق حاکمیت کشورها و همچنین تقویت همکاری‌های اقتصادی، استراتژیک و امنیتی تأکید دارد.

۲. سطح جهان در حال توسعه

بعد از رنسانس و ظهور نظام سلطه ایجاد شده در عهدنامه وستفالیا دولتهای اروپایی به منظور حفظ روابط صلح آمیز میان خود و در عین حال استثمار و بهره برداری از منابع عظیم خارج از حوزه اروپا تهاجم گسترده‌ای را تحت عنوان استثمار به سایر

مناطق جهان در آسیا، آفریقا و قاره جدید یعنی امریکا آغاز کردند و برای چندین قرن سرزمین‌های گسترده‌ای را به نام مستعمرات و با زور اسلحه به اشغال خود درآورند.

استخراج مواد خام ارزان قیمت، تجارت برده، کسب بازارهای صادراتی از جمله اهداف استعمارگران بود و به جرات می‌توان ادعا کرد ثروت و مکنت امروزی اروپائیان ناشی از استثمار و چپاول بی حد و حصر از منابع عظیم موجود نزد ملل سایر قاره‌ها می‌باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی یکی از اهداف سیاست خارجی را حمایت از ملل محروم و مستضعف بر شمرده است. در واقع مصداق عینی آن کشورهای باقیمانده از دوران استعمار در آفریقا و آمریکای لاتین می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی عنایت ویژه‌ای نسبت به این ملل محروم داشته است.

جمهوری اسلامی به دو دلیل جایگاه ویژه و ممتازی در افریقا دارد:

اول آن که به خاطر ماهیت ضد استکباری و ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی و به ویژه مقاومت و پایداری که در مقابل فشارها و توطئه های غرب نموده است از جایگاه و محبوبیت ویژه‌ای در میان ملل مستضعف آن قاره برخوردار می‌باشد. دیگر آنکه به خاطر اسلامی بودن انقلاب ایران، مردم این قاره احساسات ویژه‌ای نسبت به ایران دارند.

آمریکای لاتین که از نظر سابقه استعماری با آفریقا تفاوت چشمگیری نداشته و مظالمی که بر مردم بومی سرخپوست این منطقه روا شده کمتر از مظالم وارد شده بر ملتهای آفریقا نبوده است. این منطقه در ابتدا تحت استعمار پرتقال و اسپانیا بوده و بعد از ظهور ایالات متحده به عنوان یک قدرت بزرگ تحت سلطه این کشور قرار گرفت. اما با وقوع تحولات در آغاز قرن بیست و یکم و ظهور جنبش های مردمی با وجود نفوذ عمیق ایالات متحده در کلیه ساختارهای این کشورها، آمریکای لاتین با شرایط مستقل‌تری پیدا کرده و سلطه و نفوذ آمریکا را به چالش کشانده و کاهش داده است.

مهمترین مسئله فراروی جمهوری اسلامی در اجرای تعامل سازنده در منطقه آمریکای لاتین اینست که با توجه به بعد جغرافیایی شناخت از یکدیگر بسیار محدود

است، بطوری که نه جمهوری اسلامی ایران و نه کشورهای حوزه آمریکای لاتین شناخت درستی از یکدیگر دارند و نیاز به برقراری ارتباطات هرچه گسترده‌تر میان دو طرف پیش شرط اجرای سیاست تعامل سازنده می‌باشد.

بنابراین در اجرای دکترین تعامل سازنده جمهوری اسلامی در دو حوزه آفریقا و آمریکای‌لاتین لازم است با برنامه ریزی جامعی در ابتدا به برقراری و شناخت فرصت‌ها و آنگاه در توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به عمل آورده و به این وسیله نه تنها قادر خواهد شد یاران خوبی در حرکت سلطه ستیزانه خود پیدا کند بلکه با توجه به تعداد این دولتها و حضور آنها در مجامع جهانی و بین‌المللی از حمایت اعضاء بیشتری از دول جامعه جهانی برای خنثی کردن فشار قدرت‌های سلطه‌گر برخوردار باشد و در عین حال که منافع جمهوری اسلامی هم در این راستا تأمین خواهد شد.

۳. سطح جهان اسلام

با پیروزی انقلاب اسلامی و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و تأثیر آن بر جوامع اسلامی که به بیداری و خیزشهای اسلامی و ضداستکباری منجر گردید واژه جهان اسلام در ادبیات روابط بین‌الملل مطرح گردید. واژه جهان اسلام بطور عمده برپایه مبانی فکری، فرهنگی و ایدئولوژی مشترک قرار دارد و در عین حال سطح وسیعی از جغرافیای جهانی را در بر می‌گیرد که از اندونزی در شرق آسیا تا موریتانی در غرب افریقا گسترش یافته است این منطقه بخش مهمی از جنوب صحرای افریقا و از شمال در اروپا تا شبه جزیره بالکان گسترش یافته است.

مهمترین اثری که پیروزی انقلاب اسلامی بر این حوزه وسیع جغرافیایی داشته است احیاءگری و بیداری اسلامی است که موجب خیزش جمعی توده‌های مسلمان نه تنها در رویکرد مجدد به انجام فرایض دینی بود بلکه موجب طرح اسلام سیاسی بر این مبنا گردید.

غرب بویژه امریکا در تقابل با این پدیده جدید عکس‌العمل نشان داده و تلاش فوق‌العاده‌ای را در طول ربع قرن گذشته برای کنترل و مهار آن به کار برده است. هجمه

به این پدیده در این منطقه تحت عنوان مقابله با بنیادگرائی اسلامی، مبارزه با تروریسم و نهایتاً در قالب اجرای طرح خاورمیانه بزرگ آغاز شده است و از آنجا که جهان اسلام عمق استراتژیک جمهوری اسلامی می‌باشد و درگیری در این سطح نمی‌تواند جدا از استراتژی و سیاست‌های اتخاذ شده جمهوری اسلامی در قالب دکترین تعامل سازنده باشد بنابراین شناخت استراتژی و برنامه‌های دشمن در این میدان وسیع و اتخاذ سیاست‌های خنثی‌کننده آن باید در دستور تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی به صورتی مستقل قرار گیرد.

اصول حاکم بر طرح خاورمیانه بزرگ به قرار زیر است:

۱. دین‌زدایی و مقابله با فرهنگ اسلام سیاسی؛

۲. تغییر نظام‌های حاکم در این منطقه در جهت حاکمیت سکولاریسم و تحت عنوان گسترش دموکراسی، در این طرح نظام‌های سیاسی موجود در جهان اسلام را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: نظام‌های خطرناک و نظام‌های بیمار که هر دو باید متحول گردیده و تغییر یابند؛

۳. تجزیه کشورها و تغییر جغرافیائی مرزبندی‌های موجود در جهان اسلام که البته این خود از بقایای دوران استعمار می‌باشد بطوری که تحت عنوان دفاع از حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها واحدهای سیاسی را به صورت حوزه‌های جغرافیایی کوچکتر و در واقع موزائیک‌های متعددی که قابلیت کنترل بیشتر را داشته باشد در آورند و در عین حال جوامع اسلامی را از یکدیگر به هر اندازه که ممکن باشد تفکیک و تجزیه نمایند؛

۴. حضور گسترده نظامی در این منطقه و به منظور محدود کردن استقلال یا حاکمیت ملی کشورهای اسلامی و سرکوب مستقیم قیامهای مردمی و ضداستکباری از طریق تأسیس پایگاه‌های متعدد نظامی.

استراتژی جمهوری اسلامی برای مقابله با این طرح:

الف. ایجاد زمینه‌های تعامل سازنده در روابط فرهنگی ایران با کشورهای اسلامی؛

ب. ایجاد زمینه‌های تعامل سازنده در روابط اقتصادی ایران با کشورهای اسلامی؛

ج. ایجاد زمینه‌های تعامل سانده در روابط امنیتی جمهوری اسلامی با کشورهای اسلامی؛

د. ایجاد زمینه‌های تعامل سازنده در روابط سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی با کشورهای اسلامی.

۴. سطح خاورمیانه

واژه خاورمیانه یا خاور نزدیک از ابداعات دوران استعمار انگلیس در این منطقه می‌باشد و برای اشاره به این منطقه جغرافیایی مصطلح گردیده و در برگیرنده حوزه جغرافیایی محدودی از غرب تا مصر و از شرق تا ایران می‌باشد. مرکزیت سیاسی خاورمیانه در واقع سرزمین فلسطین است که بدنبال اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷ میلادی و تلاش در ایجاد دولتی یهودی همواره و تاکنون بعنوان مهمترین و اصلی‌ترین منطقه بحرانی مطرح بوده است، بطوریکه منازعات حول محور فلسطین به عنوان بحران خاورمیانه معروف گردیده است. پیروزی انقلاب اسلامی موجب گردید که اهداف تقابل، صحنه منازعه و طرفهای درگیر را در این منطقه متحول نماید. از یک طرف با سقوط رژیم شاه نه تنها اسرائیل را از یک حامی قوی محروم کرد بلکه این کشور را در صف اول منازعه با رژیم اسرائیل قرار داد و از طرف دیگر هدف منازعه را از آزادی سرزمین فلسطین به آزادی قدس و از منازعه اعراب و اسرائیل به منازعه مسلمانان با صهیونیسم تبدیل کرد. با شکل‌گیری انتفاضه و انتقال صحنه منازعه به داخل سرزمینهای اشغالی و بویژه بعد از عزیمت نیروهای اسرائیلی در سرزمین لبنان نه تنها دولتهای عربی در حاشیه قرار گرفتند بلکه رژیم اسرائیل هم از حالت تهاجمی به حالت تدافعی درآمد.

شکل بندی سیاست تعامل سازنده در خاورمیانه

نظام منطقه‌ای خاورمیانه شامل طیف گسترده‌ای از کشورها می‌باشد. کشورهایی که عضو اتحادیه عرب بوده و عمدتاً در خاورمیانه عربی قرار دارند. این کشورها از بیشترین تشابه فرهنگی با ایران برخوردارند. گرایش سیاسی کشورهای اتحادیه عرب

تحت تأثیر جدال‌های موجود در فلسطین قرار داشته و به این ترتیب نسبت به اسرائیل بی‌اعتماد می‌باشند. علاوه بر کشورهای اتحادیه عرب، طیف گسترده‌ای از کشورهای خاورمیانه‌ای وجود دارند که همچون ترکیه در حوزه پیرامونی سیستم تابع منطقه‌ای خاورمیانه واقع گردیده‌اند. ایران در سیاست خاورمیانه‌ای خود باید به موازات گسترش روابط با کشورهای عربی خاورمیانه مراقب نفوذ اسرائیل در کشورهای منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز باشد.

استراتژی جمهوری اسلامی بر مقابله با این وضعیت به شرح ذیل است :

۱. نقش شکل‌بندی‌های هویتی در رفتار منطقه‌ای واحدهای خاورمیانه؛
۲. روندهای تعامل سازنده ایران با کشورهای خاورمیانه بعد از جنگ تحمیلی؛
۳. انعکاس الگوی تعامل سازنده در ارتباط با منازعات فلسطین؛
۴. الگوی تعامل سازنده در مسائل لبنان ـ سوریه؛

۵. سطح همسایگان

شواهد موجود نشان می‌دهد که خاورمیانه و حوزه جغرافیایی ایران به گونه فزاینده‌ای در روند تحولات پیچیده و بحران‌زا قرار می‌گیرد. بلاتردید ایران در این منطقه دارای موقعیت مهمی می‌باشد. این امر نقش مهمی در تعامل بین‌المللی و منطقه‌ای قدرتهای بزرگ ایفا می‌کند. به هر میزان تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یابد و جلوه‌هایی از بی‌ثباتی در حوزه منطقه‌ای ظهور یابد، زمینه برای مداخله قدرتهای بزرگ فراهم می‌شود.

مداخله‌گری و گسترش را باید از جمله اجزاء اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی امریکا در اولین دهه قرن ۲۱ میلادی دانست. برای مقابله با مداخله‌گری امریکا و کشورهای غربی، ج.ا.ا می‌تواند از استراتژی تعامل سازنده در برخورد با کشورهای همسایه بهره‌مند شود.

هر حوزه منطقه‌ای دارای قواعد رفتاری ویژه‌ای می‌باشد. بنابراین کشورهای منطقه‌ای، قدرتهای بزرگ و همچنین ج.ا.ا نقش‌های منطقه‌ای منحصر به فردی را در هر

جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت حساس استراتژیک که از آن برخوردار است و بهره‌مندی از ذخائر مهم استراتژیک همچون نفت و گاز و همچنین نیروی انسانی کارآمد در موقعیتی قرار دارد که در اجرای سیاست خارجی بر پایه تعامل سازنده با مشکلات کمتری مواجه بوده و بصورت بالقوه ساز و کار لازم را در اختیار دارد که باید در تعمیم و تقویت عوامل قدرت برنامه‌ریزی جامعی در سطح ملی صورت داده و به نوعی آمادگی و عزم ملی در اجرای این دکترین برسد.

۱. اجماع عمومی و ملی: زمانی یک دولت و یک نظام می‌توانند در اعمال سیاست خارجی خود موفق باشد که حمایت همه جانبه مردم کشور خود را به عنوان پشتوانه‌ای قوی در اختیار داشته باشد. در این راستا تکیه بر غرور ملی و اعتقادات و باورهای دینی هر ملتی بعنوان اصل اساسی و زیربنای سیاست خارجی یک کشور محسوب می‌گردد. اصولاً تفکر جمعی و وحدت نظر در قبال جوامع دیگر موجب تشکیل هویت واحد ملی می‌گردد که ملت ایران در طول تاریخ ثابت کرده است که علی‌رغم مشکلات و شرایط متفاوت قومی در درون مرزهای ایران همواره از هویت ملی و مکتبی خود دفاع کرده و یک واحد بوده‌اند که در شرایط حساس از خود بروز داده‌اند بویژه در دوران مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی و دوره جنگ تحمیلی، این هویت واحد به منصه ظهور رسیده است. ؛

۲. تفاهم و یکپارچگی در سطح دولتمردان: به موازات هماهنگی و تفاهم و حمایت مردمی یکپارچگی و انسجام در سطح دولتمردان نیز امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد و این خواسته تأمین نمی‌گردد مگر آنکه در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در اجرای دکترین تعامل سازنده اصل تمرکز رعایت گردد و نهادهای اجرائی ذیربط خود را ملزم و مقید به اجرای تصمیمات متخذه بدانند. اصل مهمی که باید مورد توجه قرار گرفته و به همه مسئولین و نهادهای دولتی تفهیم گردد اصل اولویت سیاست خارجی بر سیاستهای داخلی است بدین معنا که در اجرای برنامه‌های توسعه با یک نگرش برون مرزی به راهبردها و اهداف برنامه‌های توسعه توجه شود؛

۳. از دیر زمان، اعمال سیاست خارجی کشور بر پایه سه خصوصیت عزت، حکمت و مصلحت قرار گرفته است اگرچه اتخاذ و رعایت این ویژگیها بسیار حکیمانه و مدبرانه می‌باشد و اجرای هر نوع دکترینی لازمه‌اش توجه به این ویژگیها می‌باشد و در عین حال که این ۳ اصل بعنوان هدف تلقی نمی‌گردد باید تعریف روشنی از این سه اصل در قالب اهداف دکترین تعامل سازنده ارائه گردد؛

۴. بمنظور درگیر نمودن هرچه بیشتر نهادهای اجرائی و در اجرای هر چه بهتر سیاست تعامل سازنده و همچنین ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف تقویت (و در صورت فقدان ایجاد) معاونت امور بین‌الملل در همه نهادها ضروری می‌باشد که در هم آهنگی با نهادهای مسئول در سیاست خارجی مراقبت و نظارت لازم را بر برنامه‌های نهاد مربوطه و در راستای تصمیمات متخذه بعمل آورد؛

۵. تمرکز در تصمیم‌گیری: همانطور که قانون اساسی ج.ا.ا بیان می‌دارد سیاستگذاری کلان کشور توسط رهبری و در مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ گردیده و برای همه ارگانهای ذیربط لازم الاتباع می‌باشد. بنابراین دکترین تعامل سازنده نیازمند تصویب و ابلاغ رهبری می‌باشد و در عین حال بهترین جایگاه برای برنامه‌ریزی اجرایی و عملی آن شورای عالی امنیت ملی است که مصوبات آن هم بعد از تأئید رهبری حکم قانون را پیدا خواهد کرد؛

اجرای سیاست تعامل سازنده نیاز به فراهم نمودن سازوکار و ابزار اجرائی در سطح ملی و بعد سخت افزاری دارد و مجموعه نظام حاکم باید همه امکانات مورد نیاز را چه بصورت بالقوه و چه بصورت بالفعل بسیج و تقویت نموده و در حوزه‌های مختلف اعم از نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در خدمت گیرد.[1]

۱ـ منوچهر محمدی، آینده نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، انتشارت وزارت امور خارجه (دانشکده روابط بین الملل)، سال ۱۳۸۶

فصل چهارم

اصول حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم

انتخابات نهم ریاست جمهوری

«شگفتی ساز، عجیب، خارج از تصور و غیرقابل پیش‌بینی» اصطلاحاتی هستند که معمولاً رسانه‌های غربی برای توصیف وقایع و پدیده‌های مهمی که طی سه دهه اخیر در کشور ایران به وقوع می‌پیوندد، به کار می‌بردند. اگر حدس و گمانهایی را که رهبران و رسانه‌های غربی قبل از هر واقعه و تحول مهمی در ایران اسلامی مطرح می‌کنند را مورد مطالعه قرار گیرد متوجه می‌شویم رهبران غربی و رسانه‌های جهان غرب از منظر خود و براساس متدلوژی و مولفه‌هایی که بر اساس آنها تحولات سیاسی جوامع خود را ارزیابی می‌کنند به تحلیل و پیش‌بینی تحولات ایران نیز می‌پردازند. از همین رو است که معمولاً دچار اشتباه شده و به دلیل عدم در نظر گرفتن مولفه‌های اصلی تعیین‌کننده در رفتار سیاسی ایرانیان، رخدادها و پدیده‌های بر خاسته از این رفتار، یکباره با شوک‌های شدید و خارج از تصور مواجه می‌شوند.[1]

البته تنها غرب نیست که به دلیل ملاک قرار دادن معیارها و شاخص‌های مورد نظر خود و بی توجهی به مولفه‌های بومی تاثیرگذار بر رفتار سیاسی مردم ایران، معمولاً دچار لرزه‌های سیاسی و نیز بحران تحلیل می‌شوند، بلکه افراد و جریان‌هایی در داخل کشور نیز که از همان زاویه دید غربی‌ها، مسائل وپدیده‌ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند و احیاناً مواضع و فعالیت‌های خود را بر همین مدار تنظیم می‌کنند، گرفتار چنین تکانها و بحرانهایی می‌شوند.

۱ـ سیدنظام الدین موسوی، «انتخابات نهم ریاست جمهوری»، تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال ۱۳۸۵.

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و نتیجه آن، از جمله رخدادهای سیاسی مهمی بود که نه تنها در خارج، بلکه در داخل کشور نیز بسیاری را با شگفتی مواجه ساخت. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران در ادوار قبل قابل پیش بینی بوده است. دلیل چنین امری این بوده که یا یکی از کاندیداها به لحاظ سوابق سیاسی و مدیریتی و شهرت و مقبولیت مردمی در تراز بسیار بالاتری از کاندیداها دیگر قرار داشته است(مانند شهید رجایی، مقام معظم رهبری، هاشمی رفسنجانی و خاتمی) یا اینکه بنا به ضروریات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در میان کاندیداهای همتراز، یک کاندید از سایرین به گونه‌ای پیش گرفته که پیروزی او از مدتها پیش از انتخابات، قطعیت یافته است.

اما انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری را از همان زمانی که نخستین زمزمه‌ها درباره آن آغاز شد، بسیاری از تحلیگران آن را « انتخابات غیرقابل پیش‌بینی» نام نهادند.

البته در این انتخابات، کاندیداها به لحاظ سوابق سیاسی، مدیریتی، شهرت و معروفیت و نیز پشتوانه‌های سیاسی و تشکیلاتی در یک سطح و تراز قرار نداشتند. با این وجود، گویی مولفه‌هایی که مقبولیت مردمی کاندیداها را رقم میزد چندان متاثر از این ویژگی‌ها و سوابق نبود.

در جبهه اصولگرایان اگرچه ثبت نام چهار کاندیدا یعنی لاریجانی، قالیباف، احمدی نژاد و رضایی نگرانی زیادی در بین بدنه این جبهه ایجاد کرده بود، چراکه این امر باعث پخش شدن آراء انتخاباتی می‌گردید. دکتر محمود احمدی نژاد تنها کاندیدای اصول‌گرایان بود که تا زمان ثبت نام از حمایت آشکار هیچ گروه و تشکل سیاسی رسمی و شناخته شده‌ای برخوردار نبود وی در زمان ثبت نام در گفتگو با خبرنگاران تاکید کرد:

«من یک معلم و استاد دانشگاه هستم و به هیچ حزب و گروهی تعهدی ندارم و ستادهای موجود که برای حمایت از من تشکیل شده، ستادهای مردمی و خودجوش هستند[۱].»

اگرچه احمدی نژاد در فعالیت‌های انتخاباتی خود، عملاً مورد حمایت بخش قابل توجهی از گروه‌ها و احزاب رسمی نبود اما در عوض به واسطه محبوبیتی که در طول فعالیت شهرداری تهران کسب کرده بود، حمایت قابل توجهی را در سطح اقشار اجتماعی خصوصاً طیف‌های مستضعف و مذهبی و انقلابی به خود جلب نمود.

همچنین ادبیات دکتر احمدی نژاد در مواضع و سخنرانی‌ها کاملاً صبغه مذهبی و دینی داشت به گونه‌ای که او تنها کاندیدایی بود که در سخنرانی‌ها چفیه به گردن می‌انداخت و شروع کلامش با دعای فرج امام زمان(عج) بود. زندگی ساده، مردمی بودن، شعارهای چون دین مداری، مبارزه با فساد و تجمل گرایی مدیران، توجه به اقشار محروم و حاشیه نشین باعث جذب مردم به ایشان گردید. شاید بتوان گفت مهمترین علت تمایل مردم به احمدی نژاد، احساس مردم به اینکه او مردی از جنس خودشان است.[۲]

نوع تبلیغات، شعارها، ادبیات و دیدگاههای احمدی نژاد موجب گردید که اقبال مردمی به او خصوصاً و بالاخص در هفته منتهی به انتخابات به شدت فزونی گرفته بطوری که از آن به «سونامی احمدی نژاد» نام برده شد.[۳]

سرانجام در سوم تیر ۱۳۸۴، در دومین دور رای گیری دکتر احمدی نژاد با اخذ ۱۷/۲۴۸/۷۸۲ رای از کل ۲۷/۹۵۹/۲۵۳ رای اخذ شده به عنوان رئیس جمهور، ایران اسلامی انتخاب شد[۴].

۱ـ خبرگزاری فارس ۱۳۸۴/۳/۳.

۲ـ موسوی، همان.

۳ـ ربابه باستانی، «سوم تیر»، انتشارات اساتید قلم تهران، سال ۱۳۸۴.

4-http://www.moi.ir/Portal/Home/ (سایت وزارت کشور).

مؤلفه‌های سیاست خارجی دولت نهم

هر دولتی بر اساس عوامل متعددی مانند ایدئولوژی، ژئوپولتیک و شرایط جامعه جهانی سیاست خارجی خود را طراحی می‌نماید. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت طراحی گردیده است. اگر چه دولت‌های قبلی جمهوری اسلامی نیز بر اساس این اصول عمل می‌نمودند، دولت نهم با رویکردی جدید توانست، خیزش و جهت به سمت جایگاه واقعی خود در نظام بین‌الملل را عملی نماید. البته این رویکرد در سیاست خارجی براساس سند چشم انداز بیست ساله و جهت اجرایی شدن سند از دکترین تعامل سازنده استفاده گردیده است.

دولت نهم علاوه بر اصول فوق، مؤلفه‌های زیر را در سیاست خارجی خود مورد توجه قرار داده است:

الف. اتکاء به ملت و برقراری ارتباط با مردم از طریق سفرهای استانی که پیوند دولت و ملت را به نمایش گذارد و حمایت توده‌های مردم مهمترین عامل در قدرت ملی و اعمال سیاست خارجی می‌باشد؛

ب. زنده کردن شعائر و آرمان‌های انقلابی که بعد از ۲۷ سال دوباره احیاء گردیده و این آرمان‌ها همان عقایدی بود که رمز ماندگاری و استمرار نظام به شمار می‌رود و امام راحل همیشه بر آن تکیه می‌کردند. البته بعضی از عناصر تصور می‌کردند که تاریخ مصرف این افکار انقلابی گذشته است؛

ج. ورود ایران اسلامی به باشگاه هسته‌ای با وجود فشارهای و تهدیدات مستمر خارجی؛

د. باز تعریف مجدد در خصوص رابطه با دولت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای، فضا و میدان گسترده‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران خلق کرده است.

در ذیل اصول حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم تشریح می‌گردد:

۱. دیدگاه دولت نهم به نظام بین‌الملل

الف. نظام بین‌الملل موجود

جمهوری اسلامی ایران در یک موقعیت ممتاز و البته بحران خیز در خاورمیانه قرار داشته که از آن به عنوان مرکز ژئوپولیتیک آسیا در منطقه یاد می‌کنند. قرارداشتن در مرکز و قلب خاورمیانه، دراختیارداشتن بخش اعظمی از دو حوزه ارزشمند خلیج فارس و دریای خزر به عنوان بیضی انرژی، گره خوردن سرنوشت ژئوپولیتیکی ایران با عراق، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز، مواضع مربوط به آفریقا، بالکان، اروپا و دیگر نقاط استراتژیک که هریک به نوبه خود در سیاست‌ها و مواضع منطقه‌ای ایران نقش مستقیم دارند. به این علت، اهمیت و وزن جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی را استراتژیک تلقی گردیده و بر این اساس دیدگاههای آن نسبت به جامعه جهانی مهم تلقی می‌گردد.

بعد از استقرار دولت نهم، اگرچه سیاست خارجی ایران در طی این ۲۹ سال بعد از انقلاب در حوزه‌ها مبتنی بر اصل ارزش‌های اسلامی، نفی سلطه جهانی و قدرت‌های غربی در منطقه، تاکید بر آرمان‌ها، ایجاد همگرایی منطقه‌ای و برخی الزامات دیگر استوار بوده است. اما با توجه به تحولات صورت گرفته در عرصه جهانی می توان دیدگاههای دولت نهم را نسبت به نظام بین‌الملل موجود بشرح ذیل برشمارد:

۱. بی‌اعتباری روز افزون سازمانهای بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل از بدو پیدایش، که در یک ساختار نظام دو قطبی شکل گرفت در اختیار دو بلوک شرق و غرب بود. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق و یک جانبه گرایی ایالات متحده این سازمان نیز به ابزار سلطه این کشور تبدیل گردید[1].

۱ـ بی‌اعتبار شدن روزافزون سازمانهای بین‌المللی؛ متأسفانه، سازمانهای بین‌المللی بیشتر به سازمانهای سیاسی تبدیل شده‌اند و نفوذ قدرتهای بزرگ مانع تصمیم‌گیریهای عادلانه و قانونی آنها می‌شود. آنچه امروز شما از برخوردهای شورای حکام در آژانس بین‌المللی اتمی نسبت به جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می‌کنید، یک برخورد کاملاً سیاسی است. همه قوانین آژانس و پادمان و معاهده NPT حق دسترسی به فناوری انرژی هسته‌ای صلح آمیز هسته ای را به رسمیت می شناسد. اما می بینیم بعضی از قدرتها پافشاری می‌کنند و با نگاه یک جانبه گرایی اصرار دارند که کشورهای دیگر حتی از انرژی هسته‌ای استفاده صلح‌آمیز نیز نکنند. شورای امنیت سازمان ملل علی‌الاصول وظیفه حفظ صلح و امنیت در جهان را عهده‌دار است. متأسفانه، دیده می‌شود به جای اینکه ظالم را سرجای خود بنشانند و جلو زورگویی او را بگیرند، از مظلوم می خواهند که نسبت به احقاق حق خود ساکت باشد. قطعنامه‌های شورای امنیت درباره رژیم صهیونیستی را ملاحظه کنید، کدام یک اجرا شده است»...

سخن از دکتر احمدی نژاد در مؤسسه دیپلماسی و روابط خارجی مالزی، ۱۳۸۴/۱۲/۱۲.

ایالات متحده به صورت ابزاری به این سازمان نگاه کرده و از آن برای پیش برد اهداف خود استفاده می‌نماید و با توجه به داشتن حق وتو در شورای امنیت در مسائلی که نیاز داشته باشد علیه دیگر کشورها استفاده می‌نماید.

در حالی که دیگر کشورهای نه تنها نمی‌توانند از پتانسیل‌ها و توانایی‌های آن استفاده نمایند بلکه این سازمان به عنوان وسیله‌ای در دست نظام سلطه برای جلوگیری از احقاق حق آن کشور می‌گردد. مثال بارز آن در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی بود که با وجود تجاوز آشکار عراق به ایران این سازمان در طول ۸ سال جنگ حتی یک قطعنامه محکومیت علیه عراق صادر نکرد. در حالی که در سال ۱۹۹۰ با حمله عراق به کویت در طول شش ماه ۱۲ قطعنامه علیه عراق صادر نمود. چرا که جنگ عراق با ایران، در راستای منافع بلوک غرب بود و لذا هیچ گونه حرکتی از سوی این سازمان انجام نشد و اگر هم سازمان ملل خواستار حرکتی مانند محکومیت عراق در استفاده از سلاحهای شیمیایی بود، این اقدام توسط ایالات متحده و متحدان غربی جلوگیری می‌گردید.[۱]

در بخشهای دیگر این سازمان نیز مانند کمیسیون حقوق بشر به عنوان ابزاری برای محکوم کردن کشورهای که با سیاست‌های سلطه طلبانه غرب مخالف هستند، استفاده می‌گردد.

این روند را در دیگر سازمانهای جامعه جهانی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توان دید، بطوری که آژانس و شورای حکام با توجه به مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های زورگویانه غرب، بشدت با اقدامات صلح جویانه ایران در زمینه انرژی هسته‌ای مخالف بوده و در این راه هر نوع کارشکنی را صورت می‌دهند.

۲. رژیم غاصب صهیونیستی

نظام سلطه با ایجاد رژیم اسرائیل در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه، از این رژیم به عنوان عامل سرکوب و بحران در منطقه استفاده کرده است. این رژیم انواع

جنایات در حق مردم مظلوم فلسطین و لبنان صورت داده است. در حالی که هیچ سازمان بین‌المللی حرکتی در جهت محکومیت آن انجام نداده و اگر هم اقدامی شده است با وتوی ایالات متحده و حامیان غربی این رژیم مسکوت مانده است.

اسرائیل با داشتن سلاح هسته‌ای و عدم امضای معاهده NPT[1] (منع گسترش سلاحهای اتمی) نه تنها در جامعه جهانی هیچ گونه مخالفتی با آن نمی‌گردد بلکه ایالات متحده سالانه میلیاردها دلار کمک در اختیار این کشور می‌گذارد، چرا که این کشور در راستای سیاست‌های غرب می‌باشند.

در حالی که کشورهای مخالف سلطه غرب، به هر وسیله ممکن توسط این بلوک مورد تهدید و تهاجم قرار می‌گیرند.

۳. دخالت نظامی و سیاسی قدرتهای زورگو

از قرن ۱۶ به بعد، نظام سلطه در غرب با سیاست کشتی‌های توپ دار آغاز شد و تا امروز این وضعیت ادامه دارد. در هر زمانی که منافع غرب به خطر افتاده است به عناوین مختلف اقدام به دخالت نظامی کرده است. نمونه‌های بارز آن حمله به پاناما و گرانادا در سالهای اخیر می‌باشد. که به منظور دفاع از منافع نامشروع صورت گرفته است. البته دخالت نظامی یک بعد دخالت نظام سلطه بوده و این اردوگاه در صورت قادر نبودن به استفاده از نیروهای نظامی یا سیاست کشتی‌های توپدار از دخالت‌های سیاسی و اقتصادی استفاده نموده است.

تمام این اقدامات غرب در صورتی انجام می‌گیرد که منافع آن کشور در خطر باشد و در زمانی که این منافع تهدید نگردد، حتی در مقابل کشته شدن صدها هزار نفر انسان بی‌گناه هیچ گونه واکنشی صورت نخواهد داد. مثال بارز آن کشته شدن نزدیک به یک میلیون انسان در رواندا طی سالهای ۱۹۹۷ـ۱۹۹۵ میلادی بود. که به علت در خطر نبودن منافع غرب هیچ حرکتی برای توقف این نسل کشی صورت نگرفت.[2]

1-Nuclear Non-Proliferation Treaty.

2- http://www.ushmm.org/wlc/fa/article.php?ModuleId=10007095

۴. انباشت سلاحهای هسته‌ای در دست زورمداران

پنج کشور دائم شورای امنیت که ادعای حفظ نظم و امنیت دنیا را دارند در حدود ۹۵ درصد از سلاحهای هسته‌ای و اتمی را در اختیار دارند[۱]. در نظام دو قطبی از این سلاحها برای بازدارندگی طرف مقابل استفاده می‌شد. اما بعد از فروپاشی این نظام این سلاحها برای تهدید علیه کشورهای که با غرب مخالف می‌باشند استفاده می‌گردد.

۵. تبدیل دنیا به دو بخش فقیر و غنی در اقتصاد و در عرصه سیاسی سلطه‌گر و تحت سلطه

دنیای کنونی از نظر اقتصادی به دو بخش شمال و جنوب، تقسیم شده است. شمال غنی و جنوب فقیر، جنوب تولید کننده مواد اولیه و موادغذایی برای شمال که تولید کننده تکنولوژی و کالاهای ساخته است، می‌باشد. این در حالی است که قیمت مواد اولیه طی یک روند محسوس یا کاهش یافته یا ثابت مانده است در حالی که کالاهای غرب در هر سال افزایش قیمت داشته و این دور باطل باعث شده است روز به روز جنوب به شمال وابسته‌تر شده و بر حجم بدهی این کشورها افزوده گردد. در عرصه سیاسی نیز جهان به دو بخش سلطه‌گر و تحت سلطه تقسیم شده است. غرب به هر وسیله ممکن سعی بر سلطه بر دیگر کشورها را داشته و برای این مقصود از انواع ابزار استفاده می‌کند.

ب. نظام بین‌الملل مطلوب

از دیدگاه دولت نهم نظام بین‌الملل موجود باید دچار تحول ساختاری گردد. نظام بین‌الملل مطلوب دولت نهم به شرح ذیل است:

الف. ایجاد صلح و آرامش بر پایه عدالت و معنویت در جهان[۲]؛

---

1 -www.crisisgroup.org.

۲ـ شرط موفقیت ما در سیاست خارجی این است که به اصول انقلاب و نظام ایمان داشته باشیم. باید ایمان داشته باشیم که الاسلام یعلو و لا یعلی علیه. باید ایمان داشته باشیم که تنها راه نجات بشریت خداپرستی و عدالت است. ایمان نداشته باشیم، می‌خواهیم از چه دفاع کنیم؟ ما که روایات

ب. پیشرفت اقتصادی همه کشورهای جهان و کاهش فاصله کشورهای فقیر و غنی؛

ج. از بین رفتن نظام سلطه و زور در روابط بین‌الملل بطوری که کشورها به دو دسته سلطه‌گر و سلطه پذیر تقسیم نگردند؛

د. از بین بردن چالشهای اصلی جهان امروز شامل مسائل محیط زیست، تبعیض نژادی، گرسنگی و فقر، مواد مخدر، تروریسم و با همکاری تمام کشورهای جهان؛

هـ تغییر در نظام بین‌الملل و روابط کشورها بطوری که روابط کشورها بر محور عدالت پایه ریزی شود؛

و. رعایت اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات درون منطقه‌ای و سرزمینی.

۲.توجه ویژه به ملت‌های جهان

ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که طی تکامل تاریخی به وجود آمده و بر شالوده اشتراک سرزمین و اقتصاد و تاریخ و فرهنگ ملی استوار است. عامل پیوند آن فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق با آن واحد پدید می‌آید. از جمله ویژگی‌های هر ملت اشغال یک قلمرو جغرافیایی مشترک (کشور) است و احساس دلبستگی و وابستگی به سرزمین معین. علاوه بر آن، نیروی حیاتی پیوند دهنده ملّت از احساس تعلق قوی به تاریخ خویش، دین خویش، فرهنگ ویژه خویش و نیز زبان

معتقد باشیم. این را از من در پرانتز داشته باشید، آن نقطه تمرکز تهاجم فرهنگی دشمن، نخبگان و مدیران‌اند این یک دروغ بزرگ است که ما خیال کنیم تهاجم فرهنگی به سمت جوانان است. نه؛ آثارش در جوانان انعکاس پیدا می‌کند. اول می آیند فرمولهای ذهن من و شما را عوض و بدل می‌کنند. من و شما وقتی در نظام سلطه هضم شدیم دامنه‌اش می‌رود به جامعه، اصلاً خروجی اش این می‌شود که جوانها از ما مأیوس می‌شوند، می زنند به دنده بی خیالی. اگر در ما عزت نبینند، عزت مفهومی پیدا نمی‌کند. اتفاقاً در سیاست خارجی زیاد کار می‌کنند».

سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در گردهمایی رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ـ دوشنبه ۲۲ اسفند۱۳۸۴».

خویش بر می‌خیزد. پیش از پیدایش ملت‌ها، اشکال تاریخی دیگر اشتراک افراد وجود داشته نظیر طایفه، قبیله و قوم. ملت ممکن است به عنوان یک جماعت تاریخی و دارای بافت فرهنگی خاص امّا بدون خودمختاری سیاسی یا داشتن دولت وجود داشته باشد.

از نظر زمانی پیدایش ملت‌ها مربوط به دوران تلاش فئودالیسم و ریشه گرفتن و استحکام شیوه تولید سرمایه داری و جامعه صنعتی و پیدایش بازار واحد است. سرمایه داری به تفرقه قومی پایان میدهد و اهالی را اقتصاد به هم وابسته ساخته و تمرکز سیاسی ایجاد نموده و شرایط پیدایش و قوام ملت‌ها را فراهم می‌سازد در روند قوام ملت‌ها تشکیل دولت‌های ملی تأثیر زیادی دارد.[1]

اسلام روی نقش مردم در فرایند تغییر و سرنوشت خود تأکید فراوانی نموده است. اسلام تأکید کرده است که مردم همواره باید در صحنه‌ها حضور داشته باشند؛ زیرا امت، تغییرساز است و راز موفقیت و شکست هر حرکتی سیاسی و اجتماعی به مردم بستگی دارد. از این رو می‌بینیم که قرآن کریم تأکید می‌نماید[2] که پیامبران باید با مردم باشند و دردها و آرزوهای مردم را از نزدیک حس کنند و به سؤالهای مردم پاسخ گویند و هیچگاه نباید تحمّل دغدغه‌های امت برای آنان دشوار باشد. پیامبران نباید برج عاج‌نشین باشند و مثل نخبه‌هایی که هیچ ارتباطی با مردم کوچه و خیابان ندارند به قضایا نگاه کنند.

بلاتردید در تمام نهضت‌ها و قیامهای سیاسی ـ اجتماعی مردم در معنای کلی و عام آن بعنوان موضوع اصلی این نهضتها مورد توجه و عنایت خاص بوده‌اند. مردم یا بعنوان کسانی که نهضت در خدمت و برای نجات آنها طرح‌ریزی شده و یا اینکه از آنان یاری

۱ـ داریوش آشوری، «دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)»، تهران: انتشارات مروارید.

۲ـ ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما با نفسهم، خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان تغییر روش دهند [illegible] رعد، آیه ۱۱

و همکاری طلب شده است اهمیت ویژه‌ای دارند یا اینکه خود به عنوان بازیگران اصلی در بسیاری از تحولات سیاسی ـ اجتماعی نقش ایفا کرده‌اند.

به استثنای کودتاهای نظامی که توسط عده معدودی صورت می‌گیرد در بقیه تحولات سیاسی ـ اجتماعی نقش مردم به صورت بارز و آشکاری مشاهده می‌گردد.

انقلاب نیز که خود از تکامل یافته‌ترین انواع تحولات سیاسی - اجتماعی می‌باشد بدون حضور و مشارکت مردم معنا و مفهومی نداشته و در حقیقت یکی از ارکان سه گانه انقلاب حضور فعالانه مردم در صحنه تحولات انقلابی می‌باشد. لذا برخی مکاتب عامل اصلی پیروزی انقلاب را مردم می‌دانند و معتقدند مردم نقش اساسی دراین پیروزی خواهند داشت.

با توجه به این اصول، دولت نهم در عرصه روابط بین‌الملل توجه به ملت‌ها را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داد و مردم محوری و اهمیت داشتن دیدگاه ملت‌ها مورد اهمیت این دولت می‌باشد.

بر این اساس این ملت‌ها هستند که منشاء تحول در دنیا بوده و می‌توانند با فشار بر روی دولتها رفتار آنها را اصلاح نماید، و یا اینکه با عدم رای به آنها باعث تعویض آنها گردند. این روند را بطور آشکار می‌توان در کشورهای آمریکای لاتین دید. که مردم به طرف دولت‌های مردمی و آزاده گرایش پیدا نموده و با انتخاب آنها نشان دادند که دوران دولتهای سرسپرده به سر آمده است و ملت‌ها به دنبال دولت‌های آزاده و وارسته از نظام سلطه می‌باشند. دولت‌های منتخب مردم، قادر به ایستادگی در مقابل هر نوع فشار و تهدید خارجی هستند[1].

۱ـ امروز اندیشه بشر از نقاط ممتاز مشترکی برخوردار است که زمینه مناسبی برای تلاش مشترک ایجاد می کند. امروز، با سپری شدن عصر اندیشه های الحادی، یگانه پرستی و اعتقاد به ربوبیت مبدا هستی از جمله مشترکات انسانها در کره زمین است. این اعتقاد، راهگشای بسیاری از مشکلات در عصر حاضر خواهد بود، زیرا حقیقت، نور ایمان و اخلاق را وارد زندگی می‌کند و [انسان] را از تجاوز، زورگویی و بی‌عدالتی باز می دارد و به سوی مهرورزی و خدمت به همنوع رهنمون می‌سازد. امید دیگر، درک مشترک جهانی از منابع معرفتی است. گرچه عقل، تجربه و علم از منابع بزرگ و عظیم

با وجود تبلیغات بسیار بالا رسانه‌های غربی علیه دولت دکتر احمدی‌نژاد، سخنرانی‌های ایشان در سازمانها و مجامع بین‌المللی که در آن بر دوستی میان ملت‌ها تاکید شده و آگاهی دادن به ملت‌های جهان که دوران چپاول ثروت ملل مظلوم با دروغ‌های و شعارهای فریبنده به پایان رسیده مورد توجه کلیه ملت‌ها قرار گرفت.

بطوری که در سخنرانی اخیر ایشان در دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۷ میلادی حدود ۵۰۰ میلیون تماشاگر تلویزیونی داشته و بر اثر نظر سنجی‌های انجام گرفته، ایشان یکی از محبوب‌ترین روسای جمهور دنیا می‌باشند. این محبوبیت در سایه توجه به ملل مظلوم و تحت ستم ایجاد شده است.

معرفتی هستند، تاریک اندیشی قرون وسطی بخش عمده‌ای از جهان غرب را از این منابع مهم معرفتی محروم کرد. عکس‌العمل حرکت متحجرانه مزبور در بازداشتن مردم از دسترسی به علم و معرفت، به کنار گذاشتن منابع دیگر معرفتی یعنی خدا و معرفتهای دینی از زندگی بشر در غرب منجر شد؛ معرفتهای آسمانی‌ای که پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (که درود خداوند بر آنان باد) حاملان آن بودند. اما تفکرات الحادی رو به افول است و نقطه مشترک و درخشان [اندیشه] بشری در حال حاضر توجه توامان به دین و دانش و علم و معنویت می باشد و این شروع مبارکی است. از آموزه‌های متعالی و مهم پیامبران بزرگ الهی و مصلحان بشری نگاه شایسته به انسان و جایگاه رفیع اوست. انسان صاحب کرامت است و مهم‌ترین کرامت او جانشینی خداوند در زمین است. خداوند انسان را در زمین قرار داد تا به آبادانی آن و بسط عدالت همت نماید، از خودخواهی بپرهیزد و هیچ خدایی را جز پروردگار یکتا پرستش نکند. ایمان و عمل صالح می‌تواند نیک فرجامی را برای انسان در همین دنیا نیز به ارمغان آورد. دستیابی به چنین امری تابع اراده ما و شماست. می‌توان بر مبنای فطرت مشترک بشری این زندگی خوب را محقق ساخت. از سوی دیگر، سلطه نظامی، افزایش فقر و فاصله کشورهای غنی و فقیر، توسل به زور و خشونت برای حل بحرانها، گسترش تروریسم به خصوص در شکل دولتی آن، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، غلبه ناراستی در تعاملات بین دول و نادیده گرفتن حق برابر انسانها و ملتها در مناسبات جهانی از جمله بیمها و تهدیدهاست. ما معتقدیم این بیمها و تهدیدها اگرچه واقعی است، جبری نیست و اراده مشترک انسانها نه تنها می‌تواند این روند را تغییر دهد، بلکه قادر است آن را به سوی حیاتی سرشار از امید و بهروزی سوق دهد. این از آموزه های آسمانی ماست که: خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آنکه آن قوم خود اراده تغییر داشته باشند .

۳. تقابل با نظام سلطه و زور بین الملل، منشور عدالت

در تبیین دکترین سیاست خارجی ایران، دولت دکتر احمدی نژاد فراسوی مفهوم«قدرت» و « توازن قدرت» قدم برداشت و عدالت را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی کاربردی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی و سازمان‌های جهانی عرضه نمود. مفهوم عدالت در روابط بین‌الملل یک نظریه آرمانگرایانه ایده‌الیسم نیست بلکه هم با «هست‌ها» و هم با «بایدها» سر و کار دارد. از این جهت نظریه عدالت در درک روابط بین‌الملل یک نظریه واقع بینانه است[1].

در پاییز ۱۳۸۴ شمسی دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور ایران، عامل عدالت را به عنوان یک اصل بنیادین در روابط بین‌الملل در نطق خود در سازمان ملل مطرح نمود. دکتر احمدی نژاد در نطق اول خود در مجمع عمومی سازمان ملل نقطه اتکاء امید و مشارکت دولت‌ها، ملت‌ها و تفاهم و همکاری در جهت تحقق صلح و آرامش جهانی را مستلزم «عدالت در سازمان حاکم» و «بسط و تعمیق عدالت در سطح بین‌الملل» دانست و در نطق دوم خود به جهانیان اعلام می‌دارد که ما معتقدیم نظم پایدار و مولد آرامش و صلح، آنگاه محقق خواهد شد که هر دو بر پایه عدل و معنویت برپا شود. دکتر احمدی نژاد در سومین سفر خود به نیویورک در ملاقات و سخنرانی با نخبگان، پژوهشگران و اصحاب رسانه‌ها بار دیگر منشور عدالت را تکرار کرده و گفتند «اگر نگاه ما عدالت محور باشد، قانون و حق و عدالت برای همه، آن وقت ریشه عصبانیت از بیخ کنده خواهد شد»[2].

در پایان جنگ‌های ۳۰ ساله در سال ۱۶۴۸ میلادی که میان ایالت‌های شاهزاده‌نشین تحت حاکمیت امپراطوری رم و پادشاهان فرانسه و اسپانیا در اروپا اتفاق افتاد عهدنامه

۱ـ برای بررسی نظریه عدالت در روابط بین‌الملل به منابع ذیل از پروفسور حمیدمولانا مراجعه گردد:

- Hamid, Mowlana, "Global Information and World Communication: New Frontiers in International", Relations, Sage Publications ,London , 1977.

ـ مولانا حمید، جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر، انتشارات کیهان، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.

2. http://www.president.ir/fa/

وستفالیا به امضاء رسید که مهمترین نتیجه آن برای نخستین‌بار استقلال و تمامیت ارضی کشورهای اروپائی و احترام به آن به رسمیت شناخته شد و در آن مقرر شد تنها دولتهای دارای حاکمیت می‌توانند با یکدیگر معاهده منعقد نمایند و نهادی به نام دولت- ملت برای اولین مرتبه مطرح گردید و جایگزین نظام فئودالی گذشته شد.[۱]

بعد از این تحول تاریخی، نظام بین الملل بر اساس سلطه قدرتمندان بر ضعفا شکل گرفت. سیستم‌های نظام بین‌الملل تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی به ترتیب شامل موارد ذیل بود:

۱. نظام موازنه قوا؛

۲. نظام امنیت جمعی؛

۳. نظام دو قطبی و جنگ سرد؛

۴. نظم نوین جهانی.

انقلاب اسلامی ایران در زمانی شکل گرفت که نظام جهانی بر پایه غرب محور به مدت چهار قرن به عنوان یک یک امر بدیهی و تثبیت شده توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود. هر نوع تحولی که در این نظام در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و گفتمان جدید مطرح می‌گردید، نشات گرفته از غرب بوده و هیچ گاه غرب محوری را به چالش نکشیده بود.

حتی انقلاب‌های بزرگ جهان که در خارج از جهان غرب به وقوع پیوست مانند آن چه که درچین در سال ۱۹۴۹ میلادی و یا کوبا در ۱۹۵۹ میلادی رخ داد، تابعی از نظام‌های فکری و قانون‌مندی‌های برخاسته از غرب بوده است، در حالی که انقلاب اسلامی به عنوان تحولی جدید توانست نظام جهانی غرب محور را به چالش بکشد.

دولت نهم اگرچه نمان راهبرد و اصول اولیه انقلاب را در رابطه با نظام بین‌الملل در پیش گرفت. اما بر خلاف دولتهای قبل که رویکرد فراگیر در سیاست خارجی و خارجی، گفتمان اقتصاد محور و در مقطعی دیگر سیاست محور بود. دولت نهم گفتمان

عدالت محور را عرصه داخلی و خارجی با هدف محقق کردن اصل ۴۸ قانون اساسی ناظر بر توازن منطقه‌ای و استفاده عادلانه از فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در محیط جهانی، را با هدف به چالش کشاندن قدرتهای مستکبر و ساختارهای بین‌المللی تبعیض آمیز و دفاع همه جانبه از منافع جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل طراحی کرد.

در این عرصه دولت دکتر احمدی نژاد تلفیق رئالیسم[1] و ایده الیسم[2] را در دستور کار خود قرار داد که می‌توان از آن به عنوان یک «آرمانگرایی واقع بینانه» یاد کرد.

دولت نهم از یکسو این انگاره آرمان گرایانه مبنی بر کارکرد درست و بی عیب و نقص سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و ساختار نظام بین‌الملل موجود را مورد تردید قرار داده و خواستار تغییرات ساختاری در برخی از نهادهای جهانی مانند سازمان ملل بر مبنای عدالت محوری شده و از سوی دیگر برخلاف دیدگاه واقع گرایانه که وجود عدالت را در نظام بین‌الملل نفی می‌کنند، وجود سازمانهای بین‌المللی بر محور عدالت را از ضروریات امنیت و صلح جامعه جهانی معرفی می‌نماید.

نظریه «آرمانگرایی واقع بینانه» که در واقع دولت نهم در عرصه بین‌الملل در پیش گرفته، مدلی تلفیقی است که در آن آرمان‌ها و واقعیت‌ها رابطه پیوسته و معنا داری با هم دارند. بطوری که از ظرفیت‌ها و فرصت‌های محیط جهانی به عنوان راه حرکت جهت بسط گفتمان مورد نظر خود بهره‌برداری می‌کند و در سازمان ملل نظریه عدالت

۱ـ واقع گرایی (Realism): در برداشت سیاست مداران واقع گرا از سیاست، قدرت ملی و منافع ملی دو اصل مهم و حیاتی قلمداد شده و در این تفکر بازیگر خردمند کسی است که به طور مداوم درصدد دست یابی و ارتقای منافع مادی و معنوی خود باشد.

۲ـ ایده الیسم (Idealism) : آرمانگرایان ، مکتب رئالیسم را به قهقرایی بودن، بدبینی به طبیعت و فطرت انسان، خود بینی و خود خواهی متهم می کنند .آرمانگرایان سیاست را هنر حکومت خوب می‌دانند در حالی که واقع گرایان سیاست را هنر ممکن تلقی می کنند . برای آرمانگرایان عدالت، اخلاق، تبعیت از قوانین وضع شده و حقوق بشر در هر شرایطی پسندیده است و سیاست و قدرت را یک انحراف از اصول والای انسانی و اخلاقی تلقی می‌کنند.

بین‌المللی و تشکیل جبهه همبستگی برای صلح را مطرح کرده و همزمان با آن ساختار و سازوکارهای حاکم بر سازمان ملل و شورای امنیت را با انتقادهای جدی مواجه ساخته است[1].

۱ـ نادیده گرفتن ارزشهای متعالی و ترویج فریب و دروغ

برخی قدرتها تمام ارزش های بشری نظیر صداقت ، پاکی و امانتداری را برای پیشبرد اهداف خود قربانی می کنند. تردید و فریب کاری را در مناسبات بین دولتها و بین مردم رواج می‌دهند. آشکارا دروغ می‌گویند، تهمت می‌زنند، بر خلاف قانون عمل می‌کنند و فضای اعتماد و دوستی را به شدت تخریب می‌کنند. آنان رسماً اخلاق و ارزش‌های متعالی را از مناسبات کنار گذاشته‌اند و خودخواهی، برتری جویی، کینه‌ورزی و تحمیل را جایگزین عدالت، احترام به دیگران، عشق، محبت و صداقت کرده‌اند. اینان همه خوبیها و زیبائیهای زندگی را فدای مطامع خود می کنند. نقض قوانین و حقوق بین‌الملل و نادیده گرفتن تعهدات

برخی از کسانی که خود واضع قوانین بین المللی هستند آشکارا و به راحتی آن را نقض و سیاست تبعیض آلود و دوگانه اعمال می‌کنند. قانون خلع سلاح اتمی را وضع می‌کنند ولی هر روز نسل‌های جدیدی از آن را آزمایش و انبارها را پر می‌کنند. منشور ملل متحد را تنظیم کرده‌اند ولی حق استقلال و حاکمیت بر سرنوشت ملت‌ها را محترم نمی‌شمارند. قراردادهای رسمی خود را به راحتی و با تغییر سیاست زیر پا می‌گذارند. به قوانین مربوط به حفظ محیط زیست تن نمی‌دهند. بیشترین تخلف از قوانین توسط چند قدرت جهانی انجام می‌شود.

ـ گسترش سایه تهدید و مسابقه تسلیحاتی

برخی قدرتها در مناسبات جهانی و هر کجا که منطق آنان در می‌ماند به راحتی از زبان تهدید استفاده می‌کنند. رقابت سنگین تسلیحاتی سایه تهدید را بر جهان می‌گستراند . مردم اروپا که قربانی دو جنگ بزرگ و چند جنگ دیگر خانمانسوز و چند دهه جنگ سرد در قرن گذشته بودند، امروز نیز زیر سایه تهدید زندگی می‌کنند و منافع، امنیت و سرزمین آنان در سایه مسابقه تحمیلی از سوی برخی قدرتها در خطر قرار می‌گیرد. یک قدرت زورگو به خود حق می‌دهد که با استقرار سامانه موشکی، زندگی را به کام مردم یک قاره تلخ کند و زمینه ساز رقابت تسلیحاتی گردد. برخی حاکمان به ظاهر قدرتمند که تصور می‌کنند وسیله اقتداری در اختیار دارند، بی‌صبرانه و در هر موضعی و هر زمانی از زبان تهدید استفاده می‌کنند و به این ترتیب سایه ناامنی را بر مردم ، ملتها و مناطق می‌افکنند

و بالاخره؛ ـ ناتوانی سازو کارهای بین‌المللی برای رفع این چالش‌ها و برپایی صلح و امنیت پایدار آشکارا مشاهده می‌شود که سازمانها و سازوکارهای موجود فاقد ظرفیت و توانمندی لازم برای حل مشکلات، رفع چالش‌ها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و برادری و امنیت هستند. کمتر دولت و ملتی است که برای احقاق حقوق و یا دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی خود امیدی به این سازو کارها داشته باشد.

بنابراین در مدل آرمان‌گرایی واقع بینانه دولت نهم، نه قهر و نفی رابطه با نهادها، تکلیف و حقوق بین‌الملل متصور است و نه تسلیم و مقهور برخی معاهدات بین‌المللی و احیاناً قطعنامه‌های احتمالی شورای امنیت که در اختیار نظام سلطه می‌باشد و با منافع ملی کشور در تضاد است.

بر این اساس دولت از تمام توان و ظرفیت خود و رویکردی آگاهانه و عالمانه و از موضعی منتقدانه نسبت به نظام بین‌الملل ضمن بازیابی موقعیت ممتاز ایران، در صدد دفاع از منافع ملی می‌باشد.

نظریه «نظم نوین جهانی» که به وسیله بوش پدر در سال ۱۹۹۰ میلادی و در شرایط جنگ خلیج فارس مطرح شد، به یک نظام یا نظم بین‌المللی نوین از دولت‌ها اشاره داشت که جایگزین نظم دوقطبی دوران جنگ سرد بشود و با توافق قدرت‌های بزرگ بر هنجارهای بین‌المللی، شکل بگیرد؛ اما مفهوم «نظم نوین جهانی» به طور گسترده‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است.

متخصصان، «نظم نوین جهانی» بوش را صرفا چارچوبی می‌دانند که ایالات متحده می‌خواهد از طریق آن، منافع ملی خود را پی بگیرد و نقش مسلط خود را در نظام بین‌الملل حفظ کند. و به این علت ایالات متحده بر یکجانبه گرایی تاکید می‌کند.[1]

دولت نهم، ضمن رد این دیدگاه یکجانبه گرایی در دنیا تلاش دارد تا با ایجاد ائتلافی در سطوح مختلف از این یکجانبه گرایی جلوگیری گردد و راهبردهای در این خصوص به شرح ذیل ارائه می دهد:

این راهبردها شامل:

الف. تلاش در جهت همگرایی در کشورهای مسلمان با تقویت سازمان کنفرانس اسلامی؛

ب. همکاری و ائتلاف با کشورهای مخالف یکجانبه گرایی مانند چین، روسیه و دولتهای مخالف این رویکرد؛

1- http://bashgah.net/pages-7778.html.

ج. مخالفت با سیاست‌های ایالات متحده؛

د. ارائه طرحهای مانند جبهه همبستگی برای صلح در مجامع بین‌المللی[۱]؛

هـ مخالفت با جهانی سازی به عنوان یک راهبرد برای تسلط نظام سلطه بر اقتصاد جهان[۲].

۴. دیپلماسی فعال و عبور از سیاست منفعلانه

دیپلماسی به دو دسته دیپلماسی سنتی و دیپلماسی عمومی تقسیم می‌شود. دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین‌الملل که در سال ۱۹۸۵

۱ـ «امروز بشر به دنبال امنیت، آرامش و صلح پایدار است و بدانید امنیت، صلح و آرامش پایدار صرفاً و صرفاً بر پایه عدالت، معنویت و یکتاپرستی ممکن است.اگر عدالت را بگیریم، مطمئن باشید که به ظلم، جنگ و تبعیض خواهد انجامید. اگر معنویت و خدا پرستی را هم بگیریم، مطمئن باشید به ستم، ظلم، کشتار و جنگ خواهد انجامید. امروز بشریت با همه وجود، با نگاه، سخن و رفتارش عدالت و معنویت را فریاد می‌زند. ما الان با مردم کشورها، با بسیاری از سیاستمدارن و اندیشمندان مواجه هستیم. همه آنها به طور یکپارچه و یک صدا، البته با تعابیر گوناگون، هر کدام با زبان خودشان دارند حرفهای ما را تکرار می‌کنند. می‌گویند آقا، حرفهایی که شما راجع به عدالت و معنویت می‌زنید، حرف دل ما و حرف دل مردم ماست"

سخنرانی در دیدار با دانشجویان و دانشگاهیان استان سیستان و بلوچستان ـ پنج‌شنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۴

۲ـ «بحث جهانی‌سازی به شکلی که امروز مطرح است، در واقع تحمیل فرهنگ، تحمیل ادبیات و تحمیل یک نوع زندگی خاص بر همه ملتهاست و در واقع تضمین تداوم نظام سلطه بر همه جهان و حفظ فاصله بین کشورهای فقیر و غنی است. جهانی سازی با ادبیات فعلی یعنی برداشتن آخرین موانع فرهنگی ملتها در مقابل نظام و موج سلطه.مطلع هستید که ابتدا گفتند برنامه توسعه اقتصادی، دیدند کافی نیست؛ بعد گفتند توسعه سیاسی؛ یعنی نظامات حاکمیتی کشورها باید از الگوی وارداتی پیروی بکند. امروز هم دنبال توسعه فرهنگی هستند، یعنی مانع فرهنگی، مانع سنتها و معیارها و هویت ملتها که در مقابل موج استیلای بیگانه مقاومت می‌کند باید برداشته شود تا تسلط کامل شود. می‌بینید که بسیاری از رسانه‌های امروز در خدمت جریان سلطه هستند. ادبیات، فرهنگ و معیارهای نظام سلطه را به روشهای بسیار پیچیده ترویج می‌کنند. خوشبختانه، امروز ملتها و دولتها بیدار شده‌اند. حرکتهای جدیدی در حال شکل‌گیری است و جوانه‌ها در حال شکوفایی است».

میلادی توسط وزارت خارجه امریکا منتشر شده این چنین تعریف شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است، ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.»[1]

دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی هر کشور به دو صورت تحقق می‌یابد.

الف. به مدیریت سازمانهای دیپلماتیک رسمی کشور؛

ب. به صورت خودجوش و در راستای سیاستهای کلان کشورها.[2]

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب به دلایل بسیاری از جمله موقعیت ژئوپولتیک و نیز ژئواستراتژیک خود، حداقل یکی از کانون های اصلی تحمیل فشار تبلیغاتی، سیاسی و حتی نظامی امریکا محسوب می‌شود. در همین راستا فشارهای نظامی و نیز کاربرد شگردها و تاکتیک‌های تبلیغی برای کسب نتایج سیاسی انجام می‌پذیرد. طبعاً فشارهای اقتصادی با این هدف اعمال می‌شوند تا نقاط کور یا پنهان (ضعف) فشارهای نظامی و سیاسی را پوشش دهند.

برای مقابله با این مهم بهترین شگرد کاربرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی می‌باشد. دیپلماسی عمومی به برنامه های مورد حمایت دولت اشاره دارد که هدف از تنظیم آنها اطلاع رسانی یا تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی این هدف نیز انتشار متن‌های مورد لزوم، برنامه های متعدد و متنوع مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون است. دیپلماسی عمومی نه تنها با دولت‌ها سر و کار دارد، بلکه اساساً مخاطب خود را در میان افراد و سازمان‌های غیردولتی می‌جوید. گفته می‌شود فعالیت‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند معرف دیدگاه های متفاوتی باشد که از سوی افراد و سازمان‌های خصوصی یک کشور علاوه بر نظریات دولت مطرح

1- 11-Chay, Johan, “Communication and International Relation”, in John Chay, New York: Praeger 1990.

2- Mowlana, Hamid, “Global Communication in Transition: The End of Diversity?”, Sage, London, 1996.

می‌شود، در حالی که دیپلماسی سنتی به روابط یک دولت با دولت دیگر مرتبط است و نمایندگی‌های دیپلماتیک معرف آن کشور در دیگر کشورها به شمار می‌روند. دیپلماسی عمومی متضمن مشارکت بسیاری از عناصر غیردولتی جامعه است لذا گسترش و تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی معروف به NGO[1] از سیاست‌های مهم و جدی غرب و به ویژه امریکا در قرن بیست و یک است و از طریق آنها بسیاری از اهداف خود را پیگیری می‌کنند. وقوع انقلاب‌های رنگین خود موید نقش دیپلماسی عمومی بود نه دیپلماسی سنتی. بنابراین امروزه با تحول مفهوم دیپلماسی از سنتی به عمومی و شاخص‌های آن نیاز یک سیاست خارجی پویا و جهانی بهره مندی کامل از یک دیپلماسی عمومی است.

سیاست خارجی فعال دولت نهم نیز در دو بعد قرار گرفته است:

الف. استفاده از رسانه به عنوان رساندن پیام به ملتها؛

استفاده از رسانه‌ها به شکلی فعال در دستور کار دولت نهم بوده و به عنوان یک وسیله اطلاع رسانی و اعلام مواضع به دیگر دولتها و خصوصاً ملت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

ب. حضور فعال و قدرتمند در مجامع بین‌المللی و سفر به دیگر کشورها.

یکی دیگر از ابزار های دیپلماسی فعال دولت نهم حضور فعال دز همه مجامع بین‌المللی بوده است بطوری که دکتر احمدی نژاد سه بار به نیویورک مقر سازمان ملل مسافرت کرده و در این سازمان سخنرانی کرده و مواضع جمهوری اسلامی ایران را در خصوص مسائل مختلف بیان نموده‌اند. این در حالی است که دو رئیس جمهور قبلی تنها در کل زمان مسئولیت خود تنها هر کدام یک بار به سازمان ملل متحد سفر کرده‌اند.

همچنین حضور در اجلاس سازمان شانگهای و شورای همکاری خلیج فارس بیان مواضع و دیدگاههای جمهوری اسلامی ایران از دیگر ویژگی‌های این دیپلماسی بوده است.

از سوی دیگر دکتر احمدی نژاد در طی دو سال نیم ریاست جمهوری ۴۰ سفر خارجی نموده است که به شرح ذیل است[۱]:

جدول سفرهای ریاست جمهوری به کشورهای خارجی[۲]

ردیف	نام کشور	تعداد سفر
۱	آذربایجان	۳
۲	ترکمنستان	۳
۳	عربستان سعودی	۳
۴	ونزوئلا	۵
۵	سوریه	۴
۶	ارمنستان	۲
۷	قزاقستان	۱
۸	افغانستان	۱
۹	الجزایر	۱
۱۰	بلاروس	۱
۱۱	کویت	۱
۱۲	عمان	۱
۱۳	امارات	۱
۱۴	قطر	۲
۱۵	اندونزی	۱
۱۶	سنگال	۱
۱۷	گامبیا	۱
۱۸	کوبا	۱
۱۹	نیکاراگوئه	۱
۲۰	اکوادور	۱
۲۱	بولیوی	۲
۲۲	سازمان ملل	۳

۱ـ لازم به ذکر است سفرهای رئیس جمهور تا تاریخ اول دی ماه ۱۳۸۶ محاسبه گردیده است.

۵. قرار گرفتن در جایگاه مدعی، نه متهم در نظام بین‌الملل

دولت پهلوی تا قبل از سقوط به علت وابستگی تمام عیار به غرب، مورد حمایت همه جانبه این بلوک بود بطوری که اقدام این رژیم در سرکوب و کشتار مبارزان هیچ‌گونه مخالفتی را در غرب برنمی انگیخت و در مقابل اقدامات غیر قانونی آن، نه تنها سکوت کرده حتی در بیشتر موارد حمایت نیز می نمودند. رژیم پهلوی به علت حمایت از منافع غرب و ژاندارمی منطقه خلیج فارس از این حق برخوردار بود که هر گونه اقدامی چه در داخل و چه در خارج را انجام دهد در هیچ مجمع جهانی به اقدامات آن اعتراض یا شکایتی صورت نگیرد. اما سرنگونی دولت پهلوی و تقابل جمهوری اسلامی ایران با غرب باعث شد تا این وضعیت دگرگون شده و غرب مدعی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در ایران گردد.

البته این وضعیت تنها به علت به خطر افتادن منافع غرب در منطقه بود و نظام سلطه به دنبال هر بهانه بود تا علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغات نماید.

در این راستا حتی اقداماتی که برای تامین امنیت اجتماعی، مبارزه با فساد، مبارزه با مواد مخدر و برخورد با متخلفان در داخل کشور صورت می گرفت بهانه‌ای به عنوان نقض حقوق بشر عنوان می‌شد. تا از این رهگذر بتوانند اقداماتی را علیه نظام اسلامی صورت دهند.

و در این موارد جمهوری اسلامی ایران ناچار باید مواضع خود را برای جهانیان تشریح کرده و اقدامات خود را به اطلاع آنها برساند. این وضعیت دولت جمهوری اسلامی را در جهان به عنوان یک متهم معرفی نموده که باید در هر مورد به جامعه جهانی توضیحاتی در مورد اقدامات خود ارائه نماید که بعضاً نیز مورد قبول غرب قرار نگرفته و چهره جمهوری اسلامی ایران را در جامعه جهانی مخدوش می‌نمود.

در عرصه سیاست خارجی شاهد تحرک مناسبی در این زمینه از سوی دولت نهم بوده، به گونه‌ای که این دولت شالوده شکن، آغازگر مبارزه واقعی با استکبار در جهت مقابله با بی‌عدالتی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود در جهان امروز مطرح گردد. طرح خاورمیانه بزرگ که از سوی امریکا جهت سلطه بر بخش مهم استراتژیک

جهان مطرح بود امروز کمرنگ شده است و دیگر از دموکراسی تجویزی امریکا برای کشورهای منطقه خبری نیست، در حالی که در عرصه تنش زدایی استکبار روز به روز گستاخ‌تر می‌شد و جایگاه و منزلت ایران نزول می‌کرد ولی جمهوری اسلامی در دولت نهم دیگر در مقام پاسخگو عمل نکرده، بلکه استکبار را هم به چالش کشیده است.

قریب سه دهه جمهوری اسلامی از سوی غرب دائماً در خصوص حقوق بشر، تضییع حقوق اقلیت‌ها، زنان، تشکل‌ها و... مورد اتهام بود، دولت نهم با به زیر سؤال بردن ساز و کارهای حقوق بشری غرب امروز کمتر مورد اتهام قرار گرفته و غرب در پی پاسخگویی و دفاع از خود برآمده‌اند.

بدین ترتیب شاهد شکسته شدن فضای زیاده خواهی غرب و منفعل کردن مخالفین و تأثیرگذاری در عرصه جهانی می‌باشیم و توانسته‌ایم تعامل سازنده‌ای با اکثر کشورهای دنیا داشته باشیم به گونه ای که «دان برتون» نماینده جمهوری خواه آمریکا می‌گوید: «نزدیک شدن ایران و آمریکای جنوبی مایه نگرانی واقعی است، تهران علاوه بر خاورمیانه، دیپلماسی خود را به هزاران مایل دورتر از مرزهای خود یعنی حیات خلوت آمریکا برده و متحدانی بزرگ برای خود به وجود آورده است»[1].

دولت نهم همزمان با شروع فعالیت خود با طراحی یک دیپلماسی تهاجمی در عین حال هوشمند، از جایگاهی که طی سالهای گذشته برای او ثبت شده بود خارج و خود را به عنوان یک قدرت سیاسی که متکی به اراده بزرگ و معطوف به موقعیت استراتژیک است مطرح نمود.

برخلاف دولتهای سابق که رویکرد فراگیر در سیاست خارجی و داخلی، گفتمان اقتصاد محور و در مقطعی دیگر سیاست محور بود، دولت نهم گفتمان عدالت محوری را در عرصه داخلی، ناظر بر توازن منطقه‌ای و استفاده عادلانه از فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در محیط جهانی، با هدف به چالش کشاندن قدرت‌های

---

1 - http://rajanews.com/News/24825

مستکبر و ساختار بین‌المللی تبعیض آمیز و دفاع همه جانبه از منافع ملی جمهوری اسلامی طراحی و عملیاتی کرد.

لازم به ذکر است ورود به دایره ممنوعه‌ای که تا از قبل این حریم و خط قرمز قدرتهای بزرگ تلقی می‌شد به مدد ابزارها و توانمندی‌های کشور فراهم شد که البته تا قبل از دولت نهم نیز وجود داشت اما نوع گفتمان حاکم بر جامعه و سیاست خارجی، همواره مانع از این می‌شد که این تحرک جدی به وجود آید.

نتیجه این دیدگاه رویکرد سازش پذیری و موضع مرعوبانه در مقابل خواسته‌های مستبدانه تعدادی از قدرتهای سیاسی بود که جمهوری اسلامی به عنوان یک متهم در جامعه بین‌المللی بود.

در این راستای دستگاه سیاست خارجی اقداماتی به شرح ذیل صورت داد:

۱. قبل از این نظام سلطه و کشورهای غربی به بهانه حقوق بشر در مجامع بین‌المللی ایران را محکوم کرده و علیه نظام اسلامی قطعنامه صادر می‌کردند و دولتهای پیشین نیز مبادرت به پاسخگویی و دعوت از بازرسان برای بازدید از ایران بود که گزارش این بازرسان نیز عمدتاً مغرضانه و به نفع کشورهای غربی صورت می‌گرفت. چرا که اصولاً تعریف حقوق بشر در اسلام با تعریف غربی آن متفاوت می‌باشد.

اما در شرایط جدید دولت نهم اقدام به تحرک و فعال سازی دیپلماسی خود نموده و نه بعنوان یک متهم بلکه به عنوان یک مدعی در عرصه تحولات جهانی ظاهر گردید. در این رابطه جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد[1] با توجه به نقض گسترده حقوق بشر توسط دولت به ظاهر مترقی کانادا اقدام به افشاگری و صدور قطعنامه برای محکومیت این کشور در این کمیسیون نمود.

اگرچه این قطعنامه با توجه به حامیان غربی کانادا رای نیاورد اما باعث شد تابوئی که در این رابطه وجود داشت شکسته شود و کشورهای غربی دانستند که دیگر در مقام مدعی نخواهد بود و هر آن امکان دارد که به عنوان متهم در مجامع بین‌المللی شناخته شده و این اقدام تاثیرات زیادی بر پرستیژ آنها خواهد گذاشت.

از سوی دیگر تکرار این وضعیت، و صدور قطعنامه‌های متعدد در نهایت منجر به محکومیت این کشورها خواهد شد.

۲. کشورهای غربی به کرات سفیران و دیپلمات‌های ایرانی را برای ادای توضیحات در خصوص اقدامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسائل داخلی ایران بارها به وزارت امور خارجه شان فرا خوانده و از آنها در این مسائل توضیح خواسته‌اند در حالی دستگاه دیپلماسی ایران تا قبل از دولت نهم در یک سیاست انفعالی در خصوص مسائل کشورهای غربی کوچکترین تحرکی نداشته و تنها به عنوان یک نظاره‌گر بود. اما بعد از دولت نهم احضار سفرای کشورهای غربی جهت ادای توضیحات در مورد مسائل مختلف داخلی و خارجی صورت گرفته که این جمهوری اسلامی را به عنوان یک بازیگر مهم و حساس در جامعه جهانی مطرح نموده است.

این ابتکار عمل می‌تواند در کمیسیون‌های دیگر سازمان ملل و پیمانهای جهانی مانند کمیسیون کنترل مواد مخدر[1] و کیوتو[2] مطرح گردد تا چهره واقعی کشورهای

---

1 -UNODC - United Nations Office on Drugs and Crime.

۲ـ تداوم و تشدید پخش و نشر گازهای گلخانه‌ای در هوا مهمترین عامل تغییرات جوی خطرناکی است که در گزارش سازمان ملل به آن‌ها اشاره شده است. موجب ۹۰ درصد افزایش این گونه گازها، مانند دی اکسید کربن و متان و ...، بشر است. استفاده از سوخت‌های فسیلی برای تولیدات صنعتی و یا حمل و نقل و تولید برق وگرما، افزایش بی‌سابقه شمار ساکنان زمین و فقر که به تخریب محیط‌زیست کمک کرده‌اند و نیز رواج بی‌سابقه دامداری‌صنعتی از دیگر عوامل تراکم و تشدید گازهای گلخانه‌ای در جو بوده‌اند. اصطلاح گلخانه‌ای از آن رو به گازهای یادشده اطلاق می‌شود که کارکردی مانند دیواره شیشه‌ای گلخانه‌ها دارند. به این معنا که اجازه ورود گرمای خورشید به جو زمین را می‌دهند، اما مانع تبادل حرارتی این جو با فضاهای بیرون از آن می‌شوند. به این ترتیب چرخه تبادل حرارتی جو با فضاهای بیرونش مختل می‌شود که پیامد آن گرم‌شدن اقلیم زمین است. بنا به پیمان معروف کیوتو که اوایل دههء جاری شماری از کشورهای جهان در مورد آن به توافق رسیدند میزان پخش گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۱۲ می‌باید در قیاس با سال ۱۹۹۰ به طور متوسط ۵/۸ درصد کاهش یابد. اما آمار و ارقام نشان می‌دهد که این هدف حتی اگر محقق هم شود از سیر دم‌افزون تغییرات جوی به مراتب عقب‌تر است. ضمن این که کشوری ـ مانند آمریکا که ۲۵ درصد گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کند تاکنون برای حمایت از صنایع و شرکتهای نفتی خود ـ به پیمان کیوتو نپیوسته است. گفتنی است که بنا به

غربی که با شعارهای به ظاهر انسان دوستانه سعی در فریب افکار عمومی را دارند، مشخص گردد.

البته با توجه به داشتن پتانسیل بالای جمهوری اسلامی در امر دیپلماسی می‌تواند در مجامع جهانی این طریق با نظام سلطه برخورد نموده و آنها را به چالش بکشاند. این اقدام دستگاه سیاست خارجی باعث شد جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به عنوان مدعی در جامعه جهانی و نظام بین‌الملل مطرح شده در حالی که قبل از این ایران به عنوان یک متهم مطرح بود و دستگاه دیپلماسی ملزم به پاسخگویی به موارد مطرح شده در نظام بین‌الملل بود.

برآورد کارشناسان سازمان ملل بشر تنها تا سال ۲۰۲۰ وقت دارد که روند تخریب جو را معکوس کند و مانع بروز فجایع محیط‌زیستی گسترده و بی‌سابقه در دهه‌های آینده شود. با این همه، این که بعد از اتمام مهلت پیمان کیوتو کدام مقررات و معیارها راهنمای کشورهای جهان در بهبود جو زمین خواهد بود هنوز هم ناروشن است. اجلاس جهانی که سال گذشته برای تعیین اهداف حفاظت از جو در سال‌های پس از ۲۰۱۲ برگزار شد بدون حصول توافق پایان یافت. منبع http://www.areo.ir

فصل پنجم

راهبردهای سیاست خارجی دولت نهم

ارکان راهبرد سیاست خارجی، چگونگی بکارگیری منابع و مدیریت عوامل و شرایط ملی و (بر مبنای) نوع تنظیم مناسبات و ترتیب روابط کشور با دیگر کشورها و مجموعه عوامل، عناصر و شرایط محیط خارجی کشور، به منظور تأمین منابع و تحقق اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است.

در تنظیم راهبرد سیاست خارجی، درک و تبیین صحیح و کامل از قدرت و توان ملی، بویژه در بعد سیاست خارجی،مقتضیات و ویژگی‌های محیط خارجی و بخصوص قواعد نمونه و مسلط پارادایم حاکم بر محیط منطقه‌ای و پیرامونی، شناخت فرصت‌ها، آسیب‌ها و آسیب پذیری‌های محیطی و تهدیدهای موجود و... بسیار حائز اهمیت است از همین لحاظ، در برنامه ریزی میان مدت ملی جمهوری اسلامی ایران «سند چشم‌انداز بیست ساله کشور» که پس از تایید مقام معظم رهبری، برای تحقق و اجرا، به دولت و سایر نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شده است، درخصوص منافع واهداف کلان ملی و بعد سیاست خارجی آن، شاخصها و هدفها وجهت گیری های آن لحاظ شده است.

بر این اساس راهبردهای دولت نهم در خصوص مسائل سیاست خارجی بشرح ذیل می‌باشد:

۱. افسانه هولوکاست، زیر بنای سلطه صهیونیزم بر جهان غرب

صهیونیسم واکنشی بود که یهودیان در برابر تحولات سده نوزدهم میلادی اروپا از خود نشان دادند و هدف اصلی آنها بازگشت یهودیان به سرزمین به اصطلاح موعود و

تاسیس یک دولت یهودی بود.

پیروان این نحله فکری برای تحقق این هدف نیاز به ایجاد بسترهای لازم و ابزارهای کارآمد داشتند. به همین دلیل، درصدد برآمدند تا تمامی پدیده‌ها، وقایع، حوادث و تحولات مربوط به یهودیان در ابعاد گوناگون مذهبی، اعتقادی، تاریخی، سیاسی، ... را به نفع خود و در راستای تحقق بازگشت به فلسطین و تشکیل دولت یهودی، تفسیر و تبین نمایند.

یکی از حوزه‌هایی که همواره مورد توجه این گروه از یهودیان بوده، حوزه تاریخی است. دستگاه تاریخ پردازی آنان موفق شده با پردازش وقایع تاریخی به نفع صهیونیسم، تحریفات عدیده‌ای را در تاریخ جهان به وجود آورد. از این تحریفات به اسطوره یا افسانه سازی صهیونیسم تعبیر می‌شود که اسطوره هولوکاست یا قتل عام یهودیان جنگ جهانی دوم یکی از مهمترین آنها است.

آغاز اسطوره هولوکاست به اوایل سال ۱۹۴۲ میلادی باز می‌گردد، زمانی که گرایش‌های یهودستیزانه به اوج خود رسید. در این زمان رسانه‌های تبلیغاتی با استناد به منابع صهیونیستی به پخش و انتشار اخباری اقدام کردند که تنها مبتنی بر شنیده‌ها بود. این شایعات، بدون اینکه صحت آنها از سوی منابع رسمی متفقین و یا سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی مورد تأیید قرار گیرد تنها به دلیل پی‌گیری سازمانهای یهودی به عنوان رویدادی فجیع و وحشتناک که برای یهودیان اروپا اتفاق افتاده به تصویر کشیده شده است.

هولوکاست در لغت به معنای سوزاندن با آتش است که بطور کامل از بین برود و از واژه یونانی (Holos) به معنای تمام و (Kalein) به معنای سوزاندن است این واژه توسط فردی به نام «الی وایزل» اولین بار ابداع شد. معادل این واژه در عبری کلاسیک «اولم کایل» و در عبری مدرن «شوآه» است.[1]

1- Mohmmad Sindi, The Holocaust is a Typical Zionist Myth: Alwatan, Vol 8,

یهودیان معتقد هستند در جریان قدرت یافتن نازی‌ها در آلمان و جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ـ۱۹۳۳ میلادی) در اردوگاههای کار اجباری با استفاده از اتاقهای گاز یهودیان را در کوره‌های آدم سوزی اجساد آنها سوزانده‌اند و رقم کشته شدگان را ۶ میلیون نفر ذکر می‌کنند.

دلیل استفاده از این اسطوره

این اسطوره در بعد سیاسی و تشکیل دولت یهود در فلسطین و تثبیت آن نقش داشته است و از آن جهت اهداف زیر استفاده می‌گردد:

- مهاجرت یهودیان به فلسطین شتاب گرفته و جمعیت مورد نیاز برای تشکیل دولت یهودی تأمین گردد؛
- تشکیل دولت یهودی مورد حمایت همه یهودیان قرار گیرد و اجماع نظر واحد در این مورد به دست آید؛
- کشورهای غربی از جمله بریتانیا و ایالات متحده با تأسیس این دولت و همکاری برای تشکیل آن موافقت نمایند؛
- ضرورت تشکیل حکومت یهودی را توجیه نمایند و با این استدلال که این حکومت حفاظ مطمئنی برای بازدارندگی از وقوع هولوکاست دوم است؛
- با قرار دادن اسرائیل در جایگاه قربانی؛ این کشور را در برابر انتقادات مصون نگه می‌دارد؛
- به کمک این اسطوره (هولوکاست)، بر مشکل بحران هویت خود فائق می‌آید؛
- هولوکاست اذهان عمومی مردم جهان را برای پذیرش خشونت اسرائیل علیه مردم فلسطین مهیا می‌کند؛
- هولوکاست به یهودیان اجازه می‌دهد تا میلیاردها دلار از آلمان و دیگر کشورها مانند اتریش، سوئیس به عنوان غرامت دریافت نمایند.

مهمترین اهداف اسرائیل از این اسطوره سازی همان طور که ذکر شد توجیه تشکیل دولت صهیونیستی و سرکوب مردم فلسطین می‌باشد.[1]

دولت جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی رویکردی کاملاً متفاوت با سیاست‌های رژیم پهلوی در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل اتخاذ نمود.

اگرچه دولتهای قبل از دولت دکتر احمدی نژاد حمایت معنوی و مادی از فلسطین و مسائل آن می‌نمودند، اما دولت نهم از منظر جدیدی این موضوع را مطرح ساخت.

دکتر احمدی نژاد دو سئوال مهم در این خصوص مطرح نمود:

۱. تحقیق و بررسی در خصوص واقعه هولوکاست صورت گیرد.

۲. چرا فلسطینیان باید تاوان این واقعه را که هیچ نقشی در آن نداشته‌اند را باید پرداخت کنند؟

در نشست فوق‌العاده سازمان کنفرانس اسلامی در مکه دکتر احمدی‌نژاد در مصاحبه با شبکه عربی العالم در خصوص مسئله فلسطین ابتکار تازه‌ای ارائه دادند و گفتند:

«آیا قتل یهودیان در جنگ جهانی دوم دلیل صحیحی است که رژیم اشغالگر قدس مورد حمایت قرار گرفته و صدها فیلم و کتاب در این خصوص ساخته شود و هر روزه احساسات ملت‌ها درباره این یهودیان تحریک شود و حمایت از تأسیس حکومتی اشغالگر در اراضی فلسطین صورت گیرد. ما معتقدیم اگر شما چنین اقدامی انجام داده‌اید {غربی‌ها} بیایند در اروپا و آلمان برخی از ایالت‌هایتان را به صهیونیست‌ها بدهید تا دولتشان در آنجا تشکیل دهند چرا که ظلم در اروپا علیه یهودیان صورت گرفته اما تاوان آن را ملت فلسطین باید پس دهد[2]».

همچنین ایشان در سفر استانی به استان سیستان و بلوچستان دراین خصوص اظهار داشتند:

۱ـ نورمن فیلکشتاین، «صنعت یهودی سوزی»، ترجمه سوسن سلیم زاده، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۱.

«در کنفرانس اسلامی در مصاحبه رسانه‌ای، بنده به عنوان نماینده ملت بزرگ ایران دو سؤال مطرح کردم و علاقه مندم این دو سؤال را در محضر شما مردم عزیز هم مطرح کنم.

سؤال مربوط به فلسطین بود. عرض کردم به صحنه فلسطین نگاه کنید. روزانه مردم کشته می‌شوند، کودکان و زنان زیر سقفها مدفون می‌شوند. خانه بر سر مردم بومی خراب می‌شود. مزارع به آتش کشیده می‌شوند. مردمی که هزاران سال نسل اندر نسل در آن سرزمین زندگی کرده‌اند، آواره می‌شوند. با اعلام قبلی شخصیتها و بزرگان و انسانهای صالح هدف بمباران و موشکباران قرار می‌گیرند. هواپیماها و چرخبالها هر روز مردم مظلوم را مورد هجوم قرار می‌دهند سوالات من این است:

سؤال اول: این کسانی که امروز در سرزمین فلسطین حاکم‌اند و به خودشان اجازه می‌دهند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام بدهند، مردم بومی را آواره کنند، بکشند، زندانی و اسیر بکنند، اینها از کجا آمده‌اند؟ اهل کجا هستند؟ پدرانشان اهل کجاست؟ پدران پدرانشان اهل کجا هستند؟ تا هزار سال، دو هزار سال اینها اهل کجا بوده‌اند؟ چرا اینها اجازه اعمال حاکمیت و حق تعیین سرنوشت دارند، اما ملتی که صدها سال، هزاران سال در آن سرزمین زندگی کرده، حق تعیین سرنوشت ندارد؟ راه حل جمهوری اسلامی خیلی روشن است. ملت ایران می‌گوید تنها راه حل ریشه‌ای مسئله فلسطین این است که همه فلسطینیها، آن کسانی که فلسطینی الاصل هستند، در یک همه پرسی شرکت بکنند و نظر خودشان را درباره نوع حکومت و آینده فلسطین اعلام بکنند.

سؤال دوم بنده این بود: اگر شما راست می گویید که در جنگ دوم جهانی شش میلیون یهودی را کشته‌اند، اگر راست می‌گویید شش میلیون یهودی را در کوره‌های آدم سوزی سوزانده‌اید که علی الظاهر راست می‌گویید و بر این ادعای خودتان اصرار دارید و هر کسی مخالفت می‌کند، او را دستگیر، محکوم و زندانی می‌کنید، حتی دانشمندانی را که مخالفت می‌کنند، محکوم، محدود، زندانی و مجازات می‌کنید، پس معلوم است که شما در این ادعای خودتان جدی هستید. سؤال ما این است، اگر شما این جنایت

بزرگ را مرتکب شده‌اید، چرا باید ملت مظلوم فلسطین تاوان این جنایت را پس بدهد؟ چرا به بهانه آن کشتار آمده‌اید در قلب دنیای اسلام و در فلسطین عزیز با توپ و تانک و مسلسل و بمباران و جوّسازیهای تبلیغاتی و تحریمها و جنگهای روانی می‌خواهید یک حکومت جعلی صهیونیستی را بر مردم آن دیار تحمیل بکنید. اگر شما جنایت کرده‌اید، باید خود شما جبران بکنید.

پیشنهاد ما این بود و هست. اگر شما جنایت کرده‌اید، خوب است قطعه‌های از خاک خودتان، اروپا، امریکا، کانادا و آلاسکا را در اختیار اینها قرار بدهید تا اینها برای خودشان یک کشوری تشکیل بدهند. مطمئن باشید اگر شما چنین کاری را انجام بدهید، ملت ایران دیگر هیچ اعتراضی به شما نخواهد کرد. حتی یک تظاهرات هم در روز قدس به راه نخواهد انداخت و هیچ شعاری علیه شما و این رژیم غاصب صهیونیستی نخواهد داد و ما حتماً از این تصمیم شما حمایت می‌کنیم.

کسانی که مدعی آزادی بیان، دموکراسی و حقوق بشر هستند، در مقابل این منطق بسیار روشن و مستدل به جای اینکه تواضع کنند و بپذیرند، شروع کردند به استفاده از امکانات و ابزارهایی که در اختیارشان هست. اطلاعیه دادند که آقا رئیس جمهور ایران خیلی حرفهای زشتی زده است. معلوم است که رئیس جمهور ایران نمی‌تواند در جهان متمدن امروزی یک انسان متمدن و تراز جامعه مدنی باشد. شروع کردند یکی یکی محکوم کردن، بدون اینکه به اصل موضوع بپردازند. امروز افسانه‌ای درست کرده‌اند به نام کشتار یهودیان و این را از اصل خدا، دین و پیامبران هم بالاتر می‌گیرند. اگر در کشورشان فردی خدا، پیامبران و دین را انکار کند، با او کاری ندارند، اما اگر کسی این افسانه کشتار یهودیان را انکار بکند، همه بلندگوهای صهیونیستی و دولتهای خادم صهیونیست حنجره‌های خودشان را پاره می‌کنند و تا آنجایی که توان دارند، علیه آن صدا و ادعا می‌کنند و فریاد می‌کشند[1]».

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در جمع مردم زاهدان ۸۵/۹/۲۴ منبع سایت

هولوکاست همانطور که قبلاً توضیح داده شد به معنای سوزاندن کامل است اما در اصطلاح به فداکاری مذهبی گفته می‌شود که شامل فنا کردن یک یا چند قربانی در راه معبود است و در آیین یهود هولوکاست هدیه‌ای است که با سوزاندن کامل آن به پیشگاه خداوند تقدیم می‌شود. جعل کنندگان این اسطوره با به کار گیری این واژه برای کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم تلاش کردند تا:

الف ـ این رویداد ماهیت مذهبی پیدا کند؛

ب ـ القاء این که کشته شدگان برای رسیدن به یک هدف مقدس مرگ را برگزیده و در راه معبود به شهادت رسیده‌اند؛

ج ـ وانمود کنند آنچه کشته شدگان انجام داده‌اند نوعی فداکاری مذهبی بوده است.[1]

لازمه شناخت دقیق از یک پدیده آگاهی از جزئیات آن است و با ارائه جزئیات قابل توجه، سطح شناخت ارتقاء می‌یابد. متفقین بعد از شکست آلمان نازی، سراسر آلمان را برای به دست آوردن هر مدرکی که ممکن بود رژیم شکست خورده را متهم نمایند بررسی نمودند.

هرگز پیش از این و تا بحال، اسناد و مدارک کشوری تا این حد بطور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است، علاوه بر اوراق رسمی دولتی که شامل اسناد محرمانه متعددی در مورد سیاست زمان جنگ آلمانی‌ها در قبال یهودیان بود. متفقین شمار بسیاری از اسناد شرکتهای تجاری و خصوصی و موسسات و افراد را ضبط و مصادره کردند.

حجم اسناد مصادره شده بسیار زیاد بود بطوری که تنها اسناد وزارت امور خارجه آلمان بالغ بر ۴۸۵ تن کاغذ بود. اما با وجود این حجم اسناد حتی یک سند که به برنامه نابودی سازی یهودیان اشاره نماید یافت نشده و تنها به اظهارات شفاهی افراد پرداخته

۱ـ روژه گارودی، «تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیانگذاری سیاست اسرائیل»، ترجمه مجید شریف، موسسه خدمات رسا، سال ۱۳۷۷.

شده است.[۱]

همچنین در خصوص اردوگاههای کار اجباری در آلمان بر اساس نظر کارشناسان عمدتاً اسرا بر اثر رفتار سبعانه نازی‌ها، شرایط غیر انسانی اردوگاهها، سوء تغذیه مفرط و مزمن، محرومیت از امکانات رفاهی، راهپیمایی طولانی و بغرنج از اردوگاه تا محل کار و برخی امراض همچون مالاریا، اسهال خونی و به ویژه تیفوس که در سالهای آخر جنگ بطور گسترده شیوع یافته بود در نهایت منجر به مرگ هزاران نفر گردید که آلمانها برای جلوگیری از گسترش آلودگی و بیماری اجساد را می‌سوزاندند.

از سوی دیگر تلاش و اقدامات مربوط به قداست بخشی و مذهب سازی هولوکاست باعث شده، امروزه بسیاری از یهودیان، هولوکاست را رویدادی بدانند که صرفاً اهمیت تاریخی ندارد بلکه از لحاظ اعتقادی هم بسیار مهم است.

درصد زیادی از یهودیان به خدا ایمان ندارند اما تمام آنها باید به این شش میلیون کشته معتقد باشند. برای اینان هولوکاست آن چنان مقدس شده است که به هیچ کس اجازه پرسش انتقادی از این اسطوره را نمی‌دهند زیرا طرح آن را کفر گویی می‌دانند.

بنظر این دسته از یهودیان طرح این موضوع باعث رنجش و تألم قربانیان ابدی شکنجه و آزار می شود! و در چنین فضائی است که کشوری مانند اسرائیل این جزء از باور مذهبی خود را بصورت یک ماده قانونی تبدیل کرده است. در ۸ جولای ۱۹۸۶ میلادی مجلس اسرائیل (کنست) در یک اقدام آگاهانه برای صیانت از خاطره به اصطلاح قربانیان نازیسم، قانونی تحت عنوان ممنوعیت انکار هولوکاست به تصویب رساند.[۲]

براساس این قانون، هولوکاست به عنوان اصول اعتقادی اسرائیل به رسمیت شناخته می‌شود و چالش در مورد آن نه تنها بدعت بلکه جنایت محسوب می‌شود. این قانون از تاریخ‌نگاران اسرائیل می‌خواهد و بطور غیرمستقیم از دیگر مردم استقلال فکری خود را

۱ـ روبرت فوریسون، «اتاق‌های گاز جنگ جهانی دوم: واقعیت یا افسانه»، ترجمه سید ابوالفرید ضیاءالدینی، ناشر موسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، سال ۱۳۸۱.

کنار بگذارید و با اتکا به این قانون، دولت اسرائیل برای اینکه یک رویداد تاریخی را براساس فهم خود از مدارک تاریخی تبین و تشریح نمایند.[۱]

این قانون در آلمان و تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی نیز وجود داشته و انکار کننده، مجازات می‌گردد در حالی که انکار خدا و توهین به مقدسات دینی هیچگونه ممنوعیت نداشته و از آن به عنوان آزادی یاد می‌شود.

از دیدگاه دکتر احمدی نژاد بررسی هولوکاست نه در جهت نفی و نه در جهت اثبات آن بوده بلکه هدف اصلی روشنگری و فراهم ساختن فرصت برای اندیشمندان است که چرا که در اروپای مدعی آزادی نه تنها امکان اظهار نظر در این خصوص وجود ندارد بلکه نقد علمی آن هزینه زیادی بری منتقد آن داشته بطوری که اولین هزینه سنگین آن اتهام طرفداری از نازیسم و فاشیسم است.

همچنین دولت اسرائیل با استفاده از این وسیله به سرکوب فلسطنیان پرداخته و در صورت هر نوع حمایت کشوری آنها را متهم به یهود ستیزی و ایجاد هولوکاست دوم می‌نماید و به این وسیله بر جنایت خود سرپوش گذاشته است.

در واقع دکتر احمدی نژاد با طرح این مسئله، بنیادها و شالوده‌های اسطوره سازی صهیونیست‌ها را که به نوعی منجر به سلطه، نفوذ و طلبکاری آنها از غرب بلکه همه جهانیان شده است به زیر سئوال برد. با این باور، تا زمانی که غربیها خود را از سیطره صهیونیست‌ها رها نکنند، قادر نخواهند بود مشکلاتشان را با جهان اسلام حل کنند.

۲. محو رژیم صهیونیستی

تشکیل کشور اسرائیل ریشه در صهیونیسم[۲] دارد. صهیونیسم سیاسی از دیدگاه برخی گروههای یهودی عبارت است از یک آرمان تاریخی ـ سیاسی، یعنی بازگشت یهودیان آواره و پراکنده در نقاط مختلف جهان به سرزمین اصلی‌شان فلسطین و به

1- Faurisson, Robert "How many Deaths at Auscwitz", The Revisionist, Vol,1, No,1.

۲ـ صهیون (Sion) بر گرفته از نام تپه ای در جنوب شرقی شهر بیت المقدس است و مسجدالاقصی و قبه الصخره بر این تپه واقع است.

عبارت دیگر نهضتی برای گردآوری مجدد یهودیان در قالب ملتی واحد است. البته این اسطوره به «سرزمین موعود» یا «ارض موعود» نیز تعبیر شده است.[1]

بنا به باور صهیونیست‌ها ریشه پیدایش صهیونیسم سیاسی را باید در تاریخ عقاید مذهبی آنها یافت. وعده‌های مذهبی موجود برخی آیات تورات و دیگر داستان‌های تاریخی مورد استناد، از جمله مهمترین پایه‌های عقیدتی صهیونیسم را تشکیل می‌دهد.

صهیونیسم سیاسی به وسیله «تئودور هرتصل[2]» شکل گرفت. وی صهیونیسم را از شکل مذهبی و معنوی آن خارج کرد و به آن شکل و محتوای سیاسی بخشید. جدا از هرتصل که پدر صهیونیست سیاسی به شمار می‌رود، نظریه پردازان دیگری نظیر «لئوپنسکر[3]» و «پرز اسمولنسکین[4]» نیز در همان اوان از جمله نظریه پردازان اولیه صهیونیسم سیاسی محسوب می‌شوند.

هرتصل افکار و نظریه های خود را در فوریه سال ۱۸۹۶ میلادی در جزوه‌ای به زبان آلمانی با عنوان «دولت یهود: راه حل جدیدی برای مسئله یهود» منتشر کرد. وی در این جزوه نظریه و راه حل ویژه خود را در رابطه با حل مسئله یهودیان در جهان که عبارت است از ایجاد یک موطن متعلق به خودشان و تشکیل یک دولت ملی با اختیار و استقلال کامل است، ارائه می‌دهد. قابل ذکر است که از دیدگاه هرتصل و دیگر رهبران صهیونیسم سیاسی، در راه تحقق آرمان صهیونیسم، هدف وسیله را توجیه می‌کند و هر اقدامی ممکن توجیه‌پذیر خواهد بود.

اولین کنگره صهیونیست‌های سیاسی با طراحی و هدایت تئودور هرتصل در تاریخ ۲۹ اوت ۱۸۹۷ میلادی در شهر بال سوئیس برگزار شد. برگزاری اجلاس بال نقطه عطفی در تاریخ صهیونیسم سیاسی است. در این کنگره، هدف‌ها و آرمان‌های صهیونیسم بیان و تدوین شد، ضمناً عقاید و ارکان مذهبی ویژه‌ای نیز مطرح گردید که یهودیان جهان بایستی برای تحقق آنها به جد تلاش می‌کردند.

۱ـ علی سروش‌نژاد، «صهیونیسم: نوزایی، استقرار، فروپاشی»، انتشارات نی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

2-Theodor Herzl .

3 -Leo Pinsker .

صدور اعلامیه بالفور در دوم نوامبر ۱۹۱۷ میلادی به وسیله کابینه جنگی انگلیس با خطاب به لرد روتچیلد[1] سرمایه‌دار یهودی و حامی سرسخت صهیونیست‌ها و با امضای آرتور جیمز بالفور[2] وزیر امور خارجه وقت، زمینه قانونی ـ سیاسی لازم را برای تشکیل دولت آتی مستقل یهود در سرزمین فلسطین فراهم کرد. در واقع باید گفت که با صدور اعلامیه مذکور به وسیله دولت استعماری انگلیس، اولین قدم و مهمترین قدم در راه تحقق آرمان غایی صهیونیسم سیاسی برداشته شد.

ضمن اینکه صدور اعلامیه یاد شده از سوی دولت انگلستان یک موقعیت قابل توجه برای صهیونیست‌ها و شناسایی رسمی هدفهای آنان از سوی یک قدرت بزرگ و با نفوذ محسوب می‌شد. در اعلامیه بالفور آمده بود که «دولت اعلیحضرت، ایجاد یک وطن ملی برای مردم یهود را با نظر مساعد می‌نگرد و برای نیل به این هدف، اقدامات همه جانبه‌ای را به عمل خواهد آورد».[3]

محتوا و لحن اعلامیه مذکور به شکلی تنظیم شده بود که فلسطین به عنوان یک سرزمین متعلق به یهودیان تلقی گردیده و دیگر ساکنان غیر یهودی آن تقریباً به منزله ساکنان درجه دوم و فرعی مطرح شدند.

رهبران صهیونیسم سیاسی مفاد اعلامیه بالفور را به مفهوم ایجاد یک «کشور و دولت یهود» در سرزمین مقدس و موعود فلسطین مورد بهره‌برداری قرار دادند و با همکاری دولت انگلستان به آرامی حاکمیت را در دست گرفته و زمینه را برای مهاجرت یهودیان پس از پایان جنگ جهانی اول و شکست و تجزیه امپراطوری عثمانی، طبق تصمیم جامعه ملل سرزمین فلسطین به قیمومیت انگلستان درآمد. در خلال دو جنگ جهانی اول و دوم و مهاجرت یهودیان از نقاط مختلف دنیا به فلسطین تعادل جمعیتی به نفع یهودیان به هم خورد. سرانجام در ۱۴ مه ۱۹۴۸ میلادی دولت اسرائیل در سرزمین‌های

---

1 -Lord Rothschild
2 -Arthr James Balfour
۳ـ اصغر افتخاری، «جامعه شناسی سیاسی اسرائیل»، مرکز پژوهشی‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه، تهران ۱۳۸۰.

غصب شده اعلام موجودیت کرد.[۱]

با تحقق اندیشه‌های صهیونیستی در قالب تشکیل دولت اسرائیل، موضوع صهیونیسم به معضلی برای کشورهای اسلامی تبدیل شد و لزوم مقابله با این پدیده و حمایت از مبارزات مردم فلسطین به آرمانی برای ملت‌های اسلامی تبدیل گردید.

اگرچه حرکت‌ها و مبارزات مردم فلسطین نمادی از مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیست‌ها بود ولی آنچه که تسریع بخش و تشدید کننده مبارزات فلسطینیان می‌باشد، انقلاب اسلامی ایران بود.

لازم به ذکر است که حضرت امام خمینی(ره) معمار بزرگ انقلاب حتی قبل از وقوع انقلاب به کرات خطر تشکیل دولت اسرائیل را گوشزد نمود و در این خصوص فرمودند:

«با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین آواره کننده بیش از یک میلیون مسلم بی پناه، پیمان برادری نبندید، عواطف مسلمین را جریحه دار نکنید، دست اسرائیل و عمال خائن آن را به بازار مسلمین بیش از این باز نکنید، اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید. تسلیم خواسته‌های دولت پوشالی اسرائیل و به خطر انداختن اقتصاد مملکت، سند ضعف و نوکری است و سند خیانت به اسلام و مسلمین است[۲]».

تعبیر غده سرطانی به اسرائیل از طرف امام خمینی (ره) و طرح شعار نابودی اسرائیل چالش جدی را پیش روی صهیونیست‌ها قرار داد و به حرکت فلسطینیان شتاب بیشتری بخشید.

همچنین موضوع فلسطین در مواضع و دیدگاههای حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز تبلور یافته است. بطوری که که ایشان ابراز می‌دارند:

«فلسطین متعلق به فلسطینیان است و حکومت صهیونیستی یک دولت غاصب و دروغین است. سرزمین اشغال شده فلسطین هیچ شهروند حقیقی جز مردم بومی

۱ـ همان.

فلسطین ندارد و به همت ملت‌های مسلمان سرانجام صهیونیست‌ها روزی مجبور خواهند شد فلسطین را به صاحبان اصلی آن باز گردانند و فرا رسیدن آن روز حتمی و تخلف ناپذیر است[1]».

با توجه به دیدگاههای مقام معظم رهبری و سند چشم انداز ۲۰ ساله توسعه یکی از اولویت‌های سیاست خارجی نهم حمایت از ملت مظلوم فلسطین می‌باشد.

دکتر احمدی نژاد در سخنرانی‌های خویش به کالبد شکافی موضوع پرداخته تاکید کرده و در این خصوص اظهارداشتند:

«واقعاً ماجرای فلسطین چیست؟ آیا درگیری در فلسطین جنگ بین یک عده یهودی و غیر یهودی با مسلمانهاست؟ جنگ بین یهودیها با سایر مذاهب است؟ جنگ بین یک کشور با بقیه کشورهاست؟ جنگ بین یک کشور با دنیای عَرب است؟ آیا دعوا سر سرزمین محدود فلسطین است؟ به نظرم پاسخ همه این سؤالات منفی است.

تأسیس رژیم اشغالگر قدس حرکتی سنگین از جانب نظام سلطه و استکبار علیه دنیای اسلام است. بین دنیای استکبار و جهان اسلام نبردی تاریخی در جریان است و عمق این نبرد به صدها سال می‌رسد. در این نبرد تاریخی بارها وضعیت جبهه عوض شده است. یک دوره‌ای مسلمانها غلبه و حرکت فعال و رو به جلو داشتند و دنیای استکباری در حال عقب نشینی؛ یک دوره نیز جنگ و گریز بود و و در طول سیصد سال اخیر متأسفانه دنیای اسلام در حال عقب نشینی از مقابل جبهه استکبار بود. نمی‌خواهم ریشه‌یابی کنم به چه دلیل؛ ما همین سیر تاریخی را مطرح می‌کنیم. صد سال قبل آخرین سنگرهای جهان اسلام فرو ریخت و دنیای استکبار رژیم اشغالگر قدس را به عنوان سر پل نظام سلطه در قلب دنیای اسلام بر پا کرد. سرپل یعنی چه؟ سر پل یک اصطلاح جنگی و نظامی است. وقتی دو لشکر، دو کشور یا دو گروه با هم درگیر هستند، اگر یک گروه حرکتی انجام بدهد و در جبهه مقابل قطعه‌ای از زمین را در

۱ـ احمدی ـ مسئله فلسطین و صهیونیسم از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

اختیار بگیرد و آنجا مستقر بشود، قوای خود را پیاده کند، استحکامات بسازد، خودش را تقویت کند و آنجا را به عنوان پایگاهی برای توسعه سرزمینی قرار بدهد، به آن سر پل می گوییم.

این کشور اشغالگر در واقع سرپل دنیای استکبار در قلب جهان اسلام است. یک پایگاهی درست کردند تا از آن پایگاه سلطه خودشان را بر کل جهان اسلام توسعه بدهند و بدون این، وجود و موضوعیت ندارند. بنابراین، نبردی که امروز در فلسطین در جریان است در واقع خط مقدم جهان اسلام با دنیای استکباری است و نبرد سرنوشت است. جنگ اسلام با دنیای استکبار است و سرنوشت این نبرد چند صد ساله در فلسطین رقم خواهد خورد. امروز ملت فلسطین به نمایندگی از امت اسلام در مقابل نظام سلطه ایستاده است».[1]

«شما ملت فلسطین را نگاه بکنید، چه شرایطی حاکم است؟ نزدیک به ۶۰ سال عده‌ای اشغالگر هر روز ملت فلسطین را به خاک و خون می‌کشند و خانه‌ها را بر سرشان خراب می‌کنند. عده‌ای که معلوم نیست از کجا آمده‌اند، رسماً جلسه می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند که مردم فلسطین را ترور بکنند. اعلام می‌کنند و بعد فردای آن روز با جوخه‌های مرگ، هلی‌کوپترها و هواپیماها مردم را می‌کشند و اخیراً جسارت را به جایی رسانده‌اند که علناً اعلام می‌کنند که مخالفین خودشان را در خارج از مرزهای فلسطین هم خواهند کشت. ما از قدرتهای غربی یک سؤال کردیم که بهانه و استدلال شما برای حمایت از این جنایتها و جنایتکاران این است که می‌گویید حدود ۶۰ سال قبل، در جنگ دوم جهانی عده‌ای از یهودیها را در کوره‌ها سوزانده‌اند. بسیار خوب، ما از شما سؤال می‌کنیم که اگر این موضوع حقیقت دارد، چه کسی این کار را کرده است؟ شما، دولتها و حکومتهای شما این کار را کرده‌اند. اگر قبول دارید که این کار را کرده‌اید، خود شما باید پاسخ بدهید. چرا باید ملت فلسطین تقاص این جنایتهای شما را بدهد؟ قطعه‌ای از سرزمین خودتان را در اختیارشان قرار بدهید. موضوع خاتمه پیدا

۱ـ سخنرانی در نشست جهان بدون صهیونیسم ـ ۱۳۸۴/۸/۴.

می‌کند. نیاز به جلسه، کنفرانس، قرارداد صلح و برو و بیا ندارد. اگر هم چنین موضوعی حقیقت ندارد و یک دروغ بزرگ تاریخی است، برای چه به این بهانه شما چنین رژیم خشن فاسدی را بر ملتهای منطقه تحمیل می‌کنید؟

به محض اینکه ما چنین سؤالی را کردیم، مدعیان حقوق بشر حنجره‌هایشان را پاره کردند که این احمدی نژاد آدم جنگ طلبی است. مخالف حقوق بشر و حقیقتهای تاریخی است. بنابراین، ما نباید اجازه بدهیم، دولت و ملت او دارای فناوری هسته‌ای بشوند. باید آنها را محدود بکنیم. به محض اینکه ما این سؤال را مطرح کردیم، فریاد از گلوی همه آن قدرتهای زورگو درآمد. حنجره‌هایشان را پاره کردند. البته ما پیش بینی چنین وضعی را می‌کردیم. پاسخ ما به آنها این است، شماها که از اسم و حرف اینکه چنین جرثومه فسادی را در کنار مرزهای خودتان ببینید، این طور عصبانی شدید و فریاد می زنید، چطور انتظار دارید، ملتهای منطقه این جرثومه فساد و اشغالگر را کنار مرزهای خودشان تحمل بکنند...».[1]

«این رژیم را برپا کرده‌اند برای اینکه در منطقه ما همیشه فضای تهدید وجود داشته باشد. اصلاً این برای صلح درست نشده و ماهیتش تهدید است. تداوم حیاتش به این است که تهدید بکند که اگر تهدید نکند، کارش تمام است. او باید دائماً بگوید نیل تا فرات. چه اتفاقی می‌افتد؟ یکی دوتا از آنها را برایتان می‌گویم. وقتی فضای تهدید شد، همان کسانی که این را درست کرده‌اند، به منطقه ما می‌آیند و صدها میلیارد دلار اسلحه می‌فروشند. وقتی فضای تهدید شد، یکی یکی حکومتها را اسیر خودشان می‌کنند. می‌بینید دیگر و هزاران تحمیل سیاسی بر ملتهای منطقه وارد می‌کنند. باید همیشه تهدید باشد؛ یعنی اگر از ماهیت تهدید خارج بشود، دیگر وجود خارجی ندارد. برای چه اصلاً درست کرده‌اند؟ برای چه با هزاران طراحی سیاسی و تبلیغاتی یک فضای یهودی ستیزی راه انداخته‌اند، کیش داده‌اند که به آنجا بروید. اصلاً درست کرده‌اند برای اینکه این فضای تهدید باشد، تا بتوانند آن تحمیلات را انجام بدهند. دروغ می‌گویند که دنبال صلح هستند. اصلاً کسانی که خودشان ریشه فتنه و جنگ را در این سرزمین کاشته‌اند،

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار با مردم قم ـ ۱۳۸۴/۱۰/۱۵ منبع http://www.president.ir/fa

مگر می‌توانند بیایند شعار صلح بدهند؟ ما با این دوستانی که از فلسطین هستند، صحبت می‌کردیم. بحثها این بود، اصلاً موضوع این نیست که این رژیم اشغالگر در یک وجب یا دو هزار کیلومتر یا سی هزار کیلومتر باشد، مقدارش مهم نیست، اصلش مهم است. این اصلش است که ماهیتش تهدید است و اگر این ماهیت را از آن بگیرید، فرو می‌ریزد.

به نظر و اعتقاد ما این رژیم به لطف الهی این رژیم در سراشیبی سقوط قرار گرفته است، برای اینکه تمام مبانی موجودیتش را از دست داده است. این را برای همین قضیه درست کرده بودند و الان جواب عکس داده، می‌بینید در فلسطین و دنیای اسلام چه اتفاقی افتاده است.

خودشان اخیراً نظرسنجی کرده‌اند. بالای ۸۲ درصد کل ملتهای اسلامی از موضع گیری اخیر جمهوری اسلامی راجع به این رژیم به شدت حمایت می‌کنند، خوشحال هستند و جشن گرفته‌اند. چقدر تظاهرات کرده‌اند؛ حالا خیلی در رسانه‌های ما منعکس نشد. حتی در مصر.»[۱]

«ما خواهان استقرار حکومت مردمی در فلسطین هستیم. ما فکر می‌کنیم راه حل مسئله فلسطین تضمین حقوق همه مردم بر پایه یک حکومت دموکراتیک است. ما فکر می‌کنیم صلح پایدار بر اساس راه حلهایی است که حقوق همه مردم را در نظر بگیرد. ما از هر پیشرفتی استقبال می‌کنیم. از تخلیه غزه حمایت می‌کنیم. از تشکیل دولت مستقل فلسطین هم حمایت می‌کنیم، ولی فکر می‌کنیم که ریشه مشکلات را باید برطرف کرد. تا زمانی که بیش از پنج میلیون نفر از یک ملت آواره هستند، اشغالگری و تجاوزگری ادامه دارد و تا موقعی که جوانها دستگیر می‌شوند، خانه ها بر سر مردم خراب می‌شود، خانه‌ها و مزارع در آتش می‌سوزد و نگاه نژادپرستانه حاکم است، چطور شما انتظار دارید که صلحی برقرار شود؟»[۲]

دیدگاههای دکتر احمدی‌نژاد را در خصوص مسئله فلسطین را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱ــ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار با منتخبین استان گلستان - ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ منبع http://www.president.ir/fa

۲ــ [illegible] ۱۳۸۴/۶/۲۶ http://www.president.ir/fa

• رژیم اشغالگر قدس یک رژیمی می‌باشد که از جانب نظام سلطه به جهان اسلام تحمیل گردیده است؛
• اسرائیل سرپل دنیای استکبار در قلب جهان اسلام است؛
• ملت فلسطین به نمایندگی از جهان اسلام در مقابل این رژیم ایستادگی می‌کند؛
• کمک به مردم فلسطین وظیفه همه دولت‌های اسلامی است؛
• وجود رژیم صهیونیستی باعث تشنج و ناامنی در منطقه است؛
• امکان وجود صلح با توجه به ماهیت رژیم اسرائیل با ملت فلسطین وجود ندارد.

با توجه با این دیدگاهها آقای احمدی نژاد طرحی را برای حل این مسئله ارائه نمودند. این طرح شامل یک رفراندوم عمومی منطبق بر موازین شناخته شده بین‌المللی در کل سرزمینهای اشغالی بوده که با شرکت همه فلسطینی‌های اصیل اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی ساکن در داخل فلسطین و یا آواره در سایر کشورها می‌باشد که تحت نظر سازمان ملل متحد صورت گیرد.

هم پرسی که با شرکت همه افراد فلسطینی اصیل صورت می‌گیرد و به انتخاب نوع حکومت و حاکمان منجر می‌گردد از سویی باعث محو رژیم صهیونیستی در منطقه شده و وجود تبعات این رژیم در منطقه از بین خواهد رفت و از سویی دیگر پناهندگان و آوارگان به موطن اصلی خود باز خواهند گشت و منطقه در صلح و آرامش قرار خواهد گرفت[1].

۳. تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه به کشورهای جهان سوم به عنوان یکی از خط مشی‌های سیاست خارجی اسلام قرار گرفت اگرچه به علت پاره‌ای مسائل به این مورد توجه ویژه‌ای نشد، اما بعد از استقرار دولت نهم و تأکید سند چشم انداز ۲۰ ساله بر ایفای نقش پیش تاز و جریان ساز در روابط دو جانبه و چند جانبه و پرهیز از سیاستهای انفعالی در سیاست خارجی، توجه به ارتباط با کشورهای جهان سوم به ویژه

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در کنفرانس قدس ۸۵/۱/۲۵ منبع http://www.president.ir/fa.

کشورهای افریقایی و امریکای لاتین مورد تاکید قرار گرفت.

با توجه به این اصل و وجود دولتهای استقلال خواه و مردم گرا در آمریکای لاتین که شباهت زیادی به سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران دارند و حتی در امر مبارزه با امپریالیسم ایالات متحده کاملاً با ایران همسو بوده و این یک فرصت تاریخی است که یک جبهه متحد ضد امپریالیستی ایجاد شود[1].

۱ـ دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران بعد از ظهر امروز در مراسم استقبال رسمی از هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا در نهاد ریاست جمهوری، با ابراز خرسندی از سفر همتای ونزوئلایی خود به ایران، گفت: مواضع آقای چاوز در مسائل جهانی و مبارزه با امپریالیسم بسیار محکم بوده است و چاوز برادرمن است و انشاءالله همرزم من نیز می باشد. رییس جمهور ونزوئلا نیز در این مراسم ابراز امیدواری کرد، ایران و ونزوئلا در مقابله با امپریالیسم همچنان متحد باشند زیرا پیروزی بر مستکبران فقط با وحدت محقق می شود. دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران همچنین در کنفرانس خبری مشترک با رئیس جمهور ونزوئلا با بیان اینکه چاوز منشاء یک جریان انقلابی است، تاکید کرد: هوگو چاوز نقطه اتکایی برای همه انقلابیون آمریکای جنوبی و مظهری برای عدالتخواهان این منطقه از جهان است. رییس جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اینکه احساس ما از ملاقات رئیس جمهور ونزوئلا احساس ملاقات دو برادر و دو همسنگر است، گفت: آقای چاوز به لحاظ مواضع و دیدگاه‌های انقلابی در بین ملت ایران نیز از محبوبیت بالایی برخوردار است. دکتر احمدی نژاد خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران و ونزوئلا در روابط دو جانبه، منطقه‌ای و جهانی دیدگاه های مشترک فراوانی دارند و با هم امور را هماهنگ کرده و انجام می‌دهند. رییس جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اینکه از پیشرفت‌های کشور ونزوئلا به رهبری چاوز بسیار خرسندیم، گفت: پیشرفت و آبادانی ونزوئلا را پیشرفت و آبادانی خود می‌دانیم و برای گسترش همکاری‌ها و اجرای برنامه‌های مشترک هیچ محدودیتی نداریم. دکتر احمدی‌نژاد با بیان این که اگر توانمندی‌های دو کشور در کنار هم قرار گیرد، به نفع دو ملت و ملت‌های آزادی خواه است،خاطرنشان کرد: ایران و ونزوئلادر حال برنامه‌ریزی هستند که از امکانات و استعدادهای یکدیگر به عنوان مکمل استفاده کنند. رییس جمهوری اسلامی ایران با بیان این که روابط تهران و کاراکاس در حوزه‌های گوناگون همکاری، برنامه‌ریزی و تفاهم در حال پیشرفت و گسترش است، گفت: ما فکر می‌کنیم تمام تجربیات ونزوئلا و ایران باید در کنار هم و پشتیبان هم باشند. دکتر احمدی‌نژاد با اشاره به حوزه همکاری‌های فراوان ایران و ونزوئلا، تصریح کرد: مجموعه جدیدی به حوزه همکاری‌ها اضافه خواهد شد،که در این راستا

سیستم تابع منطقه‌ای ایفا می‌نمایند. بطور کلی باید تأکید داشت که ایران از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که حوزه امنیتی و همچنین حوزه جغرافیایی سیاسی آن گسترش قابل توجهی یافته است.

براساس چنین شرایطی، ایران تلاش موثری برای اجرایی‌سازی استراتژی تعامل سازنده با کشورهای منطقه‌ای باید ایفا نماید. به هر میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای ایران افزایش یابد، زمینه برای حداکثرسازی قدرت ملی و کاهش تهدیدات امنیتی فراروی ایران بوجود خواهد آمد. آنچه تحت عنوان خاورمیانه بزرگ توسط مقامات سیاست خارجی امریکایی طراحی و منتشر گردیده است را می‌توان جلوه‌هایی از تضاد امنیتی غرب با ج.ا.ا دانست. چنین تضادهایی به گونه‌ای فزاینده افزایش خواهد یافت و زمینه برای ظهور بحرانهای جدید در منطقه ایجاد خواهد شد.

واقعیت‌های حوزه ژئوپلتیکی ایران بیانگر آنست که پنج حلقه ژئوپلتیکی در حوزه امنیت ملی ایران قرار دارد. هر حلقه ژئوپلتیکی به عنوان بخش‌هایی از حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. می‌توان این حوزه‌ها را تحت عنوان «سیستم تابع منطقه‌ای» طراحی نمود.

برمبنای مدل طراحی شده در مرزهای امنیتی و جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران می‌توان نشانه‌هایی از تنوع در ۵ حوزه جغرافیایی را مورد ملاحظه قرار داد. بنابراین می‌توان تأکید داشت که لایه همسایگان ایران در روند اجرایی‌سازی استراتژی تعامل سازنده، بخش‌های ذیل خواهد بود:

الف. حلقه امنیتی در حوزه خلیج‌فارس شامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس؛

ب. حوزه غرب ایران در قالب کشورهای عراق، سوریه، ترکیه، و اردن؛

ج. حلقه قفقاز شامل کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و روسیه؛

د. حلقه ژئوپلتیکی آسیای مرکزی با توجه به نقش چین و روسیه در این حوزه؛

هـ. حوزه شرق ایران بر مدار کشورهای افغانستان، پاکستان و هند.

شواهد نشان می‌دهد که هر یک از حوزه‌های ژئوپلتیکی یاد شده، با نشانه‌هایی از همگرایی و واگرایی همراه می‌باشد. بنابراین ضرورت‌های استراتژیک امنیت ایجاب می‌کند که زمینه‌های قدرت‌سازی از طریق ائتلاف و همبستگی با واحدهای هر حوزه جغرافیایی شکل گیرد. بطور کلی اساس سیاست جمهوری اسلامی در ارتباط با همسایگان خود بر این پایه قرار داشته باشد که حفظ امنیت آنها در گرو حفظ امنیت جمهوری اسلامی قرار گیرد. به عبارت دیگر هر نوع تهدید امنیتی جمهوری اسلامی متضمن تهدید امنیتی همسایگان خواهد بود.

ضرورت‌های استراتژی تعامل سازنده به گونه‌ای است که می‌بایست نسبت به تهدیدات و همچنین فرصت‌های هر حوزه جغرافیایی شناخت موثری وجود داشته باشد. بدون وجود شاخص‌های قدرت محور، نمی‌توان ضرورت‌های استراتژیک را سازماندهی نمود. بنابراین می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که براساس آن رفتار سیاست خارجی ایران براساس الگوی قدرت محور سازماندهی شود. این امر به مفهوم بهره‌گیری از روش‌هایی است که در درون آن مصالحه‌گرایی نیز وجود خواهد داشت. زیرا به هر اندازه زمینه مصالحه‌گرایی ایجاد شود، همبستگی کشورها برای نیل به اهداف استراتژیک افزایش خواهد یافت. این امر می‌تواند نشانه‌هایی از همکاری سازنده برای تبیین مطلوبیت‌های «ائتلاف ایران محور» را به نمایش گذارد.

۶. سطح ملی

تردیدی نیست که با توجه به ماهیت و ساختار نظام بین‌المللی اعمال سیاست خارجی فعال متضمن تقویت و فراهم نمودن ابزار اعمال آن در سطح ملی می‌باشد. پیچیدگیهای روابط بین‌الملل و تقابلی که همه بازیگران جامعه جهانی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود دارند ضرورتاً قوانین بین‌الملل ضامن اجرای تصمیمات و خواسته‌های اعضاء جامعه جهانی نیست و بهمین جهت تحقق اهداف سیاست خارجی بر پایه دکترین تعامل سازنده نیاز به تقویت سازوکارهای آن در داخل کشور دارد. بطور کلی ابزار اعمال سیاست خارجی در ۵ گروه نظامی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی دیده شده است.

ب. حرکتهای ساختار شکنانه در قالب اصلاحات عمیق و ساختاری؛

ج. استفاده از قدرت نرم مانند مطبوعات و رادیو تلویزیون جهت به چالش کشیدن ایالات متحده.

بطور خلاصه، ونزوئلا استراتژی سیاست خارجی خود را مبنای مبارزه با الگوی نئولیبرال و تک قطبی شدن بنا کرده، الگوئی که امروزه در قالب جهانی شدن، اقتصاد بازار و دمکراسی به شیوه ایالات متحده رواج یافته است.

این سیاست ونزوئلا و وجود یک جو ضد آمریکائی را باعث شده است دیگر کشورهای امریکای لاتین با انتخاب کاندیداهای که برنامه‌های مستقل و پرهیز از وابستگی به ایالات متحده دارند، انتخاب و قدرت را در دست گیرند.

بطوری که یک ائتلاف بین کشورهای ونزوئلا، بولیوی و آژانتین در زمینه گاز ایجاد شده است. همچنین برای مقابله با پیمان اقتصادی الکا [1] که توسط ایالات متحده پیشنهاد شده، توسط کشورهای مستقل پیمان مرکوسور [2] ارائه گردیده است. به این ترتیب با تقویت روابط بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران که موضع سیاستهای سلطه طلبانه کاخ سفید، وجه اشتراک همه آنها به شمار می رود گام مهمی در تقویت یک بلوک ضد آمریکائی به شمار می‌آید [3].

---

1 -ALCA .

2 -MERCOSUR .

۳ـ روسای جمهوری اسلامی ایران و نیکاراگوئه تصریح کردند: تهران و ماناگوآ با گسترش همکاریهای خود به منظور برپایی نظم مبتنی بر عدالت، صلح و برادری در جهان تلاش می کنند.دکتر محمود احمدی نژاد صبح امروز یکشنبه در فرودگاه مهرآباد تهران از «دانیل اورتگا» همتای نیکاراگوئه‌ای خود به طور رسمی استقبال کرد. ییس جمهوری اسلامی ایران در حاشیه این مراسم با بیان اینکه امروز جوانه‌های اندیشه‌های نقلابی میان ملت‌ای مختلف جهان از جمله منطقه آمریکای لاتین به بار نشسته است گفت: دو ملت ایران و نیکاراگوئه همواره در کنار هم خواهند بود و مصمم هستند علی‌غم فشارهای گوناگون کشور خود را بسازند و از استقلال خود صیانت کنند. دکتر احمدی‌نژاد با اشاره به اینکه انقلاب دو ملت ایران و نیکاراگوئه همزمان با هم به وقوع پیوست تاکید کرد: هر دو ملت خواهان توسعه و تحکیم روابط هستند و با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند می‌توانند با نهایی و عملیاتی کردن توافقات دوجانبه یار و مددکار همدیگر در مسیر پیشرفت باشند.

۴. نقش مهدویت در سیاست خارجی

مسئله فرجام جهان از مباحثی است که مکتب‌ها و ادیان آسمانی و غیر آسمانی به صورت‌های گوناگونی به آن پرداخته‌اند. پایان تاریخ در ادیان مختلف، جوهره و روحی واحد دارد، ولی در زمینه توصیف، تحلیل و چگونگی اصل حادثه پایان جهان، نقش آفرینان، رهبر یا رهبران آن، تفاوت‌های شگرفی یافت می‌شود.

جوهر واحد این مکتب‌ها و ادیان در مورد فرجام تاریخ این است که همهٔ ادیان، حتی ادیانی که پیامبری نداشتند و رهبران آنها چون بودا، مردم را به دینی بدون پیامبر و بدون خدا فرامی‌خواندند، غایت و آرمانی را برای بشر ترسیم می‌کنند که در آن آرمان‌شهر و مدینه فاضله، دیگر خبری از ستم و بی‌عدالتی نیست. در مقابل، عدالت در تمامی جنبه‌ها جایگزین ستم و تبعیض، آسایش جایگزین رفاه، ایثار جایگزین

رییس جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه مردم ایران تصویر خوبی از آقای اورتگا به عنوان نماینده ملتی انقلابی در ذهن دارند گفت: رییس جمهور نیکاراگوئه و هیات همراه وی در سفر به ایران در خانه خود حضور دارند و از دیدار با دوست بسیار خوبم خوشحال هستم ـ آقای «دانیل اورتگا» نیز در این مراسم با بیان اینکه امروز وضعیت موجود به ما اجازه می دهد تا بتوانیم شرایط و نظم نوینی را در جهان پایه گذاری کنیم، گفت: در نظم نوین جهانی باید رابطه ملتها و دولتها براساس دموکراسی استوار باشد و امپریالیسم از بین رفته و دنیایی پر از صلح و مودت برپا شود.رییس جمهور نیکاراگوئه با تاکید بر ضرورت وحدت میان ملت ها در برابر سلطه گران تصریح کرد: امروز ملت‌ها و دولت‌های منطقه آمریکای لاتین، جمهوری اسلامی ایران را دوست و در کنار خود می‌بینند و دوستان خود را با اختیار خود و بدون توجه به تهدیدهای نظام سلطه انتخاب می‌کنند. آقای «اورتگا» با اشاره به تبیین مواضع خود و نیکاراگوئه در قبال امپریالیسم برای سردمداران آمریکا گفت: آمریکایی‌ها باید بدانند که نیکاراگوئه خواستار روابطی براساس احترام متقابل با این کشور است. رییس جمهور نیکاراگوئه همچنین با بیان اینکه دولت این کشور در حال تلاش برای برقراری عدالت، آزادی و وحدت مردم نیکاراگوئه است، ابراز امیدواری کرد؛ با آغاز فصل جدیدی در روابط تهران و ماناگوآ و کمک‌های دولت و ملت انقلابی ایران زمینه پیشرفت و آبادانی این کشور فراهم شود.نخستین دور مذاکرات مشترک هیئت‌های بلند پایه جمهوری اسلامی ایران و نیکاراگوئه قرار است پیش از ظهر امروز به ریاست دکتر احمدی نژاد و «اورتگا» در نهاد ریاست جمهوری انجام شود. یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۶

خون‌خواری و صلح و آرامش جایگزین جنگ‌افروزی می‌شود. خلاصه این‌که در آن آرمان شهر، تمام ارزش‌های انسانی ظهور خواهد یافت.

بنابراین، باور به غایت و نهایتی برای حرکت جوامع و تاریخ، به مسلمانان اختصاص ندارد و ویژه ادیان و مذاهب آسمانی نیز نیست. موعودگرایی فصل مشترک تمام ادیان است و همه ادیان و مکاتب، نگرش خود را در مورد پایان عالم به بشریت عرضه کرده‌اند. به باور همهٔ ادیان و پیروان آنها، چرخه ستم، استبداد، بی‌عدالتی و رنج، روزی از گردش باز خواهد ایستاد.

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی ایده‌ای فراگیر و همگانی است. به جز کسانی که به تاریخ نگاه بدبینانه و منفی دارند، پیروان مکتب‌ها و ادیان مختلف، ایدهٔ مهدویت به معنای مزبور را باور دارند. تفاوتی که در این باره وجود دارد، مربوط به ویژگی‌های شخصی و شخصیتی مصلح جهانی است. در تفکر اسلامی، منجی و مصلح جهانی «مهدی» است.

حکومت جهانی مهدی آرمان‌ها و دست آوردهای مهمّی دارد که همگی از نیازها و خواسته‌های فطری بشراند، از این روی مورد وفاق جامعه جهانی بوده و همین امر مهم‌ترین عامل تحقق پذیری آن خواهد بود.

مبانی حکومت جهانی مهدویت

بطور کلی مبانی فکری این حکومت جهانی بر اساس محورهای ذیل می باشد که شامل:

۱.خدا پرستی

از آن جا که حکومت جهانی مهدی حکومتی است الهی نخستین مبنا و شالودهٔ فکری و عقیدتی آن خداپرستی است، یعنی تصویر حکومت جهانی مهدی ـ آن گونه که در شریعت اسلامی ترسیم شده ـ در گرو اعتقاد به وجود خداوند و پرستش او است. کسی که خدا را انکار کند و او را نپرستد، نمی‌تواند به حکومت جهانی مهدویت

معتقد گردد. به عبارت دیگر: نخستین گام تئوریک برای قبول حکومت جهانی مهدی نفی ماتریالیسم و پذیرش جهان بینی الهی و توحیدی است.

۲. عدالت‌خواهی و تعالی‌جویی انسان

اندیشهٔ حکومت جهانی مهدویت، که پرچمدار عدالت و تعالی انسانی در سطح جهانی است، بر این اصل استوار است که انسان فطرتاً عدالت خواه و تعالی جو است. اگرچه تاریخ بشر کارنامهٔ درخشانی در این باره نداشته و همواره ستمگری و تباهی گرایی قدرت طلبان و سلطه گران راه را بر بسط عدالت و تعالی جوامع بشری بسته و عدالت خواهی و تعالی جویی قربانیان بی‌شماری داده است، ولی تمایل به عدالت و عشق به فضیلت هیچ گاه از زندگی بشر به کلی رخت بر نبسته و همواره انسان‌های برجسته و بی‌شماری در این راه فداکاری کرده‌اند. امروز نیز چراغ عدالت هم چنان پر فروغ است، منتها در طول تاریخ انسان های شیطان سیرت با استفاده از جهالت و اهرم‌های شیطانی دیگر مانع بسط و گسترش چنین روحیه و اندیشه‌ای در جهان شده و اجازه نداده‌اند این تمایل و اندیشه به صورت یک عزم جهانی نمایان گردد. لذا این پدیدهٔ فرخنده در آیندهٔ تاریخ رخ خواهد داد و زمینه حکومت جهانی مهدویت فراهم خواهد شد.

۳. مبارزه با سلطه‌گران

مستضعفان طعم شیرین عدالت و رحمت را در همهٔ ابعاد زندگی اجتماعی خواهند چشید، دولت آنان مجموعهٔ حیات بشری، نشانگر علم، قدرت، حکمت و رحمت خداوندی خواهد بود. در چنین شرایطی نظام زندگی اجتماعی بشر بر حقیقت استوار خواهد گردید و ستمگری، جهالت و امثال آن ریشه کن خواهد شد.

جمهوری اسلامی و مهدویت

امام خمینی (ره) در بسیاری از سخنان خود، حکومت اسلامی را که خود او آن را به وجود آورده است، چنین توصیف می‌کند که این حکومت، حکومت امام مهدی

(عج) است و او حافظ این دولت است. در اینجا به یک سخن از امام که به روشنی به نقش زمینه‌سازی این نهضت تصریح دارد اشاره می‌کنیم:

«این نهضت مقدس برای انقلاب بزرگ مهدی موعود است[1]». این سخن علاوه بر داشتن تصریح به این موضوع، از آخرین سخنان امام قبل از رحلت ایشان است؛ از این جهت این سخن از پختگی کامل برای بیان نقش نهضت امام و مسیر حرکت آینده برخوردار است.

با توجه به دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) و تصریح ایشان بر نقش زمینه ساز این نهضت برای انقلاب بزرگ مهدی، به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. نهضت امام خمینی(ره) آغازگر انقلاب بزرگ اسلامی است که دلالت دارد بر استمرار اثرگذاریها و انتشار افکار آن و رشد و گسترش آن در جهان اسلام تا زمانی که امام مهدی (عج) ظهور نماید. البته واقعیت‌سیاسی معاصر جهان نیز این حقیقت را تایید می‌کند؛ زیرا جهان شاهد انتشار و رشد افکار امام خمینی در کشورهای مختلف اسلامی است که به بیداری عمومی جهان اسلام که خواهان اجرای احکام اسلام هستند انجامیده است؛

۲. انقلاب امام خمینی(ره) جدا از انقلاب بزرگ مهدویت نیست، بلکه بخشی از آن است و همان هدفهای استراتژیک آن را در باره برپایی حکومت جهانی اسلام دنبال می‌کند؛ پس پرچم یکی است که خود امام مهدی (عج) آن را بر دوش می‌کشد. آنچه که این نهضت را از دایره افراد و مصادیق پرچمهایی که قبل از ظهور مهدی (عج) برداشته می‌شوند، (قیامهایی که قبل از ظهور او (عج) به وجود می‌آیند) خارج می‌کند و بعضی از احادیث‌شریفه با صراحت دلالت دارند که پرچمداران این پرچم‌ها طاغوتند (و چنین قیام کنندگانی با طاغوت بیعت کرده‌اند و به فرمان او جنگ می‌کنند)، مقصود آن حرکتهای انقلابی است که مستقل و جدا از حرکت مهدی باشد و در راهی که خود امام مهدی (عج) آن را ترسیم کرده است، حرکت نکند، یعنی بر پایه تمسک به ولایت

۱ـ صحیفه نور ـ جلد ۸.

امام زمان (عج) استوار نباشد و برای زمینه سازی ظهور آن بزرگوار تلاش و فعالیت نکند.

بر این اساس سیاست خارجی دولت نهم در این راستای چهار هدف را دنبال می‌کند:

الف. عدالت خواهی

یکی از ارکان مذهب تشیع عدالت بوده و یکی از پیامدهای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) ایجاد عدل و قسط در سراسر جهان می‌باشد. عدالت خواهی تنها یک خواست ملی نبوده بلکه یک درخواست جهانی می‌باشد. در مناسبات بین‌المللی نیز کشورها خصوصاً کشورهای ضعیف خواهان عدالت بوده و از بی‌عدالتی در تمام سطوح روابط بین‌الملل در رنج می‌باشند.

در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی عدالت یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی بوده که در تمام شئون آن مانند روابط دوجانبه، روابط اقتصادی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و روابط با سازمانهای بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است.

«در عرصه سیاست خارجی هم عدالت حرف اول را می‌زند؛ دولتهایی که با ما دوست هستند، ما نیز با آنان دوستیم. حجم مبادلات بازرگانی و اقتصادی نباید نامتوازن باشند. تبادلات و مناسبات اقتصادی نمی‌تواند با مناسبات سیاسی بی‌ارتباط باشد. در حال حاضر، واردات ما از بعضی کشورها چند میلیارد دلار در سال است، در حالی که مشتری کالای ما نیستند و نفت نیز نمی‌خرند. همین کشورها که باید ممنون باشند که ما در رونق اقتصادی آنان سهم داریم، طلبکاری هم می‌کنند و در مسائل سیاسی با ما برخورد خصمانه دارند و حاضر نیستند حقوق مشروع ما را به رسمیت بشناسند و با بهانه‌های مختلف نظیر بهانه‌های حقوق بشری و اتهامات واهی تا آنجا پیش می‌روند که توقع دارند حتی در مسائل داخلی ما نیز دخالت کنند و ما را وادار کنند در مسائل مهم منطقه‌ای و جهان اسلام سکوت کنیم و در عرصه سیاست بین‌الملل تابع نظم و هنجاری

پیش قدم می‌شوند. این چه نوع توازنی است؟ این ظلم و بی‌عدالتی است. ملت عزیز ما چنین رفتاری را در صحنه بین‌الملل نمی پذیرد. در روابط خارجی باید ملاک عدالت را حاکم بدانیم و آثار بی عدالتی را در جهان امروز که عموم عقب افتادگیها، فقرها، جنگها، تهدیدها و ضایع کردن حقوق انسانها ناشی از آن است، برای دولتها و ملتهای دیگر تشریح کنیم. صلح پایدار که اساسی‌ترین نیاز امروز بشر است و زندگی در فضای امن و بدون سایه سنگین تهدید، فقط و فقط بر پایه عدالت امکان پذیر است. عدالت، منطقی استوار و شأنی رفیع و جوهری دارد و ارزش مشترکی است که آحاد جامعه بشری آن را می‌پسندند و آرزو می‌کنند، و بلکه آرمان نهایی بشریت و خصلت جامعه برین و در عموم ادیان الهی وعده برتر و آخرین است[1]».

«در عرصه سیاست خارجی امام بزرگوار ما از همان اول اعلام فرمودند ما نه به کسی ظلم می‌کنیم، نه زیر بار ظلم می‌رویم. فرمودند تا زمانی که در هر گوشه‌ای از دنیا ظلم، تجاوز و زورگویی باشد ما هستیم. ما نمی‌توانیم کنار مظلوم نباشیم. ما باید کنار مظلوم باشیم. ما با مناسبات ظالمانه‌ای که بر جهان حاکم است نمی‌توانیم کنار بیاییم. این که ما حالا یک جوری آن را هضم کنیم یا هضم بشویم مطلقاً در سیاست خارجی جمهوری اسلامی جایگاهی ندارد. هر جا که نظام ظالمانه‌ای [باشد] چه در یک محدوده خاص چه در عرصه جهانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی ما نمی‌توانیم با آن کنار بیایم.

ما عدالت را برای همه می‌خواهیم. البته می‌دانیم که عزت و کرامت در سایه عدالت محقق می‌شود. امکان ندارد در جهان عدالت حاکم نباشد، نظامات ظالمانه {باشند} بعد ما دنبال کرامت و عزت انسانها باشیم. چنین چیزی وجود خارجی ندارد. اگر دنبال صلحیم، باز صلح برپایه عدالت است که ماندگار و پایدار است. هر صلح و آرامش

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در مجلس شورای اسلامی پیش از بررسی رأی اعتماد به وزیران پیشنهادی (بخش اول) ـ ۱۳۸۴/۵/۳۰.

ظالمانه‌ای ناپایدار است و این نمی تواند به نفع بشریت و متضمن منافع ملتها باشد. فلذا وقتی عدالت باشد دیگر ریشه جنگها، درگیریها و تجاوزها از بین می‌رود. بنابراین ما در همه مناسبات خارجیمان دنبال تحقق عدالتیم. حتی در بخش اقتصادی؛ من برایتان مثال بزنم، این نیست که اگر ما دیدیم کشوری ضعیف است و الان در شرایط ناهنجاری قرار گرفته، فرصت خوبی است ما سه تا قرار داد ظالمانه بر آن تحمیل کنیم. این در قاموس اسلام و جمهوری اسلامی نیست. یک کشوری ضعیف است، در شرایط حساسی قرار گرفته، کالایی دارد می خواهد بفروشد، وقتش است که ما بزنیم توی سرش و به یک پنجم قیمت از او بخریم. این نیست.

عنایت کنید نگاه جمهوری اسلامی نگاه محصور به جغرافیای ایران نیست. ما نگاهمان به آن افق بلندی است که همه ملتها فوج فوج باید به سمت مکتب توحید و عدالت بیایند. بنابراین دانه دانه آدمها و ملتها برای ما ارزشمندند. معنایش این نیست که حالا ما برویم گران بخریم. به این بهانه برویم به ملت خودمان تحمیل کنیم. نه، مرز، عدالت است.

در روابط دو جانبه، منطقه‌ای، جهانی همه جا مبنا عدالت است، حتی در سازمانهای جهانی. سازمانهای جهانی درست شده اند برای اینکه عدالت را در جهان برپا کنند. ما نباید هیچ نظم ظالمانه‌ای را در سازمانهای جهانی بپذیریم. باید تلاش کنیم اصلاح بشوند. حالا متأسفانه بسیاری از این سازمانها توسط قدرتهای مسلط تأسیس شده‌اند و به عنوان ابزار از آنها استفاده می‌شود. خب ما می‌توانیم این را بپذیریم؟ نه. تا جایی که تحمیلی نباشد، حرکتی بر ضد عدالت نباشد، همراهی است، اما هر جا که حرکتی ضد عدالت بود ما حق نداریم، یعنی نماینده ما نمی‌تواند آنجا سکوت کند ببیند یک چیزی را دارند تصویب می‌کنند و حقوق ملتهای بسیاری را دارند نابود می‌کنند. او هم ساکت نمی‌نشیند و البته باید تلاش کنیم هم برای تجدید ساختارشان هم برای تجدید رفتارشان؛ به خصوص در ارکان اصلی سازمانهای جهانی و سازمان ملل باید تلاش بکنیم که تغییرات اتفاق بیفتد و اصلاح بشود.

باز تأکید می‌کنم ما صلح و آرامش را برای همه می‌خواهیم منتها مبتنی بر عدالت و معنویت. صلحی که برپایه عدالت نباشد به درد نمی‌خورد و عدالتی که بر پایه خداپرستی نباشد، می‌شود تحمیلات ظالمانه به نام عدالت. اگر توحید و خداپرستی نباشد، ضمانتی برای عدالت هم نیست. بنابراین ما با افتخار اعلام می‌کنیم که ما منادی توحید و خداپرستی در جهان هستیم. اعتقاداتمان را تحمیل نمی‌کنیم، اما ترویج می‌کنیم. نظام اسلامی بدون فریاد لااله الاالله اصلاً موجودیتی ندارد. بدون لااله الا الله عدالتی نیست. بدون عدالت، کرامت، صلح و آرامشی نیست. این مبناست؛ بنابراین ترویج فرهنگ اسلامی و خداپرستی به متن فعالیتهای ما می‌آید و روح اقدامات و جهت گیریهای ماست. این نمی‌تواند جدا بشود. و باز تأکید می‌کنم ما خواهان کرامت و عزت همه انسانها هستیم. مرزبندی نمی‌کنیم، اسلام متعلق به همه بشریت است. اسلام و پیامبر اسلام و قرآن عظیم فقط برای مسلمانان نیست، برای همه است. هرکس بگرود. یک دعوت عام است. انقلاب ما هم دعوت عام است. عدالت. چرا ما زیر بار تحمیلاتی که می‌کنند در رابطه با انرژی هسته‌ای نمی‌رویم؟ به خاطر اینکه ناعادلانه و ظالمانه است. نمی توانیم بپذیریم. اینجا دیگر نپذیرفتن ما حد و مرزی ندارد یک جلوه دیگری از عدالت، رعایت معاهدات بین‌المللی است. ما آن مقرراتی را که پذیرفتیم اجرا می‌کنیم. ما اهلِ دور زدن، دغل بازی و اینها نیستیم، ما یک نظام مکتبی و آرمانی هستیم. قطعنامه ۵۹۸ خاطرتان بیاید، امام فرمودند ما پذیرفتیم. تمام. وقتی امام فرمودند و آن پیام را دادند شرایط کشور عوض شد. سیل نیروی رزمنده ریخت توی جبهه‌ها. من یادم است جا نداشتیم. اصلاً نیروها همین طور روی زمین می‌خوابیدند و تا عقبه خط دو و سه پر از نیرو بود. یک عده رفتند خدمت امام که حالا آن نیرو هست، اجازه بدهید ما بزنیم برویم کار را تمام کنیم، امام فرمودند نه.

ما حکومتی نیستیم که بخواهیم منافع یک عده یا قشری را تأمین بکنیم و تمام. چهار نفر به یک چیزی برسند و خداحافظ شما. این نیست. ما استمرار یک حرکت الهی در طول تاریخیم. استمرار نهضت انبیاییم. خصلتهای انقلاب، خصلتهای رفتاری ما باید ویژگیهای حرکت انبیاء را داشته باشد. یک معاهده بسته‌ایم اما اگر بخواهند از آن تخطی

کنند یا همان را یک چماقی بکنند و ظلم بکنند زیر بارش نمی‌رویم. هرچه می‌خواهد باشد. اصل سازمان ملل هم باشد. اصلاً در تحقق عدالت حد و مرز نداریم[1]».

ب. صلح خواهی

یکی دیگر از برنامه های حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) استقرار صلح بر اساس عدالت می‌باشد. از سوئی، محصول عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی حکومت مهدی و رعایت حقوق همه کائنات و موجودات در سپهر گیتی، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی‌تواند باشد.

«جمهوری اسلامی ایران صلح و آرامش را بر پایه عدالت و معنویت نه تنها برای ملت ایران و نه تنها برای ملتهای اسلامی، بلکه برای همه ملتها می‌خواهد. اقتدار کشورهای اسلامی و کشورهای مستقل به نفع همه بشریت است. به نفع صلح و آرامش و عدالت جهانی است. ما مخالف هیچ ملتی نیستیم. ما مخالف جریان سلطه و جریان چپاولیم. ما مخالف فقر فزاینده بخشی از جهان و سیری ناپذیری بخش دیگری از جهان هستیم. ما طرفدار کرامت همه انسانها هستیم.

انسان مخلوق خدا و عزیز است. از هر نژادی، از هر قومی، از هر طایفه‌ای و در هر منطقه‌ای از جهان که زندگی می‌کند، عزیز است و از نگاه ما از حقوق یکسان برخوردار است. هیچ یک از انسانها نباید تحقیر بشوند، چه تحقیر فرهنگی چه تحقّیر سیاسی و چه تحقیر اقتصادی. ما می‌توانیم در کنار هم کشورهایمان را و ملتهایمان را به نقطه اوج ترقی و پیشرفت انسانی برسانیم[2]».

ج. اصل مهرورزی

یکی از اصول فرهنگ مهدویت را می‌توان در توجه به فرد و جامعه دانست. دوست داشتن دیگر انسانها و توجه به وضع آنها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست و

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در گردهمایی رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ـ ۱۳۸۴/۱۲/۲۲ منبع http://www.president.ir/fa

۲ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار با بازرگانان ایرانی و مالزیایی ۸۴/۱۲/۱۱ منبع

نژاد و ملیت دانست. عشق به بشریت یکی از دلایل آفرینش انسانها از سوی خداوند است. مهرورزی از دیگر اصول جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و رابطه با ملت‌ها است و این توجه به انسانها تعالی جامعه بشری و حفظ کرامت انسانی همراه با داشتن نگاه هدفمند به جهان در کنار عدالت از اصول رابطه با ملتها می باشد.

«اصل دوم حرکت جمهوری اسلامی مهرورزی است. براساس اعتقادات اسلامی، ما همه بشریت را دوست داریم. ما فکر می‌کنیم همه انسانها باید همدیگر را دوست داشته باشند و عاشق هم باشند تا دنیا بتواند روی صلح و دوستی را ببیند.

ما واقعاً هرجایی بر هر ملتی درد و رنجی وارد می‌شود غصه دار می‌شویم و این خصلت از پیامبر عظیم الشان ما حضرت محمد بن عبدالله به ما به ارث رسیده است که در غم و رنج دیگران می‌سوخت. نمی توانیم در مقابل غم و رنج دیگران بی تفاوت باشیم. همه دنیا را دوست داریم. چون همه را دوست داریم با تهدید مخالفیم.

ببینید یک فضای تهدید در دنیا درست کرده‌اند، تحت فضای تهدید بدترین تحمیلها را به بشریت روا می‌دارند. اصلاً بدانید نظام سلطه در فضای تهدید زنده است. دروغ می‌گویند ما دنبال آرامش هستیم. فضای تهدید نباشد آنها مرده‌اند. در فضای ملتهبی که تحمیل می‌کنند، سلاح می‌فروشند، درگیری درست می‌کنند، باز سلاح می‌فروشند، قراردادها را تحمیل می‌کنند، نظام سلطه و چپاول اقتصادی را حفظ می‌کنند. این دو سه قدرت بزرگ اصلاً اگر در دنیا هیچ تهدیدی نباشد، نمی‌توانند زندگی کنند، ما بارها اعلام کرده‌ایم با توسعه تسلیحات کشتار جمعی مخالفیم، واقعاً اعتقادی مخالفیم. هرکس داشته باشد، هرجا داشته باشد. برای اینکه اینها فضا را ملتهب می‌کند، کینه ایجاد می‌کند، کدورت ایجاد می‌کند، دلها را از هم دور می‌کند، محبتها را زایل می‌کند. ما چون همه بشریت را دوست داریم وقتی حادثه‌ای برای ملتها پیش می‌آید بسیج می‌شویم. یک کار سیاسی نیست. ممکن است نتایج سیاسی هم داشته باشد اما ما به خاطر نتایج سیاسی‌اش این کار را نمی‌کنیم. واقعاً ملتها را دوست داریم. وقتی توفان کاترینا در امریکا آمد و دیدیم مردم آن طور بی پناه هستند، واقعاً متأثر شدیم. مردم آن طور در مقابل حوادث مانده‌اند و اصلاً یاوری ندارند. می‌خواستیم کمک بکنیم، اما مانع

حکومت بود. اگر آن مانع نبود در حد توانمان کمک می‌کردیم. برای اینکه بشریت را دوست داریم».[1]

د. مبارزه با سلطه‌گران

بشر امروز تنها در پرتو حکومت واحد جهانی که بر پایه عدل و ارزش‌های الهی و انسانی و مبتنی بر جهان‌بینی الهی و انسان‌شناسی دینی باشد، می‌تواند از نظامهای سلطه گر رهایی یابد. امروز بحران‌های بی‌شماری زندگی بشر را احاطه کرده و تعادل زیست محیطی، اجتماعی و فکری او را دچار دگردیسی و تحول نموده است و تنها حکومت الهی که کرامت و حقوق واقعی انسان‌ها را به رسمیت بشناسد، می‌تواند ریشه تمامی ظلم‌ها، تبعیض‌ها، خون‌ریزی‌ها و استمارگری‌ها را بخشکاند.

«امروز بشریت با مشکلاتی مواجه است. می‌بینیم که چند قدرت ظالم برای بقای خودشان و برای بقای سلطه خودشان و برای بقای ثروت و چپاول خودشان همه ظلم‌ها و فسادها را به بشریت تحمیل می‌کنند. هرجا جنگی است، آنها هستند، هر جا ظلمی هست، آنها هستند؛ هر جایی بی‌عدالتی هست، آنها هستند؛ هر جا کشتاری هست، آنها هستند. جنگ راه می‌اندازند تا کارخانه‌های اسلحه سازی خودشان را فعال کنند. هر جا ثروتی هست، آنها برای غارت آن ثروت آماده هستند. سازمانها و تشکیلات جهانی درست کرده‌اند برای غارت ثروتهای ملتها. در هر گوشه عالم هر کسی که زحمت می‌کشد و تلاش می‌کند، ده ریال درآمد کسب می‌کند، بخشی از آن را غارت می‌کنند و در شبکه غارت جهانی می‌برند. آنها مخالف پیشرفت ملتها هستند. هر جا که ملتهایی تلاش می‌کنند حکومتهای وابسته به آنها را ساقط می‌کنند و روی پای خودشان می‌ایستند، مورد بغض، عداوت، کینه، تحریم و فشار آنها واقع می‌شوند. هر جا ملتی تلاش می‌کند، در مسیر علمی و صنعتی به پیشرفتی دسترسی پیدا می‌کند، آنها با پیشرفت آن ملت مخالفت می‌کنند. آنها می‌خواهند علم، ثروت و قدرت دنیا در اختیار خودشان باشد.

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در گردهمایی رؤسای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج

اینها امروز بزرگترین مانع پیشرفت بشریت‌اند[1]».

۵. اتحاد جهان اسلام

اتحاد به عنوان مهمترین راهبرد برای جامعه‌پذیری و امت سازی در آموزه‌های قرآنی و نبوی همیشه مورد اهتمام و توجه بوده است. برای ساخت و ایجاد امتی یگانه و واحد، با ویژگی‌های جامعه نمونه و برتر نیاز به تغییر در بینش و نگرش در کل جهان اسلام می‌باشد.

جامعه مجموعه انسانهائی که به علل و عوامل خونی، قبیله‌ای، نژادی و فرهنگی برای کسب اهداف و منافع عالی‌تر که امکان آن بطور فردی فراهم نیست گرد هم می‌آیند و با کاهش واگرایی و عوامل ایجاد آن می‌کوشند تا به اشکال گوناگون نوعی اتحاد در محور اهداف مشترک پدید آورند.

بدون تردید شرایط محیطی اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیاز جهان اسلام به اتحاد را دوچندان نموده است. جهان اسلام به علل ذیل دارای واگرایی می باشد:

الف. انحطاط فکری و تزلزل اعتقادی مسلمانان؛

ب. سلطه قدرتهای استکباری و رژیم‌های استبدادی؛

ج. هجوم سازمان یافته فرهنگ و اخلاق مادی و غربی؛

د. فقر و بیکاری در بخشهائی از جهان اسلام؛

هـ وجود رژیم اشغالگر قدس در قلب جهان اسلام[2].

جهان اسلام به مثابه مجموعه واحد و برخوردار از دیرینه تاریخی، فرهنگی و سیاسی مشترک ناگزیر از بازگشت به اصالت تاریخی و فرهنگی خود می‌باشد.

وحدت اسلامی یک اتحاد صرف سیاسی یا مصلحتی برای مقاصد مادی تنها نیست، بلکه جامعه‌ای متشکل از افراد انسانی همفکر، همعقیده و هم مذهب است که نه تنها در

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در دیدار با مردم لردگان ـ ۱۳۸۴/۱۲/۵ منبع
http://www.president.ir/fa

۲ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در اجلاس سران کشورهای اسلامی (عربستان) ـ ۱۳۸۴/۹/۱۶ منبع
http://www.president.ir/fa

اندیشه مشترک هستند که در عمل نیز اشتراک دارند.

وحدت فکری و ایدئولوژیکی مهمترین مبنای همبستگی و تعاون در جامعه اسلامی است. در اسلام هیچ محلی برای تشتت در فکر و عقیده وجود نداشته و تمامی علل و عوامل مورد لزوم برای برقراری وحدتی فراگیر پیش‌بینی شده‌است.

موارد اختلاف و آراء متفرق متوجه مسلمانانی است که در درک و شناخت خواسته‌های دین اسلام و نیز پیاده کردن تعالیم آن در مقام عمل، قصور ورزیده و از آن بدور افتاده‌اند و این دوری از تعالیم اسلام اصیل منشاء ظهور اختلاف و تفرقه گردیده‌است. لذا آنهایی که قصد نفوذ در میان مسلمانان را داشته‌اند با دور کردن مسلمانان از اسلام و برانگیختن اختلافات به حضورشان استمرار بخشیده و به منابع مادی خود نائل شده‌اند.

جهان اسلام در حال حاضر در حساسترین مراحل تاریخ زندگانی خود قرار گرفته و در شرایط کنونی همبستگی کامل دشمنان اسلام را برای مقابله با اسلام و مسلمانان در هر سوی جهان مشاهده می‌گردد.

بدون تردید، تحولات ناشی از فروپاشی بلوک شرق و روند این فروپاشی در اتحاد جماهیر شوروی سابق و تنش زدایی حاصل از پایان جنگ سرد، در حالیکه لزوماً جو جدیدی را به کشورهای جهان خصوصاً اسلامی تحمیل می‌کند، در عین حال می‌تواند آغازگر روندی باشد که کشورهای مسلمان ـ که در برگیرنده بیش از یک میلیارد جمعیت جهان هستند ـ با اتخاذ سیاستهای صحیح بر مبنای معیارهای اسلامی متناسب و هماهنگ با زمان به استقبال تحولات جهانی بروند و خلاء ناشی از فروپاشی بلوک شرق را با اتحاد و انسجام و اتخاذ برنامه‌ریزی صحیح پر نمایند.

جهان اسلام با توجه به اهرمهای قوی اقتصادی و موقعیت خاص جغرافیایی و سابقه غنی فرهنگی، به خوبی قادر به ایفای نقش مهمی در جهان آینده خواهد بود. ولی اتخاذ این نقش بیش از هر چیز درگرو موارد زیر است:

- سیاست‌گذاریهای بلند مدت مشترک؛

- دوری از پراکندگی و تفرقه و جمع شدن تمامی کشورها حول محورهای مشترک اسلامی؛
- استقلال تصمیم‌گیری کشورهای اسلامی در قبال بیگانگان.

اگر مصوبات سازمان کنفرانس اسلامی به مرحله اجرا درآید و کشورهای عضو از خنثی‌سازی نیروها و امکانات یکدیگر خودداری کنند، مسلمانان به عنوان یک محور قوی و مؤثر در شرایط نوین بین‌المللی مطرح خواهندشد.

جمهوری اسلامی ایران با قدرت فرهنگی پرستیژی که در جامعه جهانی و جهان اسلام دارد، استراتژی وحدت را به عنوان یکی از اصول خود در سیاست خارجی مطرح نموده است.

در حقیقت وحدت اسلامی آرزوی تمام مسلمانان جهان است. جمهوری اسلامی این امکان را دارد که مرکزیت این اتحاد را داشته باشد و با مطرح کردن آن با دیگر کشورها قدم مؤثری برداشته، زیرا کشورهای اسلامی از پاکستان تا شمال آفریقا دارای قدیمی‌ترین تمدنها و تاریخ هستند و آنچه منطقه را تجزیه کرده مصنوعی است و اهداف استعماری آنها را بوجود آورده‌است.

با ردکردن موانع وحدت و از بین بردن ریشه‌های پراکندگی کشورهای اسلامی، اگر نتوان به وحدت و یکپارچگی کامل مسلمانان نایل شد، لااقل می‌توان از برخورد میان اقوام منطقه جلوگیری کرد.

بطور خلاصه، باید عوامل و عناصر اتحاد اسلامی بررسی و شناسانده شوند و در دو زمینه:

- فکری، فرهنگی، اعتقادی که شامل: برقراری مجامع و محافل فرهنگی مذهبی، کنفرانسهای علمی و فرهنگی و عقیدتی، سیستم ارتباطی قوی، ایجاد مراکز و موسسات دینی، آموزشی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات در میان کشورهای اسلامی، ایجاد مرکزی تحقیقاتی ـ علمی متشکل از علماء و اساتید برجسته جهان اسلام اعم از شیعه و سنی، تاسیس دانشگاه بزرگ اسلامی در سطح جهان اسلام و ارائه یک طرح نمونه و الگو از جامعه متحده اسلامی؛

• سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که شامل طرح‌ها و برنامه‌های سیاسی که جنبه عملی واجرایی دارد مانند، سازمان کنفرانس اسلامی است که قدمهای اولیه را برداشته‌است. از نظر اقتصادی توسعه مجامع و سازمانهای اقتصادی نظیر: سازمان «اکو» و «شورای همکاری خلیج‌فارس»، در سطح کشورهای اسلامی و در نهایت ایجاد بازار مشترک اسلامی با همکاری حکومتهای اسلامی بسیار مفید خواهدبود.

در همین جا باید اذعان کرد که مهمترین هدفی که استعمارگران به خاطر آن دست به تجزیه و تفرقه کشورهای اسلامی زده‌اند، اهداف اقتصادی (بدست آوردن منابع اولیه ارزان و بازارهایی برای عرضه محصولات انبار شده) بوده‌است. بنابراین وحدت اسلامی می‌تواند تنها وسیله برای حفظ و تامین منافع اقتصادی و منابع و مصالح مادی کشورهای اسلامی، باشد. شاید بتوان قدمهای اولیه برای اتحاد اسلامی را از این طریق شروع کرد، زیرا کشورهای اسلامی مکملهای اقتصادی کاملی نسبت به همدیگر هستند و ایجاد یک بازار مشترک اسلامی می‌تواند آنها را در راستای رفع نیازهای مادی یکدیگر کمک کند.

دکتر احمدی‌نژاد در سخنرانی خود در کنفرانس اسلامی سران در عربستان بر این نکته تاکید کرده و اصول و پیامدهای این اتحاد را بر شمردند که به شرح ذیل می‌باشد[1]:

۱ـ ... «پیوستگی دولتها وملتهای اسلامی قدرت عظیمی را ایجاد خواهد کرد که نتیجه آن یأس و شکست دشمنان اسلام و امید به آینده روشن در همه ملتهاست. همه اختلافات احتمالی با مذاکره بر مبنای عدالت اسلامی قابل رفع است. وحدت و اقتدار جهان اسلام علیه هیچ ملت و کشوری نیست، بلکه قدرت جهان اسلام در خدمت بسط آرامش و صلح جهانی و توسعه حیات طیبه اسلامی در جهان خواهد بود. اسلام آرامش، کرامت و عزت را برای همه انسانها می خواهد. امید این است که تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی گامی بلند در انجام این رسالت تاریخی باشد.

۲ـ پایه اقتدار و عزت مسلمانان و پاسخ درست به همه نیازهای عصر حاضر، فرهنگ و ارزشهای متعالی اسلامی است که باید با تمام قوا تدوین و ترویج و از آن حفاظت شود .

۳ـ امروز رسانه‌های مختلف در تبادلات فرهنگی نقش اساسی ایفا می‌کنند. با تشکیل اتحادیه رادیو

وجود دولتهای ضد استکباری و سلطه ستیز در آمریکای لاتین (چاوز در ونزوئلا، مورالس در بولیوی و ارتگا در نیکاراگوئه) امکان تسری این سیاست به دیگر کشورهای منطقه وجود دارد.

نکته مهم این است که آمریکای لاتین قابلیت و استعداد دگرگونی نظام بین‌المللی را دارا بوده و این هدفی است که جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال آن می‌باشد به این وسیله از هژمونی امریکا جلوگیری کرده و می‌تواند با آن مقابله نماید.

این وضعیت برای جمهوری اسلامی بسیار مهم بوده، چرا که در دنیا به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای مطرح شده که قابلیت تاثیر گذاری در آمریکای لاتین را دارد.

داریم. هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا نیز در این کنفرنس خبری با بیان این که از سفر به جمهوری اسلامی ایران بسیار خرسند و خوشحالم،اظهار داشت:دفعه اول که به ایران آمدم آقای احمدی‌نژاد شهردار تهران بود و باهم مجسمه سیمون بولیوار را افتتاح کردیم. رییس‌جمهور ونزوئلا با تاکید بر این که در هر زمان و تحت هر شرایطی در کنار ایران خواهیم بود، گفت:تنها در زمانی که با هم متحد باشیم ،می‌توانیم امپریالیسم را شکست دهیم و اگر متفرق شویم آنها ما را شکست می‌دهند و تاریخ این امر را نشان داده است. هوگو چاوز با بیان اینکه در سفر خود به ایران پروژه‌های خوبی را بررسی و آغاز خواهیم کرد،گفت: طی سالهای اخیر به لطف تلاش‌های صورت گرفته، دو کشور توانستند برنامه کاری معینی را اجرا کنند و سرعت خوب اجرای این برنامه‌های اقتصادی هرگز سابقه نداشته است. رییس جمهور ونزوئلا با بیان اینکه بیشترین برنامه‌های این سفر در مورد مسائل نفت،گاز و پتروشیمی است، اظهار داشت:ظرف سالهای اخیر پیشرفت‌های بسیار خوبی را بدست آورده‌ایم که امیدوارم در این سفر یک جهش بزرگی را انجام دهیم . هوگو چاوز با تاکید بر این که مجموعه‌ای از قراردادها و همکاری‌ها بین دو کشور به خوبی انجام شده است،گفت:حضور بخش‌های مختلف ایرانی در زمینه سرمایه‌گذاری،علوم و تکنولوژی در ونزوئلا بسیار مثمرثمر خواهد بود. رییس جمهور ونزوئلا با تاکید بر این که روحیه ملی‌گرایی ایرانیان دو ملت را به هم نزدیک می‌کند،گفت:ما آمادگی کامل داریم تا در تمامی زمینه‌ها همکاری‌ها را بیش‌ازپیش گسترش دهیم. هوگو چاوز در پایان ساخت کارخانه قالب‌های صنعتی و فعالیت کارخانه تراکتورسازی و پتروشیمی ایران در ونزوئلا را از جمله فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورش معرفی کرد. شنبه ۷ مرداد ۱۳۸۵. منبع : http://www.president.ir/fa

تاکنون در آمریکای لاتین به دلیل ساختار هژمونی اعمال شده از سوی ایالات متحده تقریباً هیچ کشوری، به جزء کوبا نتوانسته است به مخالفت جدی با سیاست‌های این کشور بپردازد و اگر مخالفتی نیز بوده به وسیله روشهای سیاسی و نظامی سرکوب شده است. از همین رو آمریکای لاتین حیاط خلوت ایالات متحده شناخته شده و طی سالهای متمادی نوعی استراتژی مرکز و پیرامون در این بخش حاکم بوده است.

با به قدرت رسیدن هوگو چاوز در ونزوئلا با حمایت طبقه فقیر و متوسط، وی سیاست‌های جدید و بی‌سابقه‌ای در سطح آمریکای لاتین اتخاذ کرد. مهمترین ویژگی این سیاستها، مقابله با یک جانبه گرایی ایالات متحده از طریق فعال‌سازی در سیاست خارجی و کاربرد راه توسعه به روش‌های غیر نئولیبرال در منطقه می‌باشد.

راهبرد و عملکرد چاوز به مثابه پیش قراول حرکتی جدید، تحولات نوینی را در منطقه رقم زده بطوری که سیاستهای فوق به کشورهای دیگر مانند نیکاراگوئه و بولیوی[1] و اکوادور تسری یافته است.

عمده‌ترین عامل این تحولات در آمریکای لاتین و ایجاد یک جبهه در مقابله با نظام سلطه حمایت توده‌های مردم و رشد خود آگاهی آنان می‌باشد.

ونزوئلا به علت داشتن ذخایر نفت (۷۷ میلیارد بشکه) ایالات متحده دیدگاه خاصی نسبت به این کشور داشته و بعد از جنگ جهانی دوم سرمایه گذار و شریک اصلی این کشور گردیده است.

تا قبل از ظهور چاوز حرکتهای ضد آمریکایی در این کشور به علت حضور گسترده ایالات متحده بسیار ناچیز بود اما با قدرت یابی چاوز و ادبیات سیاسی و تئوریک وی، نگرش مثبت به آمریکائی‌ها به شکل حرکت ضد امپریالیستی یا ضد نظم نوین جهانی تغییر یافته است. هم اکنون رهیافتهای امنیت ملی او بر پایه‌های زیر می‌باشد:

الف. تأکید بر منطقه گرایی برای شکستن هژمون ایالات متحده در آمریکای لاتین؛

۱ـ مورالس اعلام کرده در صدد ملی نمودن صنایع نفت و گاز که در انحصار شرکتهای چند ملیتی

می‌گردد. تأسیس شبکه رادیو تلویزیونی مشترک و شبکه اطلاع رسانی بین‌المللی اسلامی با هدف ترویج فرهنگ ناب اسلامی و تقارب اندیشه‌ها و سلایق گوناگون در امت اسلام و در جهان و تولید و نشر فرهنگ و دانش مفید ضرورتی انکارناپذیر است .

۴ـ تقویت روابط اقتصادی از طریق تأسیس بانکهای مشترک بین کشورهای اسلامی بر اساس شریعت و عقود اسلامی زمینه ساز گسترش تبادلات اقتصادی و ارائه الگوی موفق اقتصاد اسلامی است.

۵ـ تنوع تولیدات و نیازهای جهان و ضرورت فعال سازی نظام اقتصادی و توانمندیهای جهان اسلام، تشکیل هر چه سریع‌تر بازار مشترک اسلامی و برقراری تسهیلات گمرکی به عنوان الگوی اقتصاد عدالت محور را الزام‌آور می‌نماید.

۶ـ رفت و آمد آسان مسلمانان به کشورهای یکدیگر زمینه ساز وحدت امت اسلامی و معرفی عملی مهرورزی برادارانه و همراه با صلح و آرامش به جهانیان است و چه زیباست که این رفت و آمد بدون اخذ روادید ممکن شود. جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در این راه پیشگام شود.

۷ـ تأسیس دیوان داوری اسلامی برای بهره گیری مناسب از نظام قضایی کامل اسلامی و رفع اختلافات و تقویت وحدت و انسجام بین کشورهای اسلامی و استیفای حقوق همه ملتها، دولتها و آحاد بشر براساس قوانین مترقی اسلام یک ضرورت انکارناپذیر است. شایسته است دبیرخانه، ساز و کار عملیاتی تمام موارد را تهیه و پس از تصویب به اجرا گذارد .

۸ـ حکومت غاصب در فلسطین اشغالی مهم ترین مانع پیش رو و دغدغه مشترک امت اسلامی است. رفع خردمندانه این دغدغه راه را برای تجلی قدرت اسلام برای اداره سعادتمند جهان هموار می سازد. نیاز به یادآوری نیست که هیچ راه منطقی و عقلایی برای شناسایی این حکومت جعلی وجود ندارد. پذیرش یک حکومت غاصب، مأیوس کردن بشریت از دستیابی به صلح و آرامش پایدار و رسمیت دادن به ظلم، استکبار و سلطه گری است. تنها راه خردمندانه و منطبق بر موازین بین المللی بازگشت آوارگان فلسطینی، برگزاری رفراندوم با مشارکت همه افراد فلسطینی الاصل برای تعیین نوع حکومت در تمام سرزمین فلسطین و با پایتختی قدس شریف است. باید گروهی از سوی سازمان کنفرانس اسلامی موضوع را به نمایندگی از امت اسلامی پیگیری نمایند .

۹ـ امروز بعضی از کشورهای اسلامی در معرض تهدید قدرتهای بزرگ قرار دارند. اگر بدخواهان و دشمنان اسلام با عکس العمل مناسبی از جانب کشورهای اسلامی مواجه نشوند، هیچ مرزی را برای تجاوزات خود نخواهند شناخت. تهدید یک کشور اسلامی باید به منزله تهدید همه کشورهای اسلامی تلقی شود. پیشنهاد می شود دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی ساز و کار عملی رفع تهدید از کشورهای اسلامی را در قالب پیمان امنیتی و دفاعی مشترک تبیین و به تصویب سران برساند

الف. پیوستگی و اتحاد دولتها و ملتهای اسلامی باعث ایجاد یک قدرت بزرگ خواهد شد و این قدرت بزرگ در جهت حفظ صلح جهانی و کرامت انسانها خواهد بود؛

ب. تقویت روابط اقتصادی بین کشورهای مسلمان؛

ج. معرفی مهرورزی عملی و برادرانه همراه با صلح و آرامش؛

د. تاسیس دیوان داوری اسلامی برگرفته از قوانین اسلامی؛

هـ مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی؛

و. رفع تهدید از کشورهای مورد تهدید استکبار؛

ز. به علت وجود بیش از ۱ میلیارد مسلمان در جهان، مسلمانان باید یک نماینده در شورای امنیت داشته باشند؛

ح. تشکیل سازمان حقوق بشر جهت پیگیری حقوق مسلمانان.

۶. سیاست هسته‌ای

در دستور کار قرار گرفتن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ابتدا در شورای

۱۰ـ کشورهای اسلامی با بیش از یک پنجم جمعیت جهان باید از سهم مناسب در مراجع تصمیم گیری بین المللی برخوردار باشند. حضور یک نماینده به عنوان عضو دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد تا زمانی که این قانون برقرار است، حق امت اسلام است که می تواند توسط سازمان کشورهای اسلامی مدیریت شود. بدون تردید، حضور یک نماینده از کشورهای اسلامی تضیمن صلح و آرامش و عدالت در جهان را به دنبال خواهد داشت. پیشنهاد می شود دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی ساز و کار پیگیری تحصیل این حق را، تدوین و به تصویب سران برساند .

۱۱ـ مکتب اسلام واجد کامل ترین نظام حقوق فردی و اجتماعی است. متأسفانه بسیاری از شهروندان، اقلیتها و مهاجرین در برخی از کشورها از جمله کشورهای مدعی دموکراسی به عنوان شهروندان درجه دو محسوب می‌شوند و با آنان با بی عدالتی و تبعیض رفتار می‌شود .

پیشنهاد می‌شود سازمان حقوق بشر اسلامی تشکیل گردد تا رفتار کشورهای مختلف را در قبال حقوق بشر بررسی و گزارش سالانه آن را منتشر و در راه استیفای حقوق انسانها تلاش نماید»...

سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در اجلاس سران کشورهای اسلامی (عربستان) ـ ۱۳۸۴/۹/۱۶ منبع

حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سپس شورای امنیت سازمان ملل، نظام جمهوری اسلامی ایران را در برابر یک چالش بین‌المللی قرار داده که دارای ابعاد سیاسی، بین‌المللی و اقتصادی بسیار گسترده می‌باشد.

در طول تحولات و فراز نشیب های که طی ۳۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با آن مواجه بوده، هیچ یک از موضوعات چنین چالشی را در این سطح در عرصه بین‌المللی برای کشور ایجاد نکرده است.

از نقطه نظرات داخلی به ویژه در چارچوب پروژه بزرگ توسعه اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیکی تصمیم به ادامه و گسترش صلح آمیز برنامه هسته‌ای کشور یکی از بزرگترین و مهم ترین تصمیمات نظام جمهوری اسلامی بوده است.

پروژه ایجاد و ساخت نیروگاه هسته‌ای در زمان رژیم سابق برنامه ریزی شده و آغاز آن به اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی می‌رسد. در این مرحله بر اساس مطالعات گسترده‌ای که با مشارکت موسسات خارجی از جمله دانشگاه استانفورد آمریکا صورت گرفت تصمیم گرفته شد که ایران ظرف ۲۰ سال، ۲۳ هزار مگاوات برق اتمی تولید و وارد مدار نماید. برای ساخت نیروگاهها دو قرارداد با فرانسه و آلمان منعقد گردید. با وقوع انقلاب اسلامی و با جو عمومی که پس از انقلاب اسلامی حاکم بود، مخالفت‌های با ادامه پروژه هسته‌ای کشور به وجود آمد.

بعد از جنگ تحمیلی در سال ۱۹۹۲ میلادی موافقت نامه‌ای با دولت روسیه در خصوص همکاری‌های هسته‌ای صلح آمیز تنظیم که این موافقت نامه‌ها در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ میلادی تبدیل به قرارداد تکمیل نیروگاه بوشهر گردید.

از سوی دیگر از دهه ۱۳۶۰ شمسی طرح‌های مقدماتی برای کار بر روی چرخه سوخت اتمی آغاز شد. اگرچه اکثر برنامه‌های اتمی ایران تحت نظارت آژانس اتمی صورت می‌گرفت اما از سال ۲۰۰۲ میلادی رسانه‌های غربی با هدایت سرویسهای اطلاعاتی آمریکا، ایران را به مخفی کاری در برنامه اتمی متهم نمودند.

ایجاد یک فضای تبلیغی روانی تحت عنوان «دسترسی ایران به سلاح اتمی» پیامد این اقدام بود. همگرایی سیاستهای واشینگتن، اتحادیه اروپا و مسکو برای ممانعت از دستیابی ایران به چرخه کامل سوخت از دیگر ابعاد این وضعیت بود.

در طی دو سال نخست بحران (۱۳۸۴_۱۳۸۲شمسی) صف آرایی یکباره و پیش‌بینی نشده جامعه جهانی در مقابل ایران صورت گرفت.

سیاستهای دولت آقای خاتمی بر دو محور استوار بود:

الف. همکاری با آژانس انرژی اتمی؛

ب. استفاده از عنصر تکمیلی که شامل سه کشور اتحادیه اروپایی (انگلستان، آلمان و فرانسه) در تعامل با آژانس انرژی اتمی.

اهداف اصلی از اتخاذ این سیاست موارد ذیل بود:

- خارج کردن پرونده اتمی ایران از دستور کار آژانس؛
- عدم ارجاع پرونده به شورای امنیت؛
- اعلام پایبندی به تعهدات و پادمانهای آژانس؛
- ایجاد شکاف بین دیدگاههای ایالات متحده و اتحادیه اروپا؛
- استفاده از امکانات آژانس در تکمیل چرخه سوخت اتمی.

اما با وجود ۲ سال مذاکرات مستمر و تعلیق کامل فعالیتهای اتمی ایران در حین مذاکره و صرف هزینه و توان دستگاه سیاست خارجی و دیگر بخشهای مرتبط با این پرونده در نهایت اتحادیه اروپا به کمتر از تعلیق کامل رضایت نداده و تنها در مقابل یک سری امتیازات مشروط را عنوان کردند. بطور کلی پیامد این وضعیت به شرح ذیل بود:

۱. توجه صرف به دولتها اروپایی و غافل شدن از مواضع ملتهای که این امکان وجود داشت که برنامه‌ها و فعالیتهای اتمی بطور وسیع از طریق رسانه‌ها به گوش ملتهای آزاده رسیده تا از حمایت آنها در این زمینه برخوردار شد؛

۲. عدم توجه به این موضوع که با وجود اختلاف دیدگاه در بین اروپا و ایالات متحده، آنها هر دو در راستای نظام سلطه حرکت کرده و برای جلوگیری از دسترسی به تکنولوژی پیشرفته توسط ملل آزاده به هر اقدامی دست خواهند زد؛

۳. با وجود پشتوانه مردمی از دستاوردهای اتمی، برخورد انفعالی و عدم استفاده از ظرفیت‌های مردمی باعث ارائه یک موضع ضعیف در عرصه جهانی گردید؛

۴. تاریخ ۱۵۰ سال اخیر ایران نشان داده اصولاً قدرتهای غربی در حل مسائل و بحرانهای پیش آمده به ضرر ایران اقدام نموده و در نهایت حق ایران از دست رفته است؛

۵. با وجود پذیرش پروتکل الحاقی و موارد فراتر از پادمان و بازرسی‌های گسترده حتی از مراکز نظامی پرونده از دستور کار آژانس خارج نشده و هر روز درخواست‌های و بهانه‌های بیشتری مطرح گردید؛

۶. عدم توجه به این نکته که اروپا قابلیت ایستادگی و مقابله با ایالات متحده را نداشته و مخالفت ایالات متحده می‌تواند هرگونه موافقت ایران با تروئیکا اروپایی را بی اثر سازد که در عمل نیز همین اتفاق رخ داد و پرونده به شورای امنیت ارجاع شد؛

۷. تعاملات درون ساختاری اتحادیه اروپا مستقیماً بر مذاکرات چهار جانبه تاثیر گذار بود، رقابتهای درونی بین سه کشور اروپایی رسیدن به یک توافق نهایی را در عمل غیرممکن ساخته بود. بطوری که آلمان و فرانسه خواستار حل بحران بوده، ولی انگلستان خواستار کنترل بحران در محور لندن ـ واشنیگتن بود که این بیشتر باعث سردرگمی مذاکره کنندگان ایرانی گردیده بود[1]؛

۱ـ دکتر یوسف مولایی استاد دانشگاه : حضور سه کشور خارجی به عنوان میانجی بین ایران و آژانس بین‌المللی وزن تصمیم گیری ملی ایران را تحت تاثیر حضور خارجی، کم رنگ‌تر می‌کند. یعنی هیچ ضرورتی به دعوت وزرای خارجه سه کشور خارجی برای تصمیم‌گیری در بعد ملی ما وجود نداشت. ما در سطح ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ملی خود می‌توانستیم مسئله را حل کنیم و نتیجه لازم را بگیریم، لذا به نظر من حضور وزرای خارجه سه کشور اروپایی به عنوان میانجی یک دیپلماسی پر هزینه و غیرضروری بود چرا که آنها هیچ نقش موثری در این زمینه ایفا نکردند .منبع .WWW.insagency.com/oct21-2003

۸. قبول تعلیق از سوی هیئت مذاکره کننده اگرچه داوطلبانه اعلام شد، اما اتحادیه اروپا بعداً از آن به عنوان یک الزام حقوقی یاد کرد و این فرصت به دست آمده موجب شد تا ایالات متحده حداکثر استفاده را نموده و با ایجاد یک اجماع و بهانه گیری‌های مختلف در نهایت پرونده را به شورای امنیت ارجاع دهد.

بعد از روی کار آمدن دولت نهم و مشخص شدن نقش منافقانه دولتهای غربی در پرونده هسته‌ای ایران دولت جدید رویکرد جدیدی را جهت برخورد با این موضوع اعلام نمود، از سوی دیگر تیم مذاکره کننده هسته نیز با توجه به سیاستهای جدید تعویض شدند.

دکتر احمدی نژاد در سخنرانی خویش در مقر سازمان ملل در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۶ رویکرد جمهوری اسلامی ایران را بشرح ذیل اعلام نمودند:

الف. مبانی دینی در اسلام حرکت به سوی تسلیحات هسته‌ای را جایز نمی‌داند بر این اساس سلاح هسته‌ای در دکترین دفاعی ایران هیچ نقشی ندارد؛

ب. جمهوری اسلامی ایران احیای معاهده NPT و ایجاد کمیته ویژه برای خلع سلاح هسته‌ای و رفع آپارتاید هسته‌ای و استفاده ملل جهان از انرژی اتمی را اقدامی ضروری و اساسی می‌داند؛

ج. چرخه سوخت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ فنی متفاوت از چرخه سوخت در سایر کشورهای بهره مند از فناوری هسته‌ای نیست؛

د. محور سیاست هسته‌ای ایران، مراوده و تعامل با آژانس بر اساس حق مسلم ایران برای داشتن چرخه سوخت اتمی است؛

هـ. جمهوری اسلامی ایران مخالف تمرکز بر تکلیف کشورها و بی اعتنایی نسبت به حقوق آنها در معاهده NPT است؛

و. پیشرفت و تعالی و رشد علمی در همه زمینه‌ها را حق همه ملت‌ها دانسته و نمی‌توان با محدود کردن ملت‌ها از علم و دانش آنها را مورد استثمار قرار داد؛

فصل ششم

روشهای مقابله و برخورد

الف. مقاومت و ایستادگی

سختی‌ها و مشکلات طبیعی سبب تکامل و پویایی انسان می‌گردد و شداید و گرفتاری‌ها، انسان را به سوی کمال رهنمون می‌کند. خداوند منان مصائب و مشکلات را وسیله تکامل انسان قرار داده است، زیرا انسان گرفتار، هماره به فکر چاره جویی است و سعی می‌کند از استعدادهای نهان وجود خود یاری بجوید.

هرچند مشکلات و شداید همانند امواجی سهمگین به حسب ظاهر، جلو پیشرفت، تکامل و پویایی انسان را می‌گیرد ولی تحمل مشقت و صبر و شکیبایی پیشه کردن در نهایت به نتایجی والا و مطلوب منتهی می‌شود و این یک اصل عمومی مقبول و عقلایی است. خداوند به پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: (فانَّ مع العسر یُسراً اِنَّ مع العسر یِسرا، از پس دشواری آسانی است. هرآینه از پی دشواری آسانی است[1].)

بر اساس این دیدگاه در اسلام می‌توان مقاومت را در فرهنگ اسلام چنین تعریف کرد: مقاومت یعنی انسان و عالم مبدا و مقصدی دارد، یعنی جهان در انتظار منجی الهی است یعنی تا ظلم هست، مبارزه هست یعنی سحر نزدیک است. مقاومت به رنگ پوست، نوع زبان و قومیت و جغرافیای انسان وابسته نیست، مرز نمی‌شناسد و تاریخ ندارد محدود به زمان و مکان نمی‌شود و پیوسته جاری است.

۱ـ سوره انشراح، آیه ۵.

یکی از ابزار دولت نهم برای مقابله و برخورد در سیاست خارجی که دکتر احمدی‌نژاد بر آن تاکید نموده است مقاومت و ایستادگی است[۱].

مصادیق مقاومت و ایستادگی در سیاست خارجی دولت نهم

جمهوری اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ شمسی در مقابل انواع مسائل، مشکلات و توطئه‌ها ایستادگی نموده است. این مسائل از توطئه اوایل انقلاب توسط ضدانقلاب تا جنگ تحمیلی بوده است و هر بار توطئه‌ها در طول زمان تغییر یافته اما مقاومت رمز پیروزی جمهوری اسلامی در برخورد با تمامی این مسائل و مشکلات بوده است.

دولت نهم نیز این رویه را در سیاست خارجی پیش گرفته است که مهمترین مصادیق آن در مسائل ذیل می‌باشد:

۱. انرژی هسته‌ای

تعامل و ایستادگی سیاست دولت نهم در برخورد با بحران هسته‌ای بود. پرهیز از هرگونه انفعال و تسلیم شدن به غرب در این مسئله، و ادامه دادن به غنی‌سازی نشان داده در صورتی که در مقابل فشارها و تهدیدات غرب و نظام سلطه ایستادگی و مقاومت گردد در نهایت غرب عقب‌نشینی خواهد کرد. بطوری که غرب در ابتدا طرح موضوع هسته‌ای ایران حتی به انجام تحقیقات توسط ایران در این رابطه رضایت نمی‌داد ولی با ادامه سیاست درست و منطقی مقاومت هم اکنون سه هزار سانتریفیوژ در

۱ـ «آرمانها و اهداف بلند نیازمند استقامت و مقاومت است. این طور نیست که حرفی را ما بگوییم یا کاغذی را بنویسیم، فردا در سراسر کشور عیناً اجرا بشود؛ این طور نیست. هم ما باید پیگیری کنیم و هم متن مردم؛ همه باید پیگیری کنید. تحقق آرمانها از جمله آرمان عدالت، نیازمند مقاومت [در برابر] سختیها، کارشکنیها، ناتوانیها، کم توجهی‌ها و بدفهمی‌هاست، باید مقاومت داشته باشیم. می‌بینید امروز در عرصه جهانی هم پیگیری آرمانهای انقلاب نیازمند ایستادگی است. حتی تحقق منافع ملی هم نیازمند ایستادگی است که در این راستا مطالبی را خدمتتان عرض خواهم کرد».

سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار با منتخبین استان لرستان ـ چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ منبع

سایت نطنز در حال غنی سازی می‌باشد و غرب هم اکنون تنها خواستار عدم افزایش تعداد سانتریفیوژها برای غنی سازی است[۱].

در ۳۰ اوت ۲۰۰۷ میلادی دبیر کل آژانس اتمی محمد البرادعی گزارشی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران در ۹ صفحه منتشر کرد که در آن به صراحت اعلام کرد که پاسخ‌های ارائه شده ایران درباره برنامه‌های سانتریفوژهای P1 و P2 مطابق با یافته های آژانس است و به این ترتیب، با بسته شدن پرونده این موضوع، یکی از اصلی‌ترین پرسش های آژانس درباره فعالیت هسته‌ای ایران پاسخ داده شده است.

اهمیت این موضوع در اینجا است که ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تنها براساس این موضوع بوده که با اعلام بسته شدن آن توسط آژانس اتمی دیگر هیچ مورد قانونی برای باقی ماندن پرونده در شورای امنیت وجود ندارد.

به علت اهمیت موضوع بندهای ۲۲، ۲۳، ۲۴ این گزارش عیناً ارائه می‌گردد:

۲۲. آژانس قادر است عدم انحراف مواد اعلام شده هسته‌ای در ایران را راستی

۱ـ «در مجموع شرایط ما بهتر است. ما گامهایی به جلو رفتیم. اصلاً دیپلماسی ما در این جهت شکل گرفت و فعال شد و این ثمر خواهد داد. الان سفرا، متخصصین و کارشناسان سیاسی و دیپلماتهای ما کاملاً مسلط هستند. جالب است که با هرکس مذاکره می کنیم و توضیح می‌دهیم، می‌گویند صد در صد حق با ملت ایران است. این خیلی جالب است. تا الان کسی را ندیده‌ایم که با او مذاکره شده باشد و نگفته باشد که حق با ملت ایران است. حداکثر بعضیها می‌گویند شما از حقوقتان کوتاه بیایید. می‌گوییم به چه دلیل؟ بعد دیگر پاسخی ندارند. بعضیها هم می‌گویند خباثتها و دشمنیها هست، شما به خاطر خباثتها و دشمنیها از حق خود کوتاه بیایید. باز پاسخ ما خیلی روشن است، می‌گوییم خباثتها همیشه است. اگر فردا گفتند از استقلال‌تان کوتاه بیایید، ما باید کوتاه بیاییم؟ اگر گفتند از آزادی و تمامیت ارضیتان کوتاه بیایید، ما باید کوتاه بیاییم؟نباید بیاییم. ما با استفاده از همه توانمندیها، ظرفیت، قدرت و اقتدار ملی‌مان و با تدبیر، حکمت و برنامه ریزی باید جلو برویم و ان شاءالله این شیطنتها را پشت سر بگذاریم و ان شاءالله این خواهد شد».

مصاحبه دکتر احمدی نژاد با واحد مرکزی خبر در خصوص عملکرد دولت ـ سه شنبه ۱ آذر ۱۳۸۴

منبع http://www.president.ir/fa

آزمایی نماید. ایران امکان دسترسی آژانس به موادهسته‌ای اعلام شده را فراهم ساخته و گزارشهای لازم حسابرسی مواد هسته‌ای در مورد تجهیزات و مواد هسته‌ای اعلام شده را ارائه نموده است. درعین حال آژانس همچنان قادر نیست جوانب خاصی از گستره و ماهیت برنامه های هسته‌ای ایران را راستی آزمایی نماید. شایان توجه است که آژانس از اوایل سال ۲۰۰۶ میلادی نوع اطلاعاتی را که ایران قبلاً پیرو پروتکل الحاقی ارائه می‌نمود، مانند اطلاعات مرتبط با ادامه تحقیقات مربوط به سانتریفیوژهای پیشرفته، دریافت نکرده است.

۲۳. برنامه اقدام، گام چشمگیری روبه جلو است. چنانچه ایران نهایتاً به مسائل باقیمانده راستی آزمایی بپردازد، آژانس در موقعیتی خواهد بود که پیشینه برنامه هسته‌ای ایران را بازسازی نماید. طبیعتاً کلید اجرای موفقیت آمیز برنامه اقدام مورد توافق، همکاری فعالانه و کامل ایران با آژانس و ارائه تمامی اطلاعات مربوطه به آژانس و فراهم ساختن دسترسی به تمامی مدارک و اشخاص ذیربط است به نوعی که آژانس را قادر سازد تا موضوعات باقیمانده را حل و فصل نماید. بدین منظور آژانس رعایت زمانبندی تعیین شده در آن (برنامه اقدام) از سوی ایران و اجرای تمامی اقدامات لازم پادمانی و شفاف سازی از جمله اقداماتی که در پروتکل الحاقی ارائه شده را اساسی تلقی می‌نماید.

۲۴. به مجرد اینکه برنامه گذشته هسته‌ای ایران روشن شد، ایران نیاز به ادامه اعتمادسازی در مورد گستره و ماهیت برنامه‌های کنونی و آینده هسته‌ای خود دارد. اعتماد به ماهیت صرفا صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران مستلزم این است که آژانس قادر باشد تضمین‌هایی را نه تنها در خصوص مواد اعلام شده هسته‌ای بلکه با همین درجه اهمیت در خصوص عدم وجود مواد و فعالیت‌های اعلام نشده هسته‌ای در ایران از طریق اجرای پروتکل الحاقی ارائه نماید. بنابر این مدیرکل از ایران بار دیگر مصرانه می‌خواهد که در اولین زمان ممکن همانگونه که توسط شورای حکام و شورای امنیت خواسته شده پروتکل الحاقی را تصویب و به مرحله اجرا درآورد[1].

---

1. http://...ID=544536

۲. جبهه همبستگی برای صلح

از ابتدای قرن ۱۸ میلادی، غرب در صدد کسب مستعمره و تسلط بر کشورهای دیگر بوده است. در آغاز وسیله مورد استفاده در این راه از میسیونرهای مذهبی، بازرگانان و در نهایت نیروی نظامی بوده اما کشورهائی که توانسته‌اند در مقابل آن مقاومت کنند از استعمار کشورشان توسط غرب جلوگیری کرده‌اند.

نمونه بارز این مثال ژاپن می‌باشد که حتی با وجود استفاده غرب از نیروی نظامی برای گشودن دروازه‌های این کشور مقاومت کرد و همین مقاومت باعث شد این کشور هیچگاه مستعمره غرب نگردد.

اگرچه امروز شرایط با دوران استعمارگری مستقیم تفاوت کرده اما هنوز نظام سلطه با تلاش فراوان سعی در تسلط بر دیگر کشورها برای استفاده از منابع آنها دارد.

غرب نشان داده هر گونه ضعف و سازش در مقابل اعمال آن، نه تنها از حرص و طمع برای تسلطه کاسته نمی‌شود بلکه با هرگونه عقب‌نشینی، غرب به پیشروی خود ادامه خواهد داد و هیچ فرصتی را از دست نخواهد داد. در سالهای اخیر موارد متعددی در این خصوص روی داده است.

بطور مثال، با صدور فرمان قتل سلمان رشدی مرتد توسط امام خمینی(ره) و برخورد انفعالی جهان اسلام با این رویداد در سالهای اخیر بارها توسط رسانه‌های غربی به مقدسات اسلامی به بهانه آزادی توهین گردید، در صورتی که برخورد منسجم و مقاومت و ایستادگی جهان اسلام در موضوع سلمان رشدی می‌توانست جلوی تجاوزات بعدی غرب را گرفته و به آنها اجازه این گونه برخورد را ندهد.

براساس این رویکرد، دولت نهم در عرصه سیاست خارجی مقاومت و ایستادگی را به عنوان یک الگوی بر گرفته از پیامبر اسلام در دستور کار خود قرار داده است. در این رویکرد هرگونه سازش و عقب‌نشینی در مقابل نظام سلطه مردود بوده و با تمام قوا در مقابل زیاده طلبی آنها مقاومت خواهد شد.

در حقیقت دستگاه سیاست خارجی در طی سالهای اخیر عرصه دیپلماسی را وسیع‌تر، متنوع‌تر و قاطعانه‌تر کرده است. آن عده که در ابتدا شروع به کار دولت نهم،

در چارچوب تئوریهای غربی با نوعی بی اعتمادی به موفقیت دیپلماسی مقاومت دکتر احمدی نژاد می‌نگریستند و گاه این دیپلماسی را ماجراجویی بی‌حاصل می‌نامیدند، اکنون مشاهده می‌کنند که می‌توان در مقابل فشارهای غرب و در راس آن آیالات متحده امریکا ایستاد. تعبیر جاودانه امام راحل (ره) که «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، عملاً با شجاعت و باور عمیق دولت نهم به مبانی انقلاب اسلامی به میدان دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی وارد شده است[1].

مهمترین پیامدهای این مقاومت و ایستادگی به شرح ذیل است:

الف. ایجاد خود باوری و بازگشت به باورهای اصیل انقلاب در دستگاه دیپلماسی خارجی[2] و پاک کردن باورهای غلط؛

۱ـ «با انقلاب اسلامی و حرکت ملت ایران بشریت به دوران جدیدی وارد شده است؛ به دوران خداپرستی، دوران عدالت طلبی، معنویت، همبستگی و همدلی. بشریت امروز تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. امروز قدرتهای فاسد می‌بینند که ملتها فوج فوج به سمت اسلام و اسلام ناب در حرکت‌اند. آنها می‌بینند تنها قدرتی که امروز در مقابل زورگویی، ظلم و چپاول آنها و تضییع حقوق انسانها ایستاده است، قدرت اسلام است و تصور می‌کنند اگر به ساحت مقدس پیامبر اسلام جسارت بکنند، می‌توانند در مقابل این موج عظیم و سیل عظیم پیشرفت اسلام بایستند. من به آنها می‌گویم همان‌طور که شما همه توان خودتان را به کار گرفتید تا جلوی پیروزی انقلاب را بگیرید و نتوانستید؛ همه توان خودتان را به کار گرفتید تا در جنگ تحمیلی اراده ملت ایران را بشکنید و نتوانستید؛ همه توان خودتان را به کار گرفتید تا جلوی پیروزی ملت فلسطین را بگیرید و نتوانستید، مطمئن باشید که در مقابل موج اسلام خواهی و گرایش به اسلام و معنویت هم نمی‌توانید بایستید و ملتها امروز با اراده و آگاهی و با معنویت و خداپرستی سیلی محکمی در جواب این اهانت شما به گوشها و صورت شما خواهند نواخت و بدانید دنیای اسلام شما را از اهانت به پیامبر پشیمان خواهد کرد و داغ ننگ را برپیشانی شما وحشیهای دوران جدید خواهد نشاند» سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در دیدار با مردم گناوه ـ چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۸۴.

۲ـ در خبرها آمده است که سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوئد در جریان برگزاری یک کنفرانس در استکهلم با قدرت به یاوه گویی‌های سفیر آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پاسخ داده و تحسین حاضران را برانگیخته است. گذشته از مباحث مطرح شده در این مناظره، اینگونه اقدامات که

ب. ایجاد امید و مقاومت در نهضت‌های آزادی بخش منطقه و جهان بطوری که سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان از آن تعبیر به فرهنگ جدید می‌نماید:

«از مهم‌ترین نتایج پیروزی در سال گذشته ویکی از مهم‌ترین نتایج شکل‌گیری جریان مقاومت پس ازسال ۱۹۸۲ میلادی همانا تثبیت فرهنگ مقاومت در میان ملت‌های منطقه و تاکید بر آن است. طی دهها سال رسانه‌های همگانی غربی، امریکایی و اسرائیلی و بخش زیادی از رسانه‌های همگانی در کشورهای عربی و اسلامی ملت‌های منطقه را به ناامیدی رسانده بودند به گونه‌ای که خطاب به ملت‌های منطقه می‌گفتند شما نمی‌توانید در برابر اسرائیل کاری کنید، در مقابل اراده امریکا نمی‌توانید بایستید و اگر امریکا و اسرائیل چیزی را خواستند شما باید در برابر خواسته‌هایشان سر تسلیم فرود آورید.

آنچه در لبنان اتفاق افتاد فرهنگ متفاوتی را مطرح کرده و می‌کند و البته برکت این فرهنگ جدید می‌گوید ما می توانیم روی پاهایمان بایستیم، می‌توانیم مقاومت و ایستادگی کنیم و می‌توانیم معادلات را تغییر دهیم و در نهایت می‌توانیم پیروز شویم. این فرهنگ پیش از شکل گیری جریان مقاومت در لبنان آغاز شد و به اعتقاد من تاثیر نخست و اساسی و بزرگ ناشی از نهضت امام خمینی (قدس سره الشریف) و انقلاب اسلامی مبارک ایران و پیروزی آن در سال ۱۹۷۹ میلادی بود. این فرهنگ جدید می‌گوید ما می‌توانیم روی پاهایمان بایستیم، می‌توانیم مقاومت و ایستادگی کنیم و می‌توانیم معادلات را تغییر دهیم و در نهایت می‌توانیم پیروز شویم. جنگ در سال

قدردانی است. این مناظره که گویا بدون اطلاع و آمادگی قبلی صورت گرفته است، مصداق روشنی از تبدیل تهدیدات به فرصتهاست که بارها از سوی مسئولان عالیرتبه نظام مورد تأکید قرار گرفته و تا کنون جای خالی آن در وزارت امور خارجه احساس می شد .اهمیت این اقدام وقتی دو چندان می‌شود که سایتها و رسانه‌های اپوزیسون که برای عقب نشینی نظام در موضوع هسته‌ای لحظه شماری می‌کنند نیز با نقل این خبر از آمادگی و پاسخ‌های توأم با اعتماد به نفس سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوئد در مواجهه با سفیر آمریکا اظهار ناراحتی و تعجب کرده‌اند و از آن با تعبیر فرصت طلبی جمهوری اسلامی از تریبونهای مختلف در غرب برای دفاع از مواضع خود یاد کرده‌اند! منبع www.RajaNews.Com

گذشته و نتایج آن بار دیگر فرهنگ مقاومت را در منطقه احیاء کرد و به اعتقاد من این مهمترین دستاورد است[۱].»

ج. تغییر نگاه ملت های جهان به جمهوری اسلامی ایران؛

د. تبدیل رئیس جمهور به عنوان سمبل مقاومت بر علیه نظام سلطه در جهان.

ب. دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی فن به کارگیری منابع و ابزار اقتصادی در خدمت اهداف سیاسی است تا محیط اقتصادی و سیاسی مناسبی را برای ارتقا، رشد و توسعه اهداف ملی فراهم آورد. امروزه جهان شاهد افزایش نقش مبادلات بین‌المللی و کاهش نقش اقتصادهای ملی است، که این امر خود بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی می‌افزاید.

دیپلماسی در اذهان عمومی شامل روابط دوجانبه کشورها و یا مذاکرات سازمان ملل می‌شود. بر این اساس دیپلماسی در دو سطح دو جانبه یا چندجانبه بیشتر شناخته شده است. ولی از نیمه دوم قرن بیستم نوع دیگری از مصادیق دیپلماسی مورد توجه قرار گرفته است که دیپلماسی منطقه‌ای نام دارد. دیپلماسی منطقه‌ای که در واقع فعالیتی بین‌المللی در سطحی میانه است بیشتر در سازمان‌های منطقه‌ای متجلی می‌شود. از نظر تاریخی موضوع دیپلماسی منطقه‌ای در دهه شصت میلادی مورد توجه قرار گرفت. در فضای دو قطبی جهان در آن زمان پیمان‌های منطقه‌ای شکل گرفتند که بیشتر مبنایی امنیتی داشتند. نمونه این پیمان‌های کومکن در بلوک شرق و اتحادیه ذغال سنگ در اروپا بود که هر چند دو پیمان اقتصادی بودند ولی به شدت قطبی شده و سیاسی عمل می‌کردند. به این ترتیب کشورها از آن زمان دریافتند که همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند تضمینی برای امنیت سیاسی و اقتصادی آنها باشد[۲].

۱ـ اظهارات سیدحسن نصرالله رهبر حزب الله در خصوص فرهنگ مقاومت در نهضت‌های آزادی بخش منبع ww w.baztab.ir

۲ـ علیرضا شیخ عطار، دیپلماسی اقتصادی، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، آبان ۱۳۸۵.

ـ برای بررسی و مطالعه بیشتر در خصوص اتحادیه‌ها و همکاریهای اقتصادی و تکنولوژی منطقه‌ای بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به می‌توان به منبع ذیل مراجعه نمود:

Mowlana, Hamid, Global Communication in Transition: The End of Diversity?

پس از فروپاشی شوروی ظاهراً توجه به مبانی ایدئولوژیک در همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه کم رنگ‌تر شد (گرچه در مواقعی لیبرال دموکراسی غرب، کمونیسم را از صحنه بیرون کرده بود) و کسب منافع اقتصادی در دیپلماسی مبنا قرار گرفت. در واقع توسعه اقتصادی و پیشرفت هدف اصلی بازیگران روابط بین‌الملل در نظر گرفته شد. دنیا با عجله و با کمک ابزارهای ارتباطی به سمت توسعه روی آورد و به این نتیجه رسید که با تقویت تجارت، توسعه ایجاد می‌شود و توسعه امنیت را به همراه خواهد آورد. در این شرایط مصداق دیگری از دیپلماسی در اذهان مورد توجه قرار گرفت که دیپلماسی اقتصادی خوانده می‌شد. دیپلماسی اقتصادی در واقع روابط بین‌المللی را در خدمت تسریع در همکاری‌های اقتصادی می‌خواهد. دیپلماسی اقتصادی به معنای نقطه تلاقی دیپلماسی از یک سو و فعالیت‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی از سوی دیگر است. دیپلماسی اقتصادی فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و منافع سیاسی هر کشور در سطح بین‌المللی است.

دیپلماسی اقتصادی فن به کار گیری منافع و ابزار اقتصادی و سیاسی است تا محیط اقتصادی و سیاسی مناسبی را برای ارتقا، رشد و توسعه اقتصاد ملی فراهم آورد. امروزه جهان شاهد افزایش نقش مبادلات بین‌المللی و کاهش نقش اقتصادهای ملی است، که این امر خود بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی می‌افزاید. دیپلماسی اقتصادی به مجموعه ابزاری گفته می‌شود که برای ایجاد محیطی مناسب جهت رشد اقتصادی و مراودات بهتر سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر نظام و مکانیسم حضور در بازارهای بین‌المللی نیز نیازمند یک مشارکت بین‌المللی است که گرفتن سهم مناسب از بازار جهانی، مستلزم تعامل و تفاهم توأم با تیزهوشی برای جلوگیری از دست دادن منافع با مناطق مختلف جهان و نیز سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

برای توفیق در دیپلماسی اقتصادی باید به تعریف چشم انداز درستی از منافع ملی در سطح منطقه و جهان داشت و به ایجاد تعاملی سازماندار بین نمایندگان بخش‌های تولیدی کشور با نمایندگان دستگاه دیپلماسی وجود داشته باشد.

تلفیق دو مفهوم دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی منطقه‌ای ما را به سمت مجموعه فعالیت‌های کشورها در پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای رهنمون می‌سازد.

الف. دیپلماسی اقتصادی و منطقه‌ای ایران

قبل از انقلاب اسلامی، ایران تنها در پیمان سنتو که ماهیتی نظامی داشت، عضو بود. شاخه اقتصادی آن پیمان (R.C.D[1]) بود که میان پاکستان، ایران و ترکیه منعقد شده بود. علاوه بر سه کشور فوق‌الذکر انگلستان و آمریکا نیز در آن حضور داشتند. این پیمان در واقع برای جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی و به عنوان خط محاصره شوروی در جنوب، توسط آمریکا شکل گرفته بود.

در سالهای بعد از فروپاشی سنتو که همزمان با انقلاب اسلامی ایران بود، پیمان اقتصادی اکو بین کشورهای منطقه ایجاد گردید.

افزایش همکاری کشورهای عضو در واقع عامل اصلی تقویت پیمان‌های منطقه‌ای است. البته این اعضای پیمان‌های منطقه‌ای هستند که می‌توانند با گسترش تعاملات و همکاری‌ها جایگاه یک پیمان را در معادلات بین‌المللی ارتقا بخشند. نمونه روشن این مسئله مقایسه سطح روابط منطقه‌ای در اکو و D8[2] است.

از جمله موضوعاتی که امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه را به سمت همکاری‌های منطقه‌ای می‌کشاند، فشارهای اعمال شده از سوی سازمان تجارت جهانی است. سازمان تجارت جهانی از کشورهای عضو می‌خواهد که پس از طی کامل مراحل عضویت تعرفه های واردات و صادرات را به حداقل برسانند و کشورهای در حال توسعه با طی این مسیر رقابت، کشورهای توسعه یافته با مشکل مواجه می‌شوند. کشورهای در حال توسعه یا جنوب در واقع با شکل دهی به ترتیبات منطقه‌ای به دنبال افزایش مزیت نسبی خود در تجارت منطقه‌ای و همچنین آماده شدن برای کاهش تعرفه‌ها در چارچوب سازمان تجارت جهانی هستند. نگرانی از بسط سلطه آمریکا که

1-Regional Cooperation and Development..

2-Developing 8 Countries (Bangladesh, Egypt, Indonesia, Iran, Malaysia, Nigeria,

به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی رویهٔ سخت افزاری خود را بصورت جنگ بروز داده است نیز بسیاری از کشورهای جنوب را به سمت همکاری های منطقه‌ای کشاند. این نگرانی نه فقط از سمت کشورهای غیرهم پیمان آمریکا، بلکه از سوی هم پیمانان آمریکا هم جدی گرفته شده است و باعث شده است که این کشورها برای حفظ امنیت خود به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای خود چه از سنخ امنیتی و چه از سنخ اقتصادی دست بزنند. به این ترتیب مزیت‌های همکاری منطقه‌ای و نیز ضرورت‌های نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که پیمان‌های منطقه‌ای در آینده بسیار اثرگذارتر خواهند شد و در آینده نه چندان دور شاهد خواهیم بود که بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای در قالب بازیگران بین‌المللی به جای کشورها وارد میدان خواهند شد.

ب. چرایی نیاز ایران به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای

۱. برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای که طبق سند چشم انداز ۲۰ ساله به عنوان هدف تعیین شده است، لاجرم می‌باید در سال ۱۴۰۴ شمسی کشوری باشد که با توسعه یافتگی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقهٔ آسیای جنوب غربی نایل آید. برای رسیدن به این هدف باید متوسط نرخ رشد اقتصادی ۸ درصد باشد. این مهم جز از طریق همکاری‌های منطقه‌ای قابل تحقق نمی‌نماید؛

۲. تقویت مناسبات خارجی از طریق گسترش روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و تلاش برای تبدیل مجموعهٔ کشورهای اسلامی و کشورهای دوست در منطقه به یک قطب منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی، در برنامهٔ پنج سالهٔ چهارم مورد تأکید قرار گرفته است؛

۳. سیاست‌های دولت نهم نیز بر ضرورت ایجاد توازن و عدالت در روابط بین‌الملل و نفی نظام سلطه تأکید دارد. تقویت نگاه به شرق و توسعه مناسبات با همسایگان، کشورهای اسلامی و جهان سوم نیز از اولویت‌های این دولت است. دولت

جدید همچنین بر تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل و تقویت و گسترش سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای تأکید می‌نماید؛

۴. در شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند تضمین کننده امنیت سیاسی و اقتصادی کشور باشد. با توجه به تهدیدات ناشی از پیگیری پروندهٔ هسته‌ای ایران توسط آمریکا، ضرورت استفاده از بازدارنده‌های مختلف برای مقابله با این تهدیدات ضروری است؛

در این رهگذر مهمترین بازدارنده‌های اقتصادی در برابر تهدیدات آمریکا و اسرائیل تقویت تعامل با کشورهای تأثیرگذار بر تحولات جهان به ویژه در جهان سوم است. تقویت تعامل اقتصادی با همسایگان به گره زدن منافع اقتصادی کشورهای هم جوار با منافع اقتصادی و ثبات سیاسی کشور خواهد انجامید. و بالاخره باید ضرورت انعقاد قراردادهای اقتصادی ترجیحاً چندجانبه با همسایگان و تقویت پیمان‌های اقتصادی موجود را مورد توجه قرار داد.

ج. دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای در دولت نهم

از زمان روی کار آمدن دولت دکتر احمدی نژاد توجه به همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه با کشورهای شرق افزایش یافته است و در قالب تئوری نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفته است. هم سو کردن منافع اقتصادی و سیاسی کشور از طریق تطابق دوستان سیاسی و طرف قراردادهای اقتصادی مبنای اصلی این رویکرد است و تهدیدات غرب و آمریکا در مورد پرونده هسته‌ای نیز شکل گیری این رویکرد را تسریع نموده است[۱].

۱ـ «شما به اهمیت روابط اقتصادی در دنیای کنونی واقف اید. امروز از روابط اقتصادی علاوه بر تأمین نیازها، متأسفانه به عنوان اهرمی قوی در مناسبات سیاسی استفاده می‌کنند و همین ما را وادار می‌کند که در رابطه با ارتباطات سیاسی بین کشورهای آزاد و مستقل بیش از گذشته تلاش کنیم. وقتی ما امکانات دو یا چند کشور را با هم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در مجموع چیزی کم و کسر نداریم. یعنی ما واقعاً می‌توانیم همه نیازهای یکدیگر را تأمین و به پیشرفت و آبادانی کشورمان کمک کنیم. منابع و معادن خوبی هم داریم. اگر محصولی در کشور ما به دست نمی‌آید، در کشور شما به دست می‌آید و

سیاست نگاه به شرق دولت نهم فقط در روابط دوجانبه خلاصه نمی‌شود، بلکه به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای کشور است که بر مبنای منافع اقتصادی نیز شکل گرفته است. در واقع باید گفت همکاری صرف سیاسی و امنیتی نمی‌تواند تضمین کننده آینده همکاری باشد، بلکه بستر اقتصادی برای همکاری می‌تواند تضمین کننده آینده روابط منطقه‌ای و دوجانبه با کشورهای مختلف گردد.

دولت جدید اقتصاد را در خدمت دیپلماسی می‌خواهد و بر این اساس می‌خواهد که وابستگی کشور نسبت به بلوک‌های که همکاری لازم با ایران در مسائل سیاسی را ندارند کمتر شود و در مقابل توجه به آسیا و کشورهای شرقی که تناسب بیشتری با ما دارند در دستور کار قرار گیرد و بسیاری از همکاری‌ها با کشورهایی مثل مالزی، چین، ژاپن، روسیه صورت گیرد که البته این مهم در قالب پیمان‌های منطقه‌ای پی گیری خواهد شد.

مهمترین اقدامات دولت نهم در این خصوص به شرح ذیل است:

۱. تقویت و بازنگری در معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه[1] ؛

۲. تاکید بر بخش اقتصادی سفارت‌خانه‌ها و فعال سازی آنها؛

۳. شناسایی فرصت‌های اقتصادی در دیگر کشورها؛

۴. هماهنگی وزارت خانه‌های ذیربط با وزرات امور خارجه در این خصوص؛

همین وضع است. ما باید تلاش کنیم نیازهایمان را از یکدیگر تأمین کنیم. این را باید به همه کشورهای اسلامی تعمیم دهیم. متأسفانه، امروز مبادلات تجاری بین کشورهای اسلامی فقط ۳ درصد است، در حالی که پنبه آفریقا و همین طور سایر محصولات کشورهای اسلامی به قیمت نازل به کشورهای دیگر فروخته می‌شود و کشورهای اسلامی جزو بزرگ‌ترین واردکنندگان دنیا هستند. به دست خودمان اقتصاد دیگران را آباد می‌کنیم و این فرصت را به آنها می‌دهیم که به ما فشار بیاورند. این فشاری که امروز دولتهای بزرگ به ما وارد می‌کنند، عمدتاً به دلیل قدرت اقتصادی آنهاست که ناشی از خوب کار نکردن ماست».

سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار با چهره های اقتصادی سوریه ـ جمعه ۳۰ دی ۱۳۸۴ منبع http://www.persident.ir .

۱ـ مصاحبه هفته نامه شهروند با وزیر امور خارجه (متکی) ، آبان ۱۳۸۶

۵. بر پایی نمایشگاههای بین‌المللی و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی؛

۶. تقویت اتاق بازرگانی به منظور حضور فعال بخش خصوصی در دیگر کشورها.

ج. نفوذ در ساختارهای تصمیم‌گیری

۱. نفوذ و تاثیرگذاری در سازمان ملل و مجامع بین‌المللی:

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی پس از پایان مخرب‌ترین جنگ تاریخ بشری برمبنای چهار تفکر اساسی صلح، استقلال، توسعه و حقوق بشر پا به عرصه وجود گذاشت.

این سازمان در راستای تحقق صلح مروج این عقیده که دولتها باید با وضع قواعدی مذاکره و امنیت دسته جمعی را جایگزین تجاوز نظامی و جنگ کنند، به حق استقلال سیاسی، حاکمیت مردم و آزادی انتخاب آنها در سراسر جهان ارج نهاده و به توسعه نیز از طریق همکاری بدون در نظر گرفتن سابقه سیاسی برای افزایش رفاه و کیفیت معیارهای زندگی به عنوان یک هدف غایی نگاه کنند و مهمتر از همه رعایت حقوق بشر بدون در نظرگرفتن تبعیض برمبنای جنس، نژاد، رنگ و مذهب یک اصل اساسی گردد، شکل گرفت[1].

پیروزمندان جنگ جهانی دوم در تعیین ساختار اصلی سازمان ملل متحد و ترکیب آن از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل بندی کنند که حافظ منافع آنها باشد. این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت تنها بازیگرانی عهده‌دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و سپس اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل سپرده شد که در این رکن، پنج قدرت بزرگ هم دارای عضویت دائمی شدند و هم از حق ویژه «وتو» برخوردار گردیدند. بدین معنا که دیگر هیچ کس نمی‌توانست در برابر خواست آنها و علیه آنها تصمیمی اتخاذ و به اقدامی مبادرت کند.

اما برخلاف انتظار بنیانگذاران سازمان ملل به فاصله کوتاهی پس از تشکیل آن دسته‌بندی و رقابت، جایگزین همکاری و مودت شد و در نهایت، به جنگ سردی انجامید که مانع تحقق اهداف منشور گردید. تضاد منافع دو ابرقدرت (آمریکا ـ شوروی) و اقمار آنها در طول جنگ سرد و حاکمیت نظام دو قطبی فعالیتهای سازمان ملل را به طور اعم و شورای امنیت را به طور اخص، کند یا فلج کرده و به ویژه شورای امنیت به عرصه ای دیپلماتیک برای تقابل دیدگاهها و تضاد منافع کشورهای عضو دائم تبدیل شده بود، که با فروپاشی شوروی و پایان نظام دو قطبی، دوران جدیدی در روابط بین‌الملل گشوده شد و تحولی بنیادین در همه ابعاد زندگی بین‌المللی پدید آمد.

اما سیاست‌های یک جانبه گرایانه ایالات متحده و خارج از این سازمان مانند حمله به عراق مشروعیت و اعتبار شورای امنیت سازمان ملل را زیر سئوال برد.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب با توجه به اینکه این سازمان در اختیار بازیگران نظام سلطه قرار دارد و به عنوان ابزاری از آن استفاده می‌شود توجه خاصی به آن نکرد اما از آن به عنوان مرکزی برای رساندن پیام انقلاب به همه کشورها و ملت‌ها مورد استفاده قرار داد.

دولت نهم با رویکرد دیپلماسی فعال وحضور پر توان در عرصه بین‌المللی، جمهوری اسلامی را بیشتر از گذشته مورد توجه جهانیان قرار داده بطوری که دکتر احمدی‌نژاد در طول ۲۳ ماه اول ریاست جمهوری خود سه بار در سازمان ملل حضور یافته است و به ایراد سخنرانی پرداخته است.

راهبرد دولت از این توجه به سازمان ملل بشرح ذیل است:

الف. با حضور فعال و قدرت‌مند و ارائه افکار و دیدگاه‌های نو می‌توان در تصمیم‌گیری‌های سازمان نفوذ کرده و تصمیمات مهم آن را تحت تاثیر قرار داد. به

طوری که رئیس جمهور در سفر اخیر خود به سازمان ملل پیشنهاد ایجاد جبهه همبستگی برای صلح در جهان را ارائه نمودند[۱]؛

ب. تغییر شرایط جامعه بین‌المللی زمینه لازم را برای تحول در ساختار و منشور سازمان ملل ایجاد نموده است، دولت نهم در این زمینه تلاش داشته و سعی می نماید این سازمان خصوصاً شورای امنیت را متحول نماید، یکی از زمینه‌های انتقادی در این مورد این می باشد که جهان اسلام با بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان حتی یک کرسی برای دفاع از حقوق خود برخوردار نیستند[۲]؛

۱ـ تنها راه اصلاح پایدار ، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتا پرستی، احترام به کرامت انسانها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است. برای تحقق این هدف از همگان دعوت می کنم تا جبهه برادری، دوستی و صلح پایدار برپایه خداپرستی و عدالت را تحت عنوان **«همبستگی برای صلح»** تشکیل دهیم و از تجاوزها و خودخواهی‌ها جلوگیری و فرهنگ محبت و عدالت را ترویج کنیم و اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با کمک همه دولتها و ملتهای مستقل، صلح طلب و عدالت خواه در این مسیر حرکت خواهد کرد.

خداپرستی، عدالت و عشق به انسانها باید بر همه ارکان سازمان ملل حاکم شود و این سازمان باید مرجع عدالت محوری باشد که هر عضو آن از حمایت‌های معنوی و حقوقی برابر با دیگران برخوردار باشد. مجمع عمومی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی باید به عنوان اصلی‌ترین رکن این سازمان شناخته شود تا به دور از فشارها و تهدیدهای قدرتهای بزرگ نسبت به اصلاح ساختارهای سازمان ملل اقدام کند و به ویژه شورای امنیت را از وضعیت موجود تغییر دهد و ساختار جدیدی مبتنی بر عدالت و دموکراسی برای آن تعریف نماید تا بتواند پاسخگوی نیازهای موجود و حل چالش‌ها و برقراری ثبات و امنیت پایدار باشد.

نطق دکتر احمدی نژاد در سازمان ملل ۴ مهر ۱۳۸۶ـ منبع http://www.president.ir/fa

۲ـ من فکر می کنم امروز سازمان ملل مسئولیت بسیار مهمی را برعهده دارد. یک حادثه بزرگ دارد اتفاق می‌افتد و آن هم طبقاتی کردن ملتهاست؛ ملتهای درجه یک، دو و سه و حقوق را براساس نظام طبقاتی تعریف کردن. این خطر بزرگی است که صلح و امنیت و آینده بشریت را تهدید می‌کند. متأسفانه واژه‌های مقدس مثل حقوق بشر و مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی، توسط برخی قدرتها بیشتر به یک بازیچه تبدیل شده است. نقش سازمان ملل بیش از گذشته مهم است و باید با این رفتارهای دوگانه قدرتمندان برخورد و جلوگیری کند. باید از حقوق همه ملتها دفاع کرد. موقعی سازمان ملل موفق است که حتی با تحمل فشارها از حقوق ملتها دفاع کند. مصاحبه مطبوعاتی دکتر

ج. ائتلاف با گروه کشورهای خصوصاً اجماع کشورهای مسلمان و ملل آزاده در مجامع جهانی می‌تواند جلوی قطعنامه‌ها و قوانینی که جهت سلطه بر کشورها تنظیم می‌شود گرفته یا حداقل موارد آن را تعدیل نماید.

۲. نفوذ در ساختارهای تصمیم گیری ایالات متحده

آمار رسمی و دقیق درباره جمعیت مسلمانان در ایالات متحده آمریکا وجود ندارد؛ زیرا که مطابق قوانین و مقررات آمریکا، دین و مذهب شهروندان در سرشماری ملی که تقریباً هر ده سال یکبار انجام می‌شود، منظور نگردیده است. به همین جهت آمار مسلمانان در آمریکا تخمینی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات در این مورد از منابع دیگر از جمله اصلیت شهروندان و مهاجرین و از نوع ملیتها که توسط مقامات رسمی سرشماری گردآوری شده است، استفاده می‌شود.

تخمین‌ها نشان می‌دهد که عده مسلمانان آمریکا بین ۶ تا ۹ میلیون بوده که اغلب آنها از نواحی بالکان، ایران، کشورهای عربی، ترکیه، اندونزی، مالزی، هند، پاکستان و بنگلادش می‌باشند.

همچنین جامعه سیاه‌پوستان آمریکا یا آنچه در دهه‌های اخیر به نام جامعه آمریکایی‌های سیاه آفریقایی‌النسل نامیده می‌شوند، حساسیت فوق‌العاده‌ای به اسلام و مسلمانان پیدا کرده‌اند.

سازمان و تشکل مسلمانان در آمریکا در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حرفه‌ای و اقتصادی بر دو نوع می‌باشد: سازمانها و تشکیلات و مراکز اسلامی که شامل مسلمانان بوده و فراسوی دایره ملیت، قومیت، و عضویت کشور بخصوصی می‌باشند و سازمانها و مراکزی که ویژه یک کشور و ملیت اسلامی بوده و اعضای و فعالیتهای آنها بر محور ملیتها، فرهنگها و گروههای ویژه قرار دارد[1].

جامعه مسلمانان در آمریکا همچنین شامل تمام مذاهب اسلامی از جمله حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و جعفری اثنی عشری بوده و فرقه‌های مختلف مانند اسماعیلیه،

۱ـ پروفسور حمید مولانا ، جامعه مسلمانان امریکا ، منبع
http://iec-md.org/farhangi/mosalmaanaan_amrikaa_molaanaa.html

احمدیه و غیره، تشکیلات و فعالیتهای ویژه خود را دارند. ویژگی خاص مسلمانان در آمریکا همچنین در این است که ملیتهای مختلف را دربر دارد و تماس و همکاری و آشنایی با فرهنگها و ملیتهای اسلامی را برای شهروندان اسلامی آسان می‌سازد.

ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان مقیم آمریکا مطالعات جدیدی که از وضع اجتماعی و اقتصادی مسلمانان در آمریکا به صورت تطبیقی نسبت به سایر اقلیتها انجام شده، نشان می‌دهد که حد متوسط آموزش و پرورش و تحصیل در بین مسلمانان ۱۴ سال بوده و این شاخص به مراتب نسبت به سایر نژادها و اقلیتهای مقیم آمریکا در سطح بالاتری قرار دارد. به عبارت دیگر حد متوسط درجه تحصیلی مسلمانان در آمریکا بالاتر از دیپلم و در سطح دو سال اول دانشگاهی قرار دارد.

آمار دقیق و صحیحی از ایرانیان مقیم آمریکا که به این کشور مهاجرت کرده و یا تبعیت آن را قبول نموده و یا به صورت دیگری در آن ساکن هستند، وجود ندارد. مثلاً آمارگیری سال ۲۰۰۰ میلادی دولت ایالات متحده آمریکا، جمعیت ایرانی‌الاصل این کشور را در حدود ۳۷۰/۰۰۰ نفر تخمین زده است که در حقیقت در سطح بسیار پایین قرار دارد در حالیکه آمارهای منتشر شده همان سال از منابع دیگر ملی، جمعیت مقیم ایرانیان را در حدودی بین ۸۰۰/۰۰۰ تا ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر برآورد کرده که از این عده در حدود ۳۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰ نفر در کالیفرنیای جنوبی زندگی می‌کنند. قریب به اتفاق ایرانیان مقیم آمریکا از مذهب شیعه اثنی عشری می‌باشند. در سال ۲۰۰۶ میلادی دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن، تقریباً ۴۰۰/۰۰۰ پرونده در مورد ایرانیان مقیم آمریکا در دست داشته است که مطابق اظهارات مقامات این دفتر، هر پرونده می‌تواند نمایانگر خانواده‌ای در حدود ۲ تا ۴ نفر باشد که در این صورت عده ایرانیان مقیم آمریکا طبق این آمار از یک میلیون نفر تجاوز می‌کند[1].

علی رغم فشارهای وارده به مهاجرین و شهروندان مسلمان مقیم آمریکا، ناشی از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فعالیت سیاسی و غرور اجتماعی مسلمانان مقیم

۱ـ مولانا، همان.

آمریکا در چهار سال اخیر ترقی فوق‌العاده‌ای داشته است. نظرسنجی بنگاه زاگبی از فعالیت گروه مسلمانان که مدت کمی بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر انجام شد، نشان داد که مسلمانان یک گروه فعال سیاسی بودند به طوری که ۹۵٪ آنان در انتخابات ملی نام‌نویسی کرده و ۸۸٪ در صندوقهای اخذ آراء حضور داشته‌اند. مطابق این نظرسنجی، هویت اسلامی مسلمانان بزرگترین عامل در فعالیت سیاسی این گروه در آمریکا می‌باشد[1].

با وجود این پتانسیل عظیم در جامعه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران از بدو انقلاب استراتژی جامع و مشخصی در جهت استفاده از مسلمانان نداشته و تنها توجه به مسلمانان منطقه و کشورهای اسلامی بوده و تقریباً این جمعیت عظیم به فراموشی سپرده شده است.

از سوی دیگر قطع رابطه سیاسی ایالات متحده با جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۹ شمسی و محدودیت‌های موجود در نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد واقع در نیویورک و دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن همراه با گسیختگی‌هایی که در سازمان‌های طرفدار انقلاب اسلامی ایران در آمریکا در دو دهه گذشته به وجود آمده، امکان تبلیغ موثر و نفوذ سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در بین اقشار مسلمان آن کشور را مانع شده است.

جامعه مسلمانان آمریکا و ایرانیان مقیم این کشور با توجه به تعداد جمعیت آنها می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در انتخابات مجلس نمایندگان، سنا و ریاست جمهوری لحاظ شده و مورد توجه قرار گیرد.

همچنین وجود نمایندگان مسلمان در کنگره و مجلس سنا می‌تواند سیاست‌های سلطه‌گرانه بر ضد جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را متوقف و یا حداقل تضعیف نماید.

۱ـ همان.

اما متاسفانه این توانایی به علل مختلف مورد توجه قرار نگرفته و راهبرد مشخصی برای استفاده از آن طراحی نگردیده است.

بعد از استقرار دولت نهم راهبردهای زیر برای تقویت و نفوذ در اقلیت مسلمان و ایرانیان مقیم در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفته است:

- دیدار با ایرانیان مقیم در ایالات متحده در خلال اجلاس سران در سازمان ملل؛
- توجه به وضع ایرانیان در این کشور و تاکید بر حل مشکلات آنان در امور گذرنامه، خدمت نظام وظیفه و مسائل حقوقی آنان؛
- استفاده از نظرات و اندیشمندان ایرانی ساکن در ایالات متحده؛
- دیدار و سخنرانی برای علما و روحانیون مسلمان سراسر امریکا.

۳. تاثیر بر افکار عمومی و نخبگان جهان

یکی از ویژگی‌های بارز دکتر احمدی نژاد، تاثیر سخنان ایشان بر افکار عمومی می‌باشد بطوری که به نقل از یکی از کارشناسان ارتباطات و رسانه، دکتر احمدی‌نژاد یک رسانه است و ایشان قادر به بر انگیختن افکار عمومی می‌باشد. علت این امر را باید در مردمی بودن و بیان دیدگاههای عموم مردم دانست.

از سوی دیگر افکار و سخنان ایشان تنها برای افکار عمومی نبوده بلکه نخبگان نیز به دنبال سخنان دکتر احمدی نژاد می‌باشند، مثال واضح این اقدام، سخنرانی ایشان در دانشگاه کلمبیا در مهر ماه ۱۳۸۶ شمسی بود که با وجود توهین رئیس دانشگاه، دکتر احمدی نژاد سخنان خود را برای دانشجویان و اساتید بیان نموده، بطوری که در ترم جاری اکثر تکالیف درسی دانشجویان رشته سیاسی در مقطع فوق لیسانس و دکترا دانشگاه‌های ایالات متحده و کانادا در خصوص ایشان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۴. نفوذ در رسانه‌ها

دیپلماسی واژه‌ای بحث برانگیز است و افزوده شدن کارکردها و کاربردهای رسانه‌ها در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی، بر دشواریهای درک این واژه می‌افزاید.

تکنولوژیهای نوین ارتباطات و رشد سریع و کاربردی آنها، به پدید آمدن مفهومی نوین به نام «دیپلماسی رسانه‌ای» انجامیده است. در دیپلماسی نوین «افکار عمومی» جایگاهی مهم دارد، کشمکش‌ها از طریق جریان دیجیتالی اطلاعات دنبال می‌شود و در این جریان، رویارویی اصلی میان ملتهای کوچک و ساختارهای جهانی است.

به بیان کلی، امروزه دیپلماسی هنر و مهارت پیشبرد و ارتقای منافع ملی از طریق مبادلات پایدار اطلاعات و ایجاد ارتباطات پایدار بین ملتها و افراد است. در این فضا، تعامل و اطلاعات به عنوان دو عامل اصلی دیپلماسی، با بهره‌سگیری از رسانه‌ها می‌توانند ارتقای جدی پیدا کنند.

در فضای نوین رسانه‌ای، شاید بیشترین تعامل دیپلماتیک را دیپلماتهای مجهز به تکنولوژیهای نوین ارتباطات و اطلاعات با مخاطبان جهانی داشته باشند. چرا که در غیر این صورت رسانه ها پیش از آنها گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه کانالهای رادیویی ـ تلویزیونی، روزنامه‌ها، سایتها و سایر رسانه‌ها می‌کشانند.

کمتر دولتی را می‌توان یافت که بتواند با سرعت شگفت‌انگیزی رسانه‌های جهانی، به ویژه رسانه‌های تصویری، در سیاست خارجی، حرکت کند. رسانه‌ها بازیگران غیردولتی سیاستگذاری خارجی امروز کشورها هستند که فعالیت آنها را نه می‌توان کنترل نمود و نه می‌توان نادیده گرفت. آنها در گفتمان سنتی سیاست خنارجی، تغییر و تحولات بی‌شماری ایجاد نموده‌اند و دولتها را به تحول در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی وادار کرده‌اند[1].

درست به این دلیل که گفتمان‌سازی، تصویرسازی و اقناع دیگران، در تعاملات دیپلماتیک و سیاست خارجی جایگاهی نوین یافته‌اند، نقش رسانه‌ها در پردازش و اقناع دیگران بسیار کلیدی‌تر از گذشته شده است.

گستره نفوذ و تاثیرگذاری رسانه‌ها به عنوان بازیگران قدرتمند غیردولتی در عرصه

۱ـ مولانا حمید، اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای جدید در روابط بین‌الملل، ترجمه اسدالله آزاد، محمد حسن‌زاده، مریم اخوتی، انتشارات کتابدار، تهران ۱۳۸۳.

دیپلماسی و سیاست خارجی، بر دولتهای ملی فشار وارد می‌آورد و آنها را وادار می‌سازد تا با شتاب و خیلی فوری، به تجدید نظر و ایجاد تحول در ساختارهای مدل دیپلماسی و سیاست خارجی خود بپردازند و دیپلماسی نوینی را به عنوان کانون مرکزی تلاشهای دیپلماتیک خود؛ ایجاد، رشد و توسعه دهند.

مشخصات دیپلماسی قدیم عبارت بود از پنهانکاری، غیردموکراتیک، روابط دوجانبه، عمل گرا و وضعیتی که توسط عده کمی از دولتهای بزرگ اجرا و هدایت می‌شد. اما دیپلماسی نوین درست عکس آن با مشخصاتی چون: آشکار بودن، دموکراتیک، چندجانبه، اصول گرا و با مشارکت دولتهای بسیاری (اعم از دول کوچک) انجام می‌گیرد. دیپلماسی نوین اشاره به مردم دارد نه دولتها؛ تاکتیکهای دیپلماسی نوین احترام بیشتر به مردم است تا دولتها. ابزار این دیپلماسی آشکار استفاده از رسانه‌ها برای بیان مواضع و دیدگاهها می‌باشد.

نفوذ همه جانبه موج فراگیر نظام سلطه در ابعاد رسانه‌ای بسیار قابل توجه است. این موج در اولین خیزش خود حوزه کشورهای عربی و امریکای شمالی را درنوردید و تولیداتی خاص این دو حوزه با یک هدف کلی در دستور کار قرار گرفته‌اند. فراگیری و تسلط این موج در کشورهای عربی به خوبی محسوس است تا حدی که جزیی‌ترین شوون اجتماعی و فردی را تحت تاثیر و تغییر قرار داده است. غرب با استفاده از این وسیله حقایق را تحریف کرده و بر اساس منافع خود، آنها را برای ملت‌ها بیان می‌دارد.

به طوری که هر روز شاهد گسترش حوزه نفوذ و محدوده مستعمرات یا کلونی‌هایی این نوع از امپریالیسم در جهان می‌باشیم، مستعمراتی که مرزهای آن ناپیدا و شیشه‌ای هستند[1].

دولت نهم با توجه به اهمیت رسانه ها در جهان امروز تلاش نموده است به بهترین نحو از این ابزار استفاده نماید، هرچند که رسانه‌ها در اختیار نظام سلطه قرار دارد. دکتر

۱ـ مرزهای ناپیدای امپریالیسم رسانه‌ای، منبع
http://bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=show&aid=1878&query=2I

ز. تاکید بر قرار گرفتن دیگر کشورهای منطقه خصوصاً رژیم صهیونیستی در کنترل و تحت نظارت آژانس قرار گرفتن[1].

۱ـ همان‌گونه که بارها اعلام شده است، ایران بر اساس مبانی دینی حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای را جایز نمی‌داند. ۲. جمهوری اسلامی ایران احیای معاهده «ان پی تی» و ایجاد کمیته ویژه پیش گفته را اقدامی ضروری و اساسی برای مقابله با سلاحهای هسته ای و رفع آپارتاید هسته ای می داند. ۳. چرخه تولید سوخت هسته ای در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ فنی متفاوت از چرخه سوخت در سایر کشورهای بهره مند از فناوری هسته‌ای نیست .براین اساس، جمهوری اسلامی ایران آماده است در اجرای پروژه غنی سازی اورانیوم در ایران و برای شفاف سازی و اعتمادسازی به طور جدی با بخشهای خصوصی و دولتی سایر کشورها مشارکت نماید و این گام مهم دیگری ورای همه ضوابط «ان پی تی» است که جمهوری اسلامی صرفاً جهت اعتمادسازی و روشنگری فعالیت هسته ای خویش آن را پیشنهاد می‌نماید. ۴. برپایه حق مسلم ایران برای دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته ای، ادامه تعامل و مراوده دقیق و فنی و حقوقی با آژانس بین المللی انرژی اتمی، محور سیاست هسته ای جمهوری اسلامی ایران است. مبادرت و استمرار مذاکرات با کشورهای دیگر در چارچوب تعامل ایران با آژانس خواهد بود. براین اساس، مسئولین مربوطه را مأمور تهیه جزئیات فنی و حقوقی و رویکرد هسته ای ایران براساس رئوس ذیل کرده ام: ۱,۴. سوابق بین المللی دلالت بر آن دارد که قراردادهای تأمین سوخت هسته ای قابل اتکا و اعتماد نیستند و هیچ سند الزام آور بین المللی برای تضمین تأمین سوخت هسته ای وجود ندارد و در موارد متعددی قراردادهای دوجانبه در این زمینه نیز به دلایل سیاسی معلق یا متوقف گردیده است. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در روند دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، دریافت تضمینهای عینی برای غنی سازی اورانیوم را در چرخه تولید سوخت هسته‌ای حق مسلم خود می داند. ۲,۴. همان گونه که ایران در مذاکره با سه کشور اروپایی صادقانه به دنبال اثبات حقانیت فعالیت هسته ای خود در چارچوب مقررات «ان پی تی» و دستیابی به اعتماد متقابل بود، انتخاب طرفهای مذاکره و تداوم مذاکرات با سه کشور اروپایی به تناسب ضرورتها و مقتضیات همکاری با آژانس و پیرامون عدم انحراف فرآیند غنی سازی اورانیوم به مقاصد غیرصلح آمیز در چارچوب مقررات «ان پی تی» صورت پذیرد. در این زمینه طرحهای مختلفی ارائه شده است که در چارچوب مذاکرات قابل بررسی خواهد بود. ایران از نقش سازنده افریقای جنوبی و شخص جناب آقای «امبکی»، رئیس جمهور محترم افریقای جنوبی در روند حل و فصل موضوع هسته ای تشکر می‌کند و با توجه به نقش فعال این کشور در شورای حکام آژانس، از مشارکت فعال این کشور در گفتگوها استقبال می‌کند، 3.4 .از تداوم رویکردهای تبعیض آمیز نسبت به معاهده «ان پی تی» در قالب تمرکز بر تکالیف کشورها و بی‌اعتنایی نسبت به حقوق آنها وفق معاهده «ان پی تی» جلوگیری شود.سخنرانی دوم در مجمع عمومی سازمان ملل ـ ۱۳۸۴/۶/۲۶.

منبع : http://www.president.ir/fa

اگرچه سیاست دولت نهم در برخورد با بحران هسته‌ای در راستای اقدامات دولت قبلی بود با این وجود تغییرات و ابتکاراتی در این خصوص توسط دکتر احمدی نژاد صورت گرفت اهم این اقدامات را می توان بشرح ذیل بر شمرد:

- تکیه بر حمایتهای مردمی از دستاوردهای اتمی؛
- عدم انفعال و وادادگی در مقابل قدرتهای غربی و تاکید بر حق قانونی ایران بر اساس معاهدات بین‌المللی در چرخه سوخت اتمی؛
- تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده است برخورد مقتدرانه با قدرتهای سلطه‌گر باعث احقاق حق مردم گردیده و هر گونه ضعف و نرمش موجب مصمم شدن سلطه‌گران شده است؛
- تاکید بر همکاری با آژانس بدون هیچ گونه واسطه‌ای جهت اعتماد سازی جهانی؛
- برخورد متقابل با آژانس بطوری که با محدود کردن همکاری‌های آژانس اتمی جمهوری اسلامی نیز با اقتدار دسترسی آژانس را محدود کرد؛
- ارسال پیام آشکار که ایران هیچ گونه عقب نشینی در این خصوص نخواهد کرد؛
- اصولاً کشورهای غربی با دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فن آوری هسته‌ای مخالف بوده و مذاکرات صورت گرفته طی سه سال اخیر تنها جهت توقف پیشرفت سایت‌های اتمی بوده و عمدتاً به ضرر جمهوری اسلامی ایران بوده است؛
- عدم نشان دادن هیچ گونه هراس از صدور قطعنامه‌ها و تأکید بر ایستادگی ملت ایران در مقابل هر نوع اقدام؛
- شکستن تابو اینکه مذاکره تنها با توقف غنی سازی صورت می‌گیرد؛
- ارائه طرح ایده ابتکاری جهت ایجاد یک کنسرسیوم با شرکت کشورهای جهان جهت غنی سازی اورانیوم در ایران.

احمدی‌نژاد بطور مستمر در مصاحبه‌های مطبوعاتی با خبرنگاران شرکت نموده است.

هدف از این اقدام:

الف. تشریح دیدگاهها و سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی؛

ب. تشریح مواضع هسته‌ای ایران برای جامعه جهانی .

همچنین به علت محبوبیت دکتر احمدی نژاد در سطح جهان و بین ملتها، سخنرانی‌های ایشان در مجامع بین‌المللی مشتاقان بسیاری زیادی دارد بطوری که در سخنرانی اخیر ایشان در دانشگاه کلمبیا ایالات متحده (سال ۲۰۰۷ میلادی) بیش از ۵۰۰ میلیون بیننده تلویزیونی داشته که این به علت حجم بالای بیننده رسانه‌های نظام سلطه مجبور به پخش سخنرانی ایشان شدند.

این موضوع پتانسیل فوق‌العاده ایجاد کرده که باعث اثر گذاری بر رسانه‌ها شده است و می‌تواند حتی با وجود تسلط امپریالیسم بر رسانه‌ها آنها را در اختیار اهداف سیاست خارجی ایران قرار دهد.

د. خلاقیت و تولید فکر

دولت نهم در عرصه سیاست خارجی دست به دو خلاقیت و ابتکار مهم زد:

۱. ارائه ایده‌ها و دکترین‌های نوین در صحنه سیاسی جهان توسط دکتر احمدی نژاد که در سازمان ملل متحد به شرح ذیل پیشنهاد گردید:

- ارائه کنسرسیوم غنی سازی متشکل از کشورهای علاقمند، جهت رفع بحران هسته‌ای[1]؛
- ایده، عدالت محوری در روابط بین‌الملل[2]؛
- پیشنهاد تشکیل جبهه همبستگی برای صلح[3]؛
- ارسال نامه برای سران بعضی از کشورها[4].

۱ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در سازمان ملل مورخه ۱۳۸۴/۶/۲۶.

۲ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در سازمان ملل مورخه ۱۳۸۴/۶/۲۶.

۳ـ سخنرانی دکتر احمدی نژاد در سازمان ملل مورخه ۱۳۸۶/۷/۴.

۴ـ دریافت‌کنندگان این نامه‌ها روسای کشورهای ایالات متحده، آلمان، فرانسه بودند،

۲. ایده استفاده از اتاق فکر و کاربرد آن در سیاست خارجی

طبق تعریف «وبسترز - آن لاین ـ دیکشنری[1]» کانون تفکر یا اتاق فکر[2]، به گروهی از افراد می‌گویند که در شرکت‌های بزرگ و مجتمع‌های تولیدی و یا در سایر نهادها، به شیوه‌ای هم افزا[3] دست به پژوهش‌های کلان در زمینه‌هایی متنوع می‌زنند. این سؤال همواره در تحلیل هر برنامه مهم و مؤثر مطرح است که طرح یا برنامه مزبور، چه میزان از همفکری و مشاوره کارشناسان و صاحبنظران برخوردار است؟ و در هنگام اجرا، چقدر از پشتیبانی فکری و کارشناسی در نقد و بررسی همزمان نتایج و بازخوردهای آن بهره می‌برد؟ و در هنگامه‌های مهم و نقاط عطف طرح، چند نفر یا کدام ساختار با دانش و بینش لازم و با آگاهی قبلی، آماده تغییر یا تصحیح جهت‌گیری‌های اساسی طرح خواهند بود؟

اتاق فکر، مغزی برای اندیشیدن، ذهنی برای پروازکردن و فکری برای گشودن است. اتاق فکر عرصه‌ای است که در آن عقلانیت ارتباطی به مرحله ظهور می‌رسد، دراین فضا شرکت کنندگان در خصوص مسائل و موضوعات مورد بحث به اجماعی بین‌الاذهانی دست یافته چراکه دراین فضا دیگر از روابط قدرت خبری نیست[4].

از سوی دیگر این مسأله در کشورهای پیشرفته سالیان متمادی است که تجربه شده و شاید یکی از پایه‌های اصلی پیشرفت و توسعه یافتگی آنان محسوب شود. گرچه تجویز این کانون‌ها، عمدتاً حوزه‌های کلان سازمانی را شامل گردیده است اما این نمی‌تواند مانعی باشد که مجموعه‌های کوچکتر از آن محروم شوند. یکی از آسیب‌های جدی در حوزه مدیریتی، گرفتارشدن مدیران تصمیم‌گیر درگیر و دار مسایل جاری و اجرایی بوده و به شکل روتین شده‌ای دائماً با شرکت در جلسات و پاسخ‌گویی به

1- http://unabridged.merriam-webster.com/ noauth/ mwlogin. php? return=/? refr= U_mwol_nav
2- Think- Tank.
3 - Synergistic

مراسلات چندان فرصت تفکر و اندیشه نمی‌یابند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر هم فرصت این امر را بیابند در تصمیم‌گیری، تکیه بر تفکر منفرد چندان تضمینی برای موفقیت ندارد و لذا لازمه عبور از این چالش، ایجاد یک ساختاری است که از آن برای تدوین برنامه‌های آتی (میان مدت و بلندمدت) بهره گرفت و همچنین بتوان ازآن اتاق فکر، مغزی برای اندیشیدن، ذهنی برای پروازکردن و فکری برای گشودن استفاده نمود.

این مسأله با توجه به یکی از نقاط ضعف جوامع مشرق زمین که همان تفرد و شبکه‌سازی است بسیار ضروری می‌باشد و می‌تواند منشأ تقویت توان ساختاری و نهادی گردد. این اتاق، ترمینالی از افکار وارد شده می‌باشد یا به تعبیر پارسونز «به عنوان ورودی افکار و اندیشه‌ها به نظام تصمیم سازی است» که در حوزه‌های گوناگون اعم از حل مسائل، بهبود کیفیت، کاهش هزینه، آموزش، پژوهش، و ... شور و همفکری می‌کند و اتخاذ تصمیم می‌نماید.

شاید یکی از تعاریفی که بتواند توجیه کننده این بحث باشد این مسأله است که اگر مدیران در گذشته صرفاً با تکیه بر دانش خود و حلقه محدود مشاوران به اداره امور عمومی سازمان همت می‌گماردند اینک با بهره‌گیری از چنین سازه‌ای می‌توانند به اداره عمومی امور بپردازند به نحوی که در تصمیم‌گیری خود با بهره‌گیری از تفکر جمعی ضمن شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف، خطاپذیری عملکرد خود را به حداقل کاهش دهند.

با اشاره به اینکه یکی از عادتهائی که دامنگیر جامعه ما بوده است عمل قبل از تفکر و یا تفکر بعد از عمل می‌باشد، راه برون رفت از این سیکل معیوب، نهادینه سازی الگوی عمل مبتنی بر معرفت می‌باشد. لذا برای حل مسائل اساسی و بهبود در زمینه‌های تولید، کیفیت، افزایش ظرفیت، کاهش هزینه و... اتاق فکری با استراتژی خرد مالی نیاز است.(این مسأله، کجا فکر شده؟ کجا تصمیم گیری شده؟ کجا سنجیده شده؟) امروز، توفیق و کامیابی طرح‌های بزرگ، مستقیما با وسعت و غنای اتاق

فکرشان مرتبط است، به عبارت دیگر، اتاق فکر هر طرح، پیشاپیش نشانگر فرجام آن طرح است.

در حوزه سیاست خارجی اتاق‌های فکر (کانون اندیشه یا کانون تفکر) با هدف ایجاد پلی میان قدرت و دانش تأسیس شده است. در واقع کانون‌های تفکر ساختارهای مناسبی برای به کارگیری فکر، ایده، علم و دانش برای خدمت به قدرت بودند. به عبارت دیگر، کانون‌های فکر با مأموریت پشتیبانی فکری و مشاوره‌ای از سیاستگذاران و تصمیم‌گیران حکومتی و با هدف سیاست پژوهی متولد شده و از طریق مطالعات و پژوهش‌های علمی به حل مسائل و مشکلات سیاستمداران می‌پردازند[1].

این کانون‌های تفکر نهادهائی هستند که سیاستگذاران و رهبران را در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (قبل از وقوع مسأله، در حین مواجهه، زمان خلق گزینه‌ها و راهکارها، موقع تصمیم‌گیری و بعد از آن در برخورد با پیامدها) همراهی می‌کنند.

بر این اساس و تاکیدات رئیس جمهور دکتر احمدی نژاد[2]، ایجاد اتاقهای فکر مورد تاکید قرار گرفته، البته این اقدام دولت تنها در عرصه سیاست خارجی نبوده بلکه شامل دیگر بخش‌های دولت نیز می‌باشد.

۱ـ بنگاههای اندیشه و فکر یا بنیادهای غیر انتفاعی و نیمه دولتی و یا خصوصی به عنوان اتاقهای فکر، یکی از پایه‌های اصلی و راهبردی و ایجاد راهکار برای سیاستهای خارجی، دول بزرگ و در راس آن امریکا است. برای مطالعه بیشتر می توان به منابع ذیل مراجعه گردد

ـ حمید مولانا، جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر، انتشارات کیهان، سال ۱۳۸۴.

ـ حمید مولانا، اسطوره دموکراسی، انتشارات کیهان، سال ۱۳۸۵.

ـ حسین صادقی، اتاق‌های فکر پلی میان دانش و قدرت، روزنامه ایران، تاریخ ۸۶/۲/۲۱

۲ـ اگر بخواهیم راههای نو را تجدید کنیم و به نوآوری واقعی برسیم، به خلاقیت نیاز داریم و آموزش و پرورش در این خصوص نقش اساسی دارد. به عنوان همکار شما که آموزش و پرورش را تجربه کرده‌ام و اکنون دانشگاه را تجربه می‌کنم باید بگویم میان دانشگاه و مدرسه از نظر عمق انسان‌سازی و میزان اثرگذاری و خلاقیت و نوآوری تفاوت وجود دارد که به مراتب این اثرگذاری و خلاقیت در آموزش و پرورش بیشتر است. در فرهنگ دینی و اسلامی ما نیز حرکت رو به جلو و

مهمترین آثار این اقدام در سیاست خارجی به شرح ذیل است:

۱. استفاده از ظرفیت‌های غیر فعال در عرصه سیاست خارجی؛

۲. بهره‌گیری از آراء و عقاید افراد خارج از سیستم دولتی و نظرات افراد دانشگاهی؛

۳. ارائه راه حل برای مسائل و مشکلات موجود در سیاست خارجی؛

۴. ارائه تفکرات نوین در حوزه سیاست خارجی؛

۵. ایجاد خود باوری در افراد؛

۶. خارج شدن از حوزه تئوری‌های غربی در خصوص سیاست خارجی و ارائه تئوری‌های با توجه به تفکرات و ایده‌آل‌های اسلامی و ایرانی؛

۷. امکان بررسی و نقد مسائل سیاست خارجی در یک محیط علمی و آزاد.

حرکت کند و بهتر شود. دکتر احمدی‌نژاد با اشاره به اینکه حرکت و پیشرفت، بدون خلاقیت و نوآوری اتفاق نمی‌افتد، گفت: در غیر این صورت زندگی انسان کسل‌کننده و یکنواخت خواهد بود و نوآوری باید در همه عرصه‌ها وجود داشته باشد. امروز هم اگر بخواهیم راه‌های میان‌بر را تجربه کنیم، فاصله‌ها را برداریم و به جایگاه شایسته خود برسیم، نیازمند خلاقیت هستیم و کانون اصلی جوشش، خلاقیت و پرورش روحیه خلاق، آموزش و پرورش است. دکتر احمدی‌نژاد با مخاطب قرار دادن حاضرین با بیان اینکه اگر امروز بخواهیم جهش کنیم باید متکی به اندیشه‌های بلند، همت والا و دستان خلاق شما باشیم، گفت: یکی از مهمترین پیش زمینه‌ها و جوشش خلاقیت، شجاعت است. ــ سخنرانی رئیس جمهور در همایش ملی نوآوری های آموزشی ۱۳۸۵/۱۰/۲۰.

نتیجه‌گیری

بطور خلاصه، تعامل سازنده و اثر گذار، به معنای اتخاذ سیاست فعال، قاطعانه، پویا، تاثیرگذار در چارچوب منشور سیاست خارجی دولت نهم و ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد را تشکیل می‌دهد.

سیاست خارجی دولت نهم در حقیقت آغاز دوره جدیدی در سیاست‌گذاری و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که قریب به سه دهه قبل با سیاست انفعالی دولت موقت شروع شده و با سیاست‌های تدافعی سالهای دفاع مقدس و پرهیزکاری و جلوگیری از بحرانهای غیر منتظره دوران بازسازی در دولت‌های بعدی خاتمه می‌یابد.

مسیر و جهت سیاست‌گذاری دولت نهم، که حاصل و نتایج برگرفته از رویدادها و دگرگونیهای سه دهه گذشته در صحنه بین‌الملل می‌باشد، خروج از تنش زدائی و کوشش در تحصیل قدرت برتر از جهات معنوی، سیاسی، اقتصادی، فناوری و نظامی است. به عبارت دیگر رویکرد دولت نهم به روابط بین‌الملل عزیمت از جایگاه متهم به مدعی و از مواضع دفاعی به مواضع قاطعانه و تهاجمی می‌باشد.

سیاست گذاری‌های زیر سقف و روی سقف دولت دکتر احمدی نژاد در سطوح و مراتب مختلف هریک برنامه دیپلماسی ویژه و متنوعی را طی می‌کند که شامل کشورهای همسایه، منطقه خاورمیانه بصورت جامع، جهان اسلام بطریق ویژه، و جهان به اصطلاح در حال توسعه و جهان به اصطلاح توسعه یافته و سیستم سلطه می‌باشد.

این گونه سیاست‌گذاری عنایت ویژه به دنیای سوم و جهان اسلام داشته و از جمله اهداف آن تاثیر گذاری بر نخبگان و افکار عمومی جهانیان می‌باشد.

پیام اصلی در سیاست‌گذاری با همسایگان را می‌توان در یک جمله خلاصه نمود:

امنیت ما و امنیت آنها، یعنی همسایگان یکی است. در رابطه با منطقه خاورمیانه و سایر مناطق دنیا کوشش دولت نهم متوجه مدیریت بحرانها و با جهان سوم و دنیای اسلام همبستگی برای صلح و اخوت و اتحاد هرچه بیشتر با این کشورها است.

این سیاست بتدریج آثار و برکات مثبت خود را بروز داده و در عمل کارآمدی آن را به اثبات می‌رساند. اگرچه هنوز خیلی زود است که به ارزیابی سیاست خارجی دولت نهم بپردازیم. در عین حال پیروزی‌ها و موفقیت‌هایی که جمهوری اسلامی در صحنه‌های مختلف منطقه‌ای مانند عراق، افغانستان، فلسطین، خلیج فارس و موفقیت در پروژه صلح‌آمیز هسته‌ای در همین مدت اندک بدست آورده و جایگاه جمهوری اسلامی را به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای نزد همه دولتها اعم از مخالف و موافق به رسمیت شناخته است، طلیعه موفقیت این سیاست می‌باشد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی تا دولت نهم (دولت دکتر احمدی نژاد) که به مدت سه دهه نماد و نشانه روابط این کشور با سیستم جهانی و به ویژه دنیای اسلام بوده است، براساس نفی هرگونه سلطه و سلطه‌گری استوار می‌باشد. تفاوت عمده سیاست خارجی دولت نهم با سیاست خارجی دیگر دولتها انقلاب اسلامی، استفاده از ابزار و سبک‌های جدید و نوآوری می‌باشد، بطوری که حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیداری با مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی، تصریح فرمودند که شاخص سیاست خارجی ایران، نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مقابله واقع‌بینانه و هوشمندانه با نظام سلطه جهانی است و سیاست خارجی دولت نهم را سبکی جدید در حوزهٔ دیپلماسی عنوان کردند.

منابع و مآخذ

کتب

۱ـ آشوری، داریوش، «***دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)***». تهران: انتشارات مروارید.

۲ـ امام خمینی (ره) سید روح الله، «***صحیفه نور در ۲۱ جلد مجموعه گفتار و سخنرانی‌های حضرت امام***»، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۱.

۳ـ امام خمینی (ره) سیدروح الله، «***ولایت فقیه***»، انتشارت کاوه تهران.

٤ـ امام خمینی (ره) سیدروح الله، «***تحریرالوسیله در چهار جلد***»، دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳٦۸.

٥ـ اسماعیلی خیرالله، «***دولت موقت***»، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سال ۱۳۸۰.

٦ـ «***آمریکا شیطان بزرگ (برگرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب)***»، ناشر مجلس شورای اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۱.

۷ـ ازغندی علیرضا، «***سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***»، نشر قومس، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲.

۸ـ ایزدی بیژن، «***درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***»، قم دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷٤.

۹ـ احمدی، «***مسئله فلسطین و صهیونیسم از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای***»، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰ـ اسپوزیتو جان ال، «***انقلاب اسلامی و بازتابهای جهانی آن***»، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات باز، سال ۱۳۸۲.

۱۱ـ افتخاری اصغر، «***جامعه شناسی سیاسی اسرائیل***»، مرکز پژوهشی‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه، تهران ۱۳۸۰.

۱۲ـ بختیاری، حبیب‌اله «***اصول سیاست خارجی***»، پایان نامه، دانشکده روابط بین‌الملل، سال ۱۳۷۹.

۱۳ـ بازرگان مهدی، «***انقلاب ایران در دو حرکت***»، نشر نهضت آزادی، چاپ پنجم سال ۱۳۶۳.

۱٤ـ «***بررسی مستندی از مواضع گروههای در قبال انقلاب اسلامی***»، انتشارات شرکت سهامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳٦۰.

۱۵ـ بهنود مسعود، «***۲۷۵ روز بازرگان***»، تهران انتشارات علم، سال ۱۳۷٤.

۱٦ـ تامسون کنت روی مکردیس، «***مطالعات طبیقی سیاست خارجی***»، ترجمه فاطمه قدیمی‌پور، انتشارات نی، سال ۱۳۷۲.

۱۷ـجعفری ولدانی اصغر، «***روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی***»، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ اول ۱۳۸۲.

۱۸ـ «***حدیث ولایت***»، مجموعه گفتار و سخنرانی‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای.

۱۹ـ «***خلاصه روز شمار جنگ ایران و عراق***»، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

۲۰ـ دهشیری محمدرضا، «***درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)***»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹.

۲۱ـ دهقان طرزجانی محمود، «***روابط ایران و همسایگانش در دهه دوم انقلاب***»، تهران انتشارات سروش ۱۳۷۹.

۲۲ـ رمضانی روح‌الله، «***چارچوبی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***»، ترجمه علیرضا طیب، تهران نشر نی، سال ۱۳۸۲.

۲۳ـ زعیم کورش، «***جبهه ملی ایران***»، انتشارات تاخ، سال ۱۳۷۸.

۲٤ـ «***سفیر نور {رهنمودهای حضرت آیت الله خامنه‌ای به روسای نمایندگی‌های در خارج از کشور}***»، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۳۷۵.

۲۵ـ «***سقوط دولت بازرگان***»، به کوشش غلامعلی صفاریان ـ فرامرز معتمد دزفولی، نشر قصیده سرا، سال ۱۳۸۲، چاپ اول.

۲٦ـ سعیدی فرشید، «***سیاست خارجی دولت موقت***»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، سال ۱۳۷٤.

۲۷ـ سروش‌نژاد، «***صهیونیسم: نوزایی، استقرار، فروپاشی***»، انتشارات نی، چاپ اول ۱۳۸۵.

۲۸ـ شهبازی عبدالله، «***زر سالاران یهودی***»، تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷.

۲۹ـ شریده محمد، «***رهبران اسرائیل***»، ترجمه بیژن اسدی ـ مسعود رحیمی، انتشارات گلشهر، سال ۱۳۷۸.

۳۰ـ فیلکشتاین نورمن، «***صنعت یهودی سوزی***»، ترجمه سوسن سلیم زاده، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۱.

۳۱ـ فوریسون روبرت، «***اتاق‌های گاز جنگ جهانی دوم: واقعیت یا افسانه***»، ترجمه سیدابوالفرید ضیاءالدینی، ناشر موسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، سال ۱۳۸۱.

۳۲ـ قوام عبدالعلی، «***اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل***»، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۰.

۳۳ـ گارودی روژه، «***تاریخ یک ارتداد، اسطوره‌های بنیانگذاری سیاست اسرائیل***»، ترجمه مجید شریف، موسسه خدمات رسا، سال ۱۳۷۷ .

۳٤ـ محمدی منوچهر، «***سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***»، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۳۵ـ مقتدر هوشنگ، «***سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی***»، تهران، انتشارات مفهرس، چاپ اول، سال ۱۳۷۰.

۳٦ـ منصوری جواد، «***نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران***»، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳٦۵.

۳۷ـ محمدی منوچهر، «***تحلیلی بر انقلاب اسلامی***»، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۱.

۳۸ـ محمدی منوچهر، «***امریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب***»، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵.

۳۹ـ «***مجموعه مصاحبه‌های با حضرت آیت الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری***»، انتشارات بهار، چاپ اول، سال ۱۳٦۹.

٤۰ـ منصوری لاریجانی اسماعیل، «***کارآمدی سیاست دفاعی از دیدگاه مقام معظم رهبری***»، انتشارات فرهنگی آیه، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.

٤۱ـ مولانا حمید، «***جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر***»، انتشارات کیهان، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.

٤۲ـ مولانا حمید، «***اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرز های جدید در روابط بین‌الملل***»، ترجمه اسدالله آزاد، محمد حسن زاده، مریم اخوتی، انتشارات کتابدار، تهران ۱۳۸۳.

٤۳ـ حمید مولانا، «***اسطوره دموکراسی***»، انتشارات کیهان، سال ۱۳۸۵.

٤٤ـ ویکن لین جان، «***مبانی دیپلماسی: چگونگی مطالعه روابط میان دول***»، ترجمه و تحقیق، عبدالعلی قوم، نشر قومس، ۱۳٦۹.

٤۵ـ واعظی حسن، «***ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران***»، انتشارات سروش، سال ۱۳۷۹.

٤٦ـ ولایتی علی اکبر، «***تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران***»، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷٦.

مقالات

۱ـ امام خیمنی و سیاست خارجی، ***مجله پاسدار اسلام***، شماره مرداد ۱۳۷۰.

۲ـ ایزدی بیژن، ایران و خلیج فارس، تنش زدایی ـ گفتگوی تمدنها – مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه‌ای، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال ١٤، شماره ٤، زمستان ۱۳۷۹.

۳ـ ازغندی علیرضا، تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال ۱۳، زمستان ۱۳۷۸.

٤ـ بشارتی علی محمد، امام خمینی سیاست مداری بزرگ، **حضور**، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۰.

۵ـ بروجردی مسیح، دفاع از ملت‌ها در اندیشه حضرت امام، ***روزنامه جمهوری اسلامی***، ٤ مهرماه ۱۳۷٤.

٦ـ بعیدی‌نژاد حمید، سیاست هسته‌ای آقای خاتمی، ***فصلنامه سیاست خارجی***، شماره ۱، بهار ۱۳۸٤.

۷ـ ثقفی عامری ناصر، امنیت خلیج فارس، ***مجله سیاست خارجی***، شماره ۵، بهار ۱۳۷۰.

۸ـ چوبین بهرام، ایران و جنگ: از تنگنا تا آتش بس، ***فصلنامه بررسی‌های نظامی***، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۱.

۹ـ رحانی قدرت الله، ***امام و سیاست خارجی***، حضور، شماره ۱۷، سال ۱۳۷۵.

۱۰ـ سوری جواد، بازتاب جهانی شدن در سیاست خارجی خاتمی، ***فصلنامه راهبرد***، شماره ۳٦، تابستان ۱۳۸٤.

۱۱ـ سیاست خارجی و دیپلماسی از نگاه امام، ***ویژه نامه روزنامه سلام***، خرداد ۱۳۷۸.

۱۲ـ شیخ عطار علیرضا، دیپلماسی اقتصادی، ***ماهنامه همشهری دیپلماتیک***، آبان ۱۳۸۵.

۱۳ـ صادقی حسین، اتاق‌های فکر پلی میان دانش و قدرت، ***روزنامه ایران***، تاریخ ۸۶/۲/۲۱.

۱٤ـ فخری مهدی، جهانی شدن و سیاست خارجی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال ٤، تابستان ۱۳۷۹.

۱۵ـ قاضی‌زاده کاظم، پژوهشی در خطوط کلی اندیشه‌های سیاسی امام‌خمینی، ***راهبرد***، شماره ۳، بهار ۱۳۷۳.

۱٦ـ گزارش چهار سال سیاست خارجی ایران، ***روزنامه همشهری***، ۸۰/۳/۲٤.

۱۷ـ گواهی عبدالرحیم، مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نگاه قرآن – کلام امام خمینی و قانون اساسی، ***مجله سیاست خارجی***، شماره، سال ۱۳۷٦.

۱۸ـ لک‌زایی نجف، امام خمینی احیاگر اندیشه حکومت اسلامی، **حضور**، شماره ۹، زمستان ۱۳۷۳.

۱۹ـ مصاحبه ***هفته‌نامه شهروند با وزیر امور خارجه*** (آقای متکی)، آبان ۱۳۸٦.

۲۰ـ مصاحبه با آیت الله رفسنجانی در خصوص سیاست خارجی، ***فصلنامه راهبرد***، شماره ۳٤، سال ۱۳۸۳.

۲۱ـ ولایتی علی‌اکبر، سرآغاز، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال اول، شماره ۱، ۱۳٦۵.

منابع خارجی

1-Arnold Wolfers, "Ends and Means of foreign Policy: The Pole of Power and the Pole of Indifference", in James Rosenau., ed International Politics and Foreign Policy, Vol 3, No 15, 1998.

2- Abrahamian, "Radicalism",University Press, New Haven and London

3-Brezinski, Zbigniew, "Weak Ramped of the Permissive West", New Perspective Quarterly, Summer 1993.

4-Burton, John W, "Conflict and Communication", London: MacMilan, 1969.

5-Chay, Johan, "Communication and International Relation", in John Chay, New York: Praeger 1990.

6-Chubin, S, "Iran and it's Neighbors, The Impact of The Gulf War", London, The Center for Security and Conflict Studies 1993.

7- Cherry Colin, "World Communication: Threat or Promise?", London: John Wiley-Inter science, 1971.

8-Cohen, Bernard C, "The Press and Foreign Policy", Princeton, NJ: Princeton University Press, 1963.

9-Ehtheshami and Varasteh, "Iran and the international community", London, Routledge 1996.

10- Faurisson Robert: "How many Deaths at Auscwitz, The Revisionist", Vol 1, No 1. 1999.

11-Holsti, K. J, "International Politics: A Frame work for Analysis", New Delhi 1981.

12-Keddl, Nr, Casiorswski, "Neither East, Nor, West Iran, The Soviet Union and The United states", Yale University Press 1990.

13-Macridid, Royc, "Foreign Policy in World Politics", 5 ed, Prentice – Hall, Engle wood Cliffs, 1985.

14-Mowlana Hamid, "Global International and World Communication: New Frontiers in International Relations", Sage, Publications London, 1997.

15-Mowlana Hamid, "Global Communication in Transition: The End of Diversity?", Sage Publications, London and Thousand Oaks 1997.

16-Marvin Zonis, "Iran: A Threat of Revolution, From Accounts of the Revolution", world politics 35 (July 1983).

17-Rosen Stevn J, and Walter Jones, "The Logic of International Relations", Cambridge, Winthrop 1977.

18-Rubenstein. E. R Crocker "Chall Enging Huntington" Foreign Policy, No 79, fall 1994.

19-Rajaee Farhang, "Iranian Perspectives on the Iran-Iraq", University Press Florida 1993.

20-Rajaee Farhang, "The Iran-Iraq War-The Politics of Aggression", University Press Florida 1995.

21-Sindi Mohmmad, "The Holocaust is a Typical Zionist Myth: Alwatan", Vol 8, Issue 252, 1999.

22-Spencer William, "Political Evaluation in the Middle east" New York J.B Lippncott 1983.

منابع اینترنتی

1-http://www.imam-khomeini.com
2-http://www.leader.ir/
3- http://www.president.ir/fa/
4-http://www.areo.ir
5-Http://www.us.israel/histadrot.org
6-http://www.jewish.vituallibrary.org
7- http://www.president.ir/fa
8-http://www.baztab.ir

۹ـ داوود آقایی، اصلاحات در سازمان ملل، منبع.

http://bashgah.net/pages-7154.html

۱۰ـ پروفسور حمید مولانا، جامعه مسلمانان امریکا، منبع

http://iec-d.org/farhangi/mosalmaanaan_amrikaa_molaanaa.html

۱۱ـ مرزهای ناپیدای امپریالیسم رسانه‌ای، منبع

http://bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=show&aid=1878&query=2LHYs9in2YbZhyA

12-http://unabridged.merriam-webster.com/ noauth/ mwlogin. php? return=/?refr=U mwol_nav
13- http://leanthinking.blogfa.com/post-33.aspx

بسمه تعالی

انتشارات دادگستر

	عنوان	مؤلف/ مترجم	قیمت
۱	حقوق تجارت (۱)	دکتر حسن ستوده تهرانی	۴۰۰۰ تومان
۲	حقوق تجارت (۲)	دکتر حسن ستوده تهرانی	۶۸۰۰ تومان
۳	حقوق تجارت (۳)	دکتر حسن ستوده تهرانی	۳۷۰۰ تومان
۴	حقوق تجارت (۴)	دکتر حسن ستوده تهرانی	۴۳۰۰ تومان
۵	حقوق مالکین آپارتمانها	ابراهیم اسماعیلی هریسی	۵۵۰۰ تومان
۶	وکلای جوان بدانند...	ابراهیم اسماعیلی هریسی	۴۵۰۰ تومان
۷	شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات	ابراهیم اسماعیلی هریسی	۱۰۰۰۰ تومان
۸	فرهنگ ثبتی	نادر اسکافی	۳۵۰۰ تومان
۹	اصول قراردادها و تعهدات	دکتر قاسم‌زاده	۶۰۰۰ تومان
۱۰	عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه	رضا آخوندی	۲۰۰۰ تومان
۱۱	راهنمای طرح دعاوی (۲) دادخواستها، قرارها، احکام	سیدمهدی میرشفیعیان	۳۰۰۰ تومان
۱۲	دائرة المعارف حقوق نیرو	حمید رشیدی	۲۰۰۰ تومان
۱۳	فرهنگ اصطلاحات حقوقی (صنعت آب و برق)	حمید رشیدی	۵۰۰۰ تومان
۱۴	قانون توزیع عادلانه آب در آیینه حقوق آب (۱)	حمید رشیدی	۹۰۰۰ تومان
۱۵	قانون توزیع عادلانه آب در آیینه حقوق آب (۲)	حمید رشیدی	۱۴۰۰۰ تومان
۱۶	سازمانهای بین‌المللی	دکتر عبدالمجید قائم مقام فراهانی	۴۰۰۰ تومان
۱۷	فرهنگ کاتوزیان	محمدعلی طهرانی (کاتوزیان)	۷۵۰۰ تومان
۱۸	مهریه و تعدیل آن به نرخ روز	ابراهیم پولادی	۲۵۰۰ تومان
۱۹	دادگاه کیفری بین‌الملل	دکتر میرمحمد صادقی	۴۰۰۰ تومان
۲۰	درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی	میر روح‌ا... صدیق	۵۰۰۰ تومان
۲۱	شناخت جرم‌شناسی	میر روح‌ا... صدیق	۳۰۰۰ تومان
۲۲	اصول جرم‌شناسی	میر روح‌ا... صدیق	۲۲۰۰ تومان
۲۳	شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح	دکتر محمود مالمیر	۳۵۰۰ تومان
۲۴	فرار دختران، چرا؟	دکتر شهلا معظمی	۱۹۰۰ تومان
۲۵	اطلاعات و تحقیقات در اسلام	آیه‌ا... میرزاعلی احمدی میانجی	۲۰۰۰ تومان
۲۶	مسؤولیت مدنی در ورزش	دکتر آقائی نیا	۴۵۰۰ تومان
۲۷	نظام اراضی ملی شده	دکتر احمد شمس	۲۵۰۰ تومان
۲۸	اعتراض شخص ثالث در دادرسی‌های مدنی	عبدالصمد دولاح	۴۰۰۰ تومان
۲۹	جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن	دکتر شهلا معظمی	۱۸۰۰ تومان
۳۰	بزه‌دیده شناسی حمایتی	مهرداد رایجیان اصلی	۲۲۰۰ تومان
۳۱	مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری	محمد نسل	۴۵۰۰ تومان
۳۲	سرقت در حقوق کیفری ایران	دکتر جعفر حبیب‌زاده	۲۲۰۰ تومان
۳۳	قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری	دکتر جعفر حبیب‌زاده دکتر محمد توحیدی‌فر	۲۸۰۰ تومان

ردیف	عنوان	مؤلف	قیمت
٣٤	روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی (جلد ١)	علی شایان	٥٠٠٠ تومان
٣٥	روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی (جلد ٢)	علی شایان	٧٠٠٠ تومان
٣٦	بررسی مقررات دانشگاه آزاد اسلامی	ونوس قره‌باغی	٢٢٠٠ تومان
٣٧	در دلو آفتاب ـ تاثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی	دکتر حسن جعفری‌تبار	٢٨٠٠ تومان
٣٨	مسؤولیت مدنی روزنامه‌نگاران	مهدی کریمیان راوندی	٥٥٠٠ تومان
٣٩	حقوق بین‌الملل اسلام	عظیمی شوشتری	٢٨٠٠ تومان
٤٠	قراردادهای حقوق مؤلف	دکتر پژمان محمدی	٧٠٠٠ تومان
٤١	داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی	دکتر احمد امیرمعزی	١٠٠٠٠ تومان
٤٢	پزشکی قانونی	دکتر حسین صناعی‌زاده	٥٠٠٠ تومان
٤٣	مالکیت خصوصی در اسلام	آیه‌ا... میرزا علی احمدی میانجی	١٦٠٠ تومان
٤٤	به سوی نور ـ مجموعه سخنرانیها	آیه‌ا... میرزا علی احمدی میانجی	١٢٠٠ تومان
٤٥	ظلامة الزهرا	آیه‌ا... میرزا علی احمدی میانجی	١٢٠٠ تومان
٤٦	مجموعه نظریات شورای نگهبان (٤)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	١٥٠٠ تومان
٤٧	مجموعه نظریات شورای نگهبان (٥)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	٢٨٠٠ تومان
٤٨	مجموعه نظریات شورای نگهبان (٦)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	٢٩٠٠ تومان
٤٩	مجموعه نظریات شورای نگهبان (٧)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	٦٤٠٠ تومان
٥٠	مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان (٨) پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	٧٠٠٠ تومان
٥١	مجموعه نظریات شورای نگهبان (٩)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	١٠٠٠٠ تومان
٥٢	مجموعه نظریات شورای نگهبان (١٠)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	١٢٥٠٠ تومان
٥٣	مجموعه نظریات شورای نگهبان (١١)	مرکز تحقیقات شورای نگهبان	٨٥٠٠ تومان
٥٤	روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز	میرابراهیم صدیق	٢١٠٠ تومان
٥٥	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	دکتر منوچهر محمدی	٢٧٠٠ تومان
٥٦	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دوران پهلوی)	دکتر منوچهر محمدی	٢٨٠٠ تومان
٥٧	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد	دکتر منوچهر محمدی پرفسور مولانا	٣٤٠٠ تومان
٥٨	نخبه‌پروری سیاسی	محمدمهدی انصاری	٣٠٠٠ تومان
٥٩	بوشهر در امنیت ملی ایران	دکتر بهادر زارعی عبدالصمد دولاح	٣٠٠٠ تومان
٦٠	مقدمه‌ای بر حقوق اسلامی	دکتر جلال مرادی‌بنی احمدرضا خواجه‌فرد	٥٥٠٠ تومان
٦١	رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلیس	دکتر طاهری‌نسب	زیرچاپ
٦٢	اصل برائت در حقوق کیفری ایران	باقر سرمست بناب	زیرچاپ
٦٣	اخلاق اساسی و اجتماعی	محمدعلی طهرانی (کاتوزیان)	زیرچاپ
٦٤	خیار تبعض صفقه در معاملات «عقود معاوضی»	رسول منتجب‌نیا	زیرچاپ
٦٥	مجموعه نظریات شورای نگهبان (جلد اول)	دکتر حسین مهرپور	زیرچاپ
٦٦	مجموعه نظریات شورای نگهبان (جلد دوم)	دکتر حسین مهرپور	زیرچاپ

آدرس دفتر مرکزی: تهران ـ میدان ولی‌عصر (عج) ـ بلوار کشاورز ـ اول فلسطین جنوبی ـ
کوچه شهید ذاکری پلاک ١٤ و ١٦ ـ واحد یک (تلفن: ٨٨٩٠٤٤٦٥ فکس: ٨٨٩١٠٣٣٣)